

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان
دانشکده فنی و مهندسی

عنوان:

باز طراحی حاشیه های شهری (نمونه موردی: محله های سیرجان)

استاد راهنما:

نگارش:

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

چکیده :	۱
فصل اول	۲
«کلیات تحقیق»	۲
۱-۱ مقدمه	۳
۲-۱ بیان مسأله:	۳
۳. باز طراحی در این حاشیه می تواند وضع مطلوب و پایداری برای ساکنین ایجاد کند. ۱-۹ محدودیتهای تحقیق:	۶
۱۰-۱ تعریف واژه ها و اصطلاحات فنی و تخصصی:	۶
۱۱-۱ اسوابق تحقیق:	۷
۱۲-۱ روش شناسی تحقیق:	۱۰
۱-۱۲-۱ شرح کامل روش تحقیق بر حسب هدف، نوع داده ها و نحوه اجراء (شامل مواد، تجهیزات و استانداردهای مورد استفاده در قالب مراحل اجرایی تحقیق به تفکیک):	۱۱
۱-۱۲-۲ متغیرهای مورد بررسی در قالب یک مدل مفهومی و شرح چگونگی بررسی و اندازه گیری متغیرها:	۱۱
۱-۱۲-۳ شرح کامل روش (میدانی، کتابخانه ای) و ابزار (مشاهده و آزمون، پرسشنامه، مصاحبه، فیش برداری و غیره) گردآوری داده ها:	۱۱
۱-۱۲-۳-۱ روش کتابخانه ای:	۱۱
۱-۱۲-۳-۲ روش میدانی:	۱۲
۱-۱۲-۴ جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه (در صورت وجود و امکان):	۱۲
۱-۱۲-۵ روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها:	۱۲
فصل دوم	۱۳
«مبانی نظری و پیشینه تحقیق»	۱۳
۱-۲ مقدمه:	۱۴

- ۲-۲ تعاریف، دیدگاه ها و مبانی نظری حوزه آسیب حاشیه نشینی: ۱۵
- ۱-۲-۲ تعریف واژه ها و اصطلاحات فنی و تخصصی (به صورت مفهومی و عملیاتی): ۱۶
- ۲-۲-۲ انواع حاشیه نشینی : ۱۶
- ۳-۲-۲ حاشیه نشینی بومی: ۱۷
- ۴-۲-۲ حاشیه نشینی غیر بومی داخلی: ۱۷
- ۵-۲-۲ حاشیه نشینی اجتماعی : ۱۷
- ۶-۲-۲ حاشیه نشینی سیاسی: ۱۷
- ۷-۲-۲ حاشیه نشینی اقتصادی : ۱۸
- ۳-۲ دیدگاه ها و مبانی نظری : ۱۸
- ۴-۲ چهارچوب نظری تحقیق: ۱۹
- ۱-۴-۲ اندیشمندان خارجی: ۱۹
- ۱-۴-۲-۱ پل میدوز: ۱۹
- ۲-۴-۲-۱ کلودگرون: ۲۰
- ۳-۴-۲-۱ مایکل تو دارو: ۲۰
- ۴-۴-۲-۱ راونشتین: ۲۱
- ۵-۴-۲-۱ مارشال کلاینارد: ۲۱
- ۲-۴-۲ اندیشمندان داخلی: ۲۲
- ۱-۲-۴-۲ سیف اله سیف اللهی: ۲۲
- ۲-۲-۴-۲ سعید زاهد زاهدانی: ۲۳
- ۳-۴-۲ نگرش اقتصادی و اجتماعی به مساله حاشیه نشینی: ۲۴
- ۴-۴-۲ تبعات حاشیه نشینی و معضلات ملی: ۲۵
- ۵-۴-۲ علل پیدایش حاشیه نشینی: ۲۵
- ۶-۴-۲ تاریخچه ومبنای پیدایش حاشیه نشینی: ۲۷

۲۹	 ۱-۶-۴-۲ حاشیه‌نشینی در جهان:
۳۰	 ۲-۶-۴-۲ حاشیه‌نشینی در ایران:
۳۰	 ۳-۶-۴-۲ حاشیه‌نشینی شهری قبل از انقلاب:
۳۱	 ۴-۶-۴-۲ حاشیه‌نشینی در دوران بعد از انقلاب:
۳۲	 ۵-۶-۴-۲ میزان مهاجرت به شهرهای کشور در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵:
۳۳	 ۵-۲ دیدگاه‌های عمده در مورد علل حاشیه‌نشینی :
۳۳	 ۱-۵-۲ دیدگاه بوم‌شناسی شهری:
۳۵	 ۲-۵-۲ دیدگاه رادیکالی:
۳۵	 ۳-۵-۲ دیدگاه لیبرالی:
۳۶	 ۴-۵-۲ دیدگاه انسانگرا:
۳۶	 ۵-۵-۲ دیدگاه بنیادگرا:
۳۶	 ۶-۵-۲ دیدگاه اصلاح طلب:
۳۷	 ۶-۲ دیدگاه‌های دیگر در مورد حاشیه‌نشینی :
۳۸	 ۱-۶-۲ قشر حاشیه‌نشین:
۳۸	 ۲-۶-۲ ویژگی‌های حاشیه‌نشینان:
۳۹	 ۱-۲-۶-۲ چهره نامطلوب شهری:
۳۹	 ۳-۶-۲ پایین بودن وضعیت خدمات و امکانات رفاهی منطقه:
۳۹	 ۴-۶-۲ وجود خرده فرهنگ‌های خاص در این مناطق:
۳۹	 ۵-۶-۲ رشد حاشیه‌نشینی :
۴۱	 ۷-۲ پیامدهای حاشیه‌نشینی:
۴۳	 ۱-۷-۲ فرهنگ فقر:
۴۶	 ۸-۲ پیشنهاد اقدامات انجام شده در ایران در برخورد با اسکان غیر رسمی:
۴۶	 ۱-۸-۲ حاشیه‌نشینی در بانه:

۲-۸-۲	معرفی برخی محلات حاشیه شهر بانه:	۴۶
۲-۸-۳	مختصات اقتصادی افراد ساکن در محله های حاشیه نشینان شهر بانه:	۴۷
۲-۸-۴	حاشیه نشینی در باقر شهر:	۴۸
۲-۸-۵	حاشیه نشینی در شهر همدان:	۵۰
۲-۸-۶	ویژگی های مهاجرت در شهر همدان:	۵۱
۲-۹	ترکیب قومی مناطق حاشیه نشین:	۵۲
۲-۱۰	پیشنهاد برای جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی:	۵۲
۲-۱۱	جمع بندی:	۵۳
	(فصل سوم)	۵۵
	« روش ها»	۵۵
۳-۱	مقدمه	۵۶
۳-۲	مواد:	۵۶
۳-۲-۱	استان کرمان :	۵۶
۳-۳	مطالعات جغرافیایی سیرجان:	۵۷
۳-۳-۱	موقعیت ریاضی:	۵۷
۳-۳-۲	موقعیت عمومی:	۵۸
۳-۳-۳	موقعیت خصوصی:	۵۸
۳-۳-۴	موقعیت و وسعت :	۵۹
۳-۴	مطالعات طبیعی شهر سیرجان :	۶۰
۳-۴-۱	موقعیت ،حدود و وسعت :	۶۰
۳-۵	مطالعات جمعیتی شهر سیرجان:	۶۱
۳-۵-۱	پراکندگی جمعیت شهر سیرجان:	۶۱
۳-۵-۲	روند تحول جمعیت شهر سیرجان در چند دهه اخیر:	۶۱

- ۳-۵-۳ علل افزایش جمعیت شهر سیرجان در چند دهه ی اخیر: ۶۳
- ۳-۵-۴ موقعیت جمعیتی شهر سیرجان در استان کرمان : ۶۴
- ۳-۵-۵ خصوصیات جمعیتی شهر سیرجان در سال ۱۳۸۵: ۶۵
- ۳-۵-۶ تعداد و نحوه استقرار حوزه های نفوذ مستقیم شهر سیرجان: ۶۸
- ۳-۵-۷ تأثیر ادغام آبادیهای حاشیه شهر در جمعیت و بافت کالبدی سیرجان : ۶۸
- ۳-۵-۸ مهاجرت: ۶۹
- ۳-۶-۶ ویژگی ها و ساخت کالبدی شهر سیرجان: ۷۳
- ۳-۷-۷ کاربری اراضی شهری سیرجان: ۷۴
- ۳-۸-۱ منطقه بندی و تقسیمات کالبدی شهر سیرجان: ۷۶
- ۳-۸-۳ ویژگیهای کالبدی: ۷۷
- ۳-۸-۵ ویژگیهای کالبدی: ۷۸
- (فصل چهارم) ۹۰
- «تجزیه و تحلیل داده ها» ۹۰
- ۴-۲-۲ توصیف داده ها: ۹۱
- ۴-۲-۱ دهه شصت: ۹۱
- ۴-۲-۲ دهه هفتاد: ۹۲
- ۴-۳-۳ کالبدی: ۹۵
- ۴-۳-۱ انمای شهری: ۹۵
- ۴-۳-۲ تعداد طبقات : ۹۶
- ۴-۳-۳ شکل هندسی قطعات: ۹۷
- ۴-۳-۴ کیفیت ابنیه: ۹۸
- ۴-۴-۴ فاضلاب و شبکه جمع آوری آبهای سطحی: ۹۹
- ۴-۴-۱ جمع آوری پسماند ها و پاکیزگی معابر : ۱۰۰

- ۲-۴-۴ تجهیزات شهری: ۱۰۰.....
- ۵-۴ عدم وجود طرح مناسب: ۱۰۱.....
- ۶-۴ مدیریتی: ۱۰۲.....
- ۱-۶-۴ دهه نود در منطقه: ۱۰۳.....
- ۱-۱-۶-۴ تغییرات مثبت: ۱۰۳.....
- ۲-۱-۶-۴ تاثیرات منفی: ۱۰۴.....
- ۲-۶-۴ اجتماعی: ۱۰۴.....
- ۳-۶-۴ اقتصادی: ۱۰۶.....
- ۴-۶-۴ مدیریتی: ۱۰۷.....
- ۷-۴ کالبدی: ۱۰۸.....
- ۱-۷-۴ نمای شهری: ۱۰۸.....
- ۲-۷-۴ خدمات رسانی نهادهای دولتی: ۱۱۰.....
- ۳-۷-۴ ضوابط شهرسازی: ۱۱۱.....
- ۴-۷-۴ تاسیسات و تجهیزات: ۱۱۴.....
- ۸-۴ ویژگی های عمومی منطقه فیروزآباد شهر سیرجان: ۱۱۶.....
- ۱-۸-۴ آمار جمعیتی: ۱۱۷.....
- ۲-۸-۴ آمار مسکن: ۱۱۸.....
- ۱-۱۲-۴ تحلیل داده ها با استفاده از تکنیک سوات: ۱۲۵.....
- ۱-۱۳-۴ سیاست های پیشنهادی در ساماندهی محله فیروزآباد: ۱۳۱.....
- ۱-۱-۱۳-۴ سیاست اول: ادغام محله در شهر سیرجان و افزایش محدوده قانونی: ۱۳۲.....
- ۲-۱-۱۳-۴ سیاست دوم: تشکیل مدیریت واحد و مجزا از واحدهای مدیریتی شهرداری سیرجان: ۱۳۲.....
- ۳-۱-۱۳-۴ سیاست سوم: در نظر گیری مجموعه به عنوان یک روستا یا شهرک: ۱۳۲.....
- ۴-۱-۱۳-۴ سیاست چهارم: تخریب خانه هادر زمین های تصرفی و جلوگیری از رشد محله فیروزآباد: ۱۳۳.....

۱۳۳.....	۵-۱-۱۳-۴ سیاست پنجم: الحاق به شهر زیر نظر مدیریت واحد و جلوگیری از ادامه توسعه افقی:
۱۳۴.....	۱۴-۴ پیشنهادهای و راهبردهای اصلاحی:
۱۳۴.....	۱-۱۴-۵ راهبردهای اجتماعی:
۱۳۵.....	۲-۱۴-۴ راهبردهای اقتصادی:
۱۳۵.....	۳-۱۴-۴ راهبردهای خدماتی:
۱۳۶.....	۴-۱۴-۴ راهبردهای کالبدی:
۱۳۷.....	۵-۱۴-۴ نظام حرکت و دسترسی:
۱۳۷.....	۶-۱۴-۴ راهبردهای مدیریتی:
۱۳۸.....	۷-۱۴-۴ راهبرد عملکردی:
۱۳۹.....	فصل پنجم.....
۱۳۹.....	«نتیجه گیری و پیشنهادها».....
۱۴۱.....	۳-۵ نتیجه گیری.....
۱۴۳.....	۴-۵ ارزیابی طرح تفصیلی پیشین در محدوده مورد نظر:
۱۴۵.....	۵-۵ تقسیمات کالبدی طرح پیشنهادی:
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	۵-۶ بررسی آلترناتیو شماره ۲ (طرح منتخب)
۱۵۶.....	منابع.....
۱۶۰.....	پیوست ها.....

فهرست جداول

عنوان

صفحه

جدول (۱-۲): نظریات اندیشمندان استفاده شده در تکمیل تحقیق (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷).....	۲۳
جدول (۱-۳): تعداد شهرها، دهستان ها، آبادی های دارای سکنه و کل آبادی های شهرستان	۵۹
جدول (۲-۳): جمعیت شهری شهرستانهای استان طی سالهای ۶۵-۷۵-۸۵ و ۹۰.....	۶۴
جدول (۳-۳): توزیع نسبی جمعیت شهر سیرجان بر حسب جنس و سن ، سال ۱۳۸۵ (منبع : سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمان ، ۱۳۸۵)	۶۶
جدول (۴-۳): میزان مهاجرت های شهری و روستایی به تفکیک زن و مرد شهرستان سیرجان (۱۳۴۵ - ۱۳۸۵)	۷۱
(سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵).....	۷۱
جدول (۵-۳): جمعیت محدوده مورد بررسی (محلۀ فیروزآباد)	۸۲
جدول (۱-۳): امتیازدهی به معیارهای داخلی (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴، ۲۶).....	۸۶
جدول (۲-۳): امتیازدهی به معیارهای خارجی (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴، ۲۶).....	۸۶
جدول (۳-۳): ماتریس ارزیابی عوامل داخلی IFE (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴، ۲۶).....	۸۷
جدول (۴-۳): ماتریس تجزیه و تحلیل SWOT (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۶).....	۸۸
جدول (۵-۳): ماتریس تجزیه و تحلیل SWOT (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۷).....	۸۸
جدول (۲-۴): (توزیع جمعیت مرد بر حسب فعالیت)	۱۱۷
جدول (۳-۴): (توزیع جمعیت زن بر حسب فعالیت)	۱۱۷
جدول (۴-۴): (جمعیت درگروه سنی در سال ۹۰).....	۱۱۷
جدول (۵-۴): آمار ساختمان های داخلی محدوده فیروزآباد	۱۱۸
جدول (۶-۴): آمار زمین های بایر خارج از محدوده محلۀ فیروزآباد	۱۱۸
جدول (۷-۴): آمار ساختمان های داخل محدوده محلۀ فیروزآباد	۱۱۹

- جدول (۴-۸): آمار ساختمان های خارج از محدوده (محلہ فیروزآباد) ۱۱۹
- جدول ۴-۹: توصیف جنسیت پاسخ دهندگان ۱۲۱
- جدول ۴-۱۰: توصیف تحصیلات پاسخ دهندگان ۱۲۱
- جدول ۴-۱۱: توصیف سن پاسخ دهندگان ۱۲۲
- جدول ۴-۱۲: توصیف سابقہ فعالیت پاسخ دهندگان ۱۲۳
- جدول ۴-۱۳: توصیف عنوان شغلی پاسخ دهندگان ۱۲۴
- جدول (۴-۱۴) ماتریس عوامل موثر داخلی ۱۲۵
- جدول (۴-۱۵): ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) ۱۲۷
- جدول (۴-۱۶): ماتریس عوامل خارجی (EFE) ۱۲۹
- جدول (۴-۱۷): ماتریس نمرات ۱۳۱
- جدول (۵-۱): کاربری اراضی پیشنهادی (آلترناتیو ۱) ۱۴۹
- جدول (۵-۲): کاربری اراضی پیشنهادی (آلترناتیو ۲) (طرح منتخب) ۱۵۳
- جدول (۵-۳): نمایش جداول چهارچوب طراحی محلہ فیروز آباد ۱۵۴

فهرست اشکال

عنوان

صفحه

شکل (۱-۳) موقعیت استان کرمان در نقشه ایران	۵۷
شکل (۲-۳): نقشه تقسیمات استان کرمان و موقعیت قرارگیری شهرستان سیرجان. (حاتمی، ۱۳۸۰: ۱۱).....	۵۸
شکل (۴-۳) تقسیم مناطق محدوده شهر سیرجان (مهندسین مشاور شامند ۱۳۷۴: ۳۹)	۷۴
شکل (۵-۳) نقشه ی محله بندی مناطق (اطلاعات دفتر فنی شهرداری سیرجان و ترسیم پژوهشگر)	۷۶
شکل (۶-۳) نقشه ی محدوده ی منطقه ی یک (ترسیم پژوهشگر ۱۳۹۵)	۷۷
شکل (۷-۳) نقشه ی محدوده ی منطقه ی دو (ترسیم پژوهشگر ۱۳۹۵)	۷۸
شکل (۷-۳) جانمایی محدوده فیروزآباد در شهر سیرجان	۸۰
شکل (۱-۳): الگوی ارزیابی و انتخاب استراتژی (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۶)	۸۷
شکل (۱-۴): منطقه فیروزآباد در سال ۱۳۵۹ (ماخذ: سازمان نقشه برداری کشور)	۹۲
شکل (۲-۴): عکس هوایی منطقه فیروزآباد سیرجان (ماخذ: سازمان نقشه برداری کشور)	۹۴
شکل (۳-۴): استفاده از مصالح نامرغوب (سلیمانی، سعید ۱۳۹۵)	۹۵
شکل ۴-۴: استفاده از مصالح نامرغوب (سلیمانی، ۱۳۹۵)	۹۶
شکل (۵-۴): شبکه برق غیر قانونی	۱۰۱
شکل (۶-۴) توسعه آلودگی	۱۰۲
شکل (۷-۴): ساخت غیر مجاز	۱۰۳
شکل (۹-۴): بافت فرسوده منطقه	۱۰۹
عکس ۴-۸: معابر خاکی منطقه سلیمانی، سعید. ۱۳۹۵	۱۱۱

فهرست نمودارها

عنوان

صفحه

- نمودار (۱-۳): مقایسه درصد رشد جمعیت شهری (۱۳۳۵-۱۳۹۰) ماخذ: مرکز آمار ایران ۶۲
- نمودار (۲-۳): مقایسه درصد رشد جمعیت شهری، روستایی شهرستان سیرجان (۱۳۳۵-۱۳۹۰) ۶۳
- نمودار (۳-۳): هرم سنی شهر سیرجان در سال ۱۳۸۵ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمان، ۱۳۸۵) .. ۶۷
- بر همین اساس بیشترین جمعیت در گروه سنی صفر تا ۴ سال با ۱۵/۳ درصد و کمترین جمعیت در گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ سال با ۱/۶ درصد قرار می گیرد ۶۸
- نمودار (۴-۳): مهاجران وارد شده طی ۵ سال گذشته برحسب جنس، سن و علت مهاجرت- براساس آخرین جابجایی انجام شده سیرجان (۱۳۹۰) (اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمان، ۱۳۸۵) ۷۰
- نمودار (۵-۳): روند افزایش مهاجرین شهرستان سیرجان در سالهای (۱۳۴۵-۱۳۸۵) (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵) ۷۲
- نمودار (۱-۴): سهم نسبی قطعات شهر سیرجان برحسب شکل هندسی ۹۸
- نمودار (۲-۴): مدت زمان اقامت ساکنین محله فیروز آباد ۱۰۵
- نمودار (۳-۴): محل تولد ساکنین ۱۰۶
- نمودار (۴-۴): وضعیت اشتغال ۱۰۷
- نمودار (۵-۴): میزان رضایت ساکنین از کاربری آموزشی بر اساس پرسشنامه ۱۱۲
- نمودار (۶-۴): میزان رضایت ساکنین از کاربری ورزشی بر اساس پرسشنامه ۱۱۳
- نمودار (۷-۴): میزان رضایت ساکنین از کاربری درمانی بر اساس پرسشنامه ۱۱۳
- نمودار (۸-۴): میزان سهولت تهیه مایحتاج توسط ساکنین محله فیروز آباد بر اساس پرسشنامه ۱۱۴
- شکل (۹-۴): سیم کشیهای غیر مجاز خطر ساز ۱۱۵
- نمودار (۹-۴): رضایت ساکنین درباره حمل و نقل عمومی بر اساس پرسشنامه ۱۱۶
- نمودار (۱۰-۴): نظر ساکنین درباره مساحت محل سکونتشان در محدوده مورد بررسی بر اساس پرسشنامه ۱۲۰

نمودار ۴-۱۱: نمودار میله‌ای جنسیت پاسخ‌دهندگان..... ۱۲۱

نمودار ۴-۱۲: نمودار میله‌ای تحصیلات پاسخ‌دهندگان..... ۱۲۲

نمودار ۴-۱۳: نمودار میله‌ای سن پاسخ‌دهندگان..... ۱۲۳

نمودار ۴-۱۴: نمودار میله‌ای سابقه فعالیت پاسخ‌دهندگان..... ۱۲۴

چکیده :

در دو دهه گذشته توجه ویژه ای به نقش شهرهای کوچک در توسعه نواحی روستایی و عملکرد مثبت آنها در الگوی سکونتگاهی مناسب در کشورهای در حال توسعه شده است. مراکز شهری کوچک کارکردهای مهم - بازار نزدیک برای تولیدات کشاورزان، مکانی برای ایجاد فرصت های شغلی کوچک، مرکزی برای تولید خدمات اجتماعی، مرکزی برای انتشار اخبار و اطلاعات جدید از بازار کالاها و خدمات، مکانی برای اسکان جمعیت فاقد زمین و مسکن روستایی بر پسرانه های خود دارند. و اما معضل مدیریت شهری در شهر سیرجان به علت ارزان بودن زمین و نبود زیرساخت های مناسب، باعث رشد بی قواره و ناموزون این سکونتگاه ها گردیده است، که توسعه آن مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاشیه نشینی را به صورت گسترده به شهر تحمیل می کند. محله فیروز آباد سیرجان یکی از بی قاعده ترین روندها در گسترش فیزیکی شهر بوده است.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مکانهای مناسب برای فضا های عمومی، محله ای و طراحی و اصلاح و مغایرت های وضعیت موجود شبکه معابر جهت بهبود و ارتقا کیفیت زندگی ساکنان در آینده میباشد و همچنین سعی گردیده است بوسیله تعریض در معابر و اصلاح مغایرتهای موجود با طرح تفصیلی و ایجاد معابر جدید ساختار محله ای منسجم تری از طریق باز طراحی این منطقه بوجود آورد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت روش توصیفی است. برای شناخت ابعاد مختلف مسئله، روشن سازی مفاهیم بررسی نظریه های مرتبط با موضوع و مطالعه ی پژوهش های مشابه از مطالعات کتابخانه ای با برداشت مستقیم محقق استفاده شده است. نتیجه پژوهش بیانگر که این مجموعه می تواند باز طراحی، اثراتی مثبت در چشم انداز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این شهر داشته باشد.

کلیدواژه ها: شهر، توسعه افقی، حاشیه نشینی، ناهنجاری، محله فیروز آباد، رضایتمندی

فصل اول

«کلیات تحقیق»

مهمترین پیامد گسترش و توسعه روز افزون شهر نشینی و شهر گرایی در عصر حاضر شکل گیری و گسترش فراگیر اسکان غیررسمی می باشد که امروزه یکی از دغدغه های اساسی کشورهای در حال توسعه بوده است، در ایران نیز پدیده ی سکونتگاههای غیر رسمی با توسعه شهر نشینی شتابان به وجود آمد، و این پدیده وضعیت نامطلوبی را برای شهرها به وجود آورده است. شهر سیرجان و محله فیروزآباد یکی از این مناطق است که با این پدیده روبرو است. ایت تحقیق بر آن است که با مطالعه و بررسی وضعیت این منطقه به ارائه طرح مناسب جهت رفع موانع و مشکلات این سکونتگاه بپردازد.

تحقیق حاضر از پنج فصل تهیه شده است در فصل اول به بیان نظری تحقیق و توضیحاتی در مورد آن پرداخته شده است که بطور کلی به کلیات تحقیق پرداخته شده است. در فصل دوم نیز چارچوب نظری طرح از دو بعد داخلی و خارجی بررسی می گردد و سعی بر حداکثر استفاده از این نظریات می باشد. نگرشها و رویکردهایی در این باب بررسی می گردد، خصوصیات حاشیه نشینان، از دیدگاه های مختلف بررسی می شود. در بخش دوم این فصل به بررسی ادبیات و سوابق تحقیق از دو بعد داخلی و خارجی پرداخته شده است و در نهایت پیشنهاد اقدامات انجام شده در ایران مطرح شده تا بتوان از آنها به نحو احسن بهره گرفت. در فصل سوم عواملی که موجب ایجاد اسکان غیر رسمی، خصوصا در ایران گردیده، بررسی می شود و سپس عوامل شکل گیری اسکان غیر رسمی، نمونه مورد بررسی این تحقیق نیز بررسی می گردد؛ نهایتا روش جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده ها بررسی می گردد. در فصل چهارم به عنوان یکی از مهمترین فصل های پایان نامه، به توصیف داده ها پرداخته می شود. و در فصل پنجم نتایج حاصل از پژوهش مطرح می گردد و پیشنهاد یک طرح مناسب از دو آلترناتیو ارائه شده، جهت پیشرفت منطقه و رفع ایرادهای موجود در طرح تفصیلی ارائه می شود. و در آخر فهرستی از منابع استفاده شده و چکیده لاتین و عنوان لاتین قرار دارد.

۱-۲ بیان مسأله:

طی دو دهه گذشته شهرسیرجان توسعه چشمگیری پیدا نموده و این امر باعث شده است که افراد از شهرها و روستاهای اطراف به امید یافتن فرصت های مناسب تر زندگی و بخصوص اشتغال، به این شهر مهاجرت نموده و عمدتا به دلیل پایین بودن قیمت زمین دراطراف شهر، به گونه بی قاعده ای شروع به ساخت و ساز نموده اند. باتوجه به اینکه این مناطق خارج از طرح ها و برنامه های شهرسازی و بدون نقشه تفکیکی و مهندسی شکل گرفته اند، می توان متصورشد که مساکن آنها نیز بدون نظم هندسی پیش اندیشیده و به

طورنامنظم ارگانیک و براساس توان هر خانوار در اشغال زمین و متاثر از ویژگی ها و موانع طبیعی و توپوگرافی شکل گرفته اند. راهها نیز از ناهمواری های طبیعی زمین و وضعیت ساخت و ساز اطراف آنها تاثیر پذیرفته اند مسایل و مشکلات این منطقه عبارتند از:

۱. عدم تبعیت شبکه ی معابر از یک فرم خاص و وجود به هم ریختگی و بی نظمی در آن؛

۲. عدم دسترسی واحدهای مسکونی به شبکه فاضلاب و هدایت فاضلاب خانگی؛

۳. فقدان خدمات عمومی مناسب و کافی؛

۴. عدم وجود ساماندهی کالبدی و کیفی خیابانها بر اساس استانداردهای مهندسی؛

۵. فقر اقتصادی ساکنین این قسمت و استفاده از مصالح نامرغوب و غیر استاندارد که باعث کاهش کیفیت بناها شده است؛

۶. پیچیدگی و دشواری تامین خدمات به علت توسعه ناموزون و برنامه ریزی نشده؛

هدف از انجام این تحقیق، شناسایی مکانهای مناسب برای فضا های عمومی، محله ای و طراحی و اصلاح و مغایرت های وضعیت موجود شبکه معابر جهت بهبود و ارتقا کیفیت زندگی ساکنان در آینده می باشد (صرافی، ۱۳۸۱).

شهر سیرجان به علت مزایای خاص خود (مثل موقعیت ارتباطی منطقه ویژه اقتصادی، کشاورزی، معادن، و سایر زمینه های اقتصادی) دارای توسعه ای روبه رشد است و در واقع می توان چنین اظهار داشت که به علت این مزایا شهر سیرجان شهری مهاجر پذیر بوده و دارای رشدی مثبت بوده است و از نظر توسعه ی فیزیکی دارای یک نظم خاص بوده است. در واقع از نظر شهر سازی شهری خود رو نیست بلکه این شهر تابع اصول شهر سازی بوده است. نقش چهار راهی و ارتباطی شهر سیرجان از دیر باز نقشی بسیار مهم و اساسی در تشکیل و توسعه شهری سیرجان بوده است یکی از دلایل ایجاد منطقه ی فیروزآباد سیرجان موقعیت چهار راهی شهر سیرجان بوده است که قابلیت ارتباط با کشورهای خارجی را داشته و توانسته در تجارتی کردن و توسعه ی شهری سیرجان نقش مؤثری داشته باشد علاوه بر این کشاورزی سیرجان یک کشاورزی تجارتی و اقتصادی محسوب می شود که این عامل خود باعث خودکفایی شهر سیرجان و مشاغل جانبی در این شهر شده است و با در آمد محصولات کشاورزی جنبه ی اقتصادی شهر را تضمین و تأمین کرده . این نقش از ۵ دهه ی اخیر تا به حال به عنوان اساسی ترین نقش و بنیه ی اقتصادی شهر سیرجان محسوب می شود که توانسته با بهترین وجه خود نمایی کند. همین دلیل بر حاشینه نشینی تاکید دارد (کاظمی، ۱۳۸۶).

۱ ضرورت انجام تحقیق:

دولت ها و حاکمان محلی با استفاده از شیوه های گوناگون دست به مداخله در این سکونتگاه ها زده زندگی ساکنان آن را تحت تاثیر قرار داده اند. در شهر سیرجان نیز، نگاه بولدوزری در زمینه سکونتگاه های غیررسمی این شهر مورد آزمون قرار گرفته که هیچ کدام نتیجه ای در بر نداشته است. باتوجه به مسائل و مشکلاتی که در بندقبل به آن اشاره شد ضرورت انجام این تحقیق عبارتند از:

۱. اصلاح مغایرتهای وضع موجود و طرح تفصیلی و ساماندهی شبکه معابر و ایجاد کاربریهای مناسب با کمبودهای موجود؛

۲. ساماندهی کالبدی و کیفی خیابانها بر اساس استانداردهای مهندسی و جلوگیری از ساخت و سازهای نامناسب و غیر قانونی و بدون ضابطه و مغایر با نقشه های طرح تفصیلی؛

۳. بهسازی زیرساختها و ارتقا محیط زیست به منظور گسست کالبدی از پیکره اصلی شهر؛

۴. رسمیت دادن به کالبد و منظر فضاها؛

۵. رسمیت بخشیدن به مالکیت قطعات تفکیکی تحت تصرف؛

اهمیت این پژوهش و طراحی را می تواند برای مدیریت کلان در سیاست های بلند مدت، میان مدت و مدیریت محلی جهت اتخاذ سیاست های منجر به توسعه پایدار شهری کشور مشاهده کرد. بنابراین می توان از این پژوهش، راهکارهای اجرایی برای بکارگیری در سطوح ملی، منطقه ای و محلی استخراج کرد.

۱-۳ جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق

طراحی ها و ساماندهی هایی در این حاشیه صورت گرفته اما نامطلوب و نامناسب و مغایر می باشد. در این تحقیق باتوجه به تحلیل موارد منفی به طراحی مجدد این حاشیه پرداخته که در نوع خود در این شهر برای اولین بار صورت می گیرد.

۱-۴ اهداف پژوهش

۱. بررسی نقاط ضعف منطقه فیروزآباد از منظر کالبدی؛

۲. بررسی و اصلاح مغایرت های وضعیت موجود منطقه با کاربری های طرح تفصیلی؛

۳. تعیین مکانهای مناسب برای توسعه مسکونی - احداث یا تعریض شبکه معابر و استقرار فضاهای عمومی.

۱. اهداف کاربردی

۱. شهرداری و شورای شهر

۲. اداره راه و شهرسازی سیرجان؛

۳. نظام مهندسی ساختمان شهر سیرجان

۴. سازمان محیط زیست و بهزیستی ؛

۵. استانداری و فرمانداری .

۴-۱ سؤالات تحقیق

۱. دلایل شکل گیری و توسعه منطقه فیروزآباد در شهر سیرجان کدامند؟

۲. آیا وضعیت موجود منطقه فیروزآباد با کاربری های طرح تفصیلی آن مطابقت دارد؟

۳. آیا با باز طراحی منطقه فیروزآباد می توان این منطقه را به نقطه مطلوب رساند؟

۵- فرضیه های تحقیق

۱. مهاجرت روستا-شهر، پایین بودن قیمت زمین، ضعف قانون و مدیریت شهری، از عوامل اصلی شکل گیری و توسعه این منطقه از شهر سیرجان هستند.

۲. با توجه به اینکه باز نگری طرح تفصیلی سیرجان مربوط به ۱۰ سال گذشته می باشد در حال حاضر هیچ گونه همخوانی ساخت و سازها با وضعیت موجود محل و کاربری های طرح تفصیلی وجود ندارد.

۳. باز طراحی در این حاشیه می تواند وضع مطلوب و پایداری برای ساکنین ایجاد کند. ۱-۹

محدودیت های تحقیق:

هر کار تحقیقی، در راستای نیل به اهداف خاص تحقیق، با یک سری محدودیتها مواجه است. از جمله محدودیت های تحقیق، عدم دسترسی به داده های آماری صحیح، دقیق، کمبود اطلاعات و منابع دردسترس است که پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نیست و با توجه به این که محدوده ی مورد مطالعه پژوهش غیر رسمی بوده با محدودیت های بیشتری روبرو بوده ایم.

۱-۱۰ تعریف واژه ها و اصطلاحات فنی و تخصصی:

۱. سکونتگاه های غیررسمی: به مناطقی گفته می شود که مهاجرین روستایی و محرومان جامعه شهری را در خود جای داده و خارج از برنامه ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری، عمدتاً بدون مجوز در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است. فقدان سند مالکیت رسمی و محرومیت از خدمات و زیرساخت های شهری از شاخص های آن می باشد. شرایط موجود و حاکم بر این گونه نواحی در بروز ناهنجاری های اجتماعی بسیار مساعد می باشد. (داود پور، ۱۳۸۳، ۴۹)

۲. سکونتگاه های غیر قانونی: این مکانها را می توان مناطقی مسکونی تعریف کرد که بدون مجوز قانونی برای دریافت زمین یا اجاره از سوی مقامات مربوطه، ایجاد شده و توسعه یافته اند. دکتر سیف الدینی در کتاب زبان تخصصی برنامه ریزی شهری در ذیل کلمه (سپهر)^۱ چنین آورده «زاغه نشینان، مردمی هستند که یک ملک را اشغال می کنند، اما الزاماً مجوز قانونی برای ساخت سکونتگاه را ندارند».

۳. حاشیه نشینی: مفهوم حاشیه نشینی به معنای اعم شامل تمام کسانی است که به دلیل بضاعت کم مالی با توجه به توان اقتصادی، نتوانسته اند خود را با ساکنین متن نشین تطبیق دهند این عدم سازگاری اجتماعی سبب نفی آنها به مناطقی است که بتوانند زمینه ی جذب آنها را فراهم کند (پارسا پروژه ۱۳۸۱ : ۲۰۰-۱۹۹) به عبارتی حاشیه نشینی حالتی است که شخص در قالب آن فرو رفته و در حالت زندگی کردن است و همیشه امید به فردایی بهتر دارد.

۴. کالبد : کالبد شهر در مرحله نخست با شرایط مکانی آن ارتباط داشته است. در درون این کالبد، فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی جریان داشته و فرم و شکل کالبد را تعیین می کرده است.

۵. توانمند سازی: رویکردی جدید در برنامه ریزی برای کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و مجموعه اقداماتی را در بر می گیرد که منجر به شکوفائی قابلیت ها و خلاقیت های فردی برای ارتقاء وضعیت موجود به وضعیت بهتر شود.

۶. مهاجرت : (به معنای ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن) (دهخدا، ۱۳۸۴ : ۱۵۹) است و مهاجر کسی است که از جایی به جای رود و از زمینی به زمینی برود و هجرت کند. و مهاجرت در این تحقیق، عمدتاً مهاجرین روستا به شهر و بالاخص حاشیه های شهرسیرجان است

۱-۱۱ سوابق تحقیق:

ادبیات و سوابق این پژوهش از دو بعد بررسی می شود: ۱- سوابق خارجی ۲- سوابق داخلی

۱- سوابق خارجی

حاشیه نشینی پدیده ای نه چندان نوظهور در جهان سوم است که در متن های امروزی، به جای آن از تعبیر (اسکان غیررسمی) نیز استفاده می شود. گفتنی است در مطالعات و تحقیقات مربوط به موضوع، واژه اسکان غیررسمی، به مرور جایگزین واژه (حاشیه نشینی) می شود.

مهمترین نهاد فراملی که به طور موثر به موضوع اسکان غیررسمی پرداخته است بانک جهانی است که سیاست های برخورد آن با مساکن نا متعارف به سه دوره ۱۹۷۲-۱۹۸۲-۱۹۸۳-۱۹۹۳ و دوره بعد از ۱۹۹۳ قابل تفکیک است.

در دوره ۱۹۸۳-۱۹۹۳ مهمترین نظریه پیشتاز در زمینه ساماندهی اسکان غیررسمی نظریه (سایت اند سرویس)^۱ ترنر است که مهمترین مولفه آن پس انداز و مسکن حداقل است. مهمترین نگرانی بانک جهانی از عملیاتی کردن این نظریه تضمین بازگشت سرمایه وارثه راهکارهای مالی پایدار بود. راهبرد توانمند سازی اسکان غیررسمی از دهه ۱۹۹۰ باز هم با پیشتازی بانک جهانی در کشورهای همچون برزیل، ترکیه، اندونزی و فیلیپین آغاز شد که مهمترین عنصر آن تامین امنیت سکونت و به رسمیت شناختن بود.

امروزه حاشیه نشینی در هند، اندونزی و کشورهای آمریکای لاتین به ویژه برزیل و مکزیک و اکثر کشورهای آفریقایی، خصوصا مصر و نیجریه و سودان تبدیل به مشکلی حاد و پیچیده شده است. به طور کلی حاشیه نشینی از سال ۱۹۵۰ در کشورهای رو به رشد به شکلی گسترده مطرح شد. براساس مطالعات سازمان ملل، «حاشیه نشینی» چالش اصلی هزاره سوم است و طبق برآوردها تا سال ۲۰۲۰ شمار حاشیه نشینان شهری جهان تقریبا به یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. در حال حاضر حدود ۹۲۰ میلیون حاشیه نشین در جهان وجود دارد که سهم کشورهای توسعه یافته فقط ۴۵ میلیون نفر است بنابراین حاشیه نشینی از معضلات کنونی جهان در حال توسعه است.

۲- سوابق داخلی

به طوری که دکتر پرویز پیران در مقاله (بازهم درباره اسکان غیررسمی) مفهوم حاشیه نشینی را نادرست و گمراه کننده می داند و واژه اسکان غیررسمی را پیشنهاد می کند. به دنبال وقوع تحولات شهری و رشد سریع و ناهمگون شهرنشینی در ایران، پدیده حاشیه نشینی ابتدا در تهران و سپس در سایر کلانشهرهای کشور شکل گرفت. در سال ۱۳۵۰، بنابر درخواست سازمان برنامه و بودجه، طرح وسیعی برای مطالعه و

بررسی وضعیت حاشیه نشینی در کشور، توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز گردید. این طرح با مطالعه وضعیت حاشیه نشینان تهران شروع و سپس سایر شهرهای بزرگ کشور چون، بندرعباس، همدان، کرمانشاه و اهواز را نیز شامل شد.

در دهه ۵۰ مطالعه این سکونتگاه ها به صورت عمومی توسط جغرافیدانان برای اولین بار آغاز شد (شکویی، ۱۳۵۵) و در این میان تک نگاری هایی نیز در شهرهای بزرگ صورت گرفت. (زمردیان و حاتمی نژاد، ۱۳۵۸)، که مسایلی چون علل شکل گیری، روند تکاملی و ویژگی های کلی این مسکن را مورد بررسی قرار می داد.

محمدکریم منصوریان و سیدعلیرضا آیت اللهی نیز پژوهش هایی درباره حاشیه نشینی در استان فارس ارائه داده اند. آنها در این پژوهش، علل و انگیزه مهاجرت در شیراز را بررسی کرده اند. این آقایان درباره تاریخچه حاشیه نشینی با ارائه آمار و ارقامی اظهار داشتند که این پدیده از سال ۱۳۲۰ آغاز گردیده است. آنها با ارائه آمار و ارقام مربوط به جمعیت و میزان مهاجرت به شهر شیراز در سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۵۰، نتیجه می گیرند که نسبت حاشیه نشینی تا سال ۱۳۵۰ افزایش زیادی داشته است. (منصوریان و آیت اللهی، ۱۳۵۷)

بررسی علل رشد حاشیه نشینی و زاغه نشینی در شهرستان مشهد» نیز عنوان پایان نامه ای است که توسط سعید سروری در سال ۱۳۷۶ انجام شده است. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که زاغه نشینی و حاشیه نشینی یکی از معضلات اقتصادی و اجتماعی می باشد. که مانند قارچ بصورت خودرو سبز شده و از هر نقطه ای سر در می آورد. این تحقیق نشان می دهد که رشد جمعیت، مهاجرت، عدم وجود فرصتهای مناسب اشتغال و عدم بهره گیری مناسب از ظرفیت و استعدادها از عوامل مؤثر بر حاشیه نشینی می باشد (سروری، ۱۳۷۶).

در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ فقر و پیامد های فضایی آن و جدایی گزینی فضایی و علل آن در چند پژوهش دانشگاهی مورد توجه قرار گرفت. در این زمینه به سه عرصه نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی، نظم و ساختار سیاسی و عرصه زیستی-اجتماعی که شکل دهنده این جدایی گزینی فضایی اند، اشاره شده است. (افروغ، ۱۳۷۷)

اولین مطالعات سازمان یافته پس از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن، در سال ۱۳۴۲ و زیر نظر مدیریت امور اجتماعی آن وزارتخانه انجام شد که بیشتر به تشریح توصیفی زندگی ساکنین محلات مربوط بود. (حاج یوسفی، ۱۳۸۰).

رشد و گسترش اسکان غیررسمی در ایران به خصوص از دهه ۱۳۴۰ پژوهش ها و مطالعات نظری درباره ماهیت، علل و عوامل گسترش و نیز پیامدها و راهکارها مورد توجه بوده است که در این میان به مطالعات زیر می توان اشاره کرد: مجید احسن و مصطفی نیرومند (۱۳۵۱) پژوهش موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۵۱) محمدحسین کازرونی (۱۳۵۱) حسین شکویی (۱۳۵۴) کریم حسین زاده دلیر (۱۳۶۱) پرویز پیران (۱۳۶۷) حمیده امکچی (۱۳۷۳) و از پژوهش های نظری متاخر تر مقاله صرافی (۱۳۸۱) با عنوان به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی-از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی است که ضمن پرداختن به علل رویش اسکان غیررسمی در سطح خرد و کلان، راه حل مدارا گرایانه و اصلاح تدریجی در راستای یکپارچگی با شهر رسمی را از رهگذر راهبرد توانمند سازی مورد تاکید قرار می دهد. عماد افروغ در کتاب فضا و نا برابری اجتماعی معتقد است تا زمانی که توزیع فضایی مناسبی در امکانات، خدمات و تسهیلات شهری صورت نگیرد عدالت اجتماعی به معنای واقعی، اتفاق نخواهد افتاد. از نظریات دیگر پشتیبان راهبرد توانمندسازی، نظریه فقر قابلیت آماریتا سن است که در حوزه مطالعات جغرافیای شهری به آن پرداخته شده است آماریتا سن در کتاب برابری و آزادی به جای تعریف جان رالز از فقر به مثابه فقدان برابری فرصت ها از مفهوم برابری قابلیت ها سخن می گوید. درواقع وی عدم برخورداری از قابلیت های پایه ای مانندسواد، آموزش، سلامتی و... را فقر قابلیت می نامد که مهمترین راه مبارزه با آن توانمند سازی فقیران است.

ایران شانزدهمین کشور پرجمعیت جهان است و هر زمان که جمعیت آن رشد داشته است، همان رشد را در حاشیه نشینی هم دیده ایم. نخستین پژوهش در این حوزه توسط مرکز مطالعات موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ انجام شد. این مطالعات که درباره گودنشینها و حاشیه نشینان شهری اطراف تهران، اهواز و تبریز صورت گرفت نشان داد که ساکنان این مناطق عمدتاً افراد کم درآمدی بودند که اکثرشان از شهرها و روستاهای اطراف آن شهرها مهاجرت کردند. برای مثال جمعیت روستایی استان تهران در مدت ۳۰ سال، حدود ۷/۵ درصد رشد داشته است و همین افزایش بعدها راهی تهران شدند. طبق نتایج به دست آمده از پژوهش حاشیه نشینی در ایران که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران انجام شد جمعیت حاشیه اطراف ۱۰ شهر بزرگ ایران، حدود پنج میلیون و ۳۰۰ هزار نفر است.

۱-۱۲ روش شناسی تحقیق:

۱-۱۲-۱ شرح کامل روش تحقیق بر حسب هدف، نوع داده ها و نحوه اجراء (شامل مواد، تجهیزات و استانداردهای مورد استفاده در قالب مراحل اجرایی تحقیق به تفکیک):

تذکر: درخصوص تفکیک مراحل اجرایی تحقیق و توضیح آن، از به کار بردن عناوین کلی نظیر، «گردآوری اطلاعات اولیه»، «تهیه نمونه‌های آزمون»، «انجام آزمایش‌ها» و غیره خودداری شده و لازم است در هر مورد توضیحات کامل در رابطه با منابع و مراکز تهیه داده‌ها و ملزومات، نوع فعالیت، مواد، روش‌ها، استانداردها، تجهیزات و مشخصات هر یک ارائه گردد.

دراین تحقیق به سبب مباحث وزمینه‌های وسیع و مقوله‌های کلی، روش‌های مختلفی به کار رفته است. به منظور دستیابی به اطلاعات و آمارها و منابع موجود، برحسب مورد، از شیوه متناسب با آن سودبرده شده است. در بخش‌های نظری، از مراجعه به منابع و مآخذ موجود استفاده شده و نتایج و دیدگاه‌های مربوط به هدف‌های مقاله، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش‌های تحقیقی که با توجه به اهداف و نحوه اجراء در فراهم آمدن این پژوهش از آنها استفاده خواهد شد، فرآیندی سه مرحله‌ای است که عبارتند از:

۱- روش توصیفی (چه هست؟) دراین روش وضع موجود این محله تبیین و تحلیل خواهد شد. به ویژه مغایرت طرح تفصیلی با هر آنچه دراین محله اجرا شده و مشکلاتی که پس از این عدم اجرا به وجود آمده است.

۲- روش علی (چه باید باشد؟) در این مرحله علل و عواملی که باعث شکل‌گیری این منطقه شده است

۳- روش عملی (چه باید باشد؟) دراین روش با استفاده از اطلاعات و روش توصیفی جمع‌آوری شده است - این محله باز طراحی و ارائه خواهد شد.

۱-۱۲-۲ متغیرهای مورد بررسی در قالب یک مدل مفهومی و شرح چگونگی بررسی و اندازه‌گیری متغیرها:

متغیرهای وابسته: سکونتگاه‌های غیر رسمی فیروز آباد سیرجان

متغیرهای مستقل: مالکیت زمین، مسکن، اشتغال و مهاجرت؛

۱-۱۲-۳ شرح کامل روش (میدانی، کتابخانه‌ای) و ابزار (مشاهده و آزمون، پرسشنامه، مصاحبه، فیش‌برداری و غیره) گردآوری داده‌ها:

۱-۱۲-۳-۱ روش کتابخانه‌ای:

این مطالعات دردوگام انجام می پذیرد. درگام نخست بابررسی مقالات، کتاب ها، پایان نامه ها و... ویژگی ها و معیارهای شناسایی سکونتگاه های غیررسمی تعیین گردید. و در گام دوم انواع داده ها و اطلاعات مورد نیاز (نقشه های پایه، فایل GIS و...) استفاده شده است.

۱-۱۲-۳ روش میدانی:

باتوجه به ماهیت پژوهش، مطالعات میدانی یکی از مراحل اصلی روش تحقیق است که با بازدید از محل، عکس برداری، مصاحبه با اهالی محله و پر کردن پرسشنامه در محله همراه بوده است.

۱-۱۲-۴ جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه (در صورت وجود و امکان):

جامعه آماری: با توجه به ماهیت موضوع، ویژگیها و معیارهای حاشیه نشینی جامعه آماری این تحقیق شامل خانوارهای ساکن در منطقه فیروزآباد میباشد. که تعداد ۱۹۵۳ نفر هستند

روش برآورد حجم نمونه: با استفاده از فرمول کوکران ۵٪ از حجم نمونه تعیین شده است. که ۱۰۰ پرسش نامه در میان ساکنان این حاشیه توزیع خواهد شد.

۱-۱۲-۵ روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها:

اطلاعات و آمار جمع آوری شده به دو صورت دستی و رایانه ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. نرم افزارهای های مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده ها عبارتند از:

*- تکنیک SOWT) عوامل بیرونی (تهدید (T) و فرصت (O) و عوامل درونی نقاط قوت (S) و نقاط ضعف (W) برای شناخت وضع موجود و ارائه راهبرد

*- روش های آماری SPSS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات

*- استفاده از ARCGIS برای پردازش اطلاعات و تولید نقشه های تحلیلی و ترکیبی

فصل دوم

«مبانی نظری و پیشینه تحقیق»

از آنجا که رشد شهر نشینی در کشورهای جنوب درون زا نبوده، این رشد و عدم انطباق آن با فرهنگ بومی سبب ایجاد مشکلات فراوانی در شهرهای این کشورها شده که از این مشکلات میتوان به افزایش فقر در شهرها، دسترسی نا کافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، بیگانگی شهروندان از هم، ایجاد زاغه و مسکن های غیرقانونی یا اسکان غیر رسمی سیستم حمل و نقل نا کافی و نارسایی امکانات اصلی شهری اشاره کرد، تمرکز شدید فعالیتهای اقتصادی و خدماتی، سیستم حمل و نقل ناکافی و نارسایی امکانات اصلی شهری اشاره کرد. تمرکز شدید فعالیتهای اقتصادی و خدماتی در یک یا چند شهر بزرگ باعث رشد سریع این شهرها شد و در چنین حالتی رشد به توسعه پیشی گرفته و مشکلات زیادی را به وجود آورده است. پدیده شهر نشینی در ایران زائیده شهرنشینی مدرن میباشد که خارج از مرزهای کشور وارد شده است. تزریق درآمدهای نفتی به منابع ملی و سرمایه گذاری کلان در چند شهر بزرگ باعث رشد ناموزون این شهرها شده و مشکلات زیادی را در نظام شهری ایران به وجود آورده است. معضل آموزش و پرورش، بهداشت روانی و جسمانی، آب آشامیدنی سالم، برق و گاز، حمل و نقل شهری مناسب، سیستم فاضلاب و دفع زباله، پاک نگه داشتن مسیر ها، زیبا سازی محیط از جمله مشکلاتی است که روز به روز سخت و پیچیده تر میشود ولی از همه مهمترین مسکنی یا مسکن ناهنجاری است که به نحوه روز افزون بی نظمی، اغتشاش شهری جهان سوم را تشدید میکند و به روستایی کردن درون و برون شهر مشغول است. مسکن ناهنجار معرف گویا و تام و تمام فرآیند شهری شدن وابسته به شمار میاید و همچنین منعکس کننده همه مشکلات شهر و ناتوانی مسئولین شهرها با مقابله با این معضلات تلقی می گردد. مسکن ناهنجار یکی از مهمترین مسائل شهری کشورهای جهان سوم و شاخص تمام عیار مسائل شهری این کشورها به شمار می آید. زیرا از یک سو نشان دهنده وابستگی دیرپای این قبیل کشورها به سرمایه داری جهانی است (شکویی، ۱۳۵۴)

و از سوی دیگر نمود بارز مهاجرت بی رویه و بی برنامه است و همچنین منعکس کننده رشد غیر منطقی شهری خاصه به صورت تک قطبی در جهان سوم است. در بررسی مساکن ناهنجار مشاهده شده است که باید در چهار زمینه اساسی بیش از سایر زمینه ها توجه و درنگ شود که عبارتند از فقر و معضل مسکن، نوع مشاغل، آسیبهای اجتماعی و جرم و بالاخره روابط قومی و عشیره ای و تجانس گروهی، طبیعی است که این چهار زمینه عوامل پیدایش و تداوم اجتماع اسکان ناهنجار را در سطح میانه تحلیل مشخص دارد و در سطح خرد روانشناسی ساکنین، مسائل بهداشت، محیط روابط دور و گروهی و برون گروهی و مسائلی از این دست طرح می شود ولی به طور خلاصه میتوان گفت: که با توجه به تمامی معایرها و پارامترهای دخیل مسئله مسکن ناهنجار از جمله مشکلات اجتماعی جهان سوم است. که با شتابی هشدار دهنده در حال افزایش

است نیازمند تلاش جدی اقشار مختلف جامعه، مسئولان دولتی و غیر دولتی، برنامه ریزان و صاحب نظران مسائل شهری و منطقه ای است و به ویژه در کشور ایران نیز مطالعات همه جانبه و جامعی در باب مسکن ناهنجار صورت نگرفته است که این خود نشان دهنده ضرورت دست یافتن به چنین مطالعاتی است.

۲-۲ تعاریف، دیدگاه ها و مبانی نظری حوزه آسیب حاشیه نشینی:

۱. تعاریف :

حاشیه نشینی حالتی است که شخص با توجه به فشارهای اقتصادی که از درون کلان شهرها و عدم توازن بین فراخورد هزینه و درآمد و فقدان توان ایستادگی در مقابل این مصائب، مجبور به انتخاب مکان هایی است که احداث مسکن به دلیل نظارت کم و یا نبود کنترل دولتی برای ساخت و ساز آن و نیز همخوانی آن با بودجه ساکنان این مناطق، در ساختار زندگی اجتماعی و به عنوان گونه ای از زندگی نمایان شده است. بنابراین حاشیه نشینی به شیوه جدیدی از زندگی شهری اطلاق می شود که با تراکم بیش از حد جمعیت، تعارض فرهنگی، بی ثباتی اجتماعی، بیکاری و مشاغل کاذب، بی هویتی، خشونت و جرم و جنایت و احساس حقارت و آمادگی برای آشوب و انفجار و ... همراه است. این عبارت در ارتباط با شرایط گروه ها و طبقاتی به کار می رود که توسط گروه های در متن، از ایفاء نقش موثر در نظام اجتماعی محروم شده اند و در حاشیه متن و غالباً به صورت منفعل یا نیمه فعال زندگی می کنند. این گروه ها در سطح پایین سلسله مراتب اجتماعی جای می گیرند و از پیگیری منافع خود ناتوان و یا نسبت به آن ناآگاهند (شماعی و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۷)

مکتب شیکاگو و مفسران آن به شدت تحت تأثیر تصورات اکولوژیکی از شهر بودند و شهر را مانند یک اکوسیستم می دیدند که موجودات زنده درون آن همراه پروسه هایی نظیر رقابت و همکاری، سازش و توافق ... زیست می کنند. شاو و مکی نیز به مسئله تنازع بقا اشاره می کنند. انسان ها در مورد فضای محیط زیست - قوی ترین انسان ها - تازه واردان را ناگزیر به ادامه زندگی در محل هایی می کنند که از نظر زیست محیطی مناسب نیست و بدین صورت اصطلاح تنازع برای فضا و مکان را طرح می کنند. منطبق با تئوری "پنجره شکسته"، "سرایت اجتماعی" و "بوم شناسی جرم" این محققان هم چنین یادآور شدند که در حقیقت بعضی محله ها جرم زا هستند. بافت و وضعیت محله که لزوماً فقر در آن خیلی تأثیر ندارد الگویی فرهنگی ایجاد می کند که باعث می شود افراد صرف نظر از فرهنگ، نژاد و ملیت به بزهکاری یا جرم و انحراف از هنجارهای جامعه سوق داده می شوند (نقدی، ۱۳۸۶: ۷)

۲-۲-۱ تعریف واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی (به صورت مفهومی و عملیاتی):

*-**سکونتگاه‌های غیررسمی**: به مناطقی گفته می‌شود که مهاجرین روستایی و محرومان جامعه شهری را در خود جای داده و خارج از برنامه ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری، عمدتاً بدون مجوز در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است.

فقدان سند مالکیت رسمی و محرومیت از خدمات و زیرساخت‌های شهری از شاخص‌های آن می‌باشد. شرایط موجود و حاکم بر این گونه نواحی در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی بسیار مساعد می‌باشد. (داود پور، ۱۳۸۴، ۴۹)

*- **سکونتگاه‌های غیر قانونی**: این مکان‌ها را میتوان مناطقی مسکونی تعریف کرد که بدون مجوز قانونی برای دریافت زمین‌ها اجاره از سوی مقامات مربوطه، ایجاد شده و توسعه یافته اند. دکتر سیف‌الدینی در کتاب زبان تخصصی برنامه ریزی شهری در ذیل کلمه *spuher* چنین آورده «زاغه نشینان، مردمی هستند که یک ملک را اشغال میکنند، اما الزاماً مجوز قانونی برای ساخت سکونتگاه را ندارند».

*- **حاشیه نشینی**: مفهوم حاشیه نشینی به معنای اعم شامل تمام کسانی است که به دلیل بضاعت کم مالی با توجه به توان اقتصادی، نتوانسته اند خود را با ساکنین متن نشین تطبیق دهند این عدم سازگاری اجتماعی سبب نفی آنها به مناطقی است که بتوانند زمینه‌ی جذب آنها را فراهم کند (پارسا پروژه ۱۳۸۱: ۲۰۰-۱۹۹) به عبارتی حاشیه نشینی حالتی است که شخص در قالب آن فرو رفته و در حالت زندگی کردن است و همیشه امید به فردایی بهتر دارد (مهاجرین، ۱۳۸۷)

*- **کالبد**: کالبد شهر در مرحله نخست با شرایط مکانی آن ارتباط داشته است. در درون این کالبد، فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جریان داشته و فرم و شکل کالبد را تعیین می‌کرده است.

*- **توانمند سازی**: رویکردی جدید در برنامه ریزی برای کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و مجموعه اقداماتی را در بر می‌گیرد که منجر به شکوفایی قابلیت‌ها و خلاقیت‌های فردی برای ارتقاء وضعیت موجود به وضعیت بهتر شود.

*- **مهاجرت**: (به معنای ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن) (دهخدا، حرف م: ۱۵۹) است و مهاجر کسی است که از جایی به جای رود و از زمینی به زمینی برود و هجرت کند. و مهاجرت در این تحقیق، عمدتاً مهاجرین روستا به شهر و بالاخص حاشیه‌های شهرسیرجان است.

۲-۲-۲ انواع حاشیه نشینی :

حاشیه نشینی بر اساس معیارهای مختلف انواع متفاوتی دارد که به آنها اشاره می‌شود.

- بر اساس محل سکونت: از نظر محل سکونت حاشیه نشینان دو دسته هستند ۱- حاشیه نشینان بومی ۲- غیر بومی داخلی.

۲-۲-۳ حاشیه نشینی بومی:

این نوع حاشیه نشینی شامل آن گروهی است که غیر مهاجرند یا به عبارتی مدت خیلی زیادی از مهاجرت آنها گذشته است و به نوعی جزء ساکنان منطقه محسوب می شوند.

۲-۲-۴ حاشیه نشینی غیر بومی داخلی:

این نوع شامل آن گروهی است که از شهرهای کوچکتر یا روستاها به این مناطق مهاجرت می کنند و این دسته از مهاجران بیشتر خاستگاه جغرافیایی مشترکی دارند. در بسیاری از موارد نسلهای دوم و سوم این گروه جذب فرهنگ شهری شده و از زندگی حاشیه ای فاصله می گیرند.

ابعاد حاشیه نشینی سه دسته اند: اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

۲-۲-۵ حاشیه نشینی اجتماعی :

در حاشیه نشینی اجتماعی افراد از نظریه‌ی اجتماعی مثل رفتار و سلوک و زبان احساس حاشیه ای دارند این امر بیشتر در بین مهاجرانی که از نظر نژاد، قومیت، مذهب و حتی طبقه با ساکنان اصلی (متن) شهر متفاوتند دیده می شود زیرا مهاجران از جهان سنتی خود بیرون آمده اند اما هنوز با جهان جدید انس نگرفته اند و درگیر طی جریان اجتماعی شدن هستند، احساس حاشیه ای از بعد اجتماعی باعث می شود تا مهاجران مخصوصاً " جوانان احساس بی هویتی کنند در این موقعیت است که با تشکیل باندها و گروهها سعی در مخفی نگه داشتن ویژگی حاشیه ای خود دارند فرد مهاجر از اجتماع خود بریده و پا به دنیای جدید گذاشته و احساس می کند به پناهگاهی نیاز دارد تا این بیگانگی رادر خود حل کند پس به سوی افرادی می رود که در بحران از دست دادن ارزشهای بومی با وی همدردند و بدین صورت خرده فرهنگ زاغه ای شکل می گیرد این خرده فرهنگ زاغه ای از افرادی تشکیل می شود که کم و بیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباط آنان با یکدیگر ارزشها و گرایشهای جدیدی به وجود می آورند که در خیلی از موارد نسبت به فرهنگ برترحالت انحرافی و کجروانه (ضد ارزشی) دارند هر چند در این محلات عادی تلقی می شود.

۲-۲-۶ حاشیه نشینی سیاسی:

حاشیه نشینی از بعد سیاسی شامل مواردی است که افراد خارج نظام سلطه قرار بگیرند و این امر ناشی فقدان شرکت آنها در ساخت نهادهای نظام سیاسی است وقتی که فرد نه تنها خود قادر به شرکت در

نهادهای سیاسی نباشد بلکه احساس کند مسایل و مشکلات و خواسته های ایشان مورد توجه سیاستمداران جامعه نیست از نظر سیاسی احساس حاشیه ای بودن می کنند.

۲-۷ حاشیه نشینی اقتصادی :

تقریباً " همه اندیشمندان در بررسی حاشیه نشینی به این بعد توجه دارند و از جمله مواردی که نسبت به خصوصیات حاشیه نشینان مطرح می کنند عبارتند از مسکن غیر متعارف، عدم جذب در اقتصاد شهری، درآمد پایین ساکنان، بیکاری پنهان وسیع، گسترش مشاغل کاذب، مهارت کم، تحصیلات پایین و

۲-۳ دیدگاه ها و مبانی نظری :

رهیافت های نظری مرتبط با مطالعه حاشیه نشینی عبارتند از: دیدگاه های ساختارگرا، ره یافت لیبرالی، نگرش رادیکال، دیدگاه وابستگی، نگرش سیستمی، پارادایم اقتصاد سیاسی (صالحی امیری و خدائی، ۱۳۹۰) در دیدگاه ساختاری پیدایش حاشیه نشینی معلول الگوی کلان توسعه کشورهاست. در ره یافت لیبرالی حاشیه نشینی عمدتاً بر جنبه های اجتماعی، فیزیکی و اعتقادی پدیده استوار است. در ره یافت وابستگی ضمن نقد الگوی توسعه وابسته و برونزا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون در کشورهای در حال توسعه و به موازات آن رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می یابد و عدم تعادل های ساختاری جامعه شدت می یابد و برآیند عملکرد توسعه ای وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه های حاشیه نشین شهری است (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۴-۱۸۸). دیدگاه رادیکال حاشیه نشینی و پیدایش گروه های حاشیه ای و فقیر در جامعه های شهری کشورهای در حال توسعه را نشأت گرفته از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه می داند. براساس این دیدگاه در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ اجتناب ناپذیر است. ره یافت اقتصاد سیاسی به شهر که آثار دیوید هاروی و کاستلز در این دسته قرار می گیرند فضا و عدالت و توزیع منابع را با توجه به روش های اقتصاد سیاسی تحلیل می کنند. (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۹)

هدف از مطالعات مربوط به حاشیه نشینی، ممانعت یا کاستن از میزان حاشیه نشینی در آینده (پیشگیری) یا ساماندهی و ارتقای کالبدی و اجتماعی حاشیه های موجود است (درمان) (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۹). برخی هم از چهار ره یافت محافظه کار (تخریب حاشیه ها و ممانعت از شکل گیری)، لیبرال (رها کردن)، رادیکال (حل ریشه ای نابرابری) و رفرمیستی (اصلاح امور شهری) نام می برند. در یک تقسیم بندی دیگر هم از سه راه حل برای برخورد با این مسأله شهری یاد می کنند: راه حل اول، یعنی تاکتیک ورود ممنوع روشی بسیار

قدیمی است. در ایران پس از انقلاب با صدور کارت سکونت شهری چنین سیاستی اعمال شد، اما موثر واقع نشد. راه حل دوم، غفلت و چشم پوشی است. در این رهیافت وانمود می شود که مهاجرت و حاشیه نشینی مسئله نیستند اما متأسفانه عمومی ترین شیوه موجود است. نتیجه این امر تپه ها و زاغه هایی در اطراف شهرهای بزرگ است که ما با آن مواجه می شویم. پس از این که رشد شهر و حاشیه اتفاق افتاد و از وضعیت عادی خارج شد، آن گاه مورد توجه برنامه ریزان و مدیران افتاد. راه حل سوم، به رسمیت شناختن مسئله ای است که در حال اتفاق افتادن است و متناسب با آن تلاش برای پیشگیری و ساماندهی مسأله است. در قالب این راه حل به مهندسی اجتماعی، توانمندسازی، ارتقای دسترسی به خدمات اجتماعی و تحقق استراتژی توسعه پایدار درون زای شهری توجه می شود. البته هدف تشویق مهاجرت یا حاشیه نشینی نیست بلکه برخورد عقلانی با پدیده ای است که دارد اتفاق می افتد. بنابراین از نظر نوع برخورد دیدگاه های مرتبط با حاشیه نشینی و سکونتگاه های خودرو در سه دسته کلی "مسأله گرا"^۱، "بنیادگرا"^۲، "هدف گرا"^۳ یا "راه حل گرا"^۴ قرار می گیرند (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۹ و ۲۰). به طور کلی دیدگاه های عمده در برخورد با حاشیه نشینی به قرار زیر می باش

۲-۴ چهارچوب نظری تحقیق:

تحقیق حاضر، نظریات اندیشمندان در ارتباط با سکونتگاه های غیر رسمی از دو بعد خارجی و داخلی مورد مطالعه قرار داده است.

۲-۴-۱ اندیشمندان خارجی:

۲-۴-۱-۱. پل میدوز:

پل میدوز، مهاجرت را عامل اصلی حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه می داند و معتقد است که «در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ دارای مناطق حاشیه نشین می باشند. این شهرها با سیل عظیم مهاجرین روستایی روبرو هستند و شهر به عنوان یک متوقف کننده در مورد آنها عمل می نمایند. بعضی از مهاجرین خوشبخت، می توانند از دروازه طلایی شهر عبور کرده و خود را با شهر تطبیق دهند اما بعضی از آنها نمی توانند با شهر سازگاری داشته باشند و در نتیجه پشت دروازه شهر تشکیل مناطق حاشیه نشین را می دهند. تعداد افراد، در حاشیه ها و خصوصیات آنها متفاوت است. اندازه آنها بستگی به حجم مهاجرین و

¹Problem-oriented

²Fundamentalist

³Goal-oriented

⁴Solution-oriented

محیط آنها دارد. فرهنگ و وضع حاشیه نشینان با افراد شهری تفاوت دارد امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه، یورش حرکت جمعیت از روستا به شهر را تجربه می کنند عدم توازن و نابرابری سطح زندگی در روستا و شهر، خود باعث حاشیه نشینی می شود. مهاجرت روستائیان به شهرها، پس از مدتی، شهرها اشباع می کند و سازمان ها و مسئولین کنترل کننده شهری نیز از پذیرایی آنها عاجز می مانند و تعدادی از روستائیان خود را با محیط وفق نداده و جذب حاشیه شهرها می شوند (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۶)

در این نظریه اگرچه به مسائل اقتصادی، فرهنگی اجتماعی حاشیه نشینی اشاره شده است اما جایگاه عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در به وجود آمدن مساله حاشیه نشینی روشن نبوده و اتکا اصلی آن بر مهاجرت است.

۲-۴-۱-۲. کلودگرون:

کلودگرون معتقد است که: نوسازی هایی که در شهرها انجام می شود، موجب بروز زاغه های جدید می شود. به نظر او، با نوسازی محل زاغه های قدیمی، در خواست صاحبخانه برای اجاره بهای بیشتر افزایش می یابد و اجاره بها برای خانه های فقیر نشین شهر، بیشتر می شود. با افزایش اجاره بها، ساکنین خانه های فقیر نشین قادر به پرداخت آن نبوده و به زاغه نشینی روی می آورند. به عقیده او، با رشد اقتصادی، اشتغال کامل و کاهش تبعیض نژادی در گزینش کارکنان، در آمد افراد فقیر افزایش یافته و ازاین طریق، وضع مسکن آنها نیز بهبود خواهد یافت.

تبعیض نژادی که در نظریه بالا به آن اشاره مختصری شده است از عوامل مهم فقر و حاشیه نشینی به ویژه در کشور آمریکا به شمار می آید. (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۷)

۲-۴-۱-۳. مایکل تو دارو:

مایکل تو دارو مهاجرت یافته از روستا به شهر را با بیکاری رو به تزاید در مناطق روستایی توضیح می دهد. فرضیه نمادین وی این است که مهاجرت عمدتاً پدیده ای اقتصادی است و با وجود بیکاری در مناطق روستایی مهاجرت امری منطقی است. چهار ویژگی اصلی برای نظریه تو دارو عبارتند از:

الف) انگیزه مهاجرت بر اساس ملاحظات عقلانی، اقتصادی، سود و هزینه نسبی است و اگرچه عمدتاً مالی است، در ضمن روانی هم به شمار می رود.

ب) تصمیم به مهاجرت بستگی به تفاوت‌های مورد انتظار بین مزدهای واقعی در شهر و روستا دارد و نه تفاوت‌های واقعی بین آنها. تفاوت‌های مورد انتظار به وسیله کنش متقابل دو متغیر، یعنی تفاوت‌های واقعی بین مزدهای شهری و روستایی و احتمال کسب موفقیت آمیز شغل در بخش شهری تعیین می‌شود.

ج) احتمال بدست آوردن شغل در شهر ارتباط معکوس با میزان بیکاری شهری دارد.

د) در صورت وجود اختلاف زیاد بین درآمدهای مورد انتظار در شهر و روستا، مهاجرت مازاد بر امکانات اشتغال شهری، نه تنها ممکن، بلکه منطقی است. (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۷)

۲-۴-۱. راونشتین:

راونشتین^۱ معتقد است علت حاشیه نشینی را می‌بایستی در میان جذابیت‌های مناطق شهری و ۰ دافعه‌ها و عوامل بازدارنده محیط‌های روستایی جستجو نمود. حاشیه نشینان به علت عدم برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزش و تحصیلی از مهمتر از همه جهت برخورداری از کار و اشتغال ناگزیر از مهاجرت به شهرها می‌شوند. البته راونشتین معتقد است که این مهاجرت روندی مرحله‌ای داشته و روستائیان ابتدا تمایل دارند به شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند، مهاجرت نمایند.

به زعم راونشتین با گسترش تکنولوژی ارتباطات و تسهیل فرایند جابجایی روند مهاجرت رو به ازدیاد خواهد گذاشت. از نظر راونشتین وجود قوانین ظالمانه و نامناسب و روزمره، مالیتهای سنگین، آب و هوا و اقلیم نامناسب و محیط‌های اجتماعی نامطلوب، تماما در ایجاد جریان‌های مهاجرت تأثیرگذار خواهند بود. (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۷)

۲-۴-۵. مارشال کلینارد:

مارشال کلینارد معتقد است که «حاشیه نشینی بر اثر رشد شهرها حاصل می‌آید به این صورت که در مراحل اولیه رشد، مرکز شهرها، محل سکونت افراد طبقه بالاست ولی کم‌کم با گسترش مناطق تجاری و صنعتی در این محل، آنهایی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج حرکت کرده و دور از مرکز شهر زندگی می‌کنند. کارگران و گروه‌های فقیر و کم‌درآمد به این منطقه مرکزی می‌آیند و ساکن آن می‌شوند از آنجا که مالکان، اجازه کمی جهت تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌کنند، این مناطق شلوغ و خراب شده و به زاغه‌ها تبدیل می‌شوند».

^۱Ravnshtyn

همانطور که مشخص است کلینارد در جهت تبیین عوامل موثر بر حاشیه نشینی بیشتر به تقسیم فضاهای شهری توجه دارد. (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۷)

۲-۴-۲ اندیشمندان داخلی:

۲-۴-۲-۱ سیف اله سیف الهی:

دکتر سیف اله سیف الهی از محققان و جامعه شناسان در حوزه مسائل مهاجرت و حاشیه نشینی است. وی بخشی از کتاب اقتصاد سیاسی خود را به بررسی این موضوع اختصاص داده است. سیف الهی در پاسخ به این سوال اساسی که چرا روستایی ها به شهر می آیند، مهاجرت را هم عصر پیدایش انسان و زندگی اجتماعی وی می داند و مهاجرت را تکاپوی تاریخی انسان برای رفع نیازها و تداوم حیات خود می داند. وی بیان می دارد: «مهاجرت همراه با پیدایش انسان و زندگی اجتماعی پدید آمده، گسترش یافته و آثار مطلوب و نامطلوب خود را بر روی محیط زیست و اجتماعات انسانی و اجتماعات انسانی بر جای گذاشته است. در واقع انسان برای رفع نیازها و تداوم حیات خود، به تلاش شبانه روزی دست زده است» وی معتقد است علل و عوامل مهاجرت در گذشته و حال (بعد از انقلاب صنعتی) تغییر کرده است. اگر در گذشته تغییرات آب و هوا، اختلافات قومی و قبیله ای، ماجراجوییها و سلطه گری های قبایل عامل مهاجرت بوده است امروزه توسعه ناهماهنگ در طول چند دهه اخیر در کشورهای پیرامون، تاثیر مهمی بر گسترش روند مهاجرت ها داشته. سیف الهی در تبیین علل و عوامل تحرکات مکانی و اجتماعی و تشکیل مناطق حاشیه نشین به دو دسته عوامل دفع کننده روستایی و عوامل جذب کننده شهری اشاره می کند و عواملی چون بیکاری پنهان، شرایط نامساعد اقتصادی-اجتماعی، محدودیت زمین، عدم دسترسی به مشاغل معتبر، متکی بودن بر کشاورزی، سیاست های توزیع عادلانه و سرمایه گذاری های منطقه ای و ... را بر می شمرد.

وی معتقد است علاوه بر عوامل دفع کننده روستایی و عوامل جذب کننده شهری باید عوامل ویرانگر اقتصاد و نظام اجتماعی کشورهای پیرامون و در نتیجه تسلط اقتصاد جهانی را از عوامل موثر بر مهاجرت در کشورهای پیرامون دانست. سیف الهی با بیان اثرات غیر قابل جبران مهاجرت های روستایی که غالبا منجر به حاشیه نشینی در شهرها می گردد از قبیل اثرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی آنها را در سه طیف عمده طبقه بندی می کند که عبارتند از:

الف) تاثیر مهاجرت های روستایی به مناطق شهری بر روی خود مهاجران.

ب) پیامدهای مهاجرت روستایی به مناطق شهری بر روستاها.

ج) پیامدهای مهاجرت های روستایی بر مناطق شهری (سیف اللهی، ۱۳۸۱: ۳۲)

۲-۴-۲ سعید زاهد زاهدانی:

از نظر زاهدانی: «حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می کنند و جذب نظام اجتماعی-اقتصادی شهر نشده اند» (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۶) زاهدانی معتقد است: «که سکونت در مناطق حاشیه نشین با دیگر انواع سکونت در شهر و روستا و ایل متفاوت است و علت این تفاوت، وجود نابرابری در دسترسی به امکانات موجود در جامعه م باشد لذا انواع شیوه های سکونت، با توجه به امکاناتی که در اختیار افراد مختلف قرار گرفته است، شکل می گیرد» (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷)

وی همچنین معتقد است که علت نابرابری در توزیع امکانات در سطح جامعه که باعث بروز اختلاف در نحوه سکونت حاشیه نشینان با دیگر انواع سکونت شده است، به تقسیم فنی یا تکنیکی مسلط بر کل جامعه باز می گردد. تکنولوژی حاکم بر جامعه، امکانات موجود را به گونه ای توزیع کرده است که عده ای قادر به سکونت در شهر، عده ای در روستا و عده ای در زاغه ها شده اند. لذا اگر، در تکنولوژی حاکم بر جامعه، ویژگی نابرابری وجود داشته باشد، امکانات به طور نابرابری توزیع می شوند و در نتیجه شیوه های سکونتی افراد مختلف جامعه با یکدیگر تفاوت می یابد. از این رو می توان نتیجه گرفت که حاشیه نشینی معلول وجود ویژگی نابرابری در سیستم تکنولوژی حاکم بر جامعه است.

جدول (۱-۲): نظریات اندیشمندان استفاده شده در تکمیل تحقیق (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷)

نام	خارجی-داخلی	ارتباط
پل میدوز	خارجی	بررسی مهاجرت به عنوان یکی از مهمترین عوامل تشکیل و توسعه اسکانهای غیر رسمی که در مورد نمونه مورد بررسی این تحقیق هم صدق می کند و بررسی شده است.
مارشال کلینارد	خارجی	در بخش مبانی نظری و ارائه بعضی از راهکارها موثر بوده است.
کلودگرون	خارجی	در راهکارهای این تحقیق کاملاً تاثیرگذار بود که هماهنگی با توانمند سازی کالبدی به ارائه راهکارهایی در جهت توانمندسازی اقتصادی نیز پرداخته شد تا از عهده اجاره بها برآیند و زاغه های جدید تشکیل نشود.
راونشتین	خارجی	در شناسایی علت مهاجرت از روستا به شهر مورد استفاده قرار گرفته است که مفید هم بوده است.
مایکل تو دارو	خارجی	مهاجرت عمدتاً پدیده ای اقتصادی است و با وجود بیکاری در مناطق روستایی مهاجرت امری منطقی است. در بخش مبانی نظری و ارائه بعضی از راهکارها

سیف اله سیف اللهمی	داخلی	یکی از اهداف تحقیق با توجه به نظریات دکتر سیف اللهمی در جهت بررسی تاثیر اسکان غیر رسمی به شهر کرمان انتخاب گردید.	موثر بوده است.
سعید زاهد زاهدانی	داخلی	در ارائه راهکارها و سیاستها در جهت اعمال عدالت اقتصادی و اجتماعی موثر است.	

۲-۴-۳ نگرش اقتصادی و اجتماعی به مساله حاشیه نشینی:

۱. مهاجرین روستایی که به شهرهای بزرگ وارد می شوند به عنوان یک منبع مالی شناخته می شوند و در جهت توسعه اقتصادی ناحیه مورد قبول واقع گردند.

۲. به توانایی و ظرفیت اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی شهرها بیش از مسئله افزایش جمعیت شهری تاکید گردد و مسئله حاشیه نشینی تنها از زاویه افزایش جمعیت شهرها مورد توجه قرار نگیرد.

۳. کوشش شود که تازه واردین به شهرها در اقتصاد شهری جذب شوند. این حالت بیش از جدایی گزینی مهاجرین روستایی از سایر طبقات، به نفع جامعه شهری خواهد بود چرا که این عده در آینده در سرنوشت شهر نقش هایی به عهده می گیرند.

۴. سعی شود که مهاجرین با یک طرح از پیش تعیین شده به منطقه معینی از شهر وارد شوند. شکل گیری مناطق حاشیه نشین نیز از روی طرح و نقشه صورت گیرد. چنین طرحی می تواند توسعه شهری را در مسیرهای سنجیده و منطقی قرار دهد. (افضلی، ۱۳۸۴)

۵. ۳/۴ درصد حاشیه نشینان شهری از حوزه های روستایی می آیند. این عده که از جامعه سنتی کشاورزی بدون برخورد و آشنایی با فرهنگ شهری، به یک جامعه شهری صنعتی وارد می شوند بیش از شرایط فیزیکی منطقه حاشیه نشین، به آگاهی های فرهنگی و اجتماعی نیاز دارند.

۶. انتقال حاشیه نشینان به نقاط دیگر به هیچ وجه به صرفه اقتصادی نیست.

۷. در نوسازی و عمران مناطق حاشیه نشین نباید از معیارهای مناطق شهری تبعیت نماییم بلکه با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی منطقه از معیارهای ویژه ای بهره گیریم.

۸. در جوامعی که به سرعت شهرنشین می شوند بهتر است که مسیرهای تازه مهاجرتی به وجود آید و در استانها، همه شهرهای بیش از صد هزار نفری، امکان یابند که به صورت مترو پلینت های ناحیه ای در آیند.

۹. در کشورهای در حال توسعه، متروپلیتن ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی نقش تعیین کننده ای دارند. از این رو نقش یابی شهرهای بیش از صد هزار نفری به نفع کشورهای در حال توسعه است.

۱۰. در جهت حل مسائل حاشیه نشینی، نمی توان تنها به یک راه حل توسل جست و یا از الگوی معینی مدد گرفت. در این راه لازم است که شرایط ناحیه ای و محلی بیش از همه مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد (صرافی، ۱۳۸۱: ۴۴).

۲-۴-۴ تبعات حاشیه نشینی و معضلات ملی:

حاشیه نشینی در ایران بر اساس دلایل بیشماری اکنون یک معضل ملی محسوب می شود که با ادامه روند فعلی بی شک به یک فاجعه ملی منجر خواهد شد. ابعاد معضلاتی که حاشیه نشینی باعث نشو و نمای آنها شده است، بسیار فراتر از عدم هماهنگی در بافت فیزیکی شهرها است.

حاشیه نشینان که اغلب متشکل از مهاجران روستایی هستند که از روستا به شهر روی آورده اند عمدتاً حامل خصلت های اجتماعی هستند که با خصایص جامعه شهری سنخیتی ندارد آسیب های اجتماعی و سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه نشینان اختصاص یافته است، به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل شدن به یک شناخت جامع از حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه، یک نوع انحرافات نهادینه شده در کنش بسیاری از آنها به چشم می خورد، قاچاق مواد مخدر و جنایت های مبتنی بر هیچ انگاری ارزش های جامعه از موارد قابل ذکر هستند (آقا بخشی، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

۲-۴-۵ علل پیدایش حاشیه نشینی:

آغاز شهر گرایی به شیوه نوین در ایران را باید از سنوات اخیر (چیزی در حدود ۱۳۰۰ هـ ش) به حساب آورد این روند تا سال ۱۳۵۷ را می توان به دو دوره تقسیم کرد. دوره اول از سال ۱۳۰۰ شروع و به اجرای قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰ ختم می شود در این دوره نرخ رشد سالیانه شهرنشینی در ایران متوسط ۲/۶۵ درصد بوده است. در دوره دوم شهرنشینی که از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۷۵ را در می گیرد نرخ رشد سالیانه به طور متوسط ۴/۴۲ درصد بوده است. حرکت به سوی جامعه شهری و توسعه شهرنشینی دو مسئله را همراه داشته است اول ایجاد شهرهای جدید دوم گسترش سریع برخی از آن ها (رئیس دانا، ۱۳۸۰:

۱۳ - ۱۱)

در یک مفهوم عام و کلی شهرهای جدید ایران از سه طریق بوجود آمدند:

۱. افزایش جمعیت نقاط روستایی به بیش از ۵ هزار نفر (طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی حد نصاب تبدیل به شهر ۴۰۰ هزار نفر تعیین گردیده)

۲. مراکز بخش ها که طبق قانون باید در آنجا شهرداری تأسیس شود.

۳. احداث مستقیم و برنامه ریزی شده

در کشور ما توسعه نابرابر یکی از مشخصه های اصلی است که می توان از آن به عنوان مانعی بزرگ برای شهر خود پایدار از آن یاد کرد به طوری که در اکثر شهرها یک یا چند مانع رشد برای شهرهای کوچک تر و روستاها وجود دارند به گونه ای که بیشتر نیروها در این مناطق دیده می شوند و کمال مطلوب تر این است که یک شهر خودکفا، دارای نسبت ثابتی از اشتغال صنایع پایدار و اشتغال غیر ملی باشد. استعمار و استثمار دولت های بیگانه و بی کفایتی سلاطین علی الخصوص در عصر قاجار و فقر فرهنگی و سواد و تغییر ناگهانی سیستم اقتصادی سنتی به یک اقتصاد مدرن، تک محصولی بودن صنعت کشور، واردات بی حساب و سرانجام همسو و همگان نبودن معیارهای شهرگرایی و صنعتی شدن و تقلید و مدل سازی از کشورهای اروپایی برای زندگی شهر نشینی همه از عواملی است که سبب شد شهرگرایی در ایران به صورت ناموزون و با شکلی ناهنجار صورت گیرد. عدم توزیع درآمدهای ملی و نقض معیارهای عدالت اجتماعی و نبود دسترسی یکسان و برابر به امکانات شغلی و رفاهی سبب اختلافات طبقاتی میان اقشار جامعه شهری، نداشتن سیاست های درست از جانب دولت و مهار نکردن این بحران شاهد تفاوت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی میان روستاها و یا در شهرها هستیم بطوری که وقتی پا در یک روستا می گذاریم گویی در یک کشور متفاوت با فرهنگ و ملتی متفاوت هستیم. اما پس از جنگ تحمیلی، رشد سریع جمعیت و به دنبال آن توسعه و گسترش شهرها و نیاز به ایجاد شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مناسب برای شهروندان و همچنین نسل های آینده را به عنوان مسئله ملی در آورده است (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۲۱)

در چند دهه اخیر شهرهای کشورهای در حال توسعه در معرض گسترش مهاجرت های روستایی به شهر بوده اند که تحت تاثیر گزار از اقتصاد کشاورزی به اقتصادی شهری و کاهش امکان اشتغال در نقاط روستایی با هدف دستیابی به فرصت های مطلوب تر اقتصادی، اجتماعی بوده است که اغلب این گونه افراد در بافت ها و سکونتگاههای غیر رسمی شهرها مستقر شده اند، زاغه نشینی، حاشیه نشینی، اسکان غیر رسمی، اسکان خودرو، اسکان ناهنجار و یا هر عنوان دیگر که برای این پدیده گذاشته شود به هر صورت نوعی الگوی سکونت برای گروهایی از جامعه فقیر و فرو دست شهرنشین است. در کشور ایران نیز پدیده اسکان غیر رسمی به طور مشهوری از دهه ۱۳۴۰ به بعد که رشد شهرنشینی در اوج خود بوده نمایان گردید

و شهرهای کشور را با مشکل جدی روبرو نموده و همواره میزان آن در حال افزایش است طبق برخی برآوردها میزان آن در حال افزایش است و طبق برخی برآوردها در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون حاشیه نشین در ایران وجود دارد (افتخاری راد، ۱۳۸۲: ۶۱)

در این میان همانگونه که تحقیقات جمعیت شناسی و جامعه شناسی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران نیز نشان می دهد به لحاظ جغرافیایی بیشترین سهم جمعیت اسکان غیررسمی در تهران و دیگر کلانشهرها ایران اسکان یافته اند که عمدتاً از جمعیت مهاجر تشکیل شده اند (سیف الدینی، ۱۳۷۸: ۸۴). شکل گیری محدوده های اسکان غیرقانونی و ناهنجار به عنوان یکی از پیامدهای گسیختگی فضائی عملکردی بویژه در کشور ما را می توان برآیندی از مجموعه عوامل ذیل دانست:

۱. رشد شتابان جمعیت و جمعیت پذیری محدوده های پیرامونی و ضعف نظام های اقتصادی و مدیریت شهری برای کنترل و هدایت این رد فضائی متناسب.

۲. نظام اقتصاد شهری و منطقه ای دو گانه و اتکای آن بر اقتصاد غیر رسمی گسیخته و ضرورت حیات غیر رسمی که بروز کالبدی آن به شکل محدوده های متمرکز روی اسکان غیر رسمی ظاهر می شود.

۳. قطعه بندی بزرگ زمین که موجب افزایش قیمت زمین می شود به طوری که اقشار کم درآمد استطاعت خرید آن را ندارند.

۴. سهولت ضوابط پرداخت وام و اعتبار مسکن و پایین بودن مبلغ وام پرداختی با توجه به قیمت آپارتمان و همچنین اطمینان خانوارهای کم درآمد از قدرت بازپرداخت اقساط بلند مدت پس از اخذ وام به دلیل عدم توانایی خرید در کلان شهر رو به مناطق حاشیه می آورند.

۵. افزایش فقر درون شهری یکی دیگر از عوامل موثر در حاشیه نشینی است به گونه ای که امروزه فرهنگ فقر در کلان شهرها به عنوان یک پدیده سبب بسیاری از آسیب اجتماعی است.

۶. اگر شهرها به صورت مناسب منطقه بندی شوند و بدون دلیل و بی برنامه توسعه نیابند زمینه برای ساخت و ساز غیر مجاز فراهم نمی شود و محلات زاغه نشین بوجود نخواهد آمد. (شیخی، ۱۳۸۲: ۲۰۶)

۲-۴-۶ تاریخچه و مبنای پیدایش حاشیه نشینی:

همه شهرهای جهان خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به نوعی با مشکلات ناشی از حاشیه نشینی وزاغه نشینی مواجه هستند. فریدریش انگلس یکصد سال پیش در انگلستان به محلات زاغه ای اشاره می

کند وجود آنها را ناشی از انقلاب صنعتی می داند و نقش مسئولان دولتی را در احداث مسکن و ارائه مقرراتی برای کنترل خانه سازی و ارائه قوانین مربوط به طراحی تصدیق می نماید. این مناطق همان مناطق زاغه ای هستند که همه کشورها در صدد رهایی از آن هستند. سکونتگاه غیر قانونی «عدوانی» از مدت زمان طولانی وجود داشته است ولی با مفهوم متفاوت با امروز در واقع این گونه سکونتگاهها غیر قانونی نبوده اند. سکونتگاه غیر قانونی^۱ اصطلاحی است که اخیراً بوسیله غربیها با کاررشته‌های استوارترین بار در نوشته‌های چارلز ابرام^۲ و جان تورنز^۳ و به ویژه پس از کنفرانس مسکن و انکور کانادا در سال ۱۹۷۶ رایج گردید. این تصور جدید باعث می شود که روشهای مقابله ای و دشمن جویانه نسبت به آن با روشهای حمایت از آنها تغییر کند. در شکل دادن به یک سکونتگاه غیر رسمی به دو مرحله مشخص می توان اشاره کرد مرحله اول اشاره به نیروها و فشارهایی دارد که درون سکونتگاه آغاز می شود و آنها بدون کمک از منابع خارجی و با استفاده از منابع داخلی خانواده برای توسعه سکونتگاه استفاده می کنند مانند نیروی کارگر و مواد قابل دسترسی محلی مرحله دوم اشاره به سازمانهای دولتی و غیر دولتی دارد که به صورت خارجی به روی شکل سکونتگاه اثر می گذارد این دو مرحله توانان در رشد سکونتگاه غیر رسمی تاثیر دارد (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۴: ۳۱).

شکل گیری و توسعه سکونتگاههای غیرقانونی تابعی از عوامل داخلی و خارج است. از عوامل داخلی میتوان به مواردی مانند فقدان عایدی تضمین شده و دیگر مسائل مادی شغل‌های روزمزد بادمزد کم که در بسیاری موارد موقت و نیمه دائم است اشاره نمود و دلایل خارجی مواردی مانند قیمت بالای زمین و مسکن بی توجهی دولت نسبت به رسیدگی به وضعیت این مناطق استانیادهای بالای مسکن قابل قبول این نامه ها ضوابط و مقررات طرحهای پیچیده مجوزها تصویب قوانین منطقه ای موانع و مشکلات نهادی و سازمانی را شامل میشود.

به طور کلی رشد سکونتگاه غیرقانونی و نامنظم و شکلگیری مناطق حاشیه نشین شهری به دلیل حذف اقشار فقیر کم درآمد از نظام برنامه ریزی و سیاست گذاریها بوده است. بنابراین خانواده های کم درآمد بر روی قطعات زمین خالی از سکنه به صورت غیررسمی و با سامان اسکان میگزینند. گروه اولیه تصرف کنندگان غیرمجاز که تعداد کمی هستند شبانه خانه های ابتدایی و موقت خود را بر روی این زمینها بنا میکنند و سپس با توجه به میزان تهدد از اخراج انرا بهبود بخشیده و به صورت یک مسکن دائم در می آورند و خانواده های بیشتری نیز به آنها میپیوندند. (هادی زاده، ۱۳۸۲: ۳۰)

^۱ Illegal settlements

^۲ Charles Abram

^۳ John Tvrnz

سازمان‌های بین‌المللی در برآوردهای خود اعلام کرده‌اند که بیش از یک میلیارد نفر از مردم یعنی در حدود ۳۲ درصد جوامع شهرنشینی در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. حاشیه‌نشینی گسترده امروزی در جهان از دهه ۹۰ میلادی شروع به رشد کرده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۲ میلیارد نفر افزایش پیدا کند. از سوی دیگر، حاشیه‌نشینی امروزه ریشه در قرن شانزدهم میلادی دارد. هجوم شتاب‌آلود فقرای جویای شغل مهاجر به لندن و ایجاد نیاز گسترده به سرپناه، ساخت‌وساز غیرقابل کنترل مسکن محقر منجر به تشکیل محلات پرجمعیت فقیرنشین در مرکز شهر شد. با تداوم مهاجرت‌ها، فضاهای فیزیکی قبلی، مجدداً بین افراد تقسیم و منجر به شکل‌گیری محلات شلوغ و کثیف شد. در این وضعیت نابسامان، حضور متراکم مردم، فقر غیرقابل اجتناب و ناامیدی جمعیت هم باعث به هم ریختگی طبقات اجتماعی گردید. برآورد‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که معمولاً سطح فقر شهرنشین‌ها کمتر از سطح روستایی استولی میزان رشد فقر در جوامع شهری خیلی بالاتر از روستاهاست.

بر اساس آمار ۲۰۰۳ The challenge of slums، در حالی که ۴۷٫۷ درصد از جمعیت جهان شهرنشین بوده است، ۳۱٫۶ درصد از این جمعیت شهرنشین، به شکل حاشیه‌نشینی زندگی می‌کرده‌اند. در آن زمان وضعیت حاشیه‌نشینی در کشورهای توسعه یافته و اروپایی، خود را به نوعی مهار شده نشان می‌داد چراکه تنها ۶ درصد از جمعیت شهرنشین این کشورها حاشیه‌نشین بودند. اما مناطق در حال توسعه و آسیا آمار نگران‌کننده‌ای از حاشیه‌نشینی را داشتند؛ به گونه‌ای که به طور میانگین حدود ۴۰ درصد جمعیت شهرنشین آنها از مرکز رانده شده بودند که البته این وضعیت در قسمت جنوب-مرکزی آسیا که ۶۰ درصد جمعیت شهری اش حاشیه‌نشین بودند، اسف‌بارتر از دیگر نقاط بود. امروزه برآورد می‌شود که بیش از یک سوم جمعیت شهرنشین جهان به سکونت گاه مناسب، آب سالم و محیط متناسب دسترسی ندارند. این پدیده قبلاً (طی قرون ۱۹-۱۷) در قسمت‌هایی از کشورهای توسعه یافته امروزی البته با مقیاس کوچکتر و با رشد به مراتب کمتر تجربه شده بود. مهمترین دلایل بحرانی نشدن حاشیه‌نشینی و مدیریت مطلوب موضوع در کشورهای توسعه یافته، استفاده مناسب از تکنولوژی، ثروت به مراتب زیاد و بهبود نگرش‌های اجتماعی بود ولی این موضوع در کشورهای در حال توسعه دلیل فقدان برنامه ریزی شهری و رشد شتاب‌آلود نابرابری و فقر در اثر سیاست‌های نادرست دولت‌ها موضوع را به یک چالش جامعه بشری تبدیل کرده است. (اعتماد، ۱۳۸۱: ۱۹۰)

سابقه حاشیه‌نشینی در ایران مدرن به سالهای ۱۳۰۰ باز می‌گردد، پدیده حاشیه‌نشینی که از نیمه قرن ۱۹ توسعه یافته بود، در سال‌های اخیر به بیشترین حد خود رسیده است. پایین بودن درآمد در روستاها و نبودن فرصت‌های شغلی در جریان حرکت روستاییان به شهرها و کمبود مسکن روزه روز نمایان‌تر شده و تعداد جمعیت حاشیه‌نشینان افزایش یافته است. بنابراین، به دلیل گرانی غیرمتعارف زمین شهری در کلان‌شهرها به خصوص تهران هیچ راهی جز ظهور قارچ‌گونه و شتابان حاشیه‌نشینی شهری باقی نمی‌ماند.

از سویی دیگر، جمعیت کشور ایران به عنوان شانزدهمین کشور پرجمعیت جهان طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰، ۲/۲۳ برابر افزایش یافته است. رشد جمعیت شهری کشور طی همین مدت بیش از ۵ برابر بوده است. طیسال‌های گذشته به جز در شهرهای بزرگ کشور، تنها در استان تهران پدیده جدیدی بروز کرده که تقریباً غیرمتعارف است و آن افزایش جمعیت حاشیه‌نشینی استان تهران است.

در خوش‌بینانه‌ترین برآوردها از کل جمعیت حاشیه‌نشین در جهان، حدود ۱۰ میلیون نفر آن در کشورما زندگی می‌کنند. این افراد تاکنون در ۷۰۰ سکونتگاه غیررسمی در کشور شناسایی شده‌اند. براساس سرشماری صورت گرفته توسط مراکز بهداشت دانشگاه/دانشکده‌های علوم پزشکی کشور، جمعیت ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، کل جمعیت حاشیه‌شهرها و ساکنین شهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ برابر با ۱۵ میلیون و ۲۱۲ هزار و ۲۲۶ نفر است که ۴۹۳۱۹۵۶ نفر آن مربوط به جمعیت شهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر و ۱۰۲۸۰۲۷۰ نفر نیز ناظر بر جمعیت حاشیه‌شهر یا سکونتگاه غیررسمی است. (اعتماد، ۱۳۸۱: ۱۹۲)

۲-۴-۶-۳ حاشیه‌نشینی شهری قبل از انقلاب:

مطالعات کارشناسان مسائل شهری نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۲۰ اقتصاد شهر و روستا به طور نسبی توازن داشت. شروع حرکت‌های مهاجرتی و آغاز توسعه شهرنشینی ایران با سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ مقارن بود (اعتماد، ۱۳۸۱: ۱۹۲). تشکیل ارتش، عملیات نظامی در سرکوب خوانین بزرگ، برقراری امنیت در خیابانها، خطوط راه آهن، ایجاد تونل و راه‌های شوسه و ... تمام عواملی بود که سبب آسان شدن مسافرت و راحتی در حمل و نقل و به دنبال آن نرخ مهاجرت و حرکت روستائیان به شهرها بود به گونه‌ای که حرکت روستائیان از ۸٪ در سال ۱۳۰۰ به ۱۴٪ در سال ۱۳۲۰ رسید اما با روی کار آمدن دولت مصدق شاهد سیر نزولی مهاجرت آن هم به دلیل ملی شدن صنعت نفت و کاستن بهره مالکانه و اختصاص ۲ درصد از درآمد مالکان به عمران روستایی هستیم این اقدامات سبب شد تا افزایش نرخ مهاجرت روستایی در سال ۱۳۲۰

متوقف شده و در سال ۱۳۳۵ علیرغم افزوده شدن یک رقم ۶ میلیونی به جمعیت کشور نه تنها افزایش نشان نداد بلکه ۵٪ کاهش یافته است (هارودی، ۱۳۷۶) با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و مشکلات سیاسی آن روز و روی کار آمدن محمد رضا شاه آن هم با چهره ای متفاوت ما در برهه ای از زمان مملکت شاهد رکود اقتصادی شدید به دلیل ورود کالاهای خارجی، رونق شهرها، فراهم کردن وسایل معیشتی، افزایش نسبی جمعیت و شدت مهاجرت بود. شهر گرایی مردم و روستائیان به حدی رسیده بود که در سال ۱۳۴۱ نرخ مهاجرت روستایی ۱۰/۵۲٪ رشد نشان داد که نسبت به ۵ سال قبل ۱۰ برابر شده است. بنا به یک گزارش در مورد جمع بندی وضع موجود، حاشیه نشینی در ایران ۸۰٪ ساکنین این مناطق که اکثراً در اطراف تهران تجمع کرده اند و خانه ای از حلب قوطی، حصیر و موارد مشابه دارند که از مناطق بندرعباس، اهواز، کرمانشاه، همدان، لرستان، کردستان هجوم آورده اند و ۶۳ درصد از آنها دهقان که ۳۲ درصد آنها به دلیل کمبود آب برای کشاورزی کوچ کرده اند و ۱۸/۴ درصد خرده مالکانی بودند که زمین های خود را اجاره داده اند و به تهران آمده اند و ۱۰/۷ درصد از ظلم مالکان فرار کرده اند. مهاجرت های روستایی در ده های ۴۰ تا ۳۰ الزاماً به شهرها نبود و کشاورزان از روستایی به روستای دیگر سفر و با همیاری و مشارکت کشاورزان محلی دیگر کار می کردند و از سویی مهاجرت فصلی و موقت بود نه دائمی در طی سالهای ۵۰ - ۱۳۴۵ مهاجرت بی رویه و شتابان از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ بیشتر شد و از این پس بود که مشکل حاشیه نشینی شهری به عنوان یک مسئله اجتماعی نمایان شد و هنوز ادامه دارد (افتخاری راد، ۱۳۸۰: ۵۰).

۲-۴-۶-۴ حاشیه نشینی در دوران بعد از انقلاب:

در سال ۱۳۵۹ جمعیت ایران به ۳۷۷۰۰۰۰۰ نفر بالغ گردید و نرخ مهاجرت روستایی نیز همگام با آن ۱٪ افزایش یافت جنگ بعنوان یکی از مهمترین عوامل مهاجرتی برای ساکنین جنوب و غرب کشور، هجوم آنها به مناطق مرکزی و شرقی کشور به حساب می آمد با نگاهی به ساکنین مناطق حاشیه نشین در خواهیم یافت آنها مهاجرینی هستند که به خاطر اصطکاک و فرسودگی شیوه تولید دستیابی و بازده پایین تولیدات در اثر بی توجهی دولت و درگیر بودن آنها با مسائل مهم تری از بحران، به شهرها هجوم آورده اند. بعد از انقلاب بالا رفتن قیمت زمین، مصالح ساختمانی، وام های با بهره فراوان، اجاره های سنگین عواملی بود که اقشار کم درآمد جامعه که نسل دوم از مهاجرین روستایی بودند نتواند در شهرها ساکن باشند و به همین خاطر به حاشیه شهرها رفته و شاید در آینده (که هیچ گاه نمی آید) بتوانند به متن برگردند. البته مهاجرت به خارج بعد از انقلاب تحت الشعاع دو جریان بزرگ قرار داشت که تابع اوضاع و احوال عصر خود بوده و در گسترش حاشیه نشینی و به تبع بالا رفتن میزان بزهکاری تاثیر داشت. کودتای مارکسیستی در افغانستان و

اشغال آن توسط شوروی سبب مهاجرت افغانها به داخل کشور که از تعداد مهاجران آمار درستی در دست نیست اما در سال ۱۹۸۸ یونسکو طی آماری که منتشر کرد تعداد کل پناهندگان که در ایران زندگی می کنند را ۲۸۳۰۰۰۰ نفر برآورد کرد که از این عدد ۲۳۵۰۰۰۰ نفر آن آوارگان افغانی و ۷۰۰۰۰ نفر از آن کردها و عراقی را تشکیل می دادند. در اواخر دهه ۶۰ که اقتصاد ما، اقتصاد جنگ بود، تولیدات پایین، بی کیفیت، عدم توازن عرضه و تقاضا افزایش نقدینگی، تورم، شغل های کاذب، ترس از سرمایه گذاری، عدم امید به ادامه حیات نظام و از همه مهم تر افزایش سریع جمعیت که طی ۷ سال بیش از ۲۰ میلیون به جمعیت ایران اضافه شد و در دهه های ۷۰ که دوران بعد از جنگ را تجربه کردیم حکومت تا حدودی به اوضاع مسلط شد و باید شاهد عمران و آبادانی شهرها و بازگشت مهاجران جنگ زده به شهرهایشان، اما این عمران و آبادانی با سرعت کمی صورت گرفته و نه تنها جنگ زده ها حاضر به بازگشت نبودند بلکه شهرها و روستاهای خود را محل زندگی نمی دانستند. در نیمه نخست دهه هشتاد هم هنوز برنامه های عمرانی و سیاست ها و راهکارهای مثبتی برای سر و شکل دادن به مناطق حاشیه نشینی صورت نگرفته است باید اذعان داشت که قبل از انقلاب با سیایت های غلط و نسنجیده دولت ها بستر و شرایط پدیده حاشیه نشینی را فراهم کردند و بعد از انقلاب به جای جلوگیری از ادامه و گسترش آن زمینه را برای توسعه پایدار آن فراهم کردند (افتخاری راد، ۱۳۸۰: ۵۲).

۲-۴-۵- میزان مهاجرت به شهرهای کشور در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵:

مهاجرت یکی از عوامل تغییر جمعیت در جوامع و سکونتگاههای انسانی است. این عامل در کنار زاد و ولد و مرگ و میر تعیین کننده تعداد جمعیت در هر سکونتگاه شهری یا روستایی است. اهمیت بررسی وضعیت مهاجرت در برنامه ریزی شهری آن چنان زیاد است که بدون توجه به آن پیش بینی ها و ترسیم وضعیت آتی شهرها به واقعیت نزدیک نخواهد شد. در پیش بینی جمعیت آتی شهرها از دو مؤلفه رشد طبیعی و غیرطبیعی استفاده می شود که مهاجرت عامل اصلی در رشد غیرطبیعی شهرهاست. سابقه مهاجرت های انسانی در اشکال مختلف به قدمت تاریخ حیات انسان در کره زمین است. مهاجرت اقوام آریایی از موطن اصلی خود به سمت هند، ایران و اروپا بزرگ ترین و مهاجرت یک خانوار روستایی یا شهری به مکان دیگری برای سکونت کوچک ترین نوع مهاجرت به شمار می آید. بنابراین تغییرات جمعیتی سکونتگاه های شهری و روستایی در سراسر جهان و ایران (در سطح ملی، منطقه ای و محلی) از پدیده مهاجرت تاثیر می پذیرد. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۵۶).

سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ و وضعیت مهاجرت به مقصد شهرهای کشور در طول ۱۰ سال قبل از آن، بر اساس داده های این سرشماری در طول ۱۰ سال منتهی به سال ۱۳۸۵ حدود ۱۲۱۴۸۱۴۸ نفر در کشور مهاجرت داشتند که حدود ۷۴ درصد آنها برابر ۸۹۹۹۷۱۰ نفر در شهرهای کشور و حدود ۲۶ درصد در نقاط روستایی کشور ساکن شدند این میزان در سال ۱۳۷۵ برای کل کشور ۸۷۱۸۷۷۰ نفر بود که ۷۰/۲ درصد در شهرها و ۲۹/۸ درصد به روستا مهاجرت کردند مقایسه داده های مربوط به دو دوره یاد شده نشان می دهد که در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵ تعداد مهاجران افزایش یافته و مهاجران وارد شده به شهرها بیشتر از روستاها بودند. در گروه مهاجران به شهرهای کشور سه سطح فضایی منطبق با تقسیمات کشوری قابل تفکیک است بر اساس تقسیمات کشوری، ۲۷ درصد مهاجران در درون شهرستان، ۲۷ درصد درون استان و ۴۲/۴ درصد درون کشور محل تولد خود جابه جا شدند بر اساس کل مهاجرانی که بین سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ از شهرها و روستاها درون کشور به نقاط شهری کشور مهاجرت کردند ۸۷۱۵۷۱۹ نفر بودند که ۹۶/۸ کل مهاجران وارد شده از مناطق داخلی کشور و خارج آن را تشکیل می دهند و مهاجرت بین استانی بیشترین بخش مهاجرت ها را تشکیل می دهند (کاظمی، ۱۳۸۸: ۵۶).

بر اساس داده های سرشماری ۱۳۸۵ حدود ۸۳۸۹۶۷۶ نفر از جمعیت شهری کشور مهاجرت کردند که ۷۶/۱ در شهرها و ۲۳/۸ در روستاهای دیگر سکونت اختیار کرده در همین دهه حدود ۳۳۹۴۰۹۶ نفر از روستاهای کشور مهاجرت کردند که ۶۸/۶ درصد وارد شهرها و بقیه به روستاهای دیگر رفتند و از مجموع مهاجران داخلی وارد شده به شهرها در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵ حدود ۷۳/۳ درصد خاستگاه شهری و حدود ۲۶/۷ خاستگاه روستایی داشتند. مهاجرت شهرها به روستاها بر اساس داده های سرشماری سال ۱۳۸۵ از مجموع ۳۰۶۸۰۵۵ نفر مهاجر داخلی وارد شده به روستاهای کشور طی ده سال قبل از آن ۶۵/۳ درصد برابر ۲۰۴۰۱۳ نفر از شهرها به روستاها و تنها ۳۴/۷ درصد برابر با ۱۰۶۴۰۱۲ نفر از جمعیت مهاجر از روستاها به روستاهای دیگر کشور مهاجرت کردند. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۵۶).

۲-۵ دیدگاه های عمده در مورد علل حاشیه نشینی :

۲-۵-۱ دیدگاه بوم شناسی شهری:

اکولوژیست های انسانی جامعه شناسان مکتب سازمان و قدرت گرایان وبری و نظریه های تلفیقی برخی از پژوهشگران به مسأله حاشیه نشینی از دیدگاه بوم شناسی شهری نگریسته اند و تلاش کرده اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر به توجه مکانیزم پیدایش حاشیه نشینی بپردازند این دیدگاه بر پایه مکتب شیکاگو شهر را محل تنازع بقا و جای گیری مناسب تر در بهترین فضای شهری تحلیل می کنند.

در این زمینه مارشال کلینارد نظریه های حاشیه نشینی را به دو دسته تقسیم می کند.

الف) تغییر در نحوه استفاده از زمین

ب) کمبود و عدم تعمیر و نگهداری صحیح از آن

در دسته نخست نظریات ارنست برگس ولویس درث قرار می گیرد که اینان عمدتاً پیرامون شهرهای ایالات متحده پژوهش نموده اند به نظر این دو محقق، حرکت طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی، افزایش تراکم و رشد و هجوم گروه های فقیر تازه وارد و گروه های نژادی به جای آنها و تنزل شرایط ساختمانی در اثر کم توجهی مالکین به علت دریافت اجاره بهاء پایین باعث شکل گیری مناطق حاشیه نشین می گردد. کلینارد با استفاده از نظریات هویت در خصوص نحوه استفاده از زمین به تکمیل نظریه قبلی می پردازد بر اساس این نظریه مناطق صنعتی در امتداد دره رودخانه های کانلهای آب و خطوط راه آهن از مرکز به سمت خارج شهر گسترش می یابد و سکونت های کارگران نیز از این روند تبعیت می کند بر اساس نظریه قطاعی بهترین نقاط مسکونی در حلقه خارجی شهر قرار نگرفته بلکه تنها قسمتهایی از شهر را در بر دارد در دسته دوم کلینارد از قول ابرارن می نویسد ساکنان این مناطق نمی توانند خانه های مناسبی برای خود فراهم نمایند. زیرا بخش خصوصی خانه ها را به قیمتهایی که آنها نمی توانند بخرند عرضه می نماید.

میکنیتاش در همین دسته از نظریات در نظریه حاشیه نشین چهار عامل را مورد توجه قرار می دهد:

الف) محیط فیزیکی اطراف خانه

ب) شرایط فیزیکی خانه

ت) ساکنان خانه

ث) صاحب خانه

وی اعتقاد دارد با بهبود شرایط فیزیکی می توان به مساله حاشیه نشینی پایان داد.

۲-۵-۲ دیدگاه رادیکالی:

در این دیدگاه چگونگی برخورد و رفع ناسازگاری های مربوط به مناطق حاشیه نشین از طریق اصلاحات بنیادی و پاکسازی فیزیکی این سکونتگاه ها دنبال می شود. بر این اساس در دهه ۱۳۴۰ و ابتدای دهه ۱۳۵۰، سیاست بولدوزری در مناطق حاشیه نشین رایج بود. همان طور که از عنوان این سیاست مشخص بود، نوع برخورد در آن زمان از نوع تخریب بدون توجه به عواقب آن بوده است. آن چه در این دیدگاه همواره مورد توجه بوده است، تحقق اهداف مدبرانه در راستای احیای محیط های مناسب زیست انسانی به جای این گونه سکونتگاه ها در جوامع شهری بزرگ، همراه با تعیین اصول و مکانیسم های حقوقی و مالی و تأکید بر چارچوب ارزش های فرهنگی و اجتماعی جامعه ساکن در نواحی مذکور می باشد. این شیوه بیش از هر شیوه دیگری در برخورد با پدیده اسکان غیررسمی در سطح جهان به اجرا گذاشته شده است. ولی برنامه های زاغه زدایی، نه تنها در بهبود شرایط مسکن ناکام بوده بلکه مشکل مسکن را نیز وخیم تر نموده است. زیرا تعداد کمی از مساکن در دسترس گروه های فقیر قرار گرفته است. بر پایه پژوهش های به عمل آمده پیامد این برنامه ها به طور معمول بدتر شدن شرایط در سایر بخش های مسکونی بوده است. زیرا خلع ید شده ها به سراغ بخش های دیگر می روند یا زاغه هایشان را در جای دیگر می سازند (قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۷: ۱۶۳)

۲-۵-۳ دیدگاه لیبرالی:

آرشیکت معروف دانشگاه ام ای تی جان اف ترنر یکی از معروف ترین چهره های این دیدگاه بوده است. وی راه حل مناطق حاشیه نشین را در خود مسئله جستجو نمی کند، بلکه وی راه حل را در اصلاح نظام اقتصادی، اجتماعی و ساختار مشاغل جامعه مستتر می داند. لرنر یکی دیگر از پیروان این دیدگاه، راه حل برخورد با مناطق حاشیه نشین را در تحمل این مکان ها و رها کردن آن ها در دست نامرئی بازار می داند. ایره می گوید این سکونتگاه ها به تدریج به شهر ملحق می شوند و این مسئله با ارتقاء موقعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان این مناطق در ارتباط است. در این دیدگاه مسئولان و مدیران شهری پدیده حاشیه نشینی را نادیده می انگارند. این رهیافت با نگرش تشابه سازی تاریخی با مراحل توسعه ای جوامع توسعه یافته، اسکان غیررسمی را پدیده ای گذرا و میرا تلقی می کند و از این رو خواهان رهاسازی آن به دست ساز و کارهای بازار است و انتظار دارد که با گذر زمان و دستیابی به توسعه، دیگر اسکان غیررسمی وجود نداشته باشد (قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

۲-۵-۴ دیدگاه انسانگرا:

معروف ترین چهره این دیدگاه جاکوب است. وی با قرار دادن انسان، شدیدترین حملات را متوجه برنامه ریزی شهری می سازد. جاکوب مقابله با علت ها را راه حل غلبه بر مشکلات مناطق حاشیه نشین می داند نه معلول ها. ایشان معتقد است که اگر شرایط اقتصادی متروپل بتواند طبقه کم درآمد جامعه را به طبقه متوسط و مردم بی سواد را به مردمانی ماهر و دانش آموخته بدل کند، می توان به بهسازی این سکونتگاه ها امیدوار بود. بر این اساس خریداری زمین از اشخاص و مالکان قانونی و سرویس دهی و واگذاری اراضی به افراد واقع در مناطق حاشیه نشین، جهت ساخت و ساز منازل راه حل اساسی است. صاحب نظران دیدگاه مدیریتی و آموزشی نیز که به روش انسانگرایی نزدیک است اعتقاد دارند که از طریق ارشاد و آموزش جامعه شهری و هدایت مکانیسم های اجرایی و سیاسی موجود و بر اساس محرکه های اقتصادی و اجتماعی می توان با مشکلات مناطق حاشیه نشین مقابله نموده و آنها را ساماندهی کرد. (قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

۲-۵-۵ دیدگاه بنیادگرا:

این دیدگاه با نپذیرفتن قوانین بازی در پی ارائه راهکاری اساسی یا تغییر در ساختارهای جامعه است. تصور براین است که تا نظام کلان اصلاح نشود، نظام های خرد قابل اصلاح نیستند و در واقع این دیدگاه در گیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در سکونتگاه های غیررسمی نشده و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش های سیاسی تکیه می کند و از این رو باز هم مانند رهیافت لیبرالی آن ها را به حال خود رها کرده تا زمانی که ساز و کارهای فقرزا و ناعادلانه جامعه نابود شود. از این رو بسیاری از منتقدان این دیدگاه معتقدند که این نگرش در ارائه راهکارها و راه حل های لازم جهت ساماندهی و بهسازی زندگی و سکونت در سکونتگاه های خودروی موجود، دچار ضعف بنیادین بوده و اصولاً تنها راه حل مسأله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید، توزیع و مصرف یعنی ساخت اقتصادی و در نهایت تغییر بنیادین جوامع می بیند و نسخه های مقطعی و موردی را فاقد کارایی لازم معرفی می نمایند (قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۷: ۱۶۳)

۲-۵-۶ دیدگاه اصلاح طلب:

این رهیافت هرچند ضرورت برقراری عدالت اجتماعی و تعادل های منطقه ای را (تأمین مسکن برای همه و کاهش مهاجرت های ناشی از فقر مناطق) لازم می داند ولی در کوتاه مدت و میان مدت برای حل مشکلات از طریق قبول واقعیت آن، تلاش می کند و بر خلاف دیدگاه بنیادگرا به جای اصرار بیش از حد بر تغییر

ناگهانی در سطح کلان، تحول تدریجی در سطح خرد را چاره ساز می داند. بنابراین طبق این رهیافت نباید پرداختن به راه حل های ساختاری به قیمت غفلت از رنج و فقر موجود در این اجتماعات تمام می شود (قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

۲-۶ دیدگاه های دیگر در مورد حاشیه نشینی :

لویس ورت و Berguss نیز با طرح نظریه منطقه ای معتقدند که در جریان توسعه شهر مناطقی با کار کردها و ویژگی هایی به وجود می آید و در آخرین مرحله رشد منطقه اعیان نشین شکل می گیرد. میلز: دیگر نظریه پردازی است که ادعا می کند که افراد تنها با زندگی در میان طبقات اجتماعی فرو دست و تاثیر پذیری از فرد و فرهنگ آن هاست که بطرف اعمال غیر قانونی و رفتارهای انحرافی کشیده می شوند.

مارکس معتقد است که جنایت و فحشا و رفتار خلاف اخلاق در درجه نخست ناشی از فقر است که زائیده مستقیم سرمایه داری است بدین سان که عده معدودی با در اختیار گرفتن وسایل تولید، ثروتها را به طور نامساوی قسمت می کنند و تناقضات جامعی را پدید می آورند البته لازم به ذکر است که این نظریات بیشتر با خصوصیات شهرهای کشورهای پیشرفته مطابقت دارند.

پارسونز اعلام کرد که فراگرد تمایز یک رشته مشکلات تازه را برای یک پارچگی جامعه به بار می آورد به موازات تکثیر خرده نظام ها و تخصصی شدن آن ها جامعه با مسائل تازه ای در زمینه هماهنگ سازی عملکردهای این واحدها روبرو می شود جامعه ی دست خوش تکامل باید از نظام دستاوردی حرکت کند. برای اداره کردن خرده نظام های پراکنده تر به مجموعه مهارتها و قابلیت های گسترده تری نیاز است. قابلیت های تعمیم یافته مردم نیز باید از این قید و بندهای انتسابی رها گردد تا جامعه بتواند از این قابلیت ها استفاده کند از این گفته چنین بر می آید که بیش از این از سهم بودن در نظام محروم بوده اند باید از این محرومیتها رهایی یابند و اعضای کامل جامعه ایشان گردند. جامعه شناسایی چون دورکیم ورد فیلدوتونیس به این نتیجه رسیده اند که انتقال از شیوه زندگی روستایی به شیوه زندگی شهری پیامدهای ناخوشایند فراوانی دارد آنها معتقدند که در این انتقال روابط غیر شخصی جایگزین روابط شخصی می شود و در نتیجه نظم و نظام جامعه را در معرفی از هم گسیختگی قرار می گیرد.

مطالعات شاو در مکتب شیکاگو به بازیابی حلقه هایی چند در حوزه شهری انجامید بدین ترتیب که در حلقه های دور از مرکز کمترین میزان جنایت ، بیشترین میزان هویت فردی دیده می شود و همان طور که به

حلقه های میانی نزدیک تر می شود. ملاحظه می نمود که به همراه افزایش تراکم، تبهکاری بسط می یابد بی نامی و فقدان هویت افراد رایج می شد و تنهایی انسان ها در داخل انبوه های شهری دیده می شود. (شماعی و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۷).

۲-۶-۱ قشر حاشیه نشین:

شاخص های خرده فرهنگ کجرو یعنی تمایل به ریسک کردن، خشن بودن، تقدیرگرا بودن، اولویت به نیازهای جسمانی، لاقیدی و بی بند و باری نسبت به تربیت فرزندان، تمایل به خشونت، بنده لحظه ها بودن، اعتقاد به شانس از مشخصه های مردم حاشیه نشین است. (شماعی و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۷)

در نواحی حاشیه نشین بخش مهمی از سکنه به صورت مستأجر، موقت یا سیال مستقر می شوند و احساس ریشه و تعلق این افراد کمتر است. بنابراین افرادی که به این محله می آیند به شهر و محله احساس تعلق ندارند و چون این مناطق معمولاً در شرف تخریب برای بهسازی و نوسازی هستند، بنابراین افراد امیدی بر ادامه زندگی و استقرار در این محله ها ندارند. پس بین افراد و محله شان هیچ رابطه و تعادلی وجود ندارد. نبود تعادل یعنی به میان آمدن وضعیت ناهنجار که باعث ارتکاب جرم می شود (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۷)

۲-۶-۲ ویژگی های حاشیه نشینان:

اسکان غیر رسمی، شیوه و فضای حاصلی از زندگی شهری است که در تمامی یا غالب جهات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار و نحوه شکل گیری و سیر تحولات تاریخی با بخش های مجاور تفاوت اساسی دارد. مسکن های غیر معمول خیابان ها و کوچه های تنگ و باریک، مشکلات زیست محیطی و بهداشتی، فزونی و تراکم بالای جمعیت، فقر فرهنگی و آسیب پذیری بالا در برابر حوادث طبیعی، سطح پایین برخورداری از امکانات و تسهیلات زندگی، عدم برخورداری از امکانات، تأسیسات و خدمات شهری، اشتغال غالب در مشاغل غیر رسمی، تصرف غیر قانونی زمین و ... از ویژگی های اسکان غیر رسمی می باشد. عمده ترین ملاک عدم رسمیت ویژگی های مسکنو مالکیت بر زمین می باشد زندگی حاشیه ای از یک سو می تواند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر زندگی حاشیه ای و در حاشیه ماندن مسائل و مشکلات عدیده ای برای مناطق به دنبال داشته است. مهمترین مشکلات زندگی خانوادگی در محلات حاشیه نشین عبارت اند از بیکاری و نداشتن شغل دائم سرپرست خانوار مشکل مالی و کمبود درآمد؛ نداشتن خانه و مسکن مناسب؛ محیط بد اجتماعی و فرهنگی

این محلات؛ عدم رسیدگی شهرداری؛ کمبود امکانات رفاهی و تفریحی برای فرزندان؛ انحرافات اجتماعی زیاد از جمله اعتیاد، نبود امنیت (به ویژه برای دختران) و همچنین در بیان مهمترین مسائل و مشکلات محلات حاشیه نشین به مواردی نظیر آسفالت نبودن کوچه ها، بهداشت و سرپوش نبودن رودخانه ها و فاضلاب های محله؛ امکانات فرهنگی و آموزشی، عدم رسیدگی شهرداری به این محلات؛ نداشتن آب لوله کشی؛ شلوغی محله ها؛ تراکم جمعیتی زیاد، بافت روستایی چند قومی و فرهنگی بودن محله و ... می باشد. توضیحات ذیل نمونه هایی از اوصاف عمومی زندگی حاشیه نشینی است: (کمانرودی، ۱۳۷۶: ۱۸)

۲-۶-۱ چهره نامطلوب شهری:

عمده ترین نمای حاشیه نشینی چهره ظاهری آن است که احساس وجدان آدمی را می آزارد ساختمان هایی با نمای آجری کم و دوام فرسوده، معابر و گذرگاه های پر پیچ و خم و کم عرض بودن آنها بدون رعایت اصول معماری، و ... جملگی از بی کیفیت بودن سیمای شهری در این منطقه دارد.

۲-۶-۳ پایین بودن وضعیت خدمات و امکانات رفاهی منطقه:

یکی از ویژگی های عمومی و مهم این منطقه کمبود خدمات و امکانات رفاهی در آنجا است. این منطقه اغلب با کاربری مسکونی وبا وجود سرانه خدمات عمومی با توجه پیشبینی هایی که در طرح تفصیلی مصوب ۸۵ داشته است ولی با توجه به اینکه ساختمانهایی بدون مجوز و بطور قولنامه ای در این مناطق و بر روی کاربری های خدماتی قرار گرفته است. به همین دلیل با کمبود شدید خدماتی از قبیل آتش نشانی، بیمارستان، درمانگاه، اورژانس، مذهبی و... مواجه است.

۲-۶-۴ وجود خرده فرهنگ های خاص در این مناطق:

هر خانواری که به این مناطق می آید با خود فرهنگ غالب در شهر یا روستا یا عشیره خود به همراه دارد این فرهنگ ها پس از مدتی در فرهنگ قدیمی تر ذوب می شوند هر چند برخی خرده فرهنگ ها دیر حل می شوند و حتی هیچ گاه ممکن است از فرد جدا نشود عمده خرده فرهنگ های موجود گویش و ادبیات این مناطق است، نوع رانندگی، نوع لباس پوشیدن، نوع مراسم عروسی، پایبندی به اصول لوتی گری ولاتی، رفیق بازی، نگهداری برخی حیوانات و هزاران مسئله دیگر که انسان را به تأمل وادامی دارد.

۲-۶-۵ رشد حاشیه نشینی :

امروزه در جهان توسعه خواهی تبدیل به جنبشی فراگیر و جهانی شده است اغلب دولت ها و ملت ها خواهان توسعه هستند اما مراد از توسعه در این میان متفاوت است. از گذراندن امور روزمره تا فراغت ها از فقر مطلق تا بهبود دسترسی به خدمات اساسی اقتصادی و اجتماعی و نیز بهبود مستمر و ارتقای مداوم کیفیت زندگی در این معقوله می گنجد در یک تعریف کلی و ناظر به توسعه برنامه ریزی شده تمام تلاش های صورت گرفته برای «حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب» مصداق توسعه است.

در دوران معاصر نظریه های متفاوتی در این زمینه ارائه شده ابتدا نظریه رشد اقتصادی به عنوان یک ایده آل مطرح شد و کشورهای کمتر توسعه یافته (به قول برخی از نظریه پردازان عقب نگه داشته شده) الگوی رشد کشورهای فاتح و پیروز در جنگ را کعبه آمال خویش ساختند. بر اساس برآوردهای سازمانهای بین المللی فعال در زمینه اسکان بشر حدود یک میلیارد نفر از جمعیت جهان اکنون در زاغه ها و حاشیه های شهری یا به صورت اسکان غیر رسمی زندگی می کنند با توجه به این نکته که اکنون در آغاز قرن بیست و یکم حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می کنند و شهرنشینی بستر انواع تضادها و تعارض های اجتماعی در هر کشوری است و به تعبیری شهر در هر کشوری به محل تمرکز ثروت و انباشت فقر تبدیل شده است.

مجموعه دستاوردهای فوق متفکران و صاحب نظران توسعه را بر آن داشت تا در برداشت های قبلی خود تجدید نظر کنند در برداشت های جدید، توسعه یا شاخص های رشد یا حتی کاهش نسبی فقر تعریف نمی شد و مراد از آن الگویی جامع و همه جانبه بود که به آن توسعه پایدار می گفتند این نگرش در دهه ۱۹۷۰ با اعلامیه کوکویک مطرح شد که در آن به رابطه بین محیط و توسعه پرداخته شد این اصطلاح به منظور تحلیل و بررسی روابط بین متغیرهای اقتصادی اجتماعی و منابع طبیعی و محیط زیست بشر، به عنوان پایه و اساس هر گونه توسعه مورد توجه قرار گرفت. توسعه پایدار به معنای آن است که آموزه هایی درباره اکولوژی می تواند و نباید روندهای اقتصادی به کار گرفته شود که شامل ایده های استراتژی حفاظت محیط جهانی و ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه های حیات مورد چالش و آزمایش قرار می گیرد. منظور از توسعه پایدار، حفاظت صرف از محیط زیست نیست بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی مردم جهان و به تعداد اندکی از افراد برگزیده است (ازکیا، ۱۳۸۰: ۵۹)

فرایند تصور نظریات و رهیافت های توسعه نشان می دهد که هرچه به زمان حاضر نزدیک می شویم دو تغییر عمده در برنامه های توسعه مشاهده می شود.

الف) از «یکسو نگری» به «همه جانبه نگری» سوق پیدا می کند.

ب) از جنبه های فنی کاسته شده بر جنبه های زیست محیطی، اجتماعی و انسانی افزوده می شود و از جمله جنبه های مهم تأمین حداقل نیاز برای اجرای توسعه پایدار موارد زیر است:

- حذف فقر
- کاهش رشد جمعیت
- توزیع منطقی منابع
- داشتن مردمی سالم تر و آموزش دیده تر و تعلیم یافته تر
- تمرکز زدایی
- برقراری سیستم های تجاری آزاد.

۷-۲ پیامدهای حاشیه نشینی:

اهم پیامدهای و نتایج حاشیه نشینی در مناطق حاشیه نشین :

الف) حاشیه نشینی و امنیت:

۱. فرهنگ فقر و فقر فرهنگی چهره اصلی شیوه اصلی زندگی حاشیه نشینان را نمودار می سازد.

۲. جمعیت جوان، زیاد و متراکم، فقر، تزلزل شغلی، کم سواد و بی سواد و ترک تحصیل، شرارت، نزاع ها، ضعف بهداشتی اعتیاد فحشا، معاملات غیر قانونی، در حاشیه بودن، آشفتگی و افسردگی و ... در مجموع حاشیه نشین را به کجروی های حرفه ای سوق می دهند و منطقه حاشیه نشین را به لحاظ منکراتی کاملاً فعال می کنند. حاشیه نشین به دو نظام فرهنگی (قبل از مهاجرت «روستایی» و بعد از مهاجرت «شهری») وابسته است و در عین حال به هیچ یک کاملاً تعلق و تمایل ندارند. این در حاشیه بودن، گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود خواهد آورد که علاوه بر افزایش استعداد قابلیت رشد آسیب های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می شود.

۳. همه پژوهشگران شهرها بر این باورند که تدام فقر و فلاکت بینوایان بدون واکنش سیاسی نخواهد بود و خشونت های جنایت آمیز را افزایش می دهد. ناآرامی های سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ در بمبئی که در جریان آن هزاران انسان جان خود را باختند و شورش سال ۱۹۹۲ لوس آنجلس، نمونه هایی از چنین وقایعی هستند.

۴. مهم ترین قشر، جوانان هستند که با مشکلات عدیده ی نیز مواجه اند، که باید تحصیل علم و معرفت کنند، هنر بیاموزند و مهارت پیدا نمایند اما سوال این است که کارگزاران جامعه پذیر کننده این قشرها چه کسانی هستند:

الف) خانواده حاشیه نشین، که بی سواد یا کم سواد، اسیر فقر فرهنگی و اعتیاد است یا رئیس خانواده زندانی و یا مجهول المكان می باشد.

ب) مدرسه حاشیه نشین: که چند شیفته است و معلمین غیر متخصص، فقیر، گاهی تبعیدی و بعضاً بی انگیزه دارد و آن هم با کمترین امکانات.

ج) رسانه های جمعی، که گویی خود را تنها نماینده فرهنگی اقشار متوسط به بالای جامعه می داند.

د) گروه همسالان، که خود به همان درد و بلا گرفتارند.

ه) همسایگان که یکی از یکی محروم ترند.

و) مساجد که تا حدودی فعالند.

چنین است که چون ترک تحصیل کرده، نیمه بیکار، بی هویت، مردد، از خانه محقر خود بیرون می زند و شهر آشوبی می کند.

آن به سایر مناطق و تهدید امنیت عمومی تحت تاثیر عواملی چند تشدید می شوند که در این جا به برخی از آنها اشاره می شود.

۵. افزایش تبعیض، بی عدالتی و مانور تجمل و فرهنگ مصرفی طبقه متوسط به بالا، علاوه بر خطر اصلی افزایش بی اعتمادی نسبت به نظام، فساد را زیاد می کند و توسعه می دهد و یا افسردگی و انزوا طلبی و انفعال را.

۶. معضل زندانی، وقتی رخ می نماید که طرفین یک مبادله به دلیل عدم اعتماد متقابل به فعالیت های غیر تولید و حتی تخریبی علیه هم دست می زنند.

۷. عملکرد شهرداری در تخریب مسکن ای غیرمجاز طبق تئوری نیازهای «مزلو» سرپناه به لحاظ فرهنگی، جزیی از آرمان های انسان ها است. برای انسان جهان سوم هم خانه داشتن شاید مهم ترین امتیاز زندگی باشد و برای مهاجر حاشیه نشین خانه خراب شدن به تحقیق مهم ترین مصیبت است.

۸. «مابلک تودارو» مدعی است که : افراد جسور در میان جسور در میان مهاجران بیش از جامعه میدا یافت می شود.

۹. عناصر شرور غوغا طلب هم می توانند در چنین مواقعی آب را گل آلودتر کرده و از آن سوء استفاده نمایند.

۱۰ سوء تدبیر برخی از عناصر اجرای.

۱۱. عدم تناسب تعداد و کیفیت حضور نیروهای کنترل اجتماعی.

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد حاشیه نشینی یکی از عوامل موثر در بروز ناامنی اجتماعی است که به دلیل ماهیت خاص خود با وارد آوردن محرک های تشدید کنند ناامنی، موجب وقوع بی نظمی و بر هم خوردن امنیت عمومی می گردد. به نوعی می توان گفت فی ما بین امنیت و حاشیه نشینی رابطه این معکوس وجود دارد، بدین معنی که با افزایش حاشیه نشینی کثرت یافتن تعداد حاشیه نشینان، امنیت اجتماعی تهدید بیشتری می شود. چنانچه حاشیه نشینی و کثرت یافتن تعداد حاشیه نشینان، امنیت اجتماعی تهدید بیشتری می شود. چنان چه حاشیه نشینی در اطراف کلان شهر اهواز فزونی یابد، میزان آسیب پذیری امنیتی بال می رود.

۲-۷-۱ فرهنگ فقر^۱:

در سکونتگاه های غیر رسمی بیش از همه بعد اقتصادی آن متمایز ساز از بافت های دیگر شهرهاست. یکی از دلایل اصلی وجودی سکونتگاه های غیر رسمی انگیزه ساکنان آن برای کسب شغل و حرفه است که سرریز مهاجرین را (اغلب از روستا) به خود دارد که به امید ارتقا در وضعیت معیشت (بیشتر از طریق یافتن شغل مناسبی در داخل شهر و نه در پیرامون) خود به این مکان ها پناه می برند. ولی اغلب به دلیل عدم داشتن مهارت ها و پیش نیازهای کافی، از متن لااقل اصلی اقتصادی شهر گسسته می شوند و مجبور به گزینش فرصت های درآمدزایی می کنند که به طور رسمی برای آن سازماندهی خاصی نشده است (مشاغل غیر رسمی) مشاغلی که دارای ارزش و اعتبار اجتماعی بسیار پایین تری از مشاغل رسمی شهر است و لذا

^۱Culture of poverty

منابع درآمدی بسیار نازلی را به خود اختصاص می دهد. از اینجاست که مردمان سکونتگاه های غیر رسمی وارد "گردونه خرد کننده فقر" را بایستی در (Poverty Culture) می شوند و روز به روز بر شدت آن افزوده می شود. فرهنگ فقر بحث اسکان غیر رسمی بسیار فراتر از بعد عینی-مادی آن گستراند. از این رو بایستی در ک انواع دیگری از محرومیت های فرهنگی و اجتماعی را نیز در نظر داشت که بنا به وضعیت ویژه سکونتگاه های غیر رسمی، مردمان آن نتوانسته اند در آن حوزه ها همچون شهروندان دیگر شهری حضور یابند و مشارکت خود را به نمایش بگذارند. علت اصلی فقدان حضور ساکنان در فقدان انواع سرمایه هاست.

از دیدگاه انسان شناسی مهمترین کمبود سرمایه (علاوه بر کمبودها و فقدان سرمایه های محیطی، فیزیکی، مالی) در این زمینه کمبود سرمایه های اتماعی - ارتباطی و عامل به وجود آورنده آنها و به تعبیری انسان شناسانه تر "سرمایه انسانی" کمبود در "سرمایه فرهنگی"^۲ می باشد. سرمایه فرهنگی یا انسانی چیست؟ برخی از اندیشمندان معتقدند که سرمایه فرهنگی جنبه های از سرمایه انسانی است، چیزی که فرد (۱۹۹۹، Matarasso) می تواند در طول زمان از طریق استعداد، مهارت ها، آموزش و در معرض فعالیت فرهنگی قرار گرفتن سرمایه فرهنگی به مثابه شکلی از سرمایه اجتماعیان قلمداد کند. زمانی اجتماعی برای اشتراک فرهنگی گردهم می آیند از طریق جشن ها، مناسک و گفتگوهای بین فرهنگی (روابط، شراکت ها و شبکه های) سرمایه اجتماعی افراد با عطف نظر به ابعاد مادی سرمایه فرهنگی، مصرف کالاها و فرآورده های فرهنگی به عنوان یکی از شاخصه های اصلی این سرمایه می باشد. کالاهای فرهنگی شامل آن دسته از کالاها خواهد بود که تعریف کننده شیوه متمایزی از زیست می باشد و لذا در برگیرنده اندیشه ویژه ای نیز خواهد بود. از این رو می توان به مصرف مدل های پوشش، وسیله های تزئینی بدن "سیاست بدن"^۳ و "سیاست کالبد"^۴ (داشتن ابزارها و تکنولوژی ها) وسایل خانگی، وسیله های ارتباطی و ... رفتن به فضاهای منتشر کننده تفکری ویژه همچون کافی شاپ ها، سینماها، فرهنگسراها، سالن ورزشی، کتابخانه ها و دیگر فضاهای معروف به اماکن فرهنگی اشاره کرد.

کالاهای فرهنگی به دلیل داشتن بار نمادین بسیار قدرتمند می توانند طبقه بندی و سلسله مراتبی بودن اعضای جامعه را در فضاهای تعاملی اجتماعی مشخص سازد. زمانی که نسبت تقاضا و برآورده شدن مصرف این نوع از کالاهای فرهنگی در اعضای از جامعه بالا رفتن می توان گفت که این افراد دارای سرمایه

^۱Human Capital

^۲Cultural Capital

^۳Body Politics

^۴Politics framework

اجتماعی بالاتری می باشند. تهیه کردن کالاهای فرهنگی سرمایه های مادی را می طلبد و محله های اسکان غیر رسمی (به خاطر کمبود سرمایه های مادی) نمی توانند این نوع از کالاهای فرهنگی را به دست آورند و از بمباران نشانه ای آن سود جویند. از سویی دیگر به دلیل فضای نامناسب جهت استقرار و باز نمودن بودجه ای از درآمد خانوار، سکونتگاه های غیر رسمی دارای سرانه مصرف بسیار کم و نیز دارای کاربری اراضی کم خدمات فرهنگی می باشند. اما با عبور از بعد مادی سرمایه فرهنگی، بعد عینی – ذهنی آن را می توان در انواع مهارت های مشاهده کرد. از دیدگاه روان شناسی اجتماعی هرچه که (تعداد فراوانی تجمعی) و کیفیت مهارت های فردی بیشتر باشد، جایگاه و موقعیت اجتماعی او نیز افزایش می یابد؛ چرا که افراد بیشتری برای برخورداری و رفع نیاز به وی رجوع خواهند کرد و او خواهد توانست فضای ویژه ای را به خود اختصاص دهد و شروع به آفرینندگی در شیوه های مخصوص به خود در میدان فعالیت های فرهنگی کند. اما کسب مهارت ها (در اکثر موارد) نیاز به مصروف داشتن زنان و منابع اقتصادی دارد که مردمان سکونتگاه های غیر رسمی از آن محرومند و لذا نمی توانند در صدد کسب آنها برآیند. بعد ذهنی سرمایه فرهنگی شامل دانشف اطلاعات و فایل هایی در ذهن می باشد که می تواند به طور مستقل و بدون توسل به سرمایه های فرهنگی مادی، دست به آفرینش و ایجاد شیوه های جدیدی در روند زندگی جمعی بزند و یا حداقل با در دست داشتن خزانه اطلاعاتی در مواقع حساس یا تنش زا و یا موقعیت هایی که برای آن واکنش از قبل تعریف شده ای تعیین نشده است، اقدام به واکنشی مناسب و یا با هزینه بسیار کمی کند. چرخش کنونی سرمایه های فرهنگی به سوی بعد اطلاعاتی آن لزوم ایجاد ارتباطات بسیار گسترده را نشان می دهد. کنش گران اجتماعی تنها با افزایش دایره فعالیت ها و افزایش محدوده شبکه های ارتباطی است که می توانند به تولید کنندگان دانسته ها دست یابند. از اینرو به دلیل فضاهای کالبدی و اجتماعی محدود و بسیار فشرده (فقر در سرمایه های اجتماعی) سکونتگاه های غیر رسمی و نبود مراکز و افراد درگیر در شبکه های جدید اطلاعاتی در این محله ها، افراد از این بعد ذهنی سرمایه فرهنگی نیز محروم می مانند و به این ترتیب محرومیت از سرمایه های فرهنگی مادی آغاز می شود و سرمایه های فرهنگی معنوی را نیز در بر می گیرد. علاوه بر اطلاعات آنچه که حتی ممکن است از آن نیز ناثیر گذارتر باشد عدم دسترسی به تجارب جدید از زندگی یا آن می باشد، یعنی محرومیت از درک فرهنگ های تجارب^۱ زیست شده دیگر که در داخل خود اندیشه ها، اندوخته ها و نهایتاً سرمایه های مادی و معنوی دارند البته باید تاکید کرد که تنها با فراهم کردن سرمایه های فرهنگی معنوی نمی توان مردمان حاشیه ای را از این سرمایه های بهره مند

^۱Lived Experiences

ساخت، چرا که پیش شرط و پیش نیاز آن تهیه و تدارک سرمایه های فرهنگی مادی است یا به عبارتی لوازم معیشت پایدار است.

۲-۸-۱ پیشینه اقدامات انجام شده در ایران در برخورد با اسکان غیر رسمی:

۲-۸-۱-۱ حاشیه نشینی در بانه:

شهر بانه واقع در استان کردستان در دهه ۸۰ شاهد هجوم روستائیان مهاجر و گروه های کم درآمد شهری به مناطق حاشیه ای شهر بوده است و با معضلات و مسائل شهری همچون حاشیه نشینی، فقر فرهنگی، رشد ناموزون، افزایش جرم و جنایت، بروز مشاغل انگلی و غیره رو به روست همچین این شهر به علت گذارندن هشت سال جنگ ایران و عراق و قرار گرفتن در غربی ترین نقطه کشور و داشتن مرز مشترک با عراق و مسیر قاچاق کالا و تاثیرات آن بر شهر و بافت شهری با مسائلی فراتر از شهرهای دیگر نیز مواجه است. علیرغم بن بست نسبی جغرافیائی و صنعتی نبودن شهر بانه طی دهه های اخیر رشد سریع شهری داشته که معلول چند عامل از جمله ضمیمه شدن روستاهای پیرامون به شهرها. مهاجرت های روستایی و ... بوده است. حاشیه در بانه تا حد زیادی ناشی از بافت سنتی شهر است. حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی امروز برای توسعه شهری بانه یک مانع جدی است و خود این پدیده برآیندی از همه نابرابری ها است که می تواند جامع همه اشکال فقر باشد. وضعیت حاشیه نشینی در این شهر به گونه ای است که هم اکنون بالغ بر ۶۰ درصد از مردم این شهر تنها در ۳۵ درصد از مساحت بانه اسکان پیدا کرده اند (بوم نگار پارس) بانه به عنوان شهری کوچک در چند سال گذشته ماهیتی کشاورزی داشته و امروزه تبدیل به یک نقطه تجاری مرزی به لحاظ تجارت وسایل الکترونیکی، خانگی و ... شده و نوعی شهرنشینی و شهرگرایی ناخواسته و برنامه ریزی نشده را موجب شده است. لذا حاشیه نشینی در بانه با مفهوم رایج آن در دیگر نقاط ایران تفاوت قابل ملاحظه ای دارد. جمعیت شهر بانه در حال حاضر ۱۱۰۰۰۰ هزار نفر است که ۲۵۰۰۰ هزار نفر از این جمعیت در حاشیه شهر زندگی می کنند (مسکن و شهرسازی بانه) ظهور پدیده حاشیه نشینی در مناطقی همچون دمامه (تازاوا)، فف محله مولوی، شهرک گلستان و بوستان، احمد آباد، جاده سلیمانی و شهرک لاله و سرچنار اثرات و پیامدهایی را با خود به همراه دارد که لزوم برنامه ریزی شهری را در این شهر می طلبد به طوری که برای بررسی موضوع فوق تحقیقی پیرامون مسائل مرتبط با حاشیه نشینی در شهر بانه انجام گرفته است که درصدد شناسایی و بررسی راهکارهای تعدیل حاشیه نشینی و پیامدهای آن در شهر بانه می باشیم.

۲-۸-۲ معرفی برخی محلات حاشیه شهر بانه:

محلات حاشیه ای شهر بانه (احمد آباد، گلستان و مولوی، دمامه و ...) در ضلع شرقی محدوده خدمات شهری در امتداد شمالی جنوبی شکل گرفت که جنوبی ترین آنها محله دمامه با مختصات طول جغرافیایی ۵۳ ۵۴ ۲۹ و عرض جغرافیایی ۳۵ ۵۸ ۴۳ و شمالی ترین آن احمد آباد با مختصات طول جغرافیایی ۴۵ ۵۴ ۲۹ عرض جغرافیایی ۳۶ ۰ ۲۶ با میانگین ارتفاع ۱۵۸۰ از سطح دریا قرار گرفته است. این محلات در راستای توسعه روستاهای اقماری شهر بانه شکل گرفته است که محلاتی همچون مولوی، عثمان آباد دارای سابقه سکونت بیش از ۱۵ سال می باشد مساحت کل محلات حاشیه ای ۴۲۲٫۸ هکتار می باشد که در حال حاضر بخش اعظم آن مورد ساخت و ساز قرار گرفته است. میانگین تعداد واحدهای ساختمانی حدوداً ۴۰۰۰ پلاک با جمعیتی برابر با ۲۵۰۰۰ نفر می باشد .

۲-۸-۳- مختصات اقتصادی افراد ساکن در محله های حاشیه نشینان شهر بانه:

بیش از نیمی از سرپرست خانواده های حاشیه نشین (۵۲/۷ درصد) دارای درآمد پایین هستند. ابعاد خانوار در میان حاشیه نشینان بین ۲ تا ۸ نفر بوده اند که میانگین بعد خانوار ۴/۵ نفر می باشد. بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه، اصول فنی را رعایت نکرده و مصالح ساختمانی مناسب استفاده نکرده اند. شغل سرپرست خانواده های حاشیه نشین به این صورت بوده که ۲۰ درصد کارگر ساختمانی، ۶۳ درصد شغل های مرتبط با مرز، ۴/۳ درصد راننده، ۳/۳ درصد مکانیک و ۱/۷ درصد مغازه دار، بنا ۲ درصد، نجار ۱ درصد، سایر شغل ها ۳/۳ درصد و بیکار ۱/۳ درصد می باشد، ۸۵/۳ درصد افراد مورد مطالعه دارای مسکن شخصی و ۱۴/۷ درصد نیز دارای مسکن اجاره ای بودند. از دید خود حاشیه نشینان مهمترین دلایل حاشیه نشین بودن را به ترتیب ارزانی زمین، بدست آوردن شغل بهتر و مرتبط با مرز، ارزانی اجاره بها، نداشتن زمین و بیکاری ذکر کرده اند. پژوهش های گسترده ای که طی سی سال گذشته در زمینه مهاجرت روستایی - شهری انجام شده همگی دلالت بر یک اصل دارند اکثر مردم به دلایل اقتصادی جا به جا می شوند و دلیل اصلی آن ها چشم انداز بهتر در اقتصاد شهری است (گیلبرت و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۸۴).

در رابطه با پروانه ساخت ۶۵/۴ درصد ساکنین چنین بیان کرده اند که ساختمان آن ها ساخت ندارد و تنها ۲۹/۸ درصد از منازل پروانه ساخت داشته است و این نشانه این می تواند باشد که این مناطق خودرو به دور از نظارت مدیریت شهری خیلی سریع وجود پیدا کرده اند. ربانی بیان می دارد شاید عدم کارایی سیاست های شهری و یا عدم اتخاذ راه حل مناسب در قبال حاشیه نشینان و یا جدی نگرفتن این معضل در نطفه بوده که امروز به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۱).

آشکار است که هرگونه مداخله ای در هر سکونتگاهی باید با در نظر داشتن چشم انداز، اهداف و راهبردها و سیاستهای قبل از پیش بینی شده صورت بگیر که شهر بانه یکی دیگر الگوهای مداخله در اسکان غیر رسمی که از آن استفاده شده میتواند به خودیاری اشاره کرد. منظور از خودیاری استفاده از نیروی کار، مهارتها، استعداد سازماندهی، و توان مدیریت خانوار در ساخت و بهسازی واحد مسکونی خود است.

با این حال عدم وجود ایجاد حق مالکیت برای ساکنین، توان اندک فقرا برای سرمایه گذاری در ساخت و ساز و به تبع آن طولانی شدن دوره ساخت و ناپایداری مسکن سبب شد که رویکرد فوق مورد قبول اغلب برنامه ریزان قرار نگیرد.

۲-۸-۴ حاشیه نشینی در باقر شهر:

هسته اولیه باقر شهر قلعه ای بود در شمال کارخانه چرم سازی که هم اکنون اثری از آن وجود ندارد. این قلعه محل سکونت بهائیان بود که از ابتدا در این منطقه سکونت داشتند و تا قبل از انقلاب اسلامی نیز در این منطقه بصورت پراکنده زندگی می کردند. احداث کارخانه چرم سازی در سال های ۱۳۲۰ در جنوب قلعه به عنوان یک مرکز اقتصادی، به رشد سریع شهر صورت می دهد و اولین واحد های مسکونی در شمال کارخانه برای اسکان کارگران احداث می شود، در دهه ۱۳۳۰ در مجاورت قلعه بهائیان با احداث چند واحد مرغداری، تعدادی واحد مسکونی به صورت پراکنده در حاشیه آن ساخته می شود و سبب توسعه کالبدی هسته اولیه شهری می گردد. در دهه ۱۳۵۰ با احداث واحد های بیشتری در شهر سنگ و احداث نیروگاه ری توان اقتصادی شهر بالاتر رفته و جاذب جمعیت بیشتری شد، به طوری که در سال های ۱۳۵۳ به بعد شهرک جعفرآباد شروع به شکل گیری کرد بدین ترتیب درانتهای این دهه سه هسته شهری بوجود آمده، به هم متصل و تشکیل باقرآباد را دادند. بعد از انقلاب به دنبال عدم کنترل ساخت و سازها در حریم استحقاقی شهر تهران به دنبال سیاست های واگذاری زمین به مردم، شهرک جعفر آباد و شرق خیابان ۲۲ بهمن شروع به رشد خیابان ۲۲ بهمن منازل تا نزدیکی پل توسعه یافتند. طی سالهای ۶۵ - ۷۵ در قسمت شرق خیابان ۲۲ بهمن شهر ادامه یافته و به دنبال ایجاد درگیری بین اهالی و شهرداری تهران در سال ۱۳۷۱ رشد ساخت و سازهای غیر مجاز شدت بیشتری یافت اما در زمره آبادیهای شهر تهران محسوب می شد، در این سال مجموعه باقرآباد و جعفرآباد به عنوان یک واحد شهری به نام باقر شهر رسمیت یافت (طرح جامع باقر شهر، ۱۳۸۶، ۷۸).

عوامل موثر در تکوین و توسعه باقر شهر طی دوران های مذکور عبارتند از:

۱- موقعیت سیاسی^۱: نزدیکی به پایتخت کشور و تاثیر پذیری از تحولات آن

۲- ارتباطات^۲: قرارگیری در کنار جاده اصلی شمال به جنوب کشور .

۳- اقتصاد و فعالیت^۳: مکان یابی صنایع بزرگی نظیر پالایشگاه تهران - نیروگاه ری، صنایع سنگ بری، گورستان بهشت زهرا و وجود نقشه های تفکیکی که توسط دلالان عمده زمین تهیه شده است.

۴- عامل تاریخی^۴: نزدیکی به شهر ری به عنوان یک کانون تاریخی منطقه

۵- انقلاب^۵، جنگ^۶، مهاجرت^۷: بروز انقلاب اسلامی سال ۵۷ جنگ تحمیلی و جنگ افغانستان که موجب مهاجرت تعدادی زیادی از روستاییان، جنگ زده ها و افغانی ها به اطراف شهر تهران شد (مهندسان مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۸۰، ۵۳ - ۵۲).

۶- بر اساس یافته های سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ کشور، جمعیت باقر شهر برابر ۱۵۲۰ نفر بوده است که در یک دوره سی ساله از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ با میزان رشدی برابر ۱۱/۶ درصد در سال به ۵۲۶۰۴ نفر افزایش یافته است بدین ترتیب جمعیت شهر این دوره بیش از ۳۴۵ برابر شده است میزان رشد جمعیت در دوره های دهساله سرشماری مرکز آمار نیز حاکی از رشد بالای جمعیت است این میزان در دوره ۴۵-۵۵ برابر ۱۲/۱۱ درصد در سال بوده است که طی روندی فزاینده به ۱۹/۳۱ درصد در دوره دهساله بعد (۶۵-۵۵) افزایش یافته و در دوره ی ۱۰ ساله سوم (۷۵-۶۵) طی روندی کاهنده به ۳/۹ در سال فرو افتاده است رشد ۳/۹ درصدی در این دوره، رقمی متعادل تر را نشان می دهد، این رقم از میزان رشد نقاط شهری شهرستان ری در همین دوره (۵/۵۹ درصد) پایین تر بوده، اما با میزان رشد نقاط روستایی آن ۳/۹ درصد برابری می کند این میزان ها حاکی از مهاجر پذیری شهر در دوره های زمانی مورد بررسی است.

راهبر کلان جهت برخورد با اسکان غیر رسمی در این منطقه ، راهبرد بهسازی و توانمندسازی این اجتماعات را زمینه های روی پای خود ایستادن آنها را فراهم میسازد .این راهبرد که در نشست جهانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰مورد پذیرش قرار گرفت در این راهبرتوانمندسازی راه و فرآیندی به کار میرود که طی آن

¹Political situation

²connections

³Economy and activity

⁴Operating history

⁵revolution

⁶War

⁷Emigration

مشارکت مردمی و ارتقای ظرفیتهای اجتماعات محلی و در اسکان غیر رسمی نهادینه میشود. تا در نهایت با حمایت وبستر گشایی بخش دولتی، خود ساکنین این نوع سکونتگاهها برآورنده نیازهای خودشان باشند

در صورت تحقق چنین عملیاتی نه تنها از دخالت دولت کاسته میشود بلکه در عین حال بهبود شرایط زندگی با چنین شرایطی در محله شهری، انگیزه ای برای هجوم تازه واردین نخواهد بود.

این نتیجه از انجا بدست آمده که راهکارهای مختلف ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی از تخریب و پاکسازی تا تامین زمین و خدمات توسط دولت هیچکدام بصورت پایدار نتوانسته اند، معضل سکونت غیر رسمی را حل کنند.

۲-۸-۵ حاشیه نشینی در شهر همدان:

همدان هم مانند بسیاری از شهرها، عرضه گسترش شهرنشینی است است شهر همدان در ارتفاع ۱۸۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد. استقرار شهر روی یک دشت پایکوهی، ویژگی های مورفولوژیکی خاصی را به این شهر بخشیده است. به عبارت دیگر جهات توسعه و شبکه های شهری عموماً به تبعیت از شیب و با انطباق هرچه بیشتر با محیط صورت پذیرفته است. به طور عمومی شیب شهر همدان از جنوب به شمال و به تبعیت از شیب دامنه های الوند است. (مطالعات امکان سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵).

منابع تاریخی سابقه شهر همدان کنونی را به ۱۱۰۰ سال قبل از میلاد باز می گرداند. برابر اطلاعات تاریخی، هگمتانه اولین پایتخت ملی ایران است که توسط دیاکو بنیان نهاده شد.

تا قبل از ۱۳۱۰ هجری شمسی، شهر همدان همانند دیگر شهرهای کشور از رشدی بدون برنامه و طرح از پیش اندیشیده گسترش یافته است. این شهر جزء اولین شهرهای کشور است که توسط مهندس آلمانی «کارل فریش» طرحی شعاعی برای آن تهیه گردید که این طرح اساس توسعه های بعدی شهر قرار گرفت و ساختار و فرم شهر را تعیین نمود. بررسی نقشه های دوره های ۴۵ تاکنون حاکی از این است که توسعه شهر طی دوره ۵۵-۱۳۳۵ از ساختار کاملاً شعاعی پیروی کرده است. اما پس از دوره مذکور به ویژه پس از انقلاب، رشد شهرنشینی و به تبع آن گسترش کالبدی شهر مجال تعمق در تهیه طرح های شهرسازی را از مدیریت شهری گرفت و عمدتاً توسعه ها به شکل گسیخته از بافت قبلی و خارج از فرم و ساختار اصلی شهر (شعاعی) صورت پذیرفت. (مطالعات امکان سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵).

در سال ۱۳۴۹ یکی از تحولات ساختاری شهر همدان رقم خورد و شهرک هایی با طرح و برنامه از پیش تعیین شده قبلی ایجاد گردیدند. ویژگی اصلی این شهرک ها از نظر ساختاری شهرسازی، هدایت شهر به سمت توسعه گسیخته بود و عملاً شهر را از توسعه شعاعی خارج ساخته است. مشخصات آن ها به شرح زیر است: ۱۹ شهرک شهید چمران، ۲) شهرک الوند، ۳) شهرک فرهنگیان، ۴) شهرک شهید مدنی، ۵) شهرک آزادشهر، ۶) شهرک ولیعصر.

روند گسترش کالبدی شهر همدان از سال ۱۳۴۴ به بعد با اوج گیری مهاجرت های روستا - شهری به ویژه پس از گسیختگی نظام مدیریتی در روستاها شدت بیش تری گرفت و در سال ۱۳۴۹ که مقارن به آغاز شهرک سازی های منفک از بافت اصلی شهر بود، بیسترهای لازم برای گسترش بدون برنامه اراضی واقع در حفاصل بافت اصلی شهر و شهرک های جدید فراهم گردید. این روند به شدت موجب تثبیت و توسعه محلات و سکونتگاه های فقیر نشین موجود گردید. به طور کلی در همین دوران است که محلات فقیر نشین، حلالی را تشکیل دادند که می تواند از آن به نام حلال فقیر شهر همدان نام برد. این محلات فقیر نشین عبارتند از: مزدقینه، چرم سازی، حصار، دیزج، خضر (مطالعات امکان سنجی به سازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر همدان، ۱۳۸۵)

۱. منشأ حاشیه نشینان شهر همدان:

۱- مهاجران روستایی

۲- افراد و خانواده های آسیب پذیری یا فروپاشیده بر اثر سرپرست، اعتیاد و یا ورشکسته بر اثر سایر عوامل؛

۳- جمعیت روستاهای ادغام شده در بافت شهری که به دلیل فقدان سطح زندگی استاندارد شهری به حاشیه رانده می شوند. (نقدی، ۱۳۸۵)

۲-۸-۶ ویژگی های مهاجرت در شهر همدان:

در واقع حوزه نفوذ شهر همدان علاوه بر اینکه تمامی شهرها و روستاهای استان را در بر گرفته است، از مرزهای سیاسی استان نیز فراتر رفته، به گونه ای که گستره آن حتی استان های همجوار کردستان، لرستان، کرمانشاه را نیز در بر گرفته است. این شعاعا حوزه نفوذ هرچند مزایای بی شماری برای استان همدان و بالأخص شهر همدان در پی دارد، لیکن موانع و مشکلاتی نیز در سر راه آن ایجاد می کد.

مهاجرت های دسته جمعی روستاییان، سفرهای فصلی روزانه از نخستین تنگناهاست که پیامد آن حاشیه نشینی و در نتیجه رشد و گسترش سکونت گاه های غیر رسمی است. هجوم مهاجران روستایی و شهرهای پیرامونی به شهر همدان باعث توسعه و گسترش قابل توجه آن شده و زمینهای اطراف شهر را بلعیده و حاشیه نشینانی مانند چرم سازی، حصار، دیزج، مزدقینه و خضر را به وجود آورده است که بر مشکلات شهر همدان افزوده است.

۲-۹ ترکیب قومی مناطق حاشیه نشین:

محلات حاشیه نشین عموماً جایگاه مهاجرانی است که به دلایل عدیده ای همچون درآمد کم، دسترسی به امکانات شهری و ... در این مکان اسکان گزیده اند و اولین مرحله در فرآیند شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی، انتخاب مکان است که عمدتاً معیارهای چون ارزانی و دسترسی به زمین، نزدیکی و دسترسی مناسب به محل کار و نیز دسترسی بیش تر به شهر اصلی صورت می گیرد. در محلات حصار، خضر، دیزج و چرم سازی حدود ۴۵ درصد جمعیت آنها را مهاجرانی تشکیل می دهد که از نقاط روستایی و شهری استان و خارج استان به این نقاط مهاجرت نموده اند. مهاجران اولیه پس از تصرف زمین در محلات مذکور، سرپناهی موقت به سرعت در آن ها بنا نموده اند و به موازات تثبیت موقعیت سکونت گاه خود و امنیت نسبی تصرف، خانواده های بیش تری از همان زادگاه مهاجران اولیه و اقوام آنان به جمع آنان پیوسته و بدون توجه به زیرساخت ها و خدمات مورد نیاز، به سرعت رشد نموده و گسترش وسیع تری را تحت پوشش قرار داده اند.

بر اساس چارچوبها و اهداف استراتژی های انتخاب شده برای مداخله در سطح محلات، بخصوص محلات شهر همدان میتوان بر ارتقاء فیزیک محلات که توجه خاصی به ارتقاء سطح زندگی گروه های کم درآمد شهری از طریق ارتقاء خدمات رفاهی، آموزشی، بهداشتی، توسعه زیرساختها، پایدار کردن برنامه های بهسازی و توسعه و مشارکت مردمی و افزایش ظرفیت های تولید مد نظر قرار داده است.

۲-۱۰ پیشنهاد برای جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی:

۱- شناسایی مکانهای مستعد پیدایش محلات حاشیه نشین جدید

۲- اتخاذ تدابیر لازم و پیشگیرانه

۳- شناسایی و کد گذاری و حفاظت از اراضی متعلق به ادارات و سازمانهای دولتی و غیردولتی و حفظ کاربری آنها

۴- ایجاد کمربند سبز شهری در اطراف شهرها

۵- ایجاد موانع فیزیکی در جلوگیری از گسترش مناطق حاشیه نشین

۶- بازنگری در طرح جامع شهری و حفظ کاربری باغات در حاشیه شهرها

۷- برخورد با مشاورین املاک و بنگاههایی که در خورد نمودن اراضی و ساخت وسازهایی که در حاشیه شهرها صورت میگیرد دخیل هستند.

۸- توجه به معیشت، رفاه و اقتصاد روستاهایی که در معرض مهاجرت هستند.

۲-۱۱ جمع بندی:

به طور کلی حاشیه نشینی بر اثر رشد شهرها حاصل می آید. به این صورت که در مراحل اولیه رشد، مرکز شهرها محل سکونت افراد متمول و طبقه ی بالاست ولی کم کم با گسترش مناطق تجاری و صنعتی در این محل، آنهایی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج حرکت کرده و دور از مرکز شهر زندگی میکنند. کارگران و گروه های فقیر و کم درآمد به این منطقه ی مرکزی می آیند و ساکن آن میشوند. از آنجا که مالکان اجاره ی کمی جهت تعمیر و نگهداری ساختمانها دریافت میکنند، این مناطق، شلوغ و خراب شده و به زاغه ها تبدیل می شوند. حاشیه نشینی معلول عوامل گوناگونی است که در وهله ی اول به توزیع ناعادلانه و نامتوازن منابع ثروت و درآمد بین مناطق شهری و روستایی بر میگردد. و این خود باعث افزایش میزان فقر و گسترش بیکاری در محیط های روستایی میگردد. در نتیجه ی این دافعه ها، مهاجرت های روستاییان به شهرها شدت میگیرد.

در اثر مهاجرت های گسترده و بی رویه به شهرها، شهرها از نظر توسعه حالت ناهمگون پیدا میکنند. البته لازم به توضیح است عوامل طبیعی همچون خشکسالی و غیره و حوادث سیاسی، اجتماعی همچون جنگ هشت ساله ایران و عراق نیز در روند افزایش مهاجرت به شهرها و توسعه ناهمگون آن تاثیر داشته است. لذا مجموعه این عوامل باعث میگردد که توانمندی های شهری قادر به پاسخگویی به نیازهای مهاجرین نباشند و در کنار این عوامل باندهای نامشروع قدرت و ثروت و سوداگران زمین باز جهت جذب مهاجران شکل می گیرند و چون در ساخت و سازها، نظارتی وجود ندارد روز به روز فعالیت این عده گسترده تر می شود. در نتیجه این عوامل مهاجران تازه وترد نمیتوانند در نظام اجتماعی-اقتصادی شهر جذب شوند و این خود باعث می شود که آنها نتوانند فضای مناسبی جهت سکونت خود در جاهای متعارف شهری به دست آورند. ثر نتیجه آنها به

نقاط حاشیه ای شهر رانده می شوند و این باعث می شود. که روز به روز بر ابعاد و وسعت مناطق حاشیه نشین افزوده شود.

مشارکت اجتماعی گامی بسیار مهم در جهت امنیت اجتماعی مناطق حاشیه نشین به شمار می رود، چرا که از این طریق به نوعی اولاً نظارت اجتماعی منسجمی پیاده می شود و ثانیاً در جهت پیاده سازی برنامه ها و سیاست گذاری در زمینه ایجاد امنیت پایدار گام های اصولی برداشته می شود. و این نیازمند مطالعه همه جانبه در امور اجتماعی، شهری، عمرانی و ... است.

(فصل سوم)

« روش ها »

۳-۱ مقدمه

موفقیت و کیفیت هر مطالعه ای، از یک طرف به دقت در تهیه طرح تحقیق و تنظیم طرح نظری و انتخاب متغیرهای مناسب، و از طرف دیگر به چگونگی شیوه ها، روش ها و ابزارهای مورد استفاده برای گردآوری داده ها درباره متغیرها و تحلیل آنها بستگی دارد. از آنجا که مبنای هر تحلیلی، اطلاعات تهیه شده در مورد وضع موجود منطقه میباشد، لذا شناخت دقیق منطقه از نظروضع موجود مهمترین کار هر محقق به نظر می آید.

در تحقیق حاضر در جهت شناخت وضعیت اسکان غیر رسمی در منطقه فیروزآباد سیرجان وبا ارائه وباز طراحی

منطقه و رفع مغایرتهای وضع موجود و طرح تفصیلی قرار گرفت.

در ادامه مطالعه با استفاده از روش پیمایش، سطح تمایلات اهالی و ظرفیت های محله ای در خصوص میزان مشارکت سنجش گردید. آنگاه اطلاعات و داده های جمع آوری شده متناسب با موضوع تحقیق و ماهیت داده ها به روشهای آماری توصیفی-تحلیلی، تجزیه و تحلیل شد و در نهایت بصورت دو الترناتیو ارائه گردید.

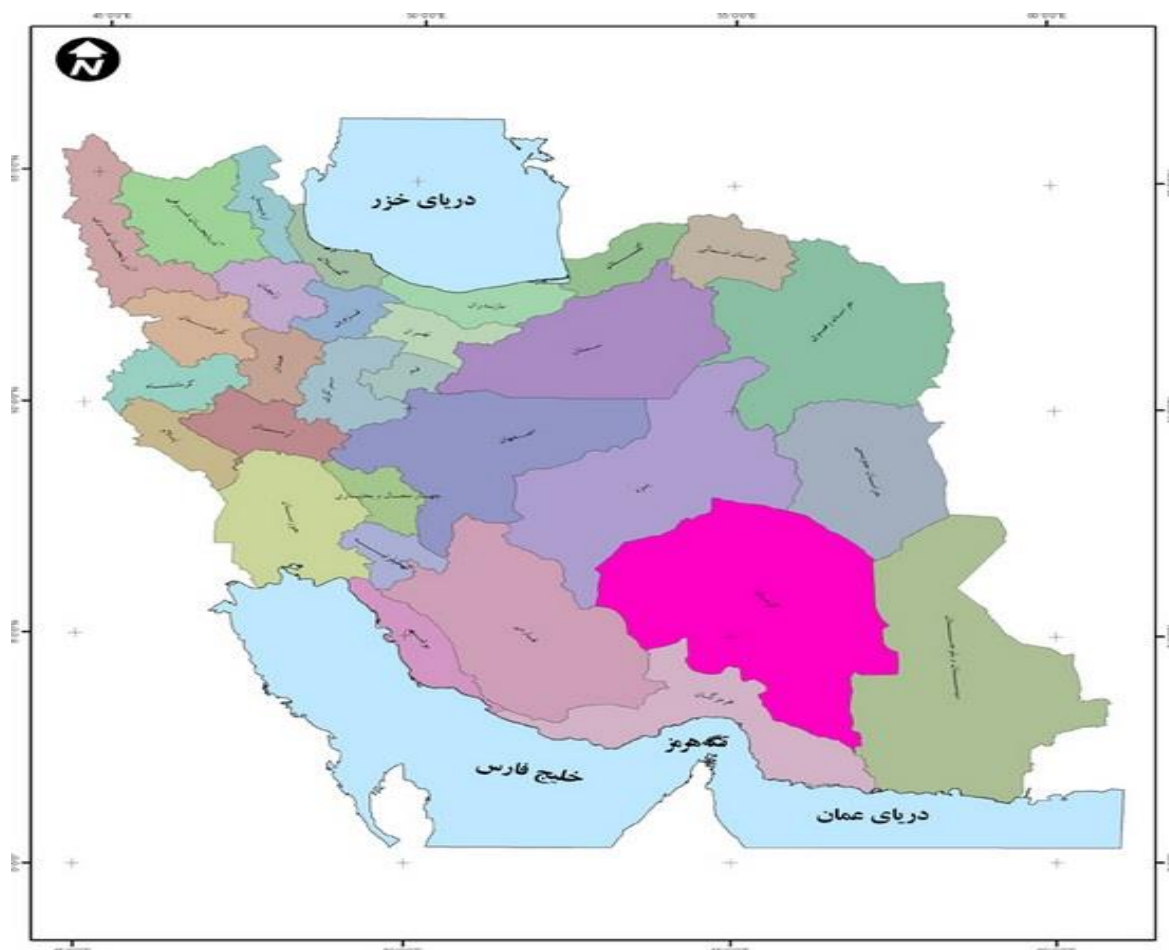
۳-۲ مواد:

در این فصل ابتدا به معرفی نمونه موردی پرداخته می شود، بدین صورت که معرفی استان، شهرستان، بخش و شهر سخن به میان آورده می شود، سپس، عوامل انسانی و طبیعی که موجب ایجاد اسکانهای غیر رسمی، خصوصا فیروزآباد در شهر سیرجان شده اند، بررسی میشود. درباره فیروز آباد و تاریخچه شکل گیری آن سخن به میان آورده میشود. در نهایت نیز روش جمع آوری اطلاعات و روش تحقیق به اختصار بیان میشود.

۳-۲-۱ استان کرمان :

استان کرمان در جنوب شرقی ایران واقع شده و از شمال با استانهای خراسان و یزد، از جنوب با استان هرمزگان، از شرق با سیستان و بلوچستان و از غرب با استان فارس همسایه است. مساحت این استان در حدود ۱۷۵۰۶۹ کیلومتر مربع و پس از استان خراسان دومین استان پهناور کشور می باشد که در حدود ۱۱ درصد از خاک ایران را در بر گرفته است. این استان یکی از مرتفع ترین استانهای کشور و شهرستان بافت

آن با ۲۲۵۰ متر ارتفاع از سطح دریا مرتفع ترین شهرستان استان می باشد. ارتفاعات این استان از رشته کوه های مرکزی ایران چین خوردگی های آتشفشانی آذربایجان شروع می شود و تا بلوچستان امتداد دارد و دنباله آن چندین بار در فلات مرکزی به وسیله حوزه های پست داخلی و کویر قطع می شود.



شکل (۳-۱) موقعیت استان کرمان در نقشه ایران

۳-۳ مطالعات جغرافیایی سیرجان:

۳-۳-۱ موقعیت ریاضی:

سیرجان یکی از شهرستان های استان کرمان است که در موقعیت ۵۵ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی قرار دارد .



شکل (۲-۳): نقشه تقسیمات استان کرمان و موقعیت قرارگیری شهرستان سیرجان. (حاتمی، ۱۳۸۰: ۱۱)

۳-۳-۲ موقعیت عمومی:

دشت سیرجان با وسعتی حدود ۱۳۷۰۰ کیلومترمربع یکی از مرتفع‌ترین دشت‌های ایران است که شامل دشت حاصلخیز و رسوبی اطراف امامزاده علی، قلعه سنگ قطیبه، دشت مانون و دشت زر می‌باشد. قسمتی از همین دشت به نام دشت ابراهیم‌آباد خوانده می‌شود که حداقل ۱۷۱۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. سیرجان بین دو رشته‌کوه یعنی کوه‌های مرکزی و پیش کوه‌های زاگرس قرار گرفته است که از یزد و کرمان و شرق سیرجان به موازات رشته‌کوه‌های کوهبنان امتداد دارند و تا چاله جازموریان کشیده شده‌اند. کوه‌های لاله‌زار، چهل تن، تنبور، چهار گنبد از ارتفاعات مهم آن هستند (بدیعی، ۱۳۷۲: ۵۱).

۳-۳-۳ موقعیت خصوصی:

شهرستان سیرجان با وسعت ۱۵۴۶۵ کیلومترمربع، از شمال به شهربابک و رفسنجان، از جنوب به حاجی‌آباد در استان هرمزگان، از شرق به کرمان و بافت و از مغرب به نی‌ریز و استهبان در استان فارس محدود است. فاصله سیرجان تا شهربابک ۱۱۵ کیلومتر، تا بندرعباس ۳۰۰ کیلومتر، تا کرمان ۱۸۰ کیلومتر و تا شیراز ۴۵۰ کیلومتر می‌باشد. سیرجان هم اکنون از یک بخش مرکزی و ۹ دهستان تشکیل شده که عبارت‌اند از بلورد، پاریز، تنگوئی، چهار گنبد، حومه، زید آباد، سعادت‌آباد، محمودآباد و ملک‌آباد (حاتمی، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲).

۳-۳-۴ موقعیت و وسعت :

شهرستان سیرجان با موقعیت دشتی بین کوه‌های مرکزی و پیش کوه‌های شرقی زاگرس قرار گرفته است و آب و هوای آن نیمه بیابانی خفیف است. در تابستان نسبتاً گرم و خشک و در زمستان خشک و سرد و در بهار معتدل همراه با بارندگی است. منشأ اصلی ریزش‌های جوی در این شهرستان فعالیت سیکلون‌های مدیترانه‌ای می‌باشد. این شهرستان با وسعت حدود ۱۳۱۲۹ کیلومتر مربع معادل ۷/۲ درصد استان را به خود اختصاص داده است و در فاصله ۱۷۵ کیلومتری جنوب‌غربی کرمان واقع شده است و از شمال به شهرستان رفسنجان (۲۳۰ کیلومتر) و شهربابک (۷۰ کیلومتر) ، از جنوب به استان هرمزگان ، از مشرق به شهرستان های بافت (۱۲۹ کیلومتر) و بردسیر واز مغرب به استان فارس محدود است. (بختیاری، ۱۳۷۸: ۵۶)

شهرستان سیرجان دارای ۵ مرکز شهری ، ۵ بخش ، ۱۰ دهستان ، ۵۸۱ آبادی دارای سکنه می باشد . از مهمترین ارتفاعات آن کوه پنج- لاشکار- کوه‌های چهارگنبد- کوه خواجه- سیاهکوه- کوه تنبور و کوه باغ چوبی را میتوان نام برد. از مهمترین رودهای سیرجان می توان به رودخانه تنگوییه - رودخانه حسین آباد سوچ - رودخانه سرخ- رودخانه دره زار و رودخانه لاشور اشاره نمود و ارتفاع سیرجان از سطح دریا ۱۷۳۵ متر می باشد.

جدول (۳-۱): تعداد شهرها، دهستان ها، آبادی های دارای سکنه و کل آبادی های شهرستان

محدوده	تعداد	تعداد دهستان	آبادی های دارای	کل آبادیها
کل شهرستان	۵	۱۰	۵۴۷	۱۳۳۵
بخش مرکزی	۲	۲	۷۸	۱۷۲
بخش پاریز	۲	۲	۵۴	۲۲۳
بخش گلستان	۰	۲	۱۴۴	۱۹۷
بخش زیدآباد	۱	۲	۲۹	۷۵
بخش بلورد	۰	۲	۳۱	۱۱۵

ماخذ: مرکز آمار ایران نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

شهر سیرجان با وسعت حدود ۴۵۰۰ هکتار در بخش مرکزی شهرستان و در موقعیت جغرافیایی ۲۹/۴۵ درجه شمالی و ۵۵/۶۷ درجه شرقی واقع شده است . جمعیت شهر سیرجان در سال ۱۳۸۵ بر اساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۷۰۹۱۶ نفر و در سال ۱۳۹۰ با توجه به سرشماری نفوس و مسکن ۱۸۵۶۳۲

نفر و در سال ۱۳۹۴ با توجه به اعلام دفتر آمار و اطلاعات استانداری کرمان ۲۰۴۸۹۳ نفر می باشد. این شهر بر اساس مجوز سال ۱۳۸۲ وزارت کشور به دو منطقه شهری تقسیم گردید.

۳-۴ مطالعات طبیعی شهر سیرجان :

۳-۴-۱ موقعیت، حدود و وسعت :

سرآغاز شناخت جغرافیایی شهر ارزیابی موقعیتی است که شهر در محدوده جغرافیای محلی و ناحیه ای میتواند داشته باشد. موقع جغرافیایی شهر بیانگر وضعی است که شهر نسبت به طرق ارتباطی، راهها، معابر طبیعی و حتی نسبت به مواد اولیه، منابع انرژی و نیروی انسانی موجود در محل میتواند داشته باشد. این موقعیت جغرافیایی، سیرجان را نسبت بهمرزهای پیرامونی در حد هارتلند منطقه بالا برده است. شهرستان سیرجان یکی از ۲۳ شهرستان استان کرمان است که از نظر جغرافیایی در موقعیت ۵۵ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی در فاصله ۱۷۵ کیلو متری جنوب غربی کرمان بر پهنه دشت سیرجان واقع شده است. در واقع این شهرستان از شمال به شهربابک و رفسنجان، از جنوب به استان هرمزگان، از شرق به شهرستان بافت و بردسیر و از غرب به استان فارس محدود می شود. شهرستان سیرجان دارای موقعیتی خاص است این شهر از قدیم الایام بر سر راه کاروان های تجاری که از شهر قدیمی کرمان و مناطق خراسان قصد عبور به منطقه فارس و خوزستان را داشته اند واقع شده است. با روی کار آمدن وسایل نقلیه ماشینی این شهر نه تنها موقعیت خود را از دست نداده بلکه با گشوده شدن راه آسفالتی و راه آهن سراسری تهران - بندرعباس و عبور آن از مرکز این شهر، این منطقه را بر سر چهار راه بزرگ ارتباطی قرار داده است که با سایر بلاد از این طریق مرتبط می شود. (سلیمی زاده، ۱۳۷۴: ۴۳)

شهر سیرجان در کم شیب ترین بخش دشت، در ارتفاع حدود ۱۷۵۰ متر از سطح دریا قرار دارد. دشت سیرجان در لبه های شمالی، شمال شرقی و جنوب غربی با رشته کوهایی که دنباله رشته زاگرس به شمار می رود محصور شده است که بخشهای وسیعی از پهنه دشت در غرب و جنوب غربی، زیر پوشش کفه نمک و باتلاقهای نمکی است. بلندترین نقطه دشت بافت شهری در گوشه شمال شرقی، مجاور جاده دشت سیرجان کرمان و پست ترین نقطه دشت آن در جنوب غربی مکی آباد دیده می شود. اختلاف ارتفاع این دو نقطه ۵۰ متر در یک فاصله ۶/۵ تا ۸ کیلومتری است. بنابراین، زمین زیر پوشش بافت شهری، در جهت شمال شرقی - جنوب غربی شیبی نزدیک به ۶/۵ تا ۸/۰ درصد دارد. در جهت شمال - جنوب نیز، شیب عمومی زمین حدود ۴/۰ تا ۵/۰ درصد است. مهمترین ارتفاعات این شهرستان کوه پنج با ۲۶۱۵ متر ارتفاع و ارتفاعات چهارگنبد و بیدخوان می باشند (سیرجان در یک نگاه، ۱۳۷۹، ص ۱). مساحت این شهرستان حدود ۱۶۱۱۵/۰۲ کیلو متر مربع است که دارای ۵ بخش، ۵ شهر، ۱۰ دهستان و ۸۱۶ آبادی دارای سکنه و ۵۲۶ آبادی خالی از سکنه است.

۳-۵ مطالعات جمعیتی شهر سیرجان:

۳-۵-۱ پراکندگی جمعیت شهر سیرجان:

امروزه جمعیت پذیری شهرها به همراه مسائل اقتصادی، اجتماعی آنها شکل کاملاً تازه ای از شهر و شهر نشینی و شهر گرایی بوجود آورده است که با آنچه در نیمه اول قرن بیستم در شهرها دیده می شود تفاوت بسیاری دارد. روشن است که جغرافیای شهری نیز باید ابعاد و قلمروهای تازه ای بیابد تا محیط زیست شهری مناسبی برای ساکنین شهرها فراهم آورد.

از این رو در بررسیهای جغرافیایی شهرها از ایدئولوژی حاکم بر شهرها، تحلیل تصمیمات حکومتی در مورد خلق فضای فیزیکی و اجتماعی شهرها، وابستگی به اقتصاد جهانی برای بررسی مسائل مهم شهرهای جهان سوم، عدالت اجتماعی، کیفیت دسترسی مردم به نیازهای اساسی، علل دو قطبی شدن شهرها با توجه به فضای شهری سخن به میان می آید (شکوئی، ۱۳۷۳: ۹)

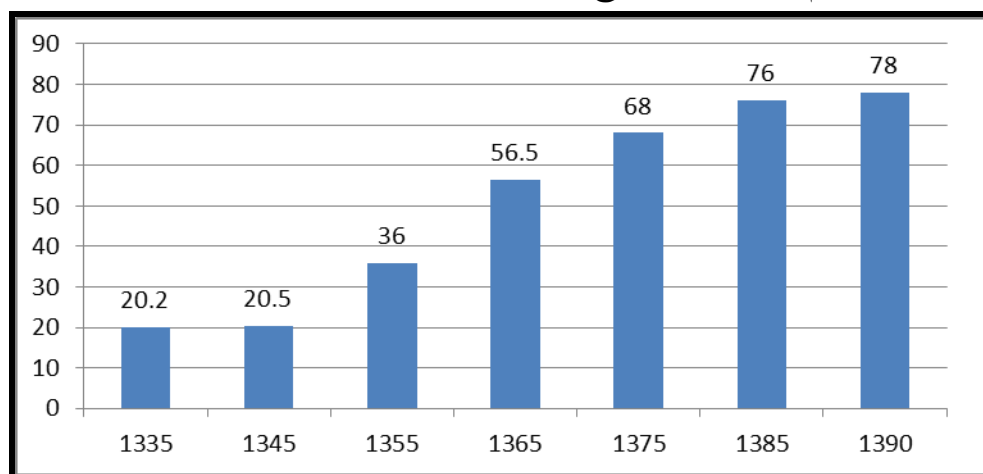
جمعیت شهرستان سیرجان از سالهای ۱۳۳۵ به این طرف تحت تأثیر تحولات ملی و منطقه ای دارای تغییرات خاصی بوده است. افزایش جمعیت شهری در نتیجه مهاجرت های روستا - شهری، همچنین جاذبه های اقتصادی و تجاری شهر باعث چهارراهی بودن این شهر باعث برهم خوردن تعادل در مناسبات شهر و روستا گردیده است. در نتیجه موجب از بین رفتن چهار چوب اقتصادی روستا در مقابل شهر شده است. جمعیت شهر نشین از سرشماری سال ۱۳۳۵ به این طرف رو به افزایش گذاشته و از حدود ۲۰/۲ درصد به حدود ۷۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است و برعکس جمعیت روستایی از ۷۹/۸ درصد سال ۱۳۳۵ به حدود ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. در سرشماری ۱۳۶۵ برای اولین بار جمعیت شهری بر جمعیت روستایی غلبه کرده است این روندی است که در کل کشور نیز برقرار است. (اطلاعات اولیه سرشماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، ۱۳۸۵) به عبارتی روند تغییرات جمعیت این شهرستان نیز متأثر از عوامل تأثیر گذار در روند جمعیت کشور می باشد.

۳-۵-۲ روند تحول جمعیت شهر سیرجان در چند دهه اخیر:

در سرشماری سال ۱۳۳۵ از کل جمعیت شهرستان ۱۲۱۶۰ نفر (۲۰/۲ درصد) در نقاط شهری و ۴۶۷۹۹ نفر (۷۹/۸ درصد) در نقاط روستائی و غیر ساکن سکونت داشته اند. در حالیکه در سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت شهرستان ۱۸۵۷۹۱ نفر (۷۶ درصد) در نقاط شهری و ۵۸۲۱۳ نفر (۲۴ درصد) در نقاط روستائی و غیر ساکن بوده اند. بدین ترتیب مشخص می شود که جمعیت شهری و روستائی این شهرستان در طی این مدت از ابتدا تا کنون دچار تحول گردیده و میزان شهر نشینی رو به افزایش نهاده و بر عکس میزان روستا نشینی روند نزولی را طی کرده است.

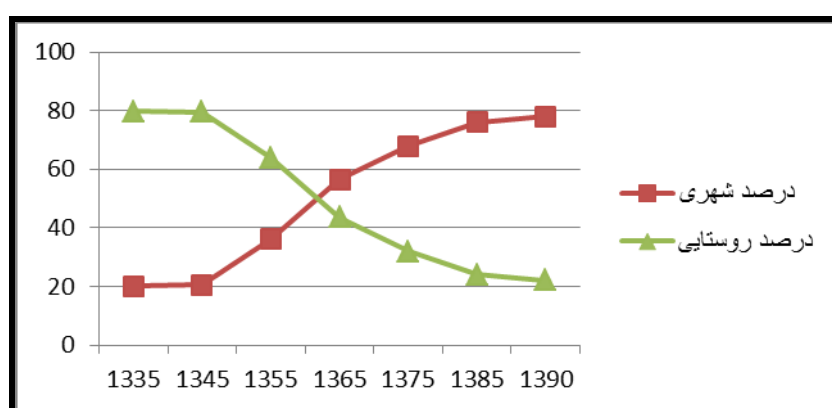
بررسی تحول بافت شهر در سالهای گذشته حاکی از آنست که کالبد فیزیکی شهر در طول دوره حیات آن به تدریج گسترش یافته است و در نتیجه ی آن ، به مرور زمان ، تعدادی از آبادیهای نزدیک آن در بافت کالبدی شهر ادغام شده و جزئی از آن شده اند . هر چند ، تعداد این آبادیها کم است . لیکن از جمله آبادیهای بزرگ شهرستان سیرجان هستند . از این رو ، تأثیر این ادغام در افزایش تعداد جمعیت شهری در سالهای گذشته بسیار کم بوده و بیش از ۹۸ درصد افزایش جمعیت شهر ناشی از عوامل مؤثر دیگر (به غیر از ادغام آبادیهای حاشیه ی شهر در بافت کالبدی آن) است که در رشد طبیعی جمعیت شهر و مهاجر پذیری آن تبلور می یابد .

بنابراین روند تحول جمعیت شهر در طول نیم قرن گذشته مبین آن است که در محدوده ی آمار گیری آن در سال ۱۳۳۵ جمعیتی بالغ بر ۱۲۱۶۰ نفر و در سال ۱۳۴۵ جمعیتی بالغ بر ۱۹۵۶۸ نفر ساکن بوده اند که به تعداد ۴۷۶۲۸ نفر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته است . این روند افزایش در طول دهه ی ۶۵-۱۳۵۵، ادامه یافته و جمعیت شهر در پایان این دهه به ۹۰۰۷۲ نفر رسیده است . به این ترتیب دیده می شود که جمعیت شهر در طول دوره ی سی ساله ی مورد نظر بیش از ۷/۵ برابر شده است که در مقایسه با رشد جمعیت شهری استان کرمان در سطح بالاتری قرار دارد . در این مدت ، جمعیت شهری استان کرمان تنها ۴/۸ برابر شده است که شدت افزایش آن به مراتب کمتر از شدت افزایش جمعیت شهر سیرجان است. در این دوره ی زمانی ، شدت افزایش جمعیت شهر سیرجان کمتر از شدت متناظر آن برای شهر های جیرفت، عنبر آباد ، زرنند و بردسیر بوده و از شدت افزایش ۱۸ شهر دیگر استان کرمان بیشتر است. در این زمینه باید توجه داشت، چهار شهر مورد اشاره که دارای شتاب افزایش جمعیت بیشتری از شهر سیرجان هستند، از جمله شهرهای کوچک و متوسط متمایل به کوچک استان کرمان هستند پس شتاب افزایش جمعیت شهر سیرجان در مقایسه با شهر های هم تراز خود در سطح بالاتری قرار دارد .



نمودار (۱-۳): مقایسه درصد رشد جمعیت شهری (۱۳۳۵-۱۳۹۰) مأخذ: مرکز آمار ایران

روند تحول جمعیت شهر در دهه های گذشته نشان دهنده ی هم جهت بودن آن با روند تحول جمعیت شهری کشور و استان کرمان و نیز فراز و نشیبها ی آنها است ، ولی دارای شدت وضعی متفاوت با آنها است . بر پایه ی آمارهای موجود ، جمعیت شهر سیرجان در دو دهه ی ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب ۲ برابر و ۲/۳ برابر شده است و همچنین جمعیت شهر سیرجان در دهه ی ۱۳۷۵ برابر ۱۳۵۰۲۴ نفر بوده است که نسبت به سال ۱۳۶۵ حدود ۱/۵ برابر افزایش یافته (سازمان جغرافیایی وزارت دفاع ، فرهنگ آبادیهای استان کرمان ، ۱۳۸۲: ۱۶) و در سال ۱۳۸۵ که تقریباً جمعیت شهر سیرجان ۱۸۵۷۹۱ هزار نفر است نسبت به سال ۱۳۶۵ بیش از ۲ برابر شده است . (اطلاعات اولیه سرشماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان ، ۱۳۹۰)



نمودار (۲-۳): مقایسه درصد رشد جمعیت شهری ، روستایی شهرستان سیرجان (۱۳۳۵- ۱۳۹۰)

۳-۵-۳ علل افزایش جمعیت شهر سیرجان در چند دهه ی اخیر:

از جمله علل افزایش جمعیت شهری در دوره های مختلف می توان به موارد زیر اشاره کرد

- ۱- دگرگون شدن وضعیت اقتصادی کشور ناشی از مدرنیزه شدن آن
- ۲- دلایل مختلف سیاسی قبل از انقلاب باعث یکجانشینی تعداد زیادی از کوچ نشینان در مرکز این شهرستان شده است (با توجه به اینکه اکثریت جمعیت این شهرستان روستا نشین و کوچ نشین بوده اند ، تحولات صنعتی اخیر باعث روی آوردن جامعه روستایی و عشایری به جامعه شهری شده است).
- ۳- ورود صنعت و تکنولوژی جدید (به خصوص صنایع مونتاژ) به این شهر باعث مهاجر پذیری آن شده است .
- ۴- عدم توجه به قشر روستایی قبل از انقلاب و نا بسامانیهای اقتصادی بعد از انقلاب باعث افزایش سیل مهاجرین به این شهر شده است.
- ۵- خشکسالی های پی در پی باعث نابودی دامها و از بین رفتن کشاورزی منجر به مهاجرت به این شهر شده است .

۶- تحصیل و سواد آموزی نیز به تدریج باعث کشاندن خانوار روستائی به شهر سیرجان شده است .

۷- ادغام آبادی های حاشیه ای شهر سیرجان در جمعیت و بافت کالبدی سیرجان در دهه ۵۵-۶۵

۳-۵-۴ موقعیت جمعیتی شهر سیرجان در استان کرمان :

در سال ۱۳۷۰ ، استان کرمان دارای ۲۲ شهر بوده است که کل جمعیت ساکن آنها بالغ بر ۸۵۰۷۷۹ نفر بوده است ، در میان این شهر ها ، شهر کرمان با جمعیتی نزدیک به ۳۱۲ هزار نفر ، بزرگترین شهر این استان بوده است و پس از آن شهر سیرجان با جمعیتی بیش از ۱۰۸ هزار نفر قرار داشته . بنابراین ، از نظر تعداد جمعیت ، شهر سیرجان دومین شهر بزرگ پر جمعیت استان کرمان بوده است . در میان سایر شهر های استان کرمان ۱ شهر دارای جمعیت بین ۷۵ تا ۱۰۰ هزار نفر ، ۱ شهر دارای ۵۰ تا ۷۵ هزار نفر جمعیت ، ۳ شهر با جمعیت ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر ، ۹ شهر دارای ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر جمعیت و ۷ شهر با جمعیت کمتر از ۱۰ هزار نفر قرار داشته . این الگوی توزیع ، به وضوح ، نشان دهنده ی فراوانی نسبی بسیار زیاد شهر های کوچک در این منطقه است و شهر سیرجان یکی از مراکز شهری بزرگ منطقه است که باید نقشی فرا خور خود را ایفا کند . در سال ۱۳۷۰ ، شهر سیرجان بیش از ۱۲/۷ درصد جمعیت شهری استان کرمان را به خود اختصاص داده بوده است و شتاب بیشتر افزایش جمعیت آن در طول دوره ی بیست و پنجساله ی مورد نظر در مقایسه با شتاب افزایش جمعیت شهر ی استان موجب افزایش اهمیت نسبی جمعیتی آن در میان شهر های استان شده است ، جمعیت این شهر در سال ۱۳۴۵ در حدود ۱۲/۱ درصد کل جمعیت شهری استان کرمان بوده است که به ۱۲/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ ترقی کرده است . با این حال باید توجه داشت که کمتر بودن شتاب افزایش جمعیت شهر سیرجان در دوره ی پنجساله ی ۷۰-۱۳۶۵ نسبت به شتاب متناظر آن برای جمعیت شهری استان کرمان موجب اندکی کاهش در اهمیت نسبی جمعیتی آن در میان شهر های استان (و تنزل آن تا ۱۲/۷ درصد در این سال) شده است . در هر حال ، در سال ۱۳۷۰ ، جمعیت شهر سیرجان در حدود ۲/۸ برابر، متوسط تعداد جمعیت شهر های استان است که مبین بزرگی نسبی آن در میان شهر های استان بوده است . (طرح جامع شهر سیرجان ، ۱۳۷۴ ، ص ۲۵-۲۶) و در سال ۱۳۹۰ هم می توان از لحاظ موقعیت جمعیتی شهر سیرجان را با استناد به جدول ذیل به عنوان دومین شهر بزرگ پر جمعیت استان کرمان محسوب کرد .

جدول (۳-۲): جمعیت شهری شهرستانهای استان طی سالهای ۶۵-۷۵-۸۵ و ۹۰

نام استان و شهر	جمعیت شهری ۱۳۶۵	جمعیت شهری ۱۳۷۵	جمعیت شهری ۱۳۸۵	جمعیت شهری ۱۳۹۰
استان (کل)	۶۹۸۷۵۵	۱۱۳۳۲۸۱	۱۵۳۷۵۶۵	۱۶۸۹۸۴۲
سیرجان	۹۰۰۷۲	۱۴۳۷۰۹	۱۸۵۷۹۱	۲۰۸۰۳۳

شهربابک	۲۰۰۶۳	۳۵۷۲۶	۵۲۶۴۹	۹۰۴۹۵
کرمان	۳۱۰۵۷۵	۴۶۰۱۴۷	۵۸۵۵۵۱	۶۲۱۳۷۴
کهنوج	۹۱۳۰	۲۲۵۵۸	۴۴۱۹۸	۴۳۹۷۷
منوجان	---	۲۴۱۳	۱۸۱۰۹	۱۹۵۷۰
کوهبنان	---	۱۶۷۹۹	۱۶۸۶۳	۱۶۶۴۸
قلعه گنج	---	۴۶۶۵	۱۱۵۸۳	۱۲۶۶۶۳
عنبرآباد	---	۱۵۵۸۹	۲۰۳۶۳	۸۵۹۳۷
زرنند	۳۸۲۶۰	۴۴۱۱۴	۶۸۹۸۷	۷۰۱۳۵
رفسنجان	۷۴۰۳۹	۱۲۸۶۷۷	۱۷۴۶۵۴	۱۷۱۱۹۷
راور		۲۴۹۰۳	۲۴۲۳۵	۲۲۶۵۱
جیرفت	۴۵۱۴۲	۵۹۲۰۱	۱۰۶۸۷۰	۱۲۱۹۸۸
بم	۶۸۶۹۶	۹۱۵۳۸	۱۰۵۶۲۳	۱۲۵۷۶۴
بردسیر	۱۸۲۷۲	۳۴۹۶۸	۵۳۲۱۱	۴۳۹۵۷

ماخذ: (سرشماری نفوس و مسکن سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان ، ۱۸۹۰)

۳-۵-۵ خصوصیات جمعیتی شهر سیرجان در سال ۱۳۸۵:

تأثیر جمعیت بر برنامه ریزی و طراحی کالبدی شهر ، تأثیری چند سویه است و در موارد مختلف ، دارای شدت بیشتر یا کمتری است . این تأثیر ناشی از تعداد کل جمعیت و برخی از ویژگیهای آن (توزیع سنی و جنسی ، بعد خانوار ، میزان زاد و ولد و باروری ، میزان فعالیت و...) است که هر یک از این ویژگیها یا مجموعه ای از آنها به طور مشترک ، بر میزان نیاز شهر به هر یک از عملکردهای شهری و فضا های کالبدی آنها تأثیری بیش و کم بر جای می گذارد . از این رو باید ویژگیهای کمی و کیفی جمعیت مورد توجه قرار گیرد .

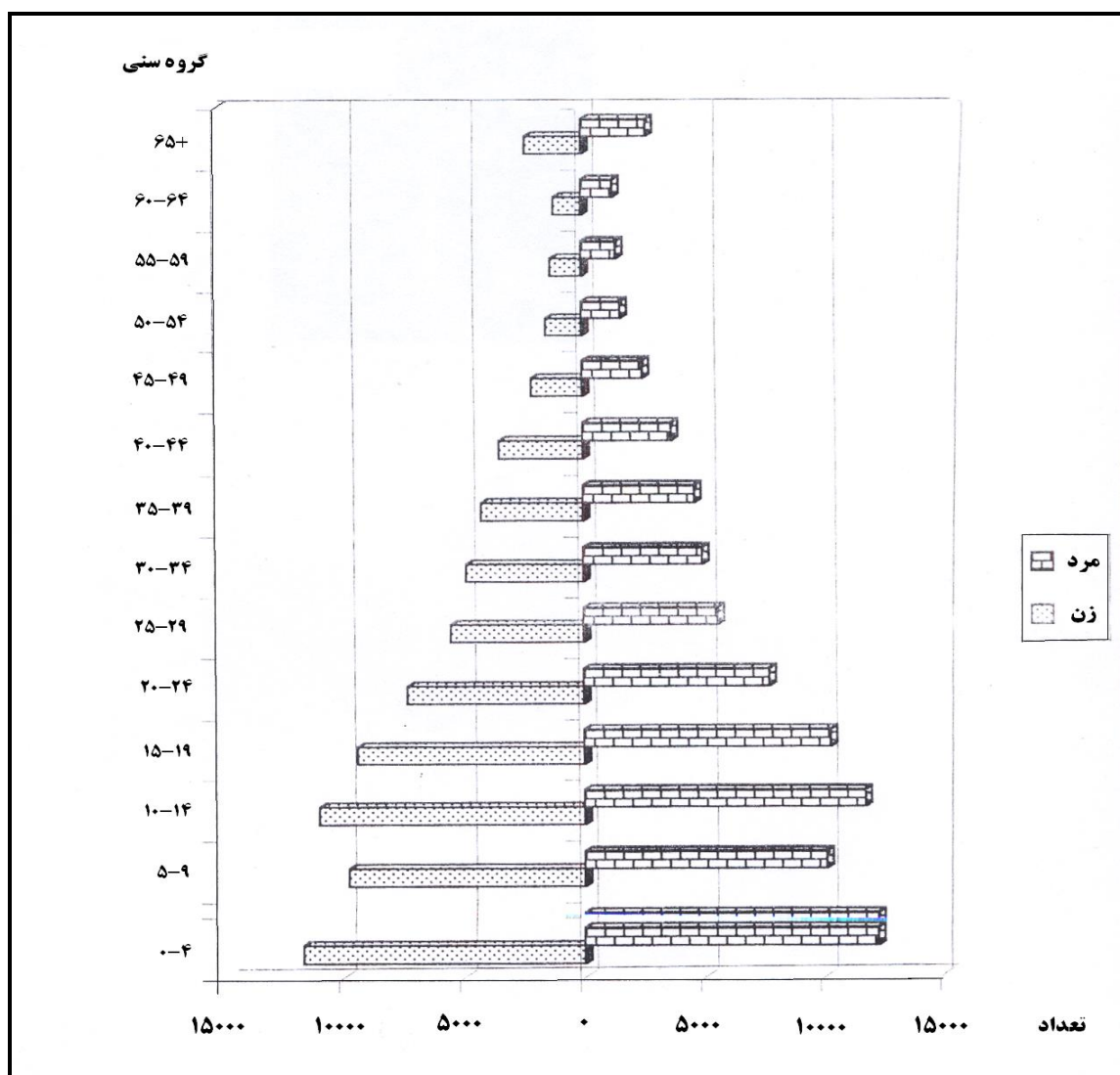
شهر سیرجان در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۸۵۷۹۱ نفر جمعیت با ۹۵۲۳۱ نفر مرد و ۹۰۵۶۰ نفر زن بوده ، به عبارتی ۵۱/۲ درصد را مردان و ۴۸/۸ درصد را زنان تشکیل می داده اند . این شهر ۷۶ درصد از جمعیت شهرستان سیرجان را در خود جای داده و تراکم نسبی آن نیز برابر ۴۲۹۱ نفر در هر کیلومتر مربع برآورد می

گردد . در همین سال تعداد خانوار شهر ۲۶۵۷۱ ، بعد خانوار ۴/۱۷ و میانگین سنی ۱۷/۹ بوده و ۹۳/۵ درصد از افراد بالای شش سال آن نیز باسواد بوده اند .

بر اساس جدول توزیع نسبی جمعیت ، نسبت جنسی ۱۰۵ است یعنی در مقابل هر ۱۰۰ زن ۱۰۵ مرد وجود دارد که بالاترین نسبت جنسی مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ سال با رقم ۱۱۹ و پایین ترین نسبت مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال با رقم ۱۰۱ است .(سازمان جغرافیایی وزارت دفاع ، فرهنگ آبادیهای استان ، ۱۳۸۲ : ۲۸ و اطلاعات اولیه سرشماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان ، ۱۳۸۵).

جدول (۳-۳): توزیع نسبی جمعیت شهر سیرجان بر حسب جنس و سن ، سال ۱۳۸۵ (منبع : سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمان ، ۱۳۸۵)

گروههای عمده سنی	مرد و زن			مرد زن	نسبت جنسی
	تعداد	درصد			
۰-۴	۲۰۳۸۰	۱۵/۳	۱۰۴۴۳	۹۹۳۷	۱۰۵
۵-۹	۱۶۹۹۲	۱۲/۷	۸۵۹۴	۳۲۸	۸۱۰۳
۱۰-۱۴	۱۹۳۴۶	۱۴/۵	۹۹۷۹	۹۳۶۷	۱۰۶
۱۵-۱۹	۱۶۷۷۳	۱۲/۶	۸۷۴۹	۸۰۲۴	۱۰۹
۲۰-۲۴	۱۲۸۳۴	۹/۶	۶۵۸۲	۶۲۵۲	۱۰۵
۲۵-۲۹	۹۴۷۹	۷/۳	۴۷۶۰	۴۷۱۹	۱۰۱
۳۰-۳۴	۸۳۷۳	۶/۳	۴۲۲۴	۴۱۴۹	۱۰۲
۳۵-۳۹	۷۵۴۶	۵/۷	۳۹۳۷	۳۶۰۹	۱۰۹
۴۰-۴۴	۶۰۹۸	۴/۶	۳۱۳۱	۲۹۶۷	۱۰۵
۴۵-۴۹	۳۹۴۴	۲/۹	۲۱۴۶	۱۷۹۸	۱۱۹
۵۰-۵۴	۲۶۳۳	۱/۹	۱۳۷۵	۱۲۵۸	۱۰۹
۵۵-۵۹	۲۳۳۷	۱/۷	۱۲۲۸	۱۱۰۹	۱۱۰
۶۰-۶۴	۲۰۷۹	۱/۶	۱۰۹۷	۹۸۲	۱۱۱
۶۵ سال و بیشتر	۴۲۸۷	۳/۳	۲۲۹۲	۱۹۹۵	۱۱۴
جمع	۱۳۵۰۲۴	۱۰۰	۶۹۵۳۳	۶۴۴۹۱	۱۰۶



نمودار (۳-۳): هرم سنی شهر سیرجان در سال ۱۳۸۵ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمان، ۱۳۸۵)

بر همین اساس بیشترین جمعیت در گروه سنی صفر تا ۴ سال با ۱۵/۳ درصد و کمترین جمعیت در گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ سال با ۱/۶ درصد قرار می گیرد .

جمعیت شهر سیرجان در سالهای ۱۳۴۵ ، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب برابر ۱۹۵۶۸ ، ۴۷۶۲۸ و ۹۰۰۷۳ بوده است و رشد جمعیت نیز از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ ، ارقام ۵/۸ ، ۴/۷ ، ۳/۲ و ۲/۶۰ درصد را نشان می دهد . سازمان جغرافیایی وزارت دفاع ، فرهنگ آبادیهای استان ، ۱۳۸۲ : ۲۸ - ۳۰ و اطلاعات اولیه سر شماری مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان ، : ۹۳)

۳-۵-۶ تعداد و نحوه استقرار حوزه های نفوذ مستقیم شهر سیرجان:

حوزه ی نفوذ مستقیم شهر سیرجان ، آبادیهای نزدیک به شهر سه دهستان محمود آباد سید ، شریف آباد و نجف آباد را در بر می گیرد . براساس اطلاعات ارائه شده از سوی فرمانداری سیرجان ، تعداد آبادیهای واقع در حوزه ی نفوذ مستقیم ، ۹ روستاست . نحوه استقرار این ۹ روستا ، حوزه نفوذ مستقیم را به شکل مستطیل کشیده و باریکی در آورده است که محور طولی آن در راستای جنوبشرقی - شمالغربی جاده اصلی بندرعباس - سیرجان - شهربابک قرار گرفته و شهر سیرجان در مرکز آن جای دارد . ۳ روستای سلیمانیه ، اکبرآباد و نجفآباد (مرکز دهستان) در فاصله نزدیک به ۹ کیلومتری جنوبشرقی ، ۲ روستای نصرت آباد و محمود آباد سید (مرکز دهستان) در فاصله ی ۹ تا ۱۱ کیلومتری شمال شرق و ۴ روستای باسفهرجان، حجت آباد، جعفر آباد و شریف آباد (مرکز دهستان) در فاصله ی نزدیک به ۴ تا ۶ کیلومتری غرب شهر سیرجان استقرار یافته اند .

در حال حاضر نجف شهرو محمودآباد سید با در بر گرفتن نزدیک به ۵۷ درصد جمعیت حوزه نفوذ مستقیم ، مراکز روستایی درجه یک حوزه نفوذ هستند و دو روستای حجت آباد و شریف آباد نیز مراکز درجه دو روستایی حوزه نفوذ هستند و همچنین قابل ذکر است که بر اساس آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۵ جمعیت کل حوزه نفوذ مستقیم سیرجان به ۲۵۰۳۸ نفر می رسد . (طرح جامع سیرجان ، ۱۳۶۳ : ۳ و مطالعات نگارنده ، ۱۳۸۵)

۳-۵-۷ تأثیر ادغام آبادیها ی حاشیه شهر در جمعیت و بافت کالبدی سیرجان :

در طول چند دهه گذشته ، تعداد ی از آبادیها ی واقع در نزدیکی شهر سیرجان ، به موازات گسترش بافت فیزیکی شهر ، در آن ادغام شده اند . مقایسه ی نقشه های محل استقرار مراکز جمعیتی در شهرستان سیرجان در طول سالها ی ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰ نشان می دهد که به استثنای از بین رفتن چند مرکز جمعیتی بسیار کوچک اطراف شهر ، دو آبادی در بافت فیزیکی شهر ادغام شده است که زمان این ادغام نیز در طول دهه ۵۵-۱۳۶۵ بوده است. بنابراین، روند تحول جمعیت شهر سیرجان در محدوده ی آمارگیری سال ۱۳۷۰ در مقایسه با بیست و پنج سال اخیر به ترتیب زیر است.

سال	جمعیت شهر	سال	جمعیت شهر
۱۳۴۵	۱۹۵۶۸	۱۳۶۵	۹۰۰۷۲
۱۳۵۵	۴۷۶۲۸	۱۳۷۰	۱۰۷۸۷۷

بر پایه ارقام ذکر شده تعداد جمعیت شهر سیرجان در طول این دوره ۵ زمانی نزدیک به ۵ برابر شده است . و همچنین قابل ذکر است که تأثیر ادغام آبادیهای اطراف شهر در روند تحول تعداد جمعیت شهر سیرجان در دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ می باشد . به خاطر اینکه تعداد جمعیت این دو آبادی در سال ۱۳۵۵ بیش از یک دهم جمعیت شهر سیرجان در این سال بوده و حدود ۶/۵ درصد جمعیت شهر در میانه ۵ دوره ۵ زمانی ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ بوده است . (طرح جامع سیرجان ، ۱۳۶۳ : ۲۴) .

۳-۵-۸ مهاجرت:

مهاجرت یا جابه جایی عبارتست از تغییرات مکان جغرافیایی جمعیت به هر شکل ، صورت و هر هدفی . مهاجرت با توجه به شرایط و عوامل مختلف صورت می گیرد و از جمله علل اساسی مهاجرت در جوامع جهان سوم از جمله ایران و بخصوص در چند دهه گذشته صنعتی شدن جوامع شهری و احتیاج به نیروی انسانی مولد می باشد که عموماً حرکات و مهاجرتها داخلی جمعیت را شامل می شود . در کشور ما متأسفانه آمار و اطلاعات جامعی که بیانگر وضع مهاجرت باشد در دست نیست
شکل دیگری که در رابطه با چگونگی مهاجرت در ایران وجود دارد ناشی از ناسازگاری آمارهای جمعیتی در سالهای ۳۵ تا ۹۰ است .

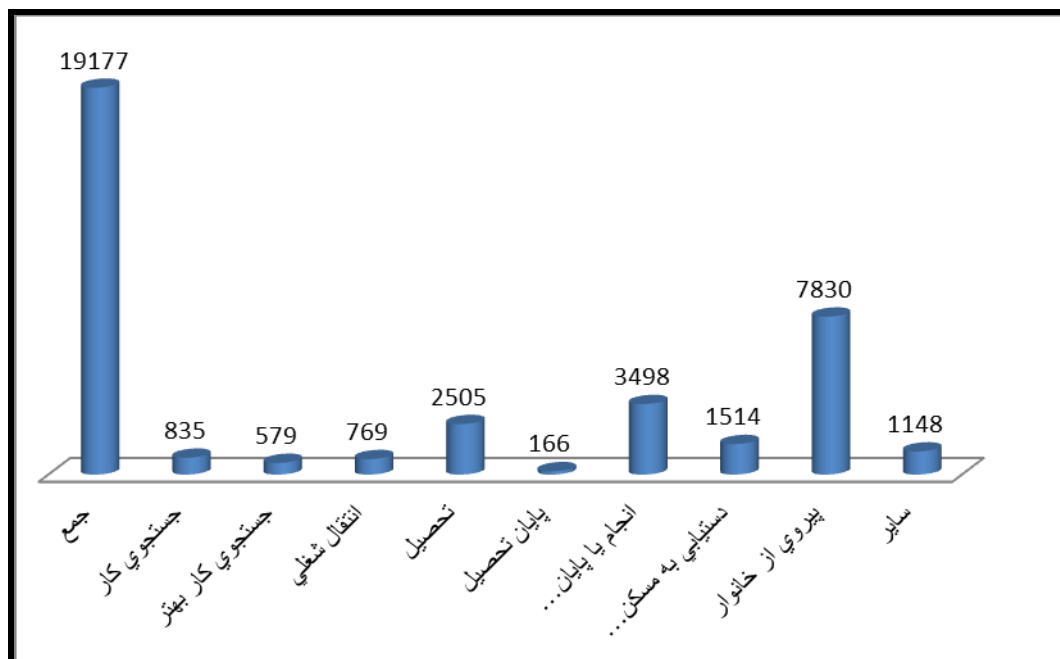
تغییرات بسیار زیادی در فاصله سالهای فوق الذکر در مرزهای داخلی کشور نظیر دهستان ، بخش ، شهرستان و استان پدید آمده است که ما را به خاطر عدم انطباق آمارهای جمعیتی در قیاس با واحدهای قبلی ناتوان می سازد و در این رابطه شهرستان مورد مطالعه بهترین نمونه می باشد بطوریکه در دهه ۴۵ وسعت این شهرستان از ۲۳۸۶۰ کیلومتر مربع به ۱۸۴۰۸ کیلومتر مربع در سال ۵۵ کاهش یافته و در سال ۶۵ ، ۷۵ و ۸۵ نیز این میزان دوباره تغییر کرده است . بنابراین با توجه به مشکلات فوق تعیین نقاط مهاجر پذیر و مهاجر فرست با مشکل رو به رو می شود . در این رابطه تنها راهی که باقی می ماند این است که آمارمکانهای تولد را به عنوان تنها آمار موجود مورد استفاده قرار داده و به تجزیه و تحلیل آنها بپردازیم .

پس از تجزیه و تحلیل آمارهای موجود مهاجرتی به این نتیجه می رسیم که :

۱. مهاجرت روستایی درصد اعظم مهاجرت ها را به خود اختصاص داده است؛
۲. مهاجرت های نزدیک با فاصله کم با اهمیت تراز مهاجرت های دور با فاصله زیاد می باشد؛
۳. مهاجرت به شهرستان سیرجان بخاطر ایجاد فرصتهای شغلی و خدماتی قابل ملاحظه بوده است ؛

۴. اختلاف در امر مهاجرت مردان و زنان با هم اختلاف زیادی داشته است و مردان بیش از زنان اقدام به مهاجرت نموده اند (بخاطر مسأله شغل و درآمد)

مهاجرت روستائیان به نقاط شهری پدیده ای است که در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ ابعاد وسیعی به خود گرفته است و به هیچ وجه با سالهای قبل از آن یا بعد از آن قابل مقایسه نیست . از سالهای ۱۳۴۱ و پس از اصلاحات ارضی حرکت روستا - شهر در این شهرستان اوج گرفته و مشکلات جامعه روستایی و عشایری و نبود پشتوانه مالی همراه با جاذبه های شهری بر این معضل دامن زده و بعنوان عامل اساسی جهت راندن روستائیان مهاجرت های روستائی را سبب شده است .



نمودار (۳-۴): مهاجران وارد شده طی ۵ سال گذشته برحسب جنس، سن و علت مهاجرت- براساس آخرین جابجایی انجام شده سیرجان (۱۳۹۰) (اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمان، ۱۳۸۵)

در شهرستان سیرجان نیز وضع به همین منوال بوده است شهرستانی که در دهه ۴۰ حدود ۲۰ درصد شهرنشین داشته در دهه ۷۰ این میزان به بالای ۷۰ درصد رسیده است. یکی از علل اصلی این افزایش علاوه بر رشد طبیعی جمعیت رشد مهاجرتی بوده است. شهرستان سیرجان در چند دهه اخیر بنا به دلایل اقتصادی، ارتباطی، خدماتی، صنعتی و به دلیل بوجود آمدن فرصتهای شغلی مناسب پذیرای مهاجرین زیادی بوده است که اکثر این مهاجرین راییکاران روستائی تشکیل داده اند و باعث افزایش جمعیت شهری شده اند.

بانگاهی به آمار سرشماری سال ۴۵ تا ۸۵ به این نکته پی می بریم که بیشترین میزان مهاجرتی مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله بوده و در همین گروه سنی نیز نسبت مردان بیش از دو برابر زنان بوده است و از کل مهاجرتها سال ۴۵ حدود ۷۲ درصد مربوط به مهاجرتها روستائی و ۲۸ درصد مربوط به مهاجرتها

شهری می شده است در این سرشماری بالغ بر ۵۳۰۴ نفر در کل شهرستان جابجا شده اند که ۵۵ درصد مردان و ۴۵ درصد زنان بوده اند اما در همین سال در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله این نسبت به ۶۰ درصد در برابر ۴۰ درصد رسیده اما در نقاط روستائی ۶۵ درصد مهاجرت های روستائی مربوط به مردان و ۳۵ درصد مربوط زنان واقع در سن ۲۰ تا ۲۴ ساله بوده است.

در سال ۱۳۵۵ از کل وقایع مهاجرتی یعنی از تعداد ۶۳۹۴ نفر ۵۶ درصد مربوط به مردان و ۴۴ درصد مربوط به زنان بوده است همچنین مهاجرت های روستائی ۳۵ درصد کل مهاجرت ها را به خود اختصاص داده است که علت کمی مهاجرت های روستائی در این دوره اضافه شدن شهر بردسیر (مشیز) و الحاق آن به شهرستان سیرجان می باشد که باعث بهم خوردن تعادل مهاجرتی دهه قبل شده است.

از آنجائیکه شهر بردسیر منطقه ای کوهستانی و کوچک بوده اکثر مهاجرت های روزانه و با فاصله ای نزدیک انجام می شده است. در این دهه نیز بیشترین میزان مهاجرتی مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله بوده و مربوط به مردان که این گروه سنی ۱۲ درصد کل مهاجرت ها را به خود اختصاص داده اند. در سال ۱۳۶۵ میزان مهاجرت ها در مقایسه با سال ۱۳۵۵ حدود ۳۵۰ درصد رشد داشته (۳/۵ برابر) و از ۶۳۹۴ نفر به ۲۲۰۷۶ نفر رسیده است و از کل مهاجرت های رخ داده ۱۱۹۱۳ نفر مربوط به نقاط شهری و ۱۰۱۶۳ نفر مربوط به نقاط روستائی بوده است .

همچنین بالا ترین نسبت مربوط به مردان بوده که بیش از ۵۳ درصد از کل مهاجرت ها را به خود اختصاص داده اند. از جمعیت ساکن در این شهرستان در این سرشماری ۱۳/۱ درصد از روستا به شهر و ۳/۲ درصد از شهر به شهر و ۵/۹ درصد از روستا به روستا و ۲/۶ درصد از شهر به روستا مهاجرت کرده اند.

در فاصله سالهای ۶۵-۸۵ نزدیک به ۲۲۱۲۸ نفر به مهاجرین قبلی افزوده شده و به ۴۴۲۲۳ نفر رسیده است. با مقایسه محل اقامت قبلی و فعلی می توان نتیجه گرفت که ۲۲/۴ درصد از روستا به شهر و ۹/۳۷ درصد از روستا به روستا و ۲۲ درصد از شهر به شهر مهاجرت کرده اند. (اطلاعات سر شماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمان ، ۱۳۸۵)

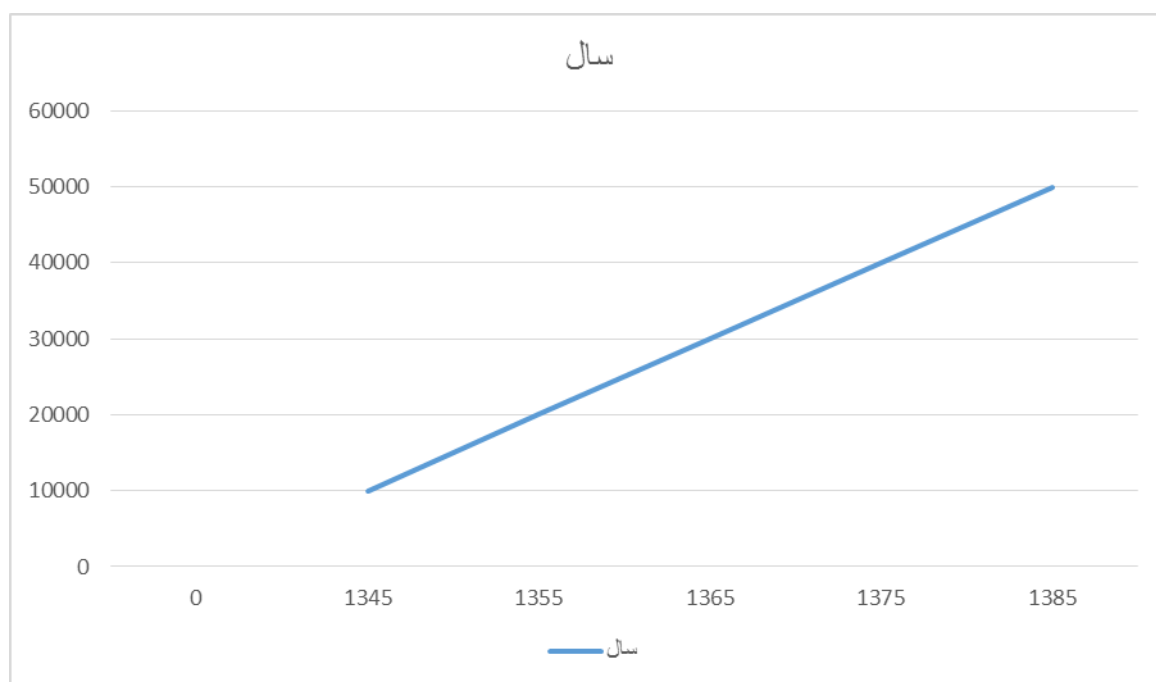
جدول (۳-۴): میزان مهاجرت های شهری و روستایی به تفکیک زن و مرد شهرستان سیرجان (۱۳۴۵ - ۱۳۸۵)

(سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵)

سال	میزان مهاجرت	درصد نسبت شهرستان	مردان	زنان	مناطق شهری		مناطق روستایی	
					مردان	زنان	مردان	زنان
۱۳۴۵	۵۳۰۴	۵/۵	۲۹۰۷	۲۳۹۷	۷۷۱	۷۲۳	۲۱۳۶	۱۶۶۵
۱۳۵۵	۶۳۹۴	۴/۸	۳۵۸۴	۲۸۱۰	۲۲۲۸	۱۹۲۳	۱۳۵۶	۸۸۷
۱۳۶۵	۲۲۰۷۶	۱۳/۸	۱۱۱۵۲	۱۰۹۲۴	۵۹۳۲	۵۹۸۱	۵۲۲۰	۴۹۴۳

۱۳۷۵	۳۱۱۹۲	۱۵/۷	۲۰۸۹۱	۱۰۳۰۱	۱۳۷۲۳	۷۳۸۶	۷۱۶۸	۲۹۱۵
۱۳۸۵	۴۴۲۲۳	۱۸/۱	۲۱۵۲۱	۱۱۳۵۱	۱۴۱۷۱	۸۴۶۰	۷۳۵۰	۲۸۹۱

با نگاهی بر جدول فوق، همچنین نمودار زیر مشخص می شود که در کلیه گروهها از سال ۱۳۴۵ به این طرف مهاجرت روند رو به رشدی داشته اما این روند در سال ۵۵ کمتر از سالهای دیگر بوده است و این مورد به الحاق شهر بردسیر به شهر سیرجان مربوط می شود و باعث بر هم خوردن تعادل مهاجرتی شده است. در سرشماری ۶۵ میزان مهاجرتی در کلیه سنین افزایش شدیدی یافته بطوریکه از ۶۴۹۳ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۲۰۷۶ نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده یعنی در این دهه میزان مهاجرتی بیشتر از سه برابرافزایش نشان می دهد. و از سال ۶۵ تا ۸۵ هم بیش از ۲ برابر افزایش نشان می دهد. (اطلاعات سرشماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، ۱۳۸۵)



نمودار (۳-۵): روند افزایش مهاجرتین شهرستان سیرجان در سالهای (۱۳۴۵-۱۳۸۵) (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵)

از جمله عللی که برای این افزایش می توان ذکر کرد عبارتند از:

- ۱- مسائل سیاسی بعد از انقلاب و مساله شهر نشینی کا ذب باعث مهاجرت روستا به شهر شده است این مساله ادامه همان مهاجرتهاى قبل از انقلاب میباشد؛
- ۲- اشتغال در شهر و بیکاری در روستا در این دهه باعث افزایش مهاجرت شده است؛
- ۳- کمبود مراتع و خشکسالی وعدم توجه به قشر روستای باعث افزایش مهاجرت گردیده است؛
- ۴- فاصله در میزان مهاجرت موثر بوده است فاصله با میزان مهاجرت را بطه مستقیم دارد؛

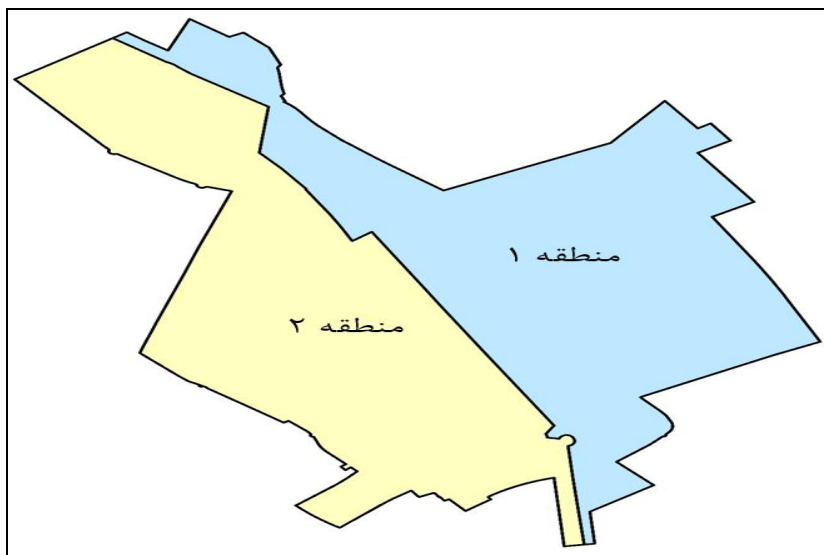
۵- نبود امکانات آموزشی رفاهی و فرهنگی باعث تشدید مهاجرت شده است

۶- اختلاف سطح زندگی بین شهر و روستا عامل دیگر مهاجرتی بوده است و توزیع نامتعادل خدمات آموزشی، بهداشتی و فرهنگی بر این مساله دامن زده است

۳-۶ ویژگی ها و ساخت کالبدی شهر سیرجان:

مساحت شهر سیرجان برابر با ۴۵۰۳۷۸۶۷ متر مربع می باشد. عرصه کالبد شهر سیرجان، دشت نسبت هموار در جنوب غربی رشته کوه لاله زار و جهت شیب از شمال شرقی به جنوب غربی است، جهت کلی ساخت کالبد و بافت های شهر نیز عمدتاً در دو راستای شمال غربی - جنوب شرقی و شمال شرقی - جنوب غربی است (به علت جهت شیب یکسان و نتیجتاً یکسانی جهت حرکت آب قنات و حدود کرت بندی ها و غیره). شهر سیرجان به موازات توسعه و گسترش خود با پیوستن چند روستای نزدیک به شهر (مکی آباد، ده یادگار، آباده، خرم آباد و ...) مواجه بوده است که به تبع آن توسعه از هم گسیخته ای را در بافت پیرامونی خود تجربه نموده است. این گسستگی در حدی بوده است که ۳۸ درصد از مساحت زمین های داخل محدوده قانونی مصوب شامل سطوح ناخالص شهری می باشند، که این سطوح همواره در خطر احداث مسکن نامناسب و توسعه پیش بینی نشده قرار دارند. (مهندسین مشاور سه سو، ۱۳۸۹)

شهر سیرجان بر اساس ابلاغیه مورخ ۱۳۸۲/۹/۳۰ وزیر کشور وقت به دو منطقه و هرکدام دارای یازده محله تقسیم گردید. مرز تقسیم مناطق از محدوده شهر در امتداد آکس اتوبان خلیج فارس در جنوب شروع و در جهت شمال و در امتداد آکس خیابانهای مالک اشتر - شهید شفیعی - امام - انقلاب - ۱۵ خرداد - شیخ فضل الله نوری تا محور راه آهن و در ادامه منطبق بر آکس محور راه آهن به سمت شرق ادامه یافته و در محل پل هوایی بلوار امام رضا و در امتداد آکس محور جاده شهر بابک تا حد محدوده ی شهر امتداد می یابد. منطقه ی یک سیرجان در سمت راست این محور و منطقه ی دو در سمت چپ این محور قرار می گیرد.



شکل (۳-۴) تقسیم مناطق محدوده شهر سیرجان (مهندسین مشاور شارمند ۱۳۷۴: ۳۹).

به طور کلی ساخت شهر سیرجان از بافت هایی با اجزاء بهم پیوسته و بافت هایی با اجزاء پراکنده تشکیل شده است.

- بافت های پیوسته شهر را می توان به طور مشخص در چند دسته تقسیم بندی و مورد بررسی قرار داد :
بافت معابر، بافت مسکونی و بافت تجاری

- بافت های پراکنده شهر عمدتاً شامل شبکه توزیع خدمات رفاهی است که با وجود ارتباط سازمان یافته بین آن ها از نظر فیزیکی به صورت پراکنده دیده می شوند (مهندسین مشاور شارمند ۱۳۷۴: ۳۹).

۳-۷ کاربری اراضی شهری سیرجان:

توسعه شهر سیرجان به صورت گسسته و ادغام روستاها در منطقه شهری و نیز توسعه های جدیدی که به صورت شهرک های تازه ساخت صورت پذیرفته اند، چهره کالبدی متمایزی را به مناطق مختلف شهر بخشیده اند و انسجام محلات قدیم را از میان برده اند. مبنای گسترش کالبدی شهر سیرجان چهار گوشه مرکزی شهر بوده است که سه لبه غربی، شرقی و شمالی آن را فضاهاى ادارى، تجارى و خدماتى اصلى شهر تشکیل می دهند. این مرکز در راستای گسترش خویش، تا تقاطع بلوار سید جمال الدین اسد آبادی و در دنباله مجموعه بازار، تداوم یافته است و مرکز خدماتی اصلی شهر را شکل داده است. در بخش های مسکونی نیز همان طور که در بالا اشاره شد با سه نوع متفاوت از کیفیت های کالبدی مواجه هستیم که نوع روستایی آن در بافت های حاشیه ای به چشم می آید و نوع نسبتاً مطلوب در بافت قسمت های توسعه یافته و شهرک های تازه ساخت. در این بین نقاط مرکزی شهر ضمن دارا بودن هر سه نوع کیفیت متوسط، نازل و

نسبتاً مطلوب به علت هم جوار بودن با مراکز خدماتی و رونق نسبی ساخت و ساز، حائز بیشترین تحولات کالبدی به نظر می رسد. هر کدام از این بخش ها دارای خصائص کالبدی ویژه خود می باشند به گونه ای که بافت مناطق حاشیه ای با دارا بودن هسته هایی واجد معماری روستایی و کیفیت نازل ابنیه به مکانی مناسب برای ساخت و سازهای غیر قانونی و فاقد نظارت لازم مبدل گشته اند. شبکه راهها نیز در این نوع بافت عمدتاً به شکل ارگانیک و پیچ در پیچ می باشد. از دیگر سو بخش مرکزی شهر با دارا بودن شبکه راه های عمود بر هم بافتی شطرنجی را تشکیل داده است. که شکل ساخت و سازها در آن از تنوع بسیاری برخوردار می باشد.

البته در قسمت هایی از بافت بخش مرکزی که هسته تاریخی شهر را شکل بخشیده است، نمونه هایی از شبکه معابر ارگانیک و نامنظم با عرض های متفاوت و قطعات تفکیکی نامنظم به چشم می خورد که خود از چهره کالبدی متمایزی برخوردارند. در نواحی توسعه جدید نیز تشدید بکارگیری سیستم شطرنجی و عمود بر هم معابر به وضوح قابل تشخیص است. در این نواحی قطعات تفکیکی منظم و یکنواخت در کنار هم شکل گرفته و مجموعه ای قابل تشخیص می باشند. (مهندسین مشاور سه سو ، ۱۳۸۹)

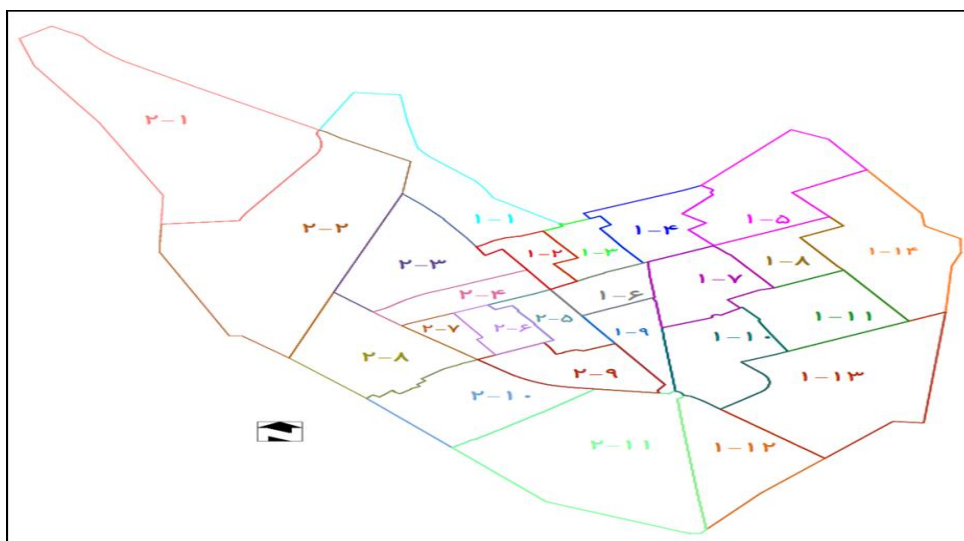
۳-۳-۵ خصوصیات کالبدی شهر سیرجان:

محدوده ی قانونی مصوب شهر سیرجان، مساحتی نزدیک به ۴۵۰۰ هکتار دارد (سطح ناخالص شهری). محدوده این سطح در لبه های شمال شرقی، شرق، جنوب غربی و غرب بر محدوده ی قانونی مصوب منطبق است. در لبه های شمالی و جنوبی، بخش شمال کمربندی در امتداد جاده ی شهر بابک و بخش بیرون از محله بندی طرح مصوب در سطح فوق منظور نشده است. با عنایت به این موارد سطح خالص شهر با حدود ۳۴۰۰ هکتار به طور کلی زیر پوشش سه دسته کاربری اصلی شهری می باشد: بافت مسکونی، شبکه ی رفت و آمد فضاهای خدمات عمومی. بر این اساس سرانه کل کاربری ها در سطح شهر ۱۶۵/۹۴ متر مربع می باشد که ۳۱/۳۵ درصد از سطح مذکور معادل ۱۰۶۶ هکتار زیر پوشش کاربری مسکونی، ۳۹/۷۳ درصد آن معادل ۱۳۵۱ هکتار شبکه ی رفت و آمد و ۲۸/۹۲ درصد باقیمانده معادل ۹۸۳ هکتار کاربری های گوناگون خدمات عمومی شهری را در بر می گیرد. یادآوری می شود که نزدیک به ۱۰۰ هکتار از سطح زیر پوشش شبکه ی رفت و آمد مربوط به بخش های داخل محدوده ی جاده های اصلی بندر عباس - سیرجان - سیرجان شهر بابک، سیرجان - شیراز، سیرجان - بافت و بخش شمال غربی کمربندی بوده تا با توجه به اینکه این بخش از جاده های یاد شده به عنوان خیابان های اصلی شهری نیز کارکرد داشته اند. سطح زیر پوشش آن ها در سطح مربوط به شبکه ی رفت و آمد شهری و سطح خالص شهری منظور گردیده است.

چنانچه این جاده‌ها را از شبکه‌ی رفت و آمد شهری جدا کنیم، سرانه‌ی شبکه‌ی رفت و آمد شهری به ۶۱/۰۵ متر مربع کاهش می‌یابد

۳-۸-۱ منطقه بندی و تقسیمات کالبدی شهر سیرجان:

به منظور جلوگیری از نابسامانی‌های شهری وعدم تناسب در توزیع یکسان خدمات سطح شهر با توجه به ابلاغیه وزیر کشور در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۳ شهر سیرجان به دو منطقه ی شهری و هرکدام دارای ۱۱ محله تقسیم گردید.



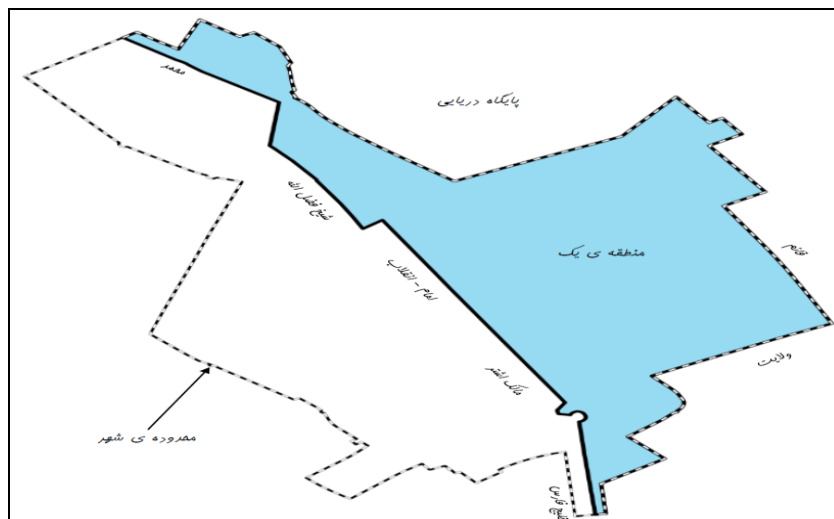
شکل (۳-۵) نقشه ی محله بندی مناطق (اطلاعات دفتر فنی شهرداری سیرجان و ترسیم پژوهشگر)

- منطقه ی یک:

- ویژگی های منطقه :

الف) ویژگی های جمعیتی :

منطقه ی یک سیرجان با وسعت حدود ۲۲۹۵/۹۰ هکتار و جمعیت ۹۰۵۵۳ نفر در سال ۱۳۸۵ می باشد جمعیت مذکور در سال ۱۳۹۰ به ۹۸۳۵۰ نفر و در سال ۱۳۹۴ به ۱۰۸۵۵۴ نفر افزایش یافته است.



شکل (۳-۶) نقشه ی محدوده ی منطقه ی یک (ترسیم پژوهشگر ۱۳۹۵)

۳-۸-۳ ویژگیهای کالبدی:

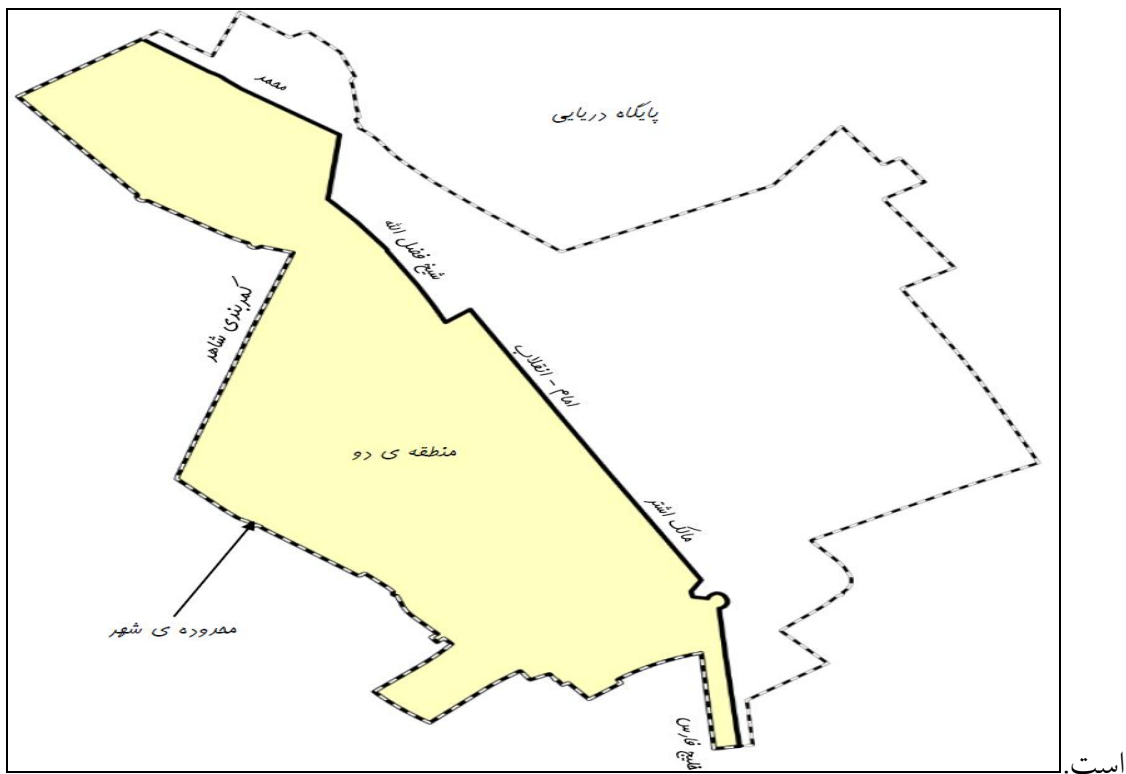
منطقه ی یک سیرجان از شمال به منطقه ی ویژه و پایگاه دریایی (حد محدوده ی شهر سیرجان) و از شرق به بلوار قائم (حد محدوده ی شهر سیرجان) و جنوب به بلوار ولایت و از غرب از اتوبان خلیج فارس شروع و در امتداد خیابان های مالک اشتر ، شهید شفیعی ، امام ، انقلاب ، ۱۵ خرداد ، بلوار شیخ فضل الله ادامه دارد. تعداد ۳ محله نیز در تقسیم بندی محلات به محلات قبلی در منطقه ی یک اضافه گردیده (۱-۱۲، ۱-۱۳، ۱۴-۱) که این محلات به منظور پوشش قسمتی از اراضی خارج از محدوده ی شهر سیرجان که نظارت بر آن ضرورت دارد و تخصیص کد نوسازی و ثبت در بانک اطلاعات G.I.S شهرداری می باشد.

اثر تاریخی بادگیر چپقی و خانه حاج رشید و خانه صدرزاده جزو آثار تاریخی هستند که در این منطقه قرار دارند وجود مرکز تجاری محیاشهر در این منطقه یکی از ویژگی های آن بشمار میرود. و قبرستان شهر نیز هنوز در همین منطقه قرار دارد اگر چه قبرستان جدید در زمینی بمساحت ۸۰ هکتار واقع در جاده بافت (روبروی امامزاده علی) چند سالی است که راه اندازی شده لکن بدلائل متعدد هنوز قبرستان داخل محدوده مورد توجه شهروندان می باشد. شهرک هایی که طی بیست سال اخیر به شهر اضافه شده اند مانند ۱۷۵ هکتاری ، مشتاق ، رزمندگان ، بعثت ، بهار و ... در همین منطقه قرار دارند. از لحاظ مالکیت بیش از ۶۰ درصد اراضی جزو اراضی دولتی بوده و یا هستند. کلیه مراکز آموزش عالی و در قالب مجموعه ی بنیاد دانشگاهی سیرجان در محدوده منطقه ی یک سیرجان قرار گرفته اند. بطور کلی بافت کالبدی این منطقه

دارای قدمت کمتری نسبت به منطقه دو می باشد. ارزش زمین در این منطقه بالاتر از منطقه ی دو می باشد. میانگین تراکم ساختمانی نیز نزدیک به دو برابر منطقه دو می باشد.

ویژگی های جمعیتی :

منطقه ی دو سیرجان با وسعت حدود ۲۲۰۷/۸۸ هکتار و جمعیت ۸۰۳۶۳ نفر در سال ۱۳۸۵ می باشد جمعیت مذکور در سال ۱۳۹۰ به ۸۷۲۸۲ نفر و در سال ۱۳۹۴ به ۹۶۳۳۹ نفر افزایش یافته



شکل (۷-۳) نقشه ی محدوده ی منطقه ی دو (ترسیم پژوهشگر ۱۳۹۵)

۳-۸-۵ ویژگیهای کالبدی:

منطقه دو از شمال به حد محدوده ی شهر سیرجانو از شرق به مرز منطقه ی یک واز جنوب و غرب به حد محدوده ی قانونی شهر سیرجان محدود می باشد.برخی محلات منطقه دو بخشی از اراضی خارج از محدوده ی شهر را که نظارت بر آنها ضرورت دارد و تخصیص کد نوسازی و ثبت در بانک اطلاعات G.I.S شهرداری ضروری می باشد را نیز در بر میگیرد. شامل محلاتی که در شکل ۳-۸ میباشند..

بازار دوقلوی سیرجان و مجموعه ی اطراف آن در محدوده ی منطقه ی دو سیرجان قرار گرفته که در واقع نقش CBD شهر را دارا می باشد. همچنین مجموعه ی یخدانه های دو قلو ، خانه شوکت سعیدی (خانه خلعتی) و امامزاده احمد همگی در این منطقه قرار دارند. درصد بسیار زیادی از اراضی منطقه دو شامل اراضی موقوفه می باشد. بیش از ۹۰ درصد باغات و اراضی کشاورزی نیز در محدوده ی منطقه ی دو واقع شده و هر دو بیمارستان فعال شهر (امام رضا و غرضی) در منطقه ی دو قرار گرفته اند.

وجود مناطق حاشیه ای و سکونت گاه های غیررسمی در این منطقه یکی از مشکلات و چالش های مدیریت شهری است . عدم رعایت اصول شهرسازی در مناطق غربی تر (مانند مکی آباد ، آباد ، غفاری و فیروزآباد ...) و نامناسب بودن نحوه ی جمع آوری و دفع آب های سطحی در کل سطح شهر و بدلیل اینکه این منطقه در مسیر شیب پایین تر قرار گرفته باعث آبگرفتگی شدید معابر و منازل در مواقع بارندگی می شود. بطور کلی کیفیت ساخت و ساز در این منطقه نسبت به منطقه ی یک پایین تر و تراکم ساختمانی کمتری نیز دارا میباشند. ارزش زمین در محدوده ی بازار و بخش هایی از محدوده بلوار مالک اشتر و بلوار سید احمد بالاتر از بقیه جاها می باشد.

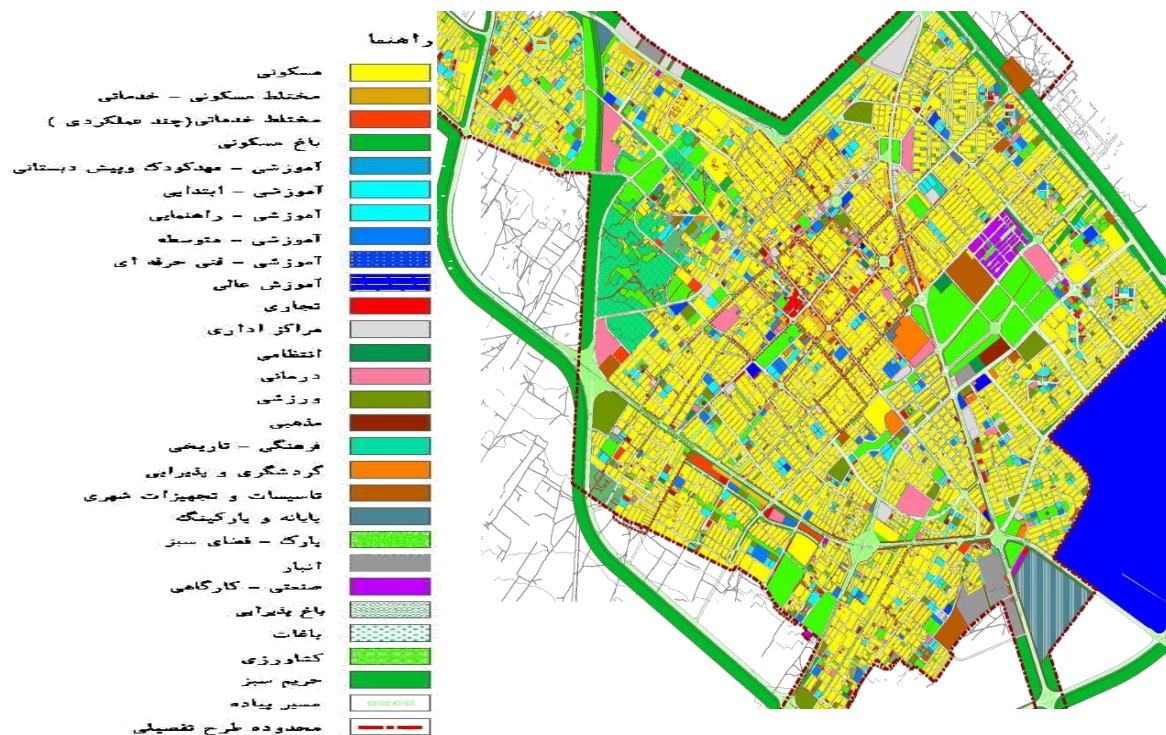
کاربری اراضی در منطقه ی دو سیرجان :

درصد قابل توجهی از اراضی واقع در منطقه ی دو دارای کاربری باغات و اراضی کشاورزی می باشد اگرچه در حال حاضر و با توجه به مواردی از قبیل خشکسالی ، تغییر و تقسیم مالکیت ، گسترش حوزه ی مسکونی، بالا رفتن ارزش زمین و عدم تمایل ساکنین به ادامه شغل کشاورزی باعث گردیده که بسیاری از اراضی کشاورزی و باغات یا تغییر کاربری یابند و یا به حال خود رها شده وبصورت بایر در آمده اند.

بررسی کالبدی و اجتماعی در محدوده:

محدود مورد مطالعه در منطقه ۲ شهرداری سیرجان و ناحیه ۱۱ آن منطقه شهری قرار گرفته است. این ناحیه با مساحت ۳۱۹/۹ هکتار از شمال به بلوار کمربندی شهری، از شرق به جاده بندرعباس، از جنوب به انتهای محدوده طرح جامع مصوب شهر و از غرب به بلوار شیراز منتهی می گردد. این ناحیه متشکل از ۳ محله می باشد که محدوده مورد نظر در محله شماره یک قرار گرفته است. جمعیت این ناحیه بر اساس گزارش وضع موجود ۱۹۵۳ نفر بوده است که با اجرای طرح های آماده سازی، طرح تفصیلی با در نظر گرفتن تراکم ۱۲۰ درصد و سرانه مسکونی ۵۰ متر مربع جمعیتی معادل ۲۷۵۳۴ نفری را برای این ناحیه پیش بینی کرده است.

محدوده مورد مطالعه دارای مساحتی حدود ۱۲۰ هکتار می باشد که براساس برداشت های میدانی مشاور جمعیتی حدود ۲۰۹۶ نفر را در خود جای داده است. در یک مقایسه کلی در این محله ساخت و سازها به ویژه در بخش خدمات عمومی بر اساس طرح تفصیلی شهر صورت پذیرفته است. همچنین لازم به ذکر است که طرح حاشیه بلوار غدیر (اراضی تحت تمالک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) بر اساس مصوبه کمیسیون ماده ۵ سال ۱۳۹۰ مورد تغییر قرار گرفته است.

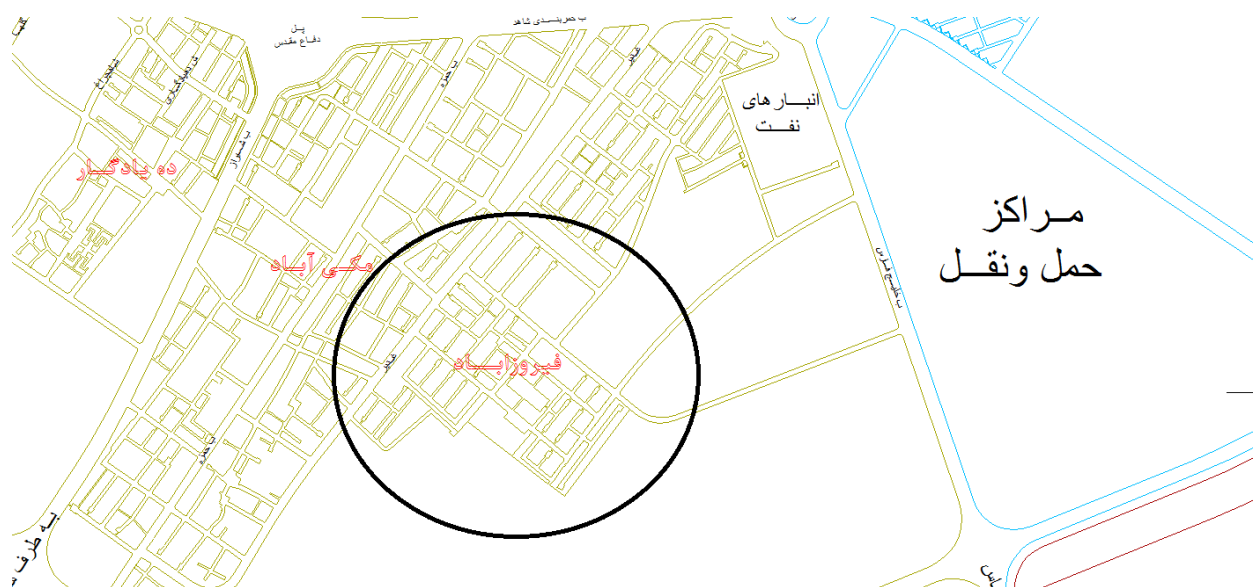


شکل (۷-۳) جانمایی محدوده فیروزآباد در شهر شیرجان

عکس از: google earth



عکس هوایی از منطقه فیروزآباد



نقشه فیروزآباد و محله های اطراف

جدول (۳-۵): جمعیت محدوده مورد بررسی (محلۀ فیروزآباد)

جمعیت	خانوار	بعد خانوار
داخل محدوده	۱۸۶۰	۴۱۰
خارج از محدوده	۲۳۶	۲۵ *
کل محدوده	۲۰۹۶	۴۳۵ *

خصوصیات اجتماعی و جمعیتی:

در نظام شهری هر منطقه، مراکز جمعیتی در هر دوره ای با تحول جمعیتی خاص خود همراه می شوند. اگر شهری یا روستایی دارای توانهای مطلوب فعالیتی و خدماتی باشد. جمعیت در آن متمرکز می شود و با افزایش جمعیت روبرو می گردد. با توجه به موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر سیرجان و ارزان تر بودن زمین و مسکن نسبت به سایر نقاط شهر قشر متوسط و فقیر در این محدوده ساکن شده اند و بدون هیچگونه قانون و طرح بالا دستی و با توجه بودجه خود شروع به ساخت مسکن کرده اند. بیشتر سکنه این محدوده را افغانه تشکیل می دهند و از لحاظ امنیتی این محدوده دارای امنیت بالایی نمی باشد. بر اساس برداشت های میدانی مشاور جمعیت محدوده مورد مطالعه ۲۰۹۶ نفر می باشد که در حدود ۴۸۵ واحد مسکونی زندگی می کنند. بیشتر ساکنین این محدوده حاشیه نشین می باشد. جمعیت پیش بینی شده در طرح تفصیلی در این محله حدود ۸۶۵۴ هزار نفر می باشد که این جمعیت در حال حاضر ۲۴/۲۲ درصد از کل محله را تشکیل می دهد. از شاخص های اجتماعی که بر بافت اجتماعی شهر موثر واقع می شود، زبان و مذهب شهروندان است و بر اساس اطلاعات موجود بیشتر افراد ساکن در این محدوده همان طور گفته شد افرادی با توان مالی پایین می باشند.

۳-۱۲ روش تحقیق

پای هر علمی، روش شناخت آن است و اعتبار و ارزش قوانین هر علمی، به روش شناختی مبتنی است که در آن علم به کار می رود.

استنباط های علوم مختلف از روش تحقیق

۱- روش تحقیق؛ به معنای رویکرد هستی شناسی.

۲- روش تحقیق؛ به معنای مکاتب فکری و روش های تحلیل طبیعت و جامعه (مانند تجربه گرایی، ثبات گرایی، ابطال گرایی، طبیعت گرایی، مکانیک گرایی، رفتارگرایی، تاویل گرایی، فهم گرایی و پدیدارشناسی).

۳- روش تحقیق؛ فرایند نظام‌مند برای یافتن پاسخ یک پرسش یا راه‌حل یک مسئله. در این باره باید گفت که روش تحقیق، مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر (قابل اطمینان) و نظام‌یافته، برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات، یافتن روابط و دستیابی به راه‌حل مشکلات است (شیعه، ۱۳۸۹، ۴۵).

۳-۱۲-۱ طبقه‌بندی تحقیق بر مبنای هدف

الف- تحقیقات بنیادی پایه (Basic res)^۱

ب- تحقیقات کاربردی (Applied res)^۲

ج- تحقیقات ارزیابی (Evaluation res)^۳

د- تحقیق و توسعه (R & D)^۴

و- تحقیق عملی کاری (Actoin res)^۵

ب: **تحقیقات کاربردی:** در این تحقیقات با استفاده از زمینه و بشر شناختی و معلوماتی که از طریق تحقیقات بنیادی فراهم شده برای رفع نیازمندی‌های بشر و بهبود و بهینه‌سازی ابزارها اشیا و الگوها در جهت توسعه رفاه و آسایش و ارتقا سطح زندگی انسان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحقیقاتی که ماهیت کاربردی دارند (دلور، ۱۳۸۲، ۳۳). این تحقیق از نوع کاربردی می‌باشد.

۳-۱۳-۱ طبقه‌بندی تحقیق بر حسب روش

الف. تحقیق تاریخی (Historical res)^۶

ب. تحقیق توصیفی (Descriptive res)^۷

ج. تحقیق پیمایشی زمینه‌یابی (Survey res)^۸

د. تحقیق تحلیل محتوا (Content analysis res)^۹

ب: **تحقیقات توصیفی:** در این نوع تحقیق، محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد پدیده تغییر، شیء یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر این تحقیق وضعیت موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین آن‌ها را بررسی می‌کند. این نوع تحقیقات هم جنبه کاربردی دارند هم جنبه مبنایی، در بعد کاربردی این نوع تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و

^۱ : Basic res

^۲ : Applied res

^۳ : Evaluation res

^۴ : R & D

^۵ : Actoin res

^۶ : Historical res

^۷ : Descriptive res

^۸ : Survey res

^۹ : Content analysis res

سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود تحقیقات توصیفی در بخش بنیادی به کشف حقایق و واقعیت‌های جهان خلقت می‌انجامد. این تحقیقات بیشتر در علوم پایه همچون شیمی، فیزیک و... کاربرد دارد. در تحقیقات توصیفی محقق می‌تواند به ارزیابی شرایط کار، موقعیت پدیده، روش‌های کار، عقاید و اطلاعات جمعیت شناسنامه پردازد و در صورت لزوم روابط بین آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیقات نوع از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب و نیز روش‌های میدانی نظیر پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده استفاده می‌شود (شیعه، ۱۳۸۹، ۴۶).

این گونه تحقیقات بر اساس شیوه نگارش و پرداختن به مسئله به دودسته تقسیم می‌شود:

۱- تحقیقات توصیفی محض: که صرفاً به کشف و تصویرسازی و ماهیت موجود تحقیق می‌پردازد.

۲- تحقیقات توصیفی تحلیلی: محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد محقق برای تبیین و توضیح دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد که با جستجو در ادبیات و مباحث نظری و تدوین گزاره‌های کلی موجود معمولاً در فصل مبانی نظری تحقیق تدوین می‌گردد.

به‌طور کلی منظور از روش تحقیق و پژوهش، ارائه مهارت‌ها و تجربه‌هایی است که دستیابی به هدف را آسان‌تر و عملی‌تر می‌سازد و با صرف وقت کمتر، نتایج بیشتری به دست می‌آید. این تحقیق از نوع کاربری و با روش توصیفی تحلیلی می‌باشد.

۳-۱۴ روش گردآوری اطلاعات

۳-۱۴-۱ صحت و دقت در گردآوری اطلاعات

مرحله گردآوری اطلاعات آغاز فرایندی است که طی آن محقق یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای را گردآوری می‌کند و به روش استقراری به فشرده‌سازی آن‌ها از طریق طبقه‌بندی آن‌ها و سپس تجزیه و تحلیل می‌پردازد و فرضیه تدوین شده خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و سپس حکم صادر می‌کند و پاسخ مسئله تحقیق را به اتکای آن‌ها می‌آید.

برای حفظ اعتبار اطلاعات و داده‌های گردآوری شده محقق باید دست‌کم دو مسئله اساسی زیر را مورد توجه قرار دهد:

۱- اصل صحت: محقق باید از درستی و صحت اطلاعات خود اطمینان حاصل کند و باید مطمئن شود که منابع و مآخذ اطلاعات تهیه شده معتبر است و به‌ویژه در بین متخصصان از مقبولیت برخوردار است.

۲- اصل دقت: اطلاعات و داده‌های آماری که از منابع میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری و در ابزارهای مربوط به آن‌ها درج می‌شود. در مراحل مختلف فرایند تحقیق مورد دست‌کاری، جابجایی، کاربری و... قرار می‌گیرد، بنابراین کوچک‌ترین بی‌احتیاطی در برداشت، درج، جابجایی و انتقال آن‌ها ممکن است اطلاعات و داده‌ها را تغییر دهد و هر تغییر کوچکی روی نتیجه تحقیق مؤثر می‌باشد (دلاور، ۱۳۸۲، ۳۳).

کلیه اطلاعات به‌دست آمده در تحقیق از منابع معتبر می‌باشد.

۳-۱۴-۲ انواع روش گردآوری اطلاعات

روش‌های گردآوری اطلاعات را به‌طور کلی به دودسته می‌تواند تقسیم کرد:

الف: روش میدانی ب: کتابخانه‌ای

الف: روش میدانی: این روش عبارت است از پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، آزمون و روش‌های صوتی تصویری. هرکدام از این روش‌ها دارای ابزارهای خاص خود است که محقق با به‌کارگیری آن‌ها می‌تواند نسبت به جمع‌آوری اطلاعات خود اقدام کند

ب: روش کتابخانه‌ای: این روش تمام انواع روش‌های تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی در بعضی از آن‌ها در بخشی از فرایند تحقیق از این روش استفاده می‌شود. در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه‌ای دارند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۵). در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد و تمامی اطلاعات در فصل چهارم به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی بیان می‌شوند.

۳-۱۵-۳ تحلیل swot

روش اس دبلیو اُتی که در فارسی بانام تحلیل سوات هم شناخته می‌شود یکی از ابزارهای برنامه ریزی استراتژیک است که برای ارزیابی وضعیت داخلی و خارجی یک سازمان استفاده می‌شود. اس دبلیو اُتی در انگلیسی حروف اول کلمات قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) است. از این روش علاوه بر برنامه ریزی راهبردی به‌طور کلی در تحلیل وضعیت سازمان‌ها استفاده می‌شود. درواقع این تحلیل را باید ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی درونی سازمان بدانیم، پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک و همین‌طور بازاریابی است. این تحلیل را علاوه بر SWOT در برخی متون به‌صورت TOWS^۱ نیز آورده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۵).

۳-۱۵-۱ تاریخچه

این تکنیک اولین بار همان‌طور که از محتوای آن مشخص است در سیستم‌های نظامی و سپس در مدیریت صنایع و کارخانه‌ها به‌کاربرده می‌شد و کم‌کم از سال ۱۹۹۰ وارد سیستم‌های مدیریتی برنامه‌ریزی شد. مهم‌ترین ویژگی سوات این است که می‌توان بدون نیاز به تحلیل‌های کمی و محاسبات ریاضیاتی به تحلیل داده‌ها و تدوین راهبرد پرداخت درحالی‌که سایر روش‌ها و تحلیل‌ها نیاز به آمار و اطلاعات کمی و همچنین فرموله‌ای پیچیده ریاضی دارند. این تکنیک به‌سادگی و با استفاده از روش‌های کیفی امکان استفاده از یافته‌ها و اطلاعات را فراهم می‌سازد (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴: ۲۵).

^۱ : TOWS

۳-۱۵-۲ شناسایی عوامل داخلی و خارجی

ابتدا عوامل داخلی و عوامل خارجی شناسایی می‌شود. پس از مشخص شدن تمامی نقاط ضعف و قوت و تهدیدها و فرصتها، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) تشکیل می‌شود. نقاط ضعف و قوت داخلی در ماتریس IFE و فرصتها و تهدیدات خارجی در ماتریس EFE تجزیه و تحلیل می‌شوند. پس از مشخص شدن و نمره دهی عوامل درونی و بیرونی، این عوامل در جدول ماتریس استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. سپس استراتژی‌های اتخاذ شده و ماتریس نمره دهی شده و اولویت اجرای هر کدام مشخص می‌شود. با استفاده از ادبیات پژوهش و مصاحبه‌های تخصصی مهم‌ترین شاخص‌های هریک از معیارهای فوق شناسایی می‌شوند و سپس در قالب نقاط ضعف و قوت دسته‌بندی خواهند شد. به روش مشابه با استفاده از ادبیات پژوهش و مصاحبه‌های تخصصی مهم‌ترین شاخص‌های هریک از عوامل خارجی شناسایی شده و سپس در قالب فرصتها و تهدیدها دسته‌بندی خواهند شد (همان منبع، ۲۶).

۳-۱۵-۳ تعیین اوزان عوامل داخلی و خارجی

پس از شناسایی عوامل داخلی و خارجی و دسته‌بندی آن‌ها در قالب نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها، باید میزان اهمیت هریک از آنها مشخص شود. با استفاده از مدل فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی وزن هریک از شاخص‌های عوامل داخلی و خارجی مشخص می‌شود (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴، ۲۶).

۳-۱۵-۴ ایجاد ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

برای تهیه ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) ابتدا نقاط قوت و سپس نقاط ضعف را لیست کرده و به هر عامل یک ضریب وزنی بین صفر (بی‌اهمیت) تا یک (بسیار مهم) اختصاص می‌دهیم. در این صورت جمع ضرایب وزنی اختصاص داده شده باید مساوی یک باشد.

به هریک از این عامل‌ها نمره ۱ تا ۴ می‌دهیم. نمره ۱ بیانگر ضعف اساسی، نمره ۲ ضعف کم، نمره ۳ بیانگر نقطه قوت و نمره ۴ نشان‌دهنده قوت بسیار بالای عامل می‌باشد.

جدول (۳-۱): امتیازدهی به معیارهای داخلی (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴، ۲۶).

قوت اساسی	قوت	ضعف	ضعف اساسی	گزینه انتخابی
4	3	2	1	امتیاز

جدول (۳-۲): امتیازدهی به معیارهای خارجی (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴، ۲۶).

فرصت عالی	فرصت	تهدید	تهدید جدی	گزینه انتخابی
4	3	2	1	امتیاز

¹ : IFE

² : EFE

- برای تعیین نمره نهایی هر عامل، ضریب هر عامل را در نمره آن ضریب کنیم.
 - مجموع نمره‌های نهایی هر عامل را محاسبه کنیم تا نمره نهایی مشخص شود.
- جدول (۳-۳): ماتریس ارزیابی عوامل داخلی IFE (جهانیان و امینی، ۱۳۹۴، ۲۶).

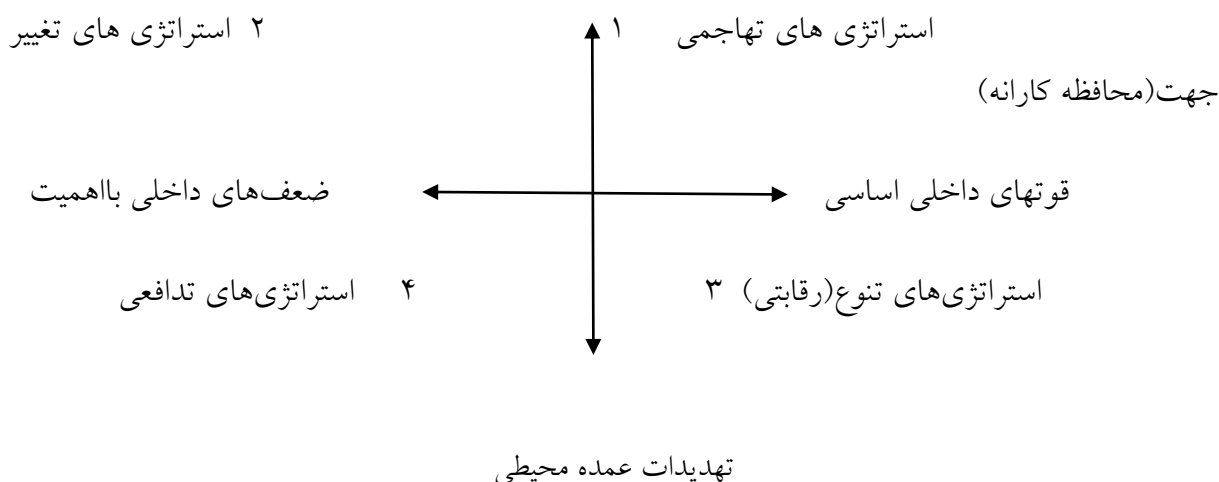
توضیحات	امتیاز موزون	امتیاز	وزن	عوامل استراتژیک داخلی
				لیست نقاط قوت
				لیست نقاط ضعف
			1	جمع کل

برای تهیه ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) نیز مانند قبل عمل می‌شود.

۳-۱۵-۵ طراحی مدل تحلیلی SWOT

برای تجزیه و تحلیل هم‌زمان عوامل داخلی و خارجی از ماتریس داخلی و خارجی استفاده می‌گردد. این ماتریس برای تعیین موقعیت صنعت یا سازمان به کار می‌رود و برای تشکیل آن باید نمرات حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی را در ابعاد عمودی و افقی آن قرارداد تا جایگاه صنعت یا سازمان در بازار مشخص گردد و بتوان استراتژی‌های مناسبی را برای آن مشخص کرد. این ماتریس منطبق بر ماتریس SWOT است و استراتژی‌های مناسب برای سازمان را مشخص می‌کند (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۶).

فرصت‌های متعدد محیطی



شکل (۳-۱): الگوی ارزیابی و انتخاب استراتژی (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۶).

روش تجزیه و تحلیل SWOT به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها را که در مرحله قبل شناسایی شده‌اند مورد تحلیل قرار داده و استراتژی‌های متناسب با موقعیت را منعکس می‌سازد. در مدل SWOT پس از فهرست نمودن هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید که در مرحله قبل شناسایی شده و نوشتن آن‌ها در سلول‌های مربوطه به خود برحسب ترتیب امتیاز وزن‌دار از محل تلاقی هر یک از آن‌ها استراتژی‌های موردنظر حاصل می‌گردد؛ بنابراین همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی ST، WT، WO و SO می‌شود. در جدول (۳-۴) ماتریس تجزیه و تحلیل SWOT نشان داده شده است (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۶).

جدول (۳-۴): ماتریس تجزیه و تحلیل SWOT (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۶).

عوامل استراتژیک	فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)
فهرست فرصت‌ها (O)	استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO
فهرست تهدیدها (T)	استراتژی‌های ST	استراتژی‌های TW

۳-۱۵-۶ روش تجزیه و تحلیل SWOT

به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها را که در مرحله قبل شناسایی شده‌اند مورد تحلیل قرار داده و استراتژی‌های متناسب با موقعیت را منعکس می‌سازد. در مدل SWOT پس از فهرست نمودن هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید که در مرحله قبل شناسایی شده و نوشتن آن‌ها در سلول‌های مربوطه به خود برحسب ترتیب امتیاز وزن‌دار از محل تلاقی هر یک از آن‌ها استراتژی‌های موردنظر حاصل می‌گردد؛ بنابراین همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی ST، WT، WO و SO می‌شود. در جدول (۳-۵) ماتریس تجزیه و تحلیل SWOT نشان داده شده است (همان منبع، ۷).

جدول (۳-۵): ماتریس تجزیه و تحلیل SWOT (امینی و سماواتیان، ۱۳۸۹، ۷).

عوامل استراتژیک	فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)
فهرست فرصت‌ها (O)	استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO
فهرست تهدیدها (T)	استراتژی‌های ST	استراتژی‌های TW

۱- تلفیق نقاط قوت و فرصت (SO)

۲- تلفیق نقاط قوت و تهدید (ST)

۳- تلفیق نقاط ضعف و فرصت (WO)

۴- تلفیق نقاط ضعف و تهدید (WT)

۱-۱-۱-۱ استراتژی‌های قوت - فرصت (SO)

در اجرای استراتژی‌های SO می‌توان با استفاده از نقاط قوت داخلی از فرصت‌های خارجی حداکثر بهره‌برداری را نمود.

۱-۱-۱-۲ استراتژی‌های ضعف - فرصت (WO)

هدف از استراتژی‌های WO این است که از مزیت‌هایی که در فرصت‌ها نهفته است در جهت جبران نقاط ضعف استفاده شود.

۱-۱-۱-۳ استراتژی‌های ضعف - تهدید (WT)

هدف در اجرای استراتژی‌های WT کم کردن نقاط قوت و ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است. در چنین موقعیتی وضعیت نامناسب بوده و در وضع مخاطره‌آمیز قرار خواهیم گرفت و باید سعی کنیم با انحلال، واگذاری، کاهش عملیات، ادغام و سایر روش‌ها از چنین وضعیتی پرهیز نماییم.

۱-۱-۱-۴ استراتژی‌های قوت - تهدید (ST)

در این نوع استراتژی تلاش می‌گردد تا با استفاده از نقاط قوت داخلی برای جلوگیری از تأثیر منفی تهدیدات خارجی، سازوکارهایی در پیش گرفته شود و یا تهدیدات را از بین برد.

به این ترتیب با استفاده از ماتریس SWOT فهرستی از استراتژی‌های مختلف در چهار گروه متفاوت به دست می‌آید (امینی و سماواتیان، ۸۹: ۸۱۳).

۳-۱۶ روش انجام تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است و اطلاعات و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. در بخش میدانی پرسشنامه تهیه شده و از متخصصان و خبرگان اولویت‌گذاری کنند.

(فصل چهارم)

«تجزیه و تحلیل داده ها»

در هر پژوهش تحلیل نتایج به دست آمده از مرحله گردآوری اطلاعات یکی از مهم ترین کارها است، چراکه دستاورد تحقیق چندماهه و حتی چندساله محقق که حاصل مطالعات نظری، پیشینه پژوهش های دیگر، تهیه ابزار گردآوری داده ها، رفتن به میدان و جمع آوری اطلاعات می باشد، به آزمون گذاشته می شود و برای او آشکار می شود که پیش فرض های حاصل از مطالعاتش تا چه حد معتبر و دقیق بوده اند (هومن، ۱۳۸۴: ۱۲). این بخش از پژوهش شامل یافته های کتابخانه ای و میدانی که جدول SWOT ذکر می شود.

۴-۲ توصیف داده ها:

داده های جمع آوری شده اغلب از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه ای، مشاهدات عینی، برداشت های میدانی و مصاحبه با افراد مطلع، متخصصین معماری و شهرسازی و عمران و همچنین افراد عادی ساکن در محل به صورت پرسشنامه بدست آمده است. برای تحلیل و مقایسه بهتر اطلاعات و دستیابی به راهکارهای بهینه لازم است تا نمونه موردی در چند بازه ی زمانی به صورت مستقل از لحاظ کالبدی، مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی بررسی و با هم مقایسه گردند؛ سپس اطلاعات مقایسه شده، جهت تبیین فرضیات، جمع بندی شده و سیاست ها و راهبرد های اصلی انتخاب می گردد. در نهایت با استفاده از تکنیک جدول سوات و بررسی نقاط قوت و ضعف موجود، در راستای تحقق اهداف خرد و کلان پژوهش، راهبردهای پروژه معرفی می شوند.

۴-۲-۱ دهه شصت:

با توجه به مصاحبه های انجام گرفته این منطقه از تعدادی باغ تشکیل شده بود که به فیروز آباد مشهور بود و یک رشته قنات به صورت شرقی غربی در این منطقه جهت آبیاری باغات کشاورزی وجود داشته بود. تعداد کمی تیر برق تا نزدیکی این باغات کشیده شده بود و روشنایی منطقه را در حدودی تامین می کرد اما زندگی مسکونی در این منطقه وجود نداشت کاربریها به صورت باغات زراعی وجود داشت فقط اتاقهایی به عنوان نگهبانی در باغها وجود داشته است.



شکل (۴-۱): منطقه فیروزآباد در سال ۱۳۵۹ (ماخذ: سازمان نقشه برداری کشور)

۴-۲-۲ دهه هفتاد:

با هموار شدن واز بین رفتن باغات در اثر خشک شدن قنات شرایط برای سکنی گزیدن در این منطقه مساعد گشت. صاحبان زمین های عمده کشاورزی در این محله بعضاً بدون رعایت ضوابط زمین های کشاورزی در تغییر کاربری داده وبا تفکیک های نامناسب بدون رعایت ضوابط ومقررات شهر سازی وفروش زمین به قیمت ارزان باعث رونق گرفتن ((ساخت وسازهای غیر اصولی و غیر مجاز)) در این محله شده اند که در نهایت مهمترین ذی نفعان این سناریو همان صاحبان زمینی هستند که بااین کار فقرای شهری را بدون برنامه ریزی به حاشیه شهر وزمین های کشاورزی کشاند واین امر در طولانی مدت باعث تغییر حریم شهر وشکل گیری سکونتگاه غیر رسمی شد. با این اوصاف پدیده اسکان دراین منطقه دارای ابعاد متنوعی است به همین خاطر زمینه نمود ویژگی های و خصوصیات عمده منطقی که حاکی از عمد برخورداری ساکنین از فرصت های مختلف وبی حاشیه رانده شدگی این اجتماعات شده است. روستاییان وارد شده به شهر به دلیل توان پایین تر مالی حاشیه شهری را برگزیده واز امکانات شهر در آنجا بهره جسته اند منطقه فیروزآباد مهمترین نقطه ای بودند که در حاشیه نشینان به دلیل مساعد بودن شرایط نسبت به سایر مناطق در آن سکنی گزیدن مهاجرین بدین شرح می توان دانست:

۱. وجود آب وبرق در منطقه:

۲. عدم نظارت قوی در این محدوده وضعف مدیریت:

۳. همواره شدن زمین های ناهموار منطقه بر اثر تجمع نخاله های ساختمانی و...

۴. تفکیک و واگذاری خود سرانه ارضی باغات بدون توجه به کاربری اصلی آنها:

۵. عهدهم آگاهی خریداران

*-وجود آب در منطقه: به عنوان اساسی ترین نیاز برای منطقه مسکونی محسوب می شود. یکی دیگر از نیاز های اساسی مناطق مسکونی برق مخصوصا روشنایی است. تیر برق تا داخل محدوده و اطراف باغها کشیده شده بودند و برق و روشنایی منطقه را تامین می کردند. تامین آب و برق یکی از مهمترین دلایل ورود حاشیه نشینان و سکنی گزیدن آنها در این ناحیه بود.

*-عدم نظارت قوی در این محدوده وضعف مدیریت: اغلب ما هرگاه ضعف در نقطه ای پی ببریم به دنبال استفاده از آن ضعف و رسیدن به هدف خود خواهیم بود. فیروزآباد که در دهه هفتاد و در این برهه زمانی دچار ضعف دید در حوزه نظارت و مدیریت بود. با ورود اولین مهاجرین و سکنی گزیدن آن ها و مشاهده ضعف نظارت و مدیریت وعدم مقابله. سایرین نیز به این امر تشویق شدند و این امر سبب شد تا در مدت کوتاهی این سکونتگاه شکل گرفته و توسعه یابد.

*-تفکیک و واگذاری خود سرانه ارضی کشاورزی بدون توجه به کاربری اصلی آنها: هجوم مهاجرین از یک سوباعث افزایش قیمت زمین گشت. از سوی دیگر خشک شده تدریجی باغات و کاهش سود دهی زمینها باعث شد تا افراد به فکر سود بیشتر بیفتند.

*-عدم آگاهی خریداران: به گفته مسئولین ساکنین فیروزآباد اغلب اطلاع کافی از قوانین نداشته اند. آنها بدون اطلاع از نوع کاربری و مالکیت و به دلیل قیمت پایین تر آن ها اقدام به خرید نموده اند.

فروش سود دهی زمین ها سایر مالکین را نیز به فکر تفکیک و واگذاری انداخت. آنها بدون توجه به کاربری زمین ها اقدام به تفکیک و واگذاری آنها کردند و از این جا بود که مشکلات حقوقی نیز بر مشکلات مردم منطقه افزوده شد. که دلیل آن سود جویی وضعف نظارت و مدیریت و همچنین بی اطلاعی خریداران از مهمترین دلایل بروز این مشکل بودند.



شکل (۴-۲): عکس هوایی منطقه فیروزآباد سیرجان (ماخذ: سازمان نقشه برداری کشور)

از اواخر دهه هفتاد با افزایش روزافزون و به دلیل مهاجرت وزادو ولد به تدریج مشکلات فراوان گریبانگیر مردم منطقه شد. مشکلات فراوان مردم منطقه را بر آن دانست تا تقاضای رسیدگی نمایند.

که بالاخره در تاریخ ۸۰/۱۲/۲۰ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران باطراحی شرکت مشاور نسبت به تهیه و تصویب طرح جامع شهرسیرجان به تایید این سازمان رسید که منطقه فیروزآباد وارد طرح خدماتی سیرجان گردید.. که در این طرح درصد زیادی از منطقه فیروزآباد فاقد کاربری بود. نقشه (۴-۱) ولی پس از این در طرح تفصیلی مصوب ۱۳۸۵ که توسط شرکت مشاور شارمند تهیه شد منطقه فیروزآباد دارای کاربریهای متعددی از قبیل خدماتی، درمانی، ورزشی، آموزشی، مسکونی، تجاری گردید. ولی با توجه به اینکه مردم این منطقه از سنوات قبلزمین را از مالکان عمده بصورت قولنامه ای و عادی وبا قیمت پائینی خریداری نموده بودند بدون توجه به کاربری تعریف شده بر روی این منطقه شروع به ساخت وساز بصورت غیر قانونی ویا حتی شبانه نموده بودند

البته این تصمیم مورد انتقاد شدید کارشناسان گردید. آنان معتقدند ازچنین وضعیتی تبدیل این منطقه به محله خدماتی شهر سیرجان برای سرپوش گذاشتن بر تخلفات انجام گرفته تاآن لحظه بود. به عبارت دیگر صورت مسئله رایاک کردند ولی مشکلاتی همچنن باقی است. با توجه به واگذاریهای قبل از عمده همچنان مردم این منطقه براساس واگذاری های بدون ضابطه زمین های خود به صورت نامنظم وبدون اصلاح وبهبود سلسله مراتب دسترسی وعدم ایجاد نظم بصری تقویت عناصر جداره وسیمای بافت به علت پیچ خم زیاد ناهمگنی در عرض مهاجر ناخوانایی و عدم درک درست از سازمان فضایی را شاهد می باشیم.

۳-۴ کالبدی:

بررسی های کالبدی نشانگر مشکلات عدیده در این زمینه می باشد:

۳-۴-۱ نمای شهری:

از ویژگی های غالب این سکونتگاه وجود ساختمان های بدون نما است که از خصوصیات معضلات اقتصادی اجتماعی ساکنین آن ناشی می شود. ساکنین این بافت از نظر توان مالی ضعیف هستند از طرف دیگر با توجه به ویژگی ها و خصوصیات اجتماعی مایلند که صاحب ملک و خانه شخصی باشند. بنابراین در اولین فرصت و زمانی که حداقل امکانات رفاهی در ساختمان فراهم گردید به آن نقل مکان کرده و تکمیل ساختمان خود را به زمانی دیگر موکول می کنند زمانی که شاید با توجه به عدم موازنه در آمد هزینه خانوار هیچ وقت فراهم نشود. بنابراین اغلب این ساختمان ها فاقد نماد هستند.



شکل (۳-۴): استفاده از مصالح نامرغوب (سلیمانی، سعید ۱۳۹۵)

بهر حال نمای ساختمان نه به یک ضرورت کالبدی بلکه یک مطلوبیت بصری محسوب می شود. از طرفی با توجه به ساخت غیر قانونی بنا امکان تخریب آن توسط شهرداری ، مالک ترجیح می دهد تا بابت ساخت هزینه زیادی را متحمل نشود و به حداقل امکانات بسنده می کند نقش نماهای موجود در شهر سیرجان به قرار زیر است: (پیوست شماره ۱)

- آجر نما و سنگ نما،

- اندود و سیمان،
- بدون نما،
- کاه گل یا اندود گچ و گل،



شکل ۴-۴: استفاده از مصالح نامرغوب (سلیمانی، ۱۳۹۵)

همان طور که در عکس مشاهده می شود، ساکنین برای ساخت ساز انبیه از ساده ترین مصالح (بلوک بدون استفاده از ملات) استفاده کرده اند. این بناها فاقد شناژ عمودی وافقیست و سقف بنا نیز از ورق ایرانی تشکیل شده و هیچ گونه استحکامی ندارد. مسلماً سازندگان این گونه انبیه، توقع نمای مناسب را نخواهد داشت.

۴-۳-۲ تعداد طبقات :

خانه های مسکونی در این منطقه خودرو عمدتاً یک طبقه اند و این ویژگی به دلایل زیر است:

- ساکنین توان مالی برای ساختن مسکن بیشتر از یک طبقه را ندارند.
- با توجه به مصالح به کاررفته در ساختمان و شیوه ساخت ساختمان دوام لازم برای تحمل بار بیش از یک طبقه را ندارند؛
- ساختمان های مسکونی عمدتاً توسط مالکین ساخته شده اند و آنها دانش و توان کافی برای ساختن ساختمان های چند طبقه را ندارند؛

- باتوجه به هزینه ساختمان و قیمت زمین ساخت چند طبقه برای مالکان صرفه اقتصادی ندارد.

- فرهنگ ساکنین که عمدتاً از روستاها مهاجرت کرده اند. تمایل توسعه افقی ساخت یک طبقه را تشویق می کند بنابراین، تمایل به داشتن واحد مسکونی مستقل، شخصی و تک واحدی در این سکونتگاه ها غالب است.

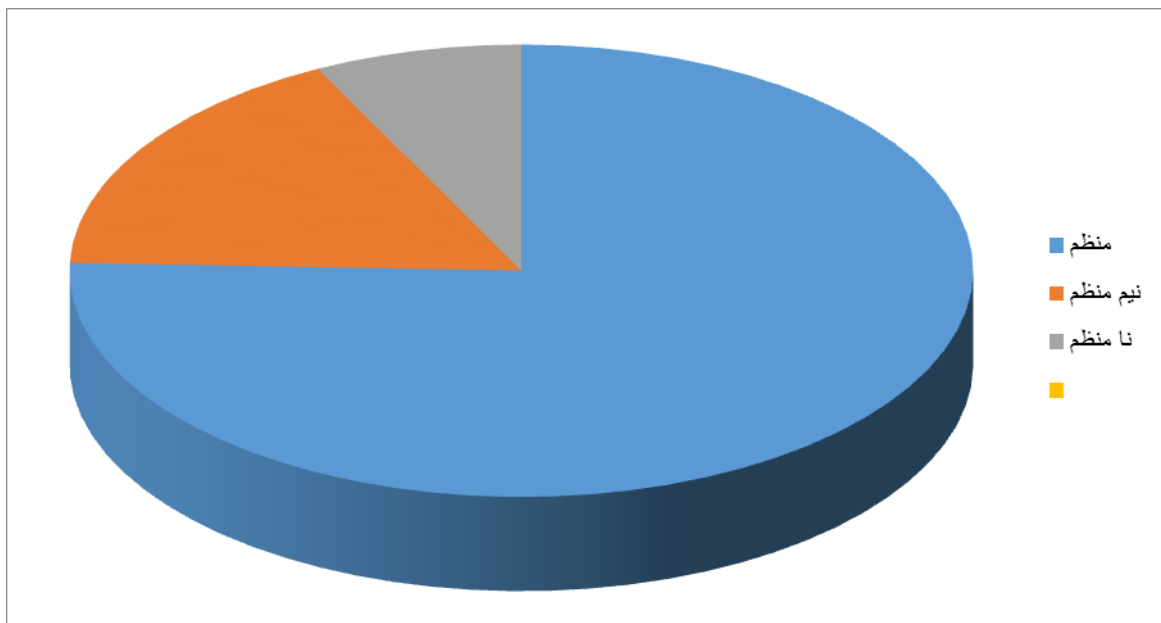
- قطعات کوچک زمین مانعی در توسعه عمودی است.

به طور کلی به نظر می رسد که مهمترین عامل در غلبه ساختمان های یک طبقه در این سکونتگاه ها استفاده از مواد کم دوام وعدم رعایت ایمنی می باشند. گردآوری اطلاعات وضع موجود ساخت سازه های به تفکیک تک تک قطعه ها این امکان را فراهم ساخته است (نقشه ۳-۴) که دسته بندی ساختمان ها برحسب تعداد طبقات به شکل تفصیلی دقیق صورت می گیرد. (پیوست شماره ۲)

۳-۳-۴ شکل هندسی قطعات:

با توجه با اینکه این سکونتگاه خارج از طرح از طرح ها و برنامه های شهر سازی بدون نقشه و تفکیکی و مهندسی شکل گرفته اند می توان متصور شد که مساکن آنها نیز بدون نظم هندسی پیش اندیشیده و به طور نامنظم و ارگانیک براساس توان هر خانوار در اشغال زمین متاثر از ویژگی ها و موانع طبیعی و توپوگرافی شکل گرفته اند. راه ها نیز از ناهمواری های طبیعی زمین وضعیت ساخت و ساز اطراف آنها نیز تأثیر پذیرفته اند. بنابراین غالب مساکن این بافت ها از نظر هندسی، جهت گیری و اندازه، نامنظم و غیر هندسی دارد.

قطعات مسکونی شهرسیرجان از نظر فرم عمدتاً دارای فرم هندسی منظم می باشد. اینگونه بناها عمدتاً دارای فرمی مستطیلی با ابعاد مشخص می باشد. تنها قطعات واقع در قسمت های غربی شهر از نظر فرم شکلی نامنظم و بی قاعده دارد. این قطعات که عمدتاً در توسعه غیررسمی شهر و در سطح محلات دهیادگار، آباده، مکی آباد، وسعید آباد و فیروز آباد استقرار یافته اند فرمی نامنظم و غیر هندسی دارد.



نمودار (۴-۱): سهم نسبی قطعات شهر شیراز برحسب شکل هندسی

۴-۳-۴ کیفیت ابنیه:

به منظور بررسی کیفیت بناهای مسکونی در سطح این محله از نظر کیفیت ابنیه در ۵ گروه بررسی قرار گرفته است (نقشه ۴-۴):

- در حال ساخت

- نوساز: بناهای دارای عمر کمتر از ۵ سال

- قابل نگهداری: بناهایی که از نظر سازه و کیفیت از وضعیت مناسبی برخوردار هستند.

- تعمیر: بناهایی که استمرار سکونت در آنها نیازمند تعمیرات جزئی در ساختار بنا می باشد.

- تخریبی: بناهایی که از نظر سازه و کیفیت به هیچ عنوان قابلیت سکونت نداشته و استمرار سکونت در آن نیازمند تخریب بنا و نوساز آن دارد. (پیوست شماره ۳ و ۴)

بر اساس بررسی های میدانی انجام شده بنا های قابل نگهداری بیشترین فراوانی را در سطح این محله دارا بوده اند بطوریکه اینگونه بناها با ۵۷/۱۳ درصد کل واحد های مسکونی موجود را بخود اختصاص داده اند. بناهای تعمیری و تخریبی نیز به ترتیب با ۸/۳۴ و ۳۰ درصد کیفیت غالب سایر واحدها را تشکیل داده اند. علت بالا بودن واحد های تعمیری و تخریبی نیز فقر اقتصادی غالب ساکنین این قسمتها عدم توانایی آنان در نوسازی و ارتقا کیفیت واحد مسکونی خود می باشد. بناهای نوساز و در حال ساخت نیز کمترین

فراوانی را در سطح محلات دارا بوده اند. از نظر پراکنش فضائی کیفیت ابنیه نیز محله فیروزآباد با ۴۴ درصد بناهای تعمیری و تخریبی را در خود جای داده اند.

نوع سند مالکیت: تصرف غیر قانونی وعدم دارا بودن سند مالکیت از مهمترین مشخصه های این منطقه است.

- معابر موجود در هسته های روستائی:

معابر این قسمت همانند الگوی قالب معابر روستایی کشور بصورت ارگانیک توسعه یافته است. عرض کم، پیچ خم زیاد و فقدان سلسله مراتب عملکرد تعریف شده، از مهمترین مولفه های معابر این قسمت می باشد.

- معابر موجود در توسعه های کالبدی اخیر:

معابر این قسمت عمدتاً دارای الگویی شطرنجی بوده و از سلسله مراتب مشخصی تبعیت می نماید خیابان حمزه و غدیر محله مکی آباد به عنوان محور های اصلی ایفای نقش می نمایند (نقشه پایین). ترافیک محور های محلی با استفاده از خیابان ها هدایت شده و با استفاده از کمربندی شاهد به سایر قسمت های شهردسترسی می یابند. عرض خیابان محلی موجود عموماً ۶ و ۸ متر بوده و خیابان های جمع و پخش کننده نیز کمتر از ۱۲ متر نمی باشد.

مهمترین مسائل موجود در زمینه های شبکه معابر محلات غیررسمی شهر سیرجان عدم برخورداری بسیاری از معابر محلی از آسفالت و آلودگی های ناشی از خاکی بودن معابر و کیفیت ناشی از خاکی بودن معابر و کیفیت نامناسب آسفالت برخی از محورها می باشند (پیوست شماره ۵ و ۶ و ۷)

۴-۴ فاضلاب و شبکه جمع آوری آبهای سطحی:

چاه های جذبی تنها الگوی دفع فاضلاب خانگی واحدهای مسکونی موجود در این محله محسوب می شود. این روش دفع فاضلاب علی رغم غیر بهداشتی و غیر اصولی بودن به دلیل فقدان سیستم جمع آوری فاضلاب تنها روش مورد استفاده ساکنین به شمار می رود. از نظر شبکه جمع آوری آبهای سطحی نیز به دلیل گرم و خشک و کویری بودن منطقه و پایین بودن میزان نزولات جوی، تنها محورهای اصلی و گاهی جمع و پخش کننده محلات دارای جوی و کانال می باشد. شیب عمومی تمامی معابر محلی و جمع و پخش کننده محلات نیز به سمت خیابان های اصلی بوده و آبهای سطحی آن ها به کانال های موجود در این محورها هدایت می شود.

۴-۴-۱ جمع آوری پسماند ها و پاکیزگی معابر :

بر اساس اطلاعات حاصله از مشاهده محقق واحد خدمات شهری شهرداری سیرجان، زباله های محلات غیر رسمی شهر سیرجان به صورت روزانه جمع آوری و به محل دفن زباله حمل می شود. این امر با استفاده دو نیشان مخصوص جمع آوری زباله صورت می گیرد. همچنین از نظر پاکیزگی معابر و محورها نیز تمامی محورهای اصلی و جمع و پخش کننده موجود در این بخش از شهر به صورت دو و یا سه روز یکبار توسط پرسنل شهرداری جاروکشی می شود و از وضعیت پاکیزگی مناسبی برخوردار می باشد. تنها برخی محور های فرعی و نیز محورهای اصلی که در قسمت های توسعه نیافته محلات وجود دارد شاهد تمرکز زباله می باشد.

۴-۴-۲ تجهیزات شهری:

۱. آب :

بر اساس اطلاعات به دست آمده از شرکت آب و فاضلاب شهرستان سیرجان و نیز نمونه گیری انجام شده ۹۰ درصد واحدهای مسکونی موجود در سطح محله فیروزآباد دارای انشعاب آب لوله کشی شهری بوده و از آن بهره مند می باشند. از نظر افت فشار شبکه نیز به دلیل قرارگیری این محله در اراضی پایین دستی شهر و تبعیت شبکه لوله کشی آب از شیب زمین و نیز وجود منبع ذخیره آب در محله با افت فشار آب به ندرت در این محله به وقوع می پیوندد. مهمترین مسائل موجود در ارتباط با شبکه آب رسانی بعضی جاها مشخص نبودن معابر که عملاً توسعه و یا تعمیر شبکه را با مشکل مواجه می نماید.

۲. برق:

بر اساس اطلاعات به دست آمده از سازمان برق شهر سیرجان اکثر واحدهای مسکونی موجود در سطح محله فیروزآباد دارای انشعاب برق بوده و از آن بهره مند می باشند. استفاده غیر قانونی از شبکه برق به ندرت صورت می گیرد و به دلیل وضعیت نامناسب شبکه ارتباطی توسعه شبکه برق در این قسمت با مشکل مواجه می باشند.

۳. گاز:

بر اساس اطلاعات به دست آمده از شرکت گاز شهر سیرجان ۷۰ درصد واحدهای مسکونی موجود در سطح محله فیروزآباد دارای انشعاب گاز لوله کشی شهری می باشند. گاز شهری ارائه شده در این محله به صورت گاز شیرین و دارای کیفیت مطلوب می باشد. همچنین هیچگونه ایستگاه تقلیل فشار گازی در سطح این محلات وجود ندارد و به دلیل وضعیت نامناسب شبکه ارتباطی، توسعه و یا ترمیم شبکه لوله کشی گاز در این قسمت با مشکل مواجه است.

۴. تلفن:

۸۰ درصد واحدهای مسکونی موجود در محله دارای انشعاب تلفن بوده و از امکانات برخوردار می باشند.



شکل (۴-۵): شبکه برق غیر قانونی

۴-۵ عدم وجود طرح مناسب:

رشد بدون طرح و برنامه قبلی، کمبود کاربری های خدماتی، تفریحی، آموزشی، پراکنده سازی و توسعه آلونکی، معابر خودرو و دسترسی های نامناسب فیروزآباد همچون بسیاری دیگر از اسکانهای غیر رسمی، بدون طرح و برنامه قبلی، فقط برای رفع مشکل سکونت به وجود آمده بود. بنابراین فقط کاربری مسکونی و تعدادی تجاری برای خدمات رسانی به اهالی داشت. کمبود کاربری های خدماتی، تفریحی، آموزشی و ... کاملاً در آن مشهود بود. پراکنده رویی، توسعه آلونکی، معابر خودرو، دسترسی های نامناسب و عرض نامناسب آنها ساخت وسازهای بدون ضابطه و مجوز بر روی کاربریهای خدماتی (نقشه ۴-۹) و ... نیز از

مشکلات رشد بی برنامه‌گی این اسکان در این دوره بوده که هم اکنون نیز رفع نشده اند. این خود می تواند دلیلی در راستای تبیین فرضیه دوم مبنی بر وجود تهدید در خدمات رسانی، تهدید کالبدی و حتی امنیتی در این منطقه میباشد که نیازمند باز طراحی بر اساس وضعیت موجود منطقه میباشد. (پیوست شماره ۸)



شکل (۴-۶) توسعه آلونکی

۶-۴ مدیریتی:

به لحاظ مدیریتی نیز دو مشکل عمده وجود دارد:

۱. فقدان نظارت: ضعف نظارت و مدیریت همچنان در این محدوده وجود دارد. عدم خدمات رسانی شهرداری، سطح پایین بهداشت، روشنایی نامناسب معابر، عدم پوشش نامناسب معابر، از آنجا که این سکونتگاه غیر رسمی است، شهرداری خود را موظف به خدمات رسانی در این محدوده نمی داند. بنابراین آسفالت معابر، تامین روشنایی آنها، جمع آوری زباله و ... در این منطقه به وسیله شهرداری کمتر انجام می شود و در نتیجه سطح بهداشت بسیار پایین و معابر فاقد آسفالت هستند.

۲. مشکلات حقوقی نیز به تدریج در این دوره بالا گرفت و مردم متوجه شده اند که بسیاری از زمین های خریداری شده باغ بوده و فاقد کاربری. همین امر سبب افزایش بعضی از مشکلات اجتماعی، نزاع ها، بزهکاری ها، اعتیاد و ... شده است. شاید بتوان این مورد را نیز دلیلی در تبیین فرضیه دوم در وجود تهدید امنیتی این محدوده دانست. دولت نیز از طریق استانداری، شهرداری، نیروی انتظامی و اقداماتی برای حل معضل پیش آمده اقدام کرده اما بیشتر این اقدامات زودگذر و بدون نتیجه است.



شکل (۴-۷): ساخت غیر مجاز

۴-۶-۱ دهه نود در منطقه:

این دوره مربوط به بعد از جاییگیری ساکنین این محله می باشد که پس از گذشت یک دهه، اسکان غیر رسمی که با توجه به سرعت بالای گسترش و مصاحبه های انجام گرفته، مهمترین دلیل شکلگیری آن ضعف نظارت می باشد و سوالاتی را به همراه دارد که آیا وضعیت موجود منطقه فیروزآباد با کاربری های طرح تفصیلی آن مطابقت دارد؟ که بنابر تحقیقات انجام گرفته طرح پیشنهادی قبلی مغایرتهایی با محله داشته است که این مغایرتها در طرح پیشنهادی تحقیق حاضر برطرف شده است.

۴-۶-۱-۱ تغییرات مثبت:

بهبود نظارت در داخل محدوده: با اجرا شدن طرح پیشنهادی مسئولیت نظارت بر ساخت و ساز و سایر کارهای مشخص شده و هر مکان در طرح پیشنهادی سر جای خود قرار میگیرید. با این کار نظارت در داخل محدوده تقویت شده و آلودگی سازی ها در آن پایان مییابد.

بهبود خدمات رسانی: جمع آوری زباله، آسفالت بعضی معابر اصلی و... از خدماتی بود که با پیشنهاد طرح جدید بر قرار می شود و باعث بهبود وضعیت گذشته می شود.

۴-۶-۱-۲ تاثیرات منفی:

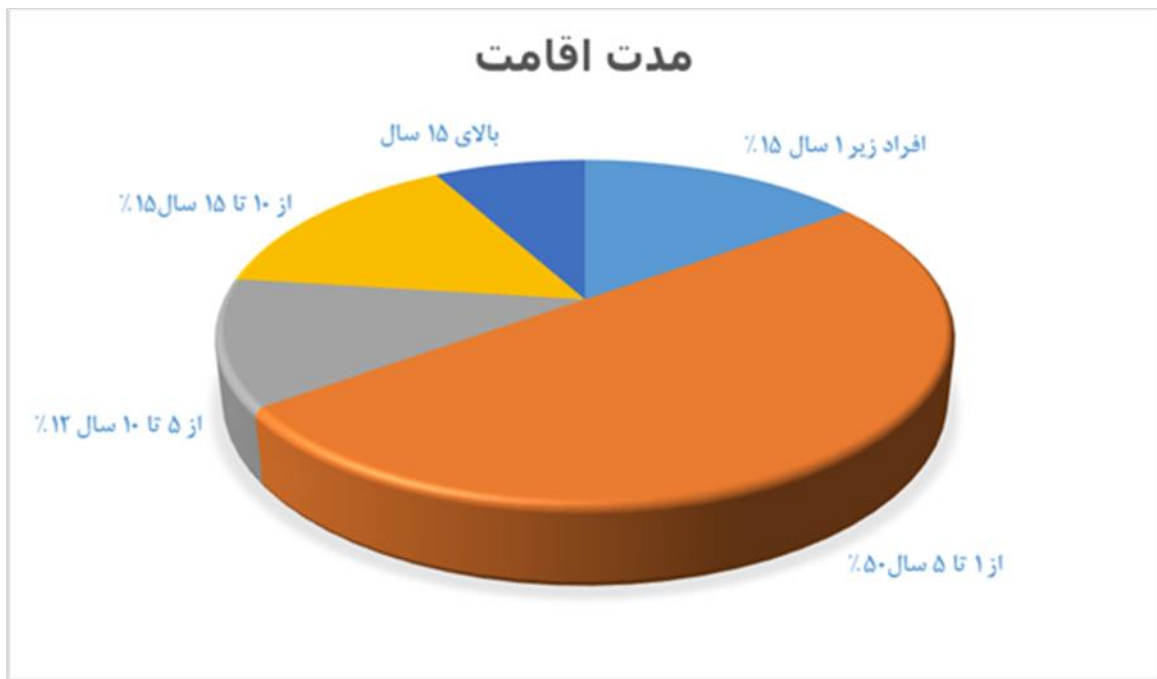
با توجه به اینکه بازنگری طرح تفصیلی سیرجان مربوط به ۱۰ سال گذشته می باشد در حال حاضر هیچ گونه همخوانی ساخت و سازها با وضعیت موجود محل و کاربری های طرح تفصیلی وجود ندارد. نیز بر همین مورد، اشاره دارد. این امر راه را برای ادامه توسعه غیر مجاز حاشیه نشینان در زمین هارا باز کرد. این توسعه به حدی سریع بود که هنوز مراحل طراحی، تصویب و اجرای طرح، به اتمام نرسیده بود که اسکان غیر رسمی دیگری در قسمت غربی آن و با مشکلاتی به مراتب بیشتر، شکل گرفته و در حال گسترش بی برنامه و آلودگی می باشد.

۴-۶-۲ اجتماعی:

با توجه به گذشت حدود ۲۰ سال از تشکیل هسته اولیه محله، اهالی تا حدودی به مکان خود وابسته شده اند و حس تعلق مکان را در آن ها زنده تر از گذشته می یابیم. اما در مناطق جدید این حس به مراتب کم رنگ تر است و با توجه به این که چند مرتبه، تهدید به تخریب هم شده اند؛ این حس بسیار کم رنگ تر و بی پروایی مردم بیش از گذشته است.

بزهکاری، اعتیاد، نزاع، تراکم بالا، رشد بالای جمعیت، ناامنی، پایین بودن سطح مواد و ... از مشکلاتی هستند که همچنان در این محلات پیدا می کند. البته در مساجد با برگزاری کلاس ها و جلسات بسیج و بعضی فعالیت های فرهنگی، این مشکلات تا حدودی بهبود یافته اما با توجه به بالا بودن جمعیت جوان، محله نیازمند کارهای بیشتری در این زمینه و وجود مراکز فرهنگی بیشتر است.

کمبود فعالیت های فرهنگی خصوصا برای کودکان و نوجوانان می تواند در آینده ای نه چندان دور به معضلات و ناهنجاری های اجتماعی منجر شود. شاید بتوان با برقراری فعالیتها و کلاس های متنوع به ارتقای فرهنگ در جامعه و روستا کمک کرد.



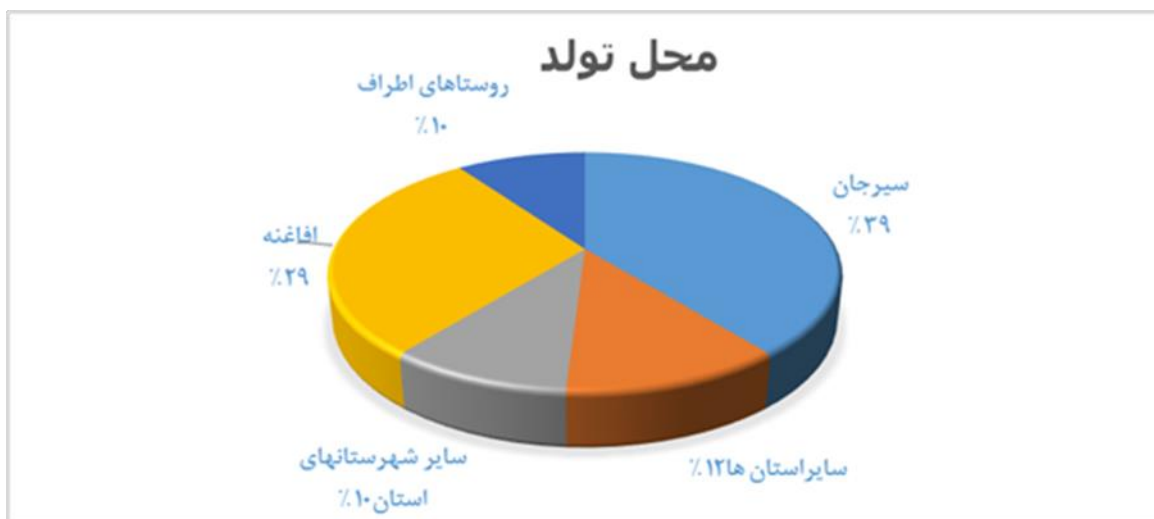
نمودار (۴-۲): مدت زمان اقامت ساکنین محله فیروز آباد

نمودار بالا مدت زمان اقامت ساکنین را نشان می دهد که از طریق پرسشنامه بدست آمده است. طبق این بررسی ۱۵ درصد افراد زیر ۱ سال، ۵۰ درصد از ۱ تا ۵ سال، ۱۲ درصد از ۵ تا ۱۰ سال، ۱۵ درصد از ۱۰ تا ۱۵ سال و فقط ۸ درصد بالای ۱۵ سال در این اسکان اقامت گزیده اند که نشان دهنده قدمت پایین اسکان و همچنین تازه وارد بودن اکثریت افراد است و شاید همین امر موجب بروز اختلالات اجتماعی شود.

با بررسی شاخص حس تعلق مکان از طریق پرسشنامه مشخص شد که اکثریت مردم (۵۲٪) حس تعلق بسیار کمی به محل سکونت خود دارند. ۲۴ درصد نسبت به محل زندگی شان بی تفاوت اند و فقط ۱۴ درصد از حس تعلق به مکان بالایی برخوردارند. با بررسی دو شاخص مدت اقامت و حس تعلق به مکان در می یابیم که در این محله احتمال بروز اختلالات و مشکلات اجتماعی تا حدود زیادی وجود دارد و برای بهبود وضعیت اجتماعی این اسکانها باید اقدامات فرهنگی لازم انجام گیرد.

عدم وجود حس تعلق به مکان، می تواند دلیلی برای افزایش معضلات اجتماعی گردد و همانطور که در فرضیه سوم که باز طراحی در این حاشیه می تواند وضع مطلوب و پایداری برای ساکنین ایجاد کند.

مهاجرت: در راستای تبیین فرضیه اول پژوهشمهاجرت روستا-شهر، پایین بودن قیمت زمین، ضعف قانون و مدیریت شهری، از عوامل اصلی شکل گیری و توسعه این منطقه از شهر سیرجان هستند. مبنی بر تاثیر مهاجرت در شکل گیری این اسکان پرسشی با همین موضوع در پرسشنامه کنجانده شده که نتایج آن در نمودار زیر آمده است:

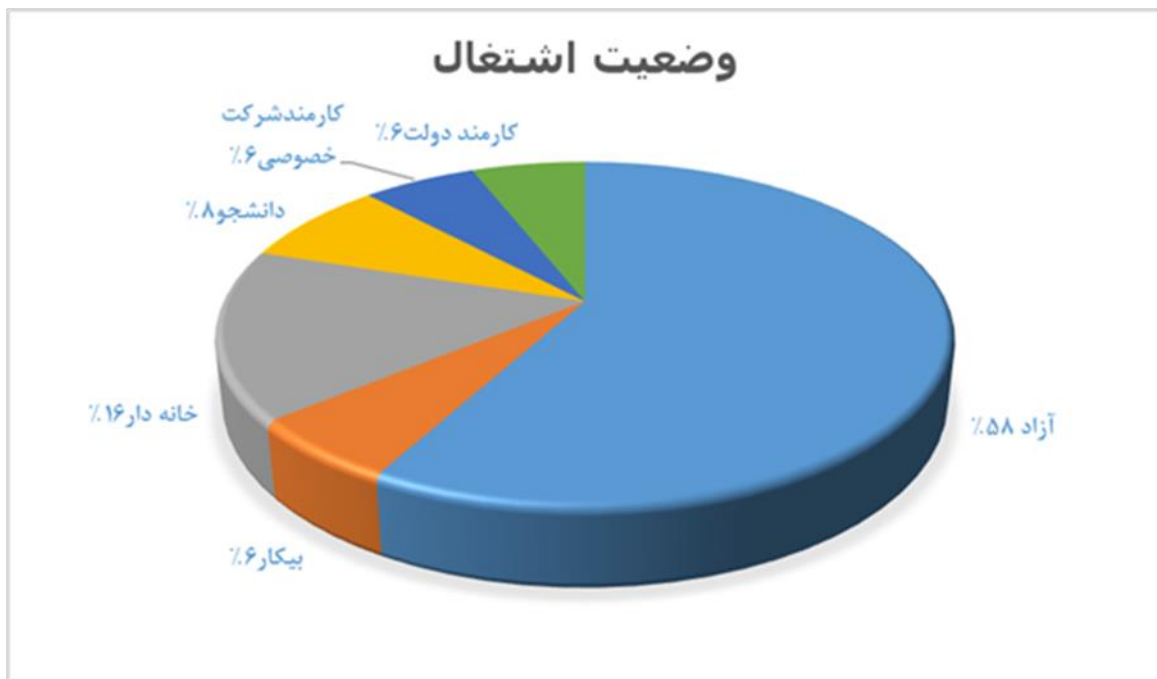


نمودار (۳-۴): محل تولد ساکنین

طبق این نمودار ۲۰ درصد ساکنین را مهاجرین از روستاها و شهرستان های استان کرمان، ۱۲ درصد آن ها را مهاجرین از سایر استان های کشور و ۲۹ درصد آن ها را مهاجرین افغانه تشکیل داده اند و تنها ۳۹ درصد ساکنین اهل شهر سیرجان می باشند که می تواند تایید کننده این فرضیه ما باشد.

۴-۶-۳ اقتصادی:

برای بررسی اقتصادی درباره محدوده مورد بررسی از پرسشنامه استفاده شد. اکثریت اهالی، کارگر بوده و از نظر مالی در وضعیت مناسبی نمی باشند. نتایج پرسشنامه درباره وضعیت شغلی ساکنین بدین گونه است: بیشتر افراد به کار آزاد مشغولند (۵۸٪) کارهایی که از جمله کارگری، رانندگی، فروشندگی و... از این نوع مشاغلند. ۱۶ درصد از این افراد خانه دارند که اغلب زنان می باشند. تعداد کارمندان شرکت های خصوصی و کارمندان دولت کمتر از بقیه مشاغل است و تعداد بیکاران نیز حدود ۶ درصد می باشد. نمودار زیر، این پراکندگی مشاغل در محدوده مورد بررسی را طبق پرسشنامه، نشان می دهد:



نمودار (۴-۴): وضعیت اشتغال

در پرسش دیگر درباره میزان درآمد ساکنین مشخص گردید که بیش از ۷۰ درصد ساکنین درآمدی زیر ۵۰۰۰۰۰ تومان دارند و درصد خانوارهای با درآمد زیر ۲۵۰۰۰۰ تومان نیز ۴۲ درصد است؛ این یعنی اغلب افراد در وضعیت نابسامان اقتصادی قرار دارند. البته تا حدودی نیز خطا در پاسخها را می توان در این نتایج دخیل دانست. ۱۷ درصد از ساکنین نیز در وضعیت متعادل و فقط ۴ درصد درآمد بالای ۱۰۰۰۰۰۰ تومان را دارند، که قابل تامل است. این امر نشان دهنده وضعیت نامطلوب اقتصادی ساکنین این مکان است که در صورت عدم رسیدگی، همانطور که در فرضیه سوم اشاره شده، باز طراحی در این حاشیه می تواند وضع مطلوب و پایداری برای ساکنین ایجاد کند.

۴-۶-۴ مدیریتی:

عدم نظارت دقیق: در راستای تعیین فرضیه اولیه پژوهش مهاجر تروستا-شهر، پایینودنقیمتزمین، ضعف قانونمدیریت شهری، از عوامل اصلی شکلگیری توسعه این منطقه از شهر سیرجان هستند، با وجود افزایش نظارت کلی، در مورد ریزه کاری ها و رعایت معیارهای جزئی و فنی، دقت کافی به عمل نیامده است.

مالکیت: به گفته بعضی از مسئولین فقط ۳۰٪ از ساختمان های فیروز آباد دارای پروانه هستند. بخشی از املاک ساخته شده دارای آب و برق خلاف و برخی نیز آب و برق قانونی دارند.

عدم به روز رسانی نقشه ها: یکی از مشکلات طرح فیروز آباد، جامع و شامل نبودن (به روز نبودن) آن است. شاید یکی از مهمترین دلایل شکست این طرح همین باشد.

طبق طرحی که هم اینک در شهرداری موجود بوده و مبنای کار آن می باشد. قسمت های خارج از محدوده که برنامه ای برای آن تدوین نشده، بسیار بزرگ است. خارج از محدوده بودن این مناطق در سالهای قبل از ۱۳۸۰، خود عاملی است بر بی قانونی؛ زیرا با این تفکر، ساکنین خود را مجاز به ساخت و ساز غیر قانونی می دانند و از آنجا که احتمال تخریب هم وجود دارد با ساخت و ساز کم هزینه و به شکل آلونک سازی به رشد بی برنامه این منطقه دامن میزند.

نقشه صفحه قبل طرح در حال بررسی و تصویب این اسکان است. این نقشه، درصد کمی از مناطق خارج از محدوده را به محدوده اضافه کرده و تحت پوشش در آورده که باز هم مناطق وسیعی را تحت پوشش ندارد. این گونه برنامه ریزی نه تنها نمی تواند از مشکلات محله فیروز آباد بکاهد، بلکه همانطور که اشاره شد ناخودآگاه به رشد بی برنامه و آلونکی خارج از محدوده دامن می زند. عدم به روز رسانی نقشه ها نیز می تواند دلیلی بر ضعف قوانین یا مدیریت باشد که مبین فرضیه اول است.

نقشه فوق، حاصل برداشت های نگارنده، با استفاده از نقشه های وضع موجود فیروزآباد می باشد و به نظر می رسد به روزترین نقشه هوایی از وضع موجود این اسکان است. شاید بهتر باشد، که طراحی های فعلی بر روی این نقشه صورت گیرد تا از بروز بسیاری از تخلفات در منطقه مورد بررسی طرح جلوگیری به عمل آید و در آینده موجب بروز مشکلاتی بس فراتر نشود.

جاذبه و دافعه محدوده مورد بررسی در نقشه بالا مشخص شده است. همانطور که دیده می شود اراضی نزدیک به راههای اصلی دارای جاذبه بیشتر و اراضی مرکزی دارای دافعه می باشند. این امر در پراکندگی نقشه نیز کاملاً مشخص است. به لحاظ مدیریتی، تصمیم گیری برای مناطق دارای جاذبه از مناطق دارای دافعه مشکل تر و تغییر کاربری در آنها باید به ندرت انجام گیرد.

۴-۷ کالبدی:

۴-۷-۱ نمای شهری:

آنچه در همان نگاه اول در این محله فیروزآباد دیده می شود که به روشنی گویای وضعیت نامطلوب ساخت و سازهاست:

- ساخت و سازهای غیر استاندارد؛

- بدون رعایت معیارهای فنی؛

- کم دوام و ابتدایی بودن مصالح؛

- از یاد ابنیه مخروبه و زمین های بایر؛

- بر هم زدن چهره ورودی شهری ؛

همان طور که قبلا اشاره شد، به دلیل کم در آمد بودن ساکنین این منطقه و همچنین عدم اطمینان به دائمی بودن خانه ها (به دلیل دولتی بودن زمین ها و وجود تهدید تخریب) دلایل عمده ساخت و سازه های نامرغوب، بدون رعایت معیارهای فنی و با استفاده از مصالح کم دوام به شرح زیر می باشد:

۱- ساکنین منطقه اغلب کم در آمد و توان مالی ساخت خانه های مستحکم را ندارند؛

۲- به دلیل دولتی بودن زمین ها و عدم اطمینان از مالکیت قطعی، مردم نمی توانند با خیال آسوده، برای ساخت خانه ها هزینه کنند و به ساخت و سازهای ابتدایی بسنده می کنند؛

۳- به دلیل عدم مالکیت قطعی و تهدید تخریب، سعی می کنند که به سرعت سرپناهی برای خود بسازند و مستقر شوند تا شهرداری فرصت اخلال در کارشان را نداشته باشد؛

۴- ضمنا نظارت، ضعیف است، که خود دلیل بر عدم رعایت معیارهای فنی لازم می باشد.

عکس پایین، خود دلیلی در تبیین فرضیه دوم پژوهش، مبنی بر هیچ گونه همخوانی ساخت و سازها با وضعیت موجود محل و کاربری های طرح تفصیلی وجود ندارد. همان طور که مشخص است، نمای شهری در این اسکان، بسیار فرسوده، غیر استاندارد، تخریبی می باشد. در تبیین فرضیه سوم، شاید بتوان با باز طراحی در این حاشیه و توانمند سازی، به وضع مطلوب رسید.



شکل (۴-۹): بافت فرسوده منطقه

این محله، جنب یکی از ورودی های شهر است. ساخت و سازها علاوه بر بالا بردن ضریب خطر در مواقع بروز بلایای طبیعی باعث نازیبیا شدن ورودی شهر نیز می باشد. این ساخت و سازها نه تنها بر زیبایی شهر اثر گذارند، بلکه امنیت جانی را نیز برای ساکنین و عابرین به خطر می اندازند. تعداد بناهای مخروبه و زمینهای بایر، در محله زیاد است. این امر از سویی موجب کاهش ضریب امنیت می باشد و از سوی دیگر می توان با بهره گیری مناسب از آنها و برنامه ریزی مناسب این تهدید را به فرصتی برای توسعه درونی و جلوگیری از ادامه گسترش افقی سرسام آور محله تبدیل کرد. نقاط بی رنگ در نقشه کاربری اراضی نماینگر اراضی بایر است و فراوانی آن مشخص است. مشکلی که در اکثر نقاط شهر مشاهده می شود به طوری که در طرح های جامع اخیر برای سیرجان توسعه افقی پیش بینی نشده و بیشتر به توسعه تاکید گشته است. این مورد را می توان در راستای فرضیه سوم دانست که در آن به توسعه درون بافتی تاکید می شود. موقعیت محله نسبت به خط محدوده شهر حاکی از نزدیکی بیش از حد این محله نسبت به شهر و کمربندی می باشد، که باید به شکل صحیح با این موضوع برخورد شود.

۴-۷-۲ خدمات رسانی نهادهای دولتی:

عدم خدمات رسانی شهرداری به محله فیروزآباد، سطح پایین بهداشت، روشنایی نامناسب معابر، فقدان آسفالت در معابر: در تبیین بخشی از فرضیه دوم مبنی بر اینکه هیچ گونه همخوانی ساخت و سازها با وضعیت موجود محل و کاربری های طرح تفصیلی وجود ندارد، از آن جا که مناطق محدوده محله فیروزآباد هنوز بلامتکلیفند، شهرداری نیز کمترزیر بار خدمات رسانی به آنها می روند. خدماتی از جمله جمع آوری زباله، روشنایی معابر، آسفالت راه های مواصلاتی و ... در این محله به چشم نمی خورد و همین امر سطح بهداشت را نیز در این قسمت در حد بسیار پایین نگه داشته و موجب رشد انواع قارچ ها و میکروب ها و ایجاد بیماری های فراوان می شود.

خدماتی همچون روشنایی معابر و آسفالت کوچه ها در بسیاری قسمت های محله فیروزآباد چشم نمی خورد که فقدان بودجه می تواند. دلیلی بر عدم انجام این خدمات توسط شهرداری باشد که باید برای رفع مشکل تمهیدی اندیشید.



عکس ۴-۸: معابر خاکی منطقه سلیمانی، سعید. ۱۳۹۵

عکس بالا که نشان دهنده وجود معابر محله فیروزآباد خاکی و فاقد هرگونه آسفالت و جوی آب میباشد که در روزهای بارانی برای عابرین پیاده مشکل آفرین است. این که اغلب خیابان های موجود در این مکان دارای کف سازی و پیاده رو سازی مناسب نیستند، نشان می دهد که خدمات رسانی در این جا بسیار ضعیف است. برای این منظور به بودجه زیادی احتیاج می باشد و گسترش روز افزون سیرجان با توجه به موقعیت آن، که توان گسترش از هر سو را دارد، موجب توسعه افقی آن است که نشان دهنده تهدید خدماتی است که دقیقاً همان فرضیه دوم می باشد. در بسیاری از کوچه ها به دلیل عدم وجود پوشش مناسب برای کف و جمع شدن آب و گل در روزهای بارانی که موجب بسته شدن راه می شود، ساکنین کلافه شده اند و از آنجا که شهرداری به این معضل رسیدگی نمی کند، خود با هزینه خودشان اقدام به شن ریزی کرده اند.

این مورد، خود در راستای تبیین بخشی از فرضیه سوم، مبنی بر باز طراحی در این حاشیه می تواند وضع مطلوب و پایداری برای ساکنین ایجاد کند، می باشد. در اسکان غیر رسمی محله فیروزآباد تعداد خیابانهای آسفالت شده کمی وجود دارد و اکثر معابر خاکی می باشند. این از مشکلاتیست که رفع آن از خواسته های جدی ساکنین بوده و تا مشخص نشدن وضعیت اسکان، قابل حل نیست.

۴-۷-۳ ضوابط شهرسازی:

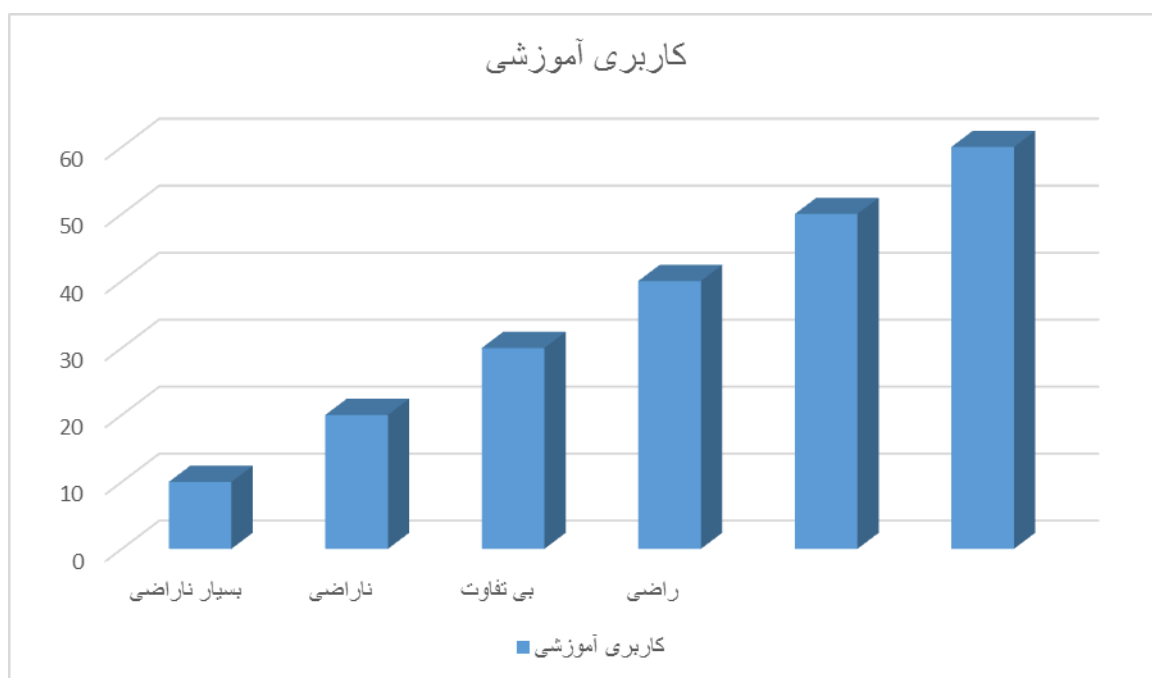
رشد بدون طرح و برنامه قبلی، کمبود کاربری هایی از جمله خدماتی، آموزشی، انتظامی، تفریحی، پراکنده رویی و توسعه آلودگی، معابر خودرو دسترسی های نا مناسب: تشکیل محله فیروزآباد همچون بسیاری از

اسکان های غیر رسمی دیگر بر مبنای رفع نیاز مسکونی افراد و بدون طرح و برنامه ریزی قبلی صورت گرفته و فقط شامل منازل مسکونی بوده که بر حسب نیاز، دسترسی هایی برای آن ها تامین شده است. از این رو معابر، کم عرض، بدون برنامه و فقط جهت دسترسی می باشند.

به گونه ای که معابر هنوز تغییری نکرده اند و حتی کاربردهای لازم هم (به جز تجاری ها و بعضا از خدماتی ها که آن ها هم توسط مردم محلی اداره می شوند) تشکیل نشده اند. این شهرک کاملا خودرو و بی برنامه و دارای توسعه آلونکی می باشد. اکنون با گذشت حدود بیست و پنج سال از تشکیل محله فیروزآباد، هنوز جای خالی بسیاری از کاربری ها کاملا احساس می شود. کاربری های خدماتی تفریحی که در طرح وجود دارند، ولی اجرا نشده اند و انتظامی که اصلا در طرح هم دیده نشده است، که باید بیشتر مورد تامل قرار گیرد.

بازطراحی کالبدی مناسب، می تواند مشکلات موجود را کاهش دهد و این مکان را تدریجا به وضع مطلوب برساند که این موضوع در فرضیه سوم بیان گشته اند.

محله فیروزآباد هیچ کاربری آموزشی مستقلی نداشته و درحال حاضر اغلب دانش آموزان برای ادامه تحصیل به مدارس سطح شهر یا محله مکی آباد مراجعه می کنند.



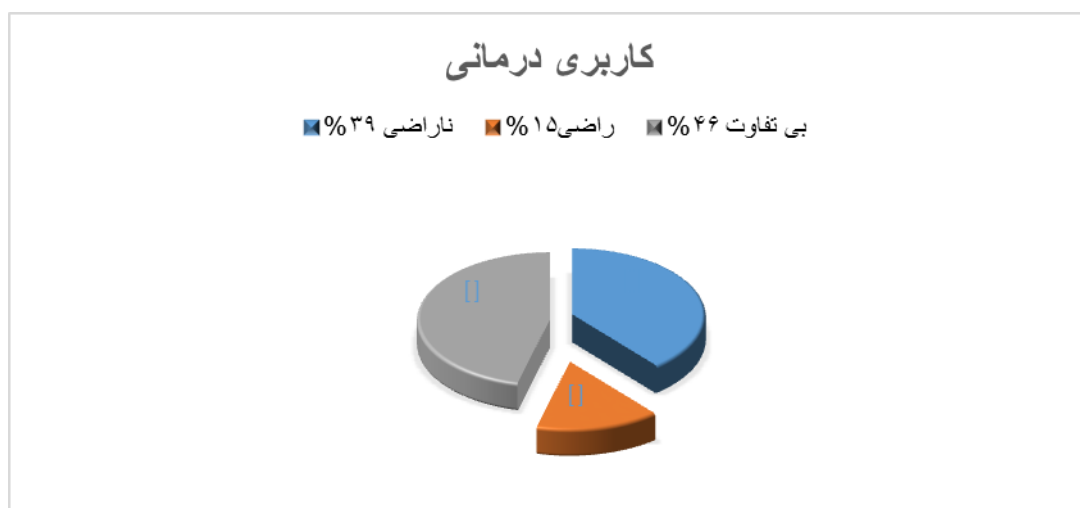
نمودار (۴-۵): میزان رضایت ساکنین از کاربری آموزشی بر اساس پرسشنامه

نمودار بالا میزان نارضایتی مردم را از کاربری آموزشی در محدوده مورد بررسی نشان می دهد. همان طور که مشخص است هیچ یک از پرسشنامه های پر شده، نشان از رضایت ندارد و فقط ۱۸ درصد نسبت به قضیه بی تفاوت هستند؛ ۲۹ درصد ناراضی و ۵۳ درصد نیز بسیار ناراضی می باشند.



نمودار (۴-۶): میزان رضایت ساکنین از کاربری ورزشی بر اساس پرسشنامه

همانطور که از نمودار بالا بر می آید، وضعیت در مورد کاربری ورزشی نیز به همین صورت بوده و میزان نارضایتی ساکنین از کمبود امکانات ورزشی (با ۸۸ درصد) کاملاً مشهود است.



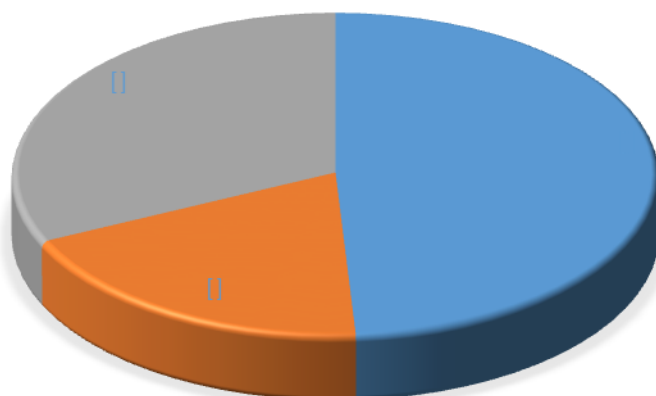
نمودار (۴-۷): میزان رضایت ساکنین از کاربری درمانی بر اساس پرسشنامه

با توجه به نمودار بالا، درباره کاربری درمانی، وضعیت متفاوت است؛ به گونه ای که ۴۶ درصد عقیده دارند که خانه بهداشت تا حدودی نیاز ساکنین را رفع می کند. ۱۵ درصد از وضعیت کاملاً رضایت دارند و

۳۹ درصد معتقدند که خانه بهداشت کفاف نیازهای آنان را نمی دهد و محله فیروزآباد نیازمند امکانات بیشتر در این زمینه است.

سهولت تهیه مایحتاج (کاربری تجاری و خدماتی)

بی تفاوت ۳۲٪ راضی ۱۹٪ ناراضی ۴۹٪



نمودار (۴-۸): میزان سهولت تهیه مایحتاج توسط ساکنین محله فیروز آباد بر اساس پرسشنامه

نمودار بالا درصد رضایت مردم از سهولت در تهیه مایحتاج زندگیشان است که ۴۹ درصد معتقدند تهیه نیازهای اساسی روزمره برایشان مشکل است. میزان و توزیع کاربریهای تجاری و خدماتی در محله مناسب نیست. ۳۲ درصد، از میزان و توزیع کاربری خدماتی و تجاری تا حدودی و ۱۹ درصد به طور کامل رضایت داشتند.

۴-۷-۴ تاسیسات و تجهیزات:

شبکه برق، گاز، آب، خطر برق گرفتگی، ترکیدگی لوله ها و ورود آب گل آلود به لوله ها، مشقت های تامین گاز با کپسول، مشکلات تلفن های بی سیم و عدم پشتیبانی از خدمات اینترنت، قرار گرفتن در محدوده برق فشار قوی و... در محدوده محله فیروزآباد اقدامات زیر بنایی مربوط به ایجاد شبکه برق ۶۰٪ و آب و گاز ۱۰۰٪ انجام شده ولی برای ارائه خدمات، نیاز به مجوزهایی است که با گذشت حدود ۷ سال، هنوز ارائه نشده. مردم برای تامین برق و روشنایی منازل، خطر برق گرفتگی را به جان می خورند و با کشیدن سیم از تیرهای برق و رساندن آن از روی زمین و یا با گذاشتن چوب هایی غیر استاندارد به عنوان تیر فرعی، برق و روشنایی منازل خود را تامین می کنند. نداشتن آب آشامیدنی کافی، کم، کم فشار بودن،

ترکیدگی لوله ها، در اثر یخ زدگی در فصل سرما و ورود آب گل آلود به لوله های آب آشامیدنی از مشکلات شبکه آب فیروزآباد است. در نقاط خارج از محدوده فیروزآباد شبکه آب به کلی وجود ندارد و تامین آب بسیار مشکل است. در مناطقی که گازکشی نشده، گازرسانی به وسیله کپسول انجام می شود. بعضی نیز اقدام به سوراخ کردن لوله اصلی و استفاده گاز، بدون مجوز و رعایت معیارهای فنی می کنند که خود خطرات فراوانی به دنبال دارد. تلفن های این محله بی سیم هستند و مردم در تماس های خود دچار مشکلند و امکان استفاده از اینترنت نیز وجود ندارد.



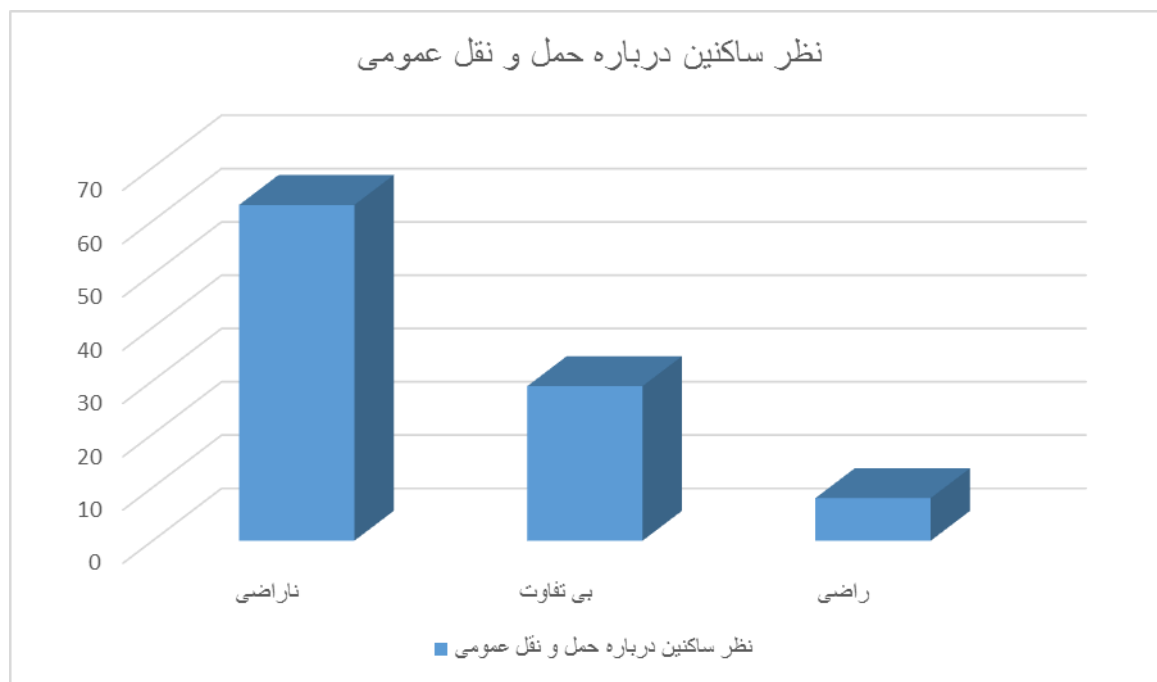
شکل (۴-۹): سیم کشیهای غیر مجاز خطر ساز

در عکس بالا، تیرهای چوبی که به جای تیر برق از آنها استفاده می شود و کابل های متراکم و خطر ساز برق مشخصند. ساکنین برای رساندن برق به منازل حاضر به رویارویی با خطر برق گرفتگی اند؛ از سوی دیگر هزینه بار اضافه ای که این اسکان بر شبکه برق وارد می کند بر عهده سایر مردم است و مشکلات فراوان نیز برای اداره برق به وجود می آورند که قابل تامل است و باید هر چه سریعتر به دنبال راه چاره بود.

قرارگیری این ناحیه در محدوده برق فشار قوی باعث بالا رفتن خطر برق گرفتگی و کاهش ضریب امنیت در منطقه شده است که شاید بتوان با برنامه ریزی مناسب، برای رفع این معضل نیز کاری کرد.

وسایل نقلیه عمومی: این محله فاقد مسیر مشخص برای تاکسی می باشد. اما خط واحد از خرداد ماه ۹۳ برای آن برقرار گشته است. همچنین فیروزآباد دارای آژانس (تاکسی سرویس) نیز می باشد که با ارائه خدمات

به ساکنین تا حدودی به رضایت آنها کمک نموده است، مسیر اتوبوس به گونه ایست که تمام محله را به خوبی پوشش نمی دهد؛ که البته در نمودار پایین نیز به این موضوع اشاره شده است.



نمودار (۴-۹): رضایت ساکنین درباره حمل و نقل عمومی بر اساس پرسشنامه

طبق پرسشنامه، ۶۳ درصد از ساکنین از حمل و نقل عمومی ناراضی هستند، ۲۹ درصد، تا حدودی و ۸ درصد کاملاً راضی می باشند. طبق پرسشنامه شاید بتوان این گونه بیان کرد که مردم نیازمند ایجاد خطوط تاکسیرانی و همچنین توزیع مناسب تر ایستگاه های اتوبوس و پوشش بهتر محله فیروزآباد ابتدا باید طرح بالا دست آماده شود و در اختیار شهرداری قرار گیرد تا به آسفالت کردن سایر خیابان ها امکان عبور اتوبوس به سایر نقاط محله فیروزآباد فراهم شود.

۴-۸ ویژگی های عمومی منطقه فیروزآباد شهر سیرجان:

تراکم ساختمانی در این محدوده تابعی از وجود اراضی خالی می باشد. به طور کلی تراکم ساختمانی و جمعیتی در محدوده پایین می باشد که این امر ناشی از کم بودن سطح بافت پر ساختمانی در محدوده است تراکم ساختمانی در محدوده مورد مطالعه ۱۲/۸۵ درصد می باشد و با توجه به جمعیت ۱۹۵۳ نفری تراکم جمعیتی نیز ۱۷/۵۱ نفر در هکتار می باشد و در حالی که تراکم جمعیتی شهر سیرجان ۸۵/۳۱ نفر در هکتار می باشد.

۴-۸-۱ آمار جمعیتی:

یکی از شاخص های مهم جمعیتی که در قیاسها نقش بسزایی دارد، شاخص بعد خانوار است که بیانگر نسبت جمعیت بر تعداد خانوار می باشد. این شاخص نشان می دهد که در هر خانوار به طور میانگین چند نفر وجود دارد. همان طور که در جدول ملاحظه می شود؛ برای داخل و خارج محدوده مورد بررسی عدد ۳،۹۸ برای بعد خانوار بدست آمده که در مقایسه با شهرستان و استان کمی بیشتر است. البته تفاوت این شاخص، چندان زیاد نیست و شاید بتوان از این تفاوت صرف نظر کرد.

دیگر شاخص جمعیتی، نسبت جنسی است؛ این شاخص نسبت توزیع جمعیت مرد بر حسب فعالیت زنان و میزان تناسب این تعداد را با هم می سنجد. با همه وجود این تفاوت نیز چندان قابل ذکر نبوده و می توان گفت نسبت جنسی محدوده اسکان غیر رسمی با سیرجان برابری می کند و از این حیث متناسب است.

جدول (۴-۲) (توزیع جمعیت مرد بر حسب فعالیت)

جمعیت ده سال و بیشتر	جمعیت فعال		محصل	دارای درآمد بدون کار	سایر
	شاغل	بیکار			
۱۰۰،۰	۶۴،۸	۵،۸	۱۹،۶	۴،۷	۵،۰

جدول (۴-۳): (توزیع جمعیت زن بر حسب فعالیت)

جمعیت فعال از نظر اقتصادی		محصل	دارای درآمد بدون کار	خانه دار	سایر
شاغل	بیکار				
۵،۳	۱،۰	۲۲،۰	۲،۱	۶۵،۴	۴،۲

جدول زیر نشان دهنده جمعیت در رده های سنی و جنسی مخالف، در اسکان مورد بررسی می باشد که از شهرداری به دست آمده اند.

جدول (۴-۴): (جمعیت در گروه سنی در سال ۹۰)

سال	نام	کدمحله	جمعیت کل	جمعیت ۱۰-۱۴	جمعیت ۱۵-۱۹	جمعیت ۳۰-۶۴	جمعیت ۶۵ به بالا
۹۰	فیروز آباد	۱۴۱۲	۲۰۹۶	۲۰۰	۴۹۰	۱۴۰۰	۶

ماخذ (مهندسین شارمند)

4-۸-۲ آمار مسکن:

بررسی های انجام گرفته درباره نوع اسکلت ابنیه در محدوده محله فیروزآباد نشان گر تعداد بالای ساختمان های شناری (۵۱,۸)، سازه های مصالح بنایی فاقد شناژ (۴۳,۲) و درصد ناچیزی فلزی، بتنی و شیرونی اند.

به لحاظ استحکام، بیشتر ساختمان های موجود در محدوده یعنی حدود ۶۲ درصد، فاقد استحکام لازم اند و بقیه ظاهرا دارای اسکلت مناسب اند؛ که البته به دلیل عدم وجود نظارت مناسب در زمان ساخت، اظهار نظر درباره استحکام این قبیل ساختمان ها، قطعی نخواهد بود و وضع موجود می توان استناد نمود. این آمار نشان دهنده نیاز مجموعه داخل محدوده به توانمندسازی و برنامه ریزی کالبدی مناسب، همانطور که در فرضیه سوم بدان اشاره شده می باشد.

جدول (۴-۵): آمار ساختمان های داخلی محدوده فیروزآباد

میزان استحکام	تعداد	درصد
ظاهر مستحکم	۶۰۶	۴۸
فاقد استحکام	۶۵۵	۵۲
مجموع	۴۸۵	۱۰۰

در بخش خارج از محدوده محله فیروزآباد بیشتر اراضی به صورت زمین بایرند، بنابراین شاید بهتر باشد که زمینهای این قسمت نیز بررسی شوند . زیرا تعدد این زمین ها باعث کاهش ضریب امنیت می شود . از مجموع ۴۸۵ قطعه زمین و خانه موجود در محله ۴۲۶ قطعه (۸۸٪) دارای حصار، و ۵۹ قطعه (۱۲٪) فاقد حصارند که خانه های های بدون حصار، برای افزایش امنیت باید محصور شوند. تعداد بالای زمین ها، بخشی از فرضیه سوم مبنی بر نیاز به نفوذ درون بافتی را یادآور می شود.

جدول (۴-۶): آمار زمین های بایر خارج از محدوده محله فیروزآباد

نوع زمین	تعداد	درصد
دارای حصار	۵۰	۳۳
فاقد حصار	۱۵۰	۶۷
تعداد کل زمین ها	۱۶۰	۱۰۰

وضعیت اسکلت ساختمان های محله فیروزآباد از ساختمان های داخل منطقه بسیار ناپایدارتر است. ۳۵٪ شناژی، ۵۵٪ مصالح بنایی فاقد شناژ، ۳٪ آلونک و فقط ۷ درصد دارای اسکلت فلزی و بتنی می باشند.

جدول (۴-۷): آمار ساختمان های داخل محدوده محله فیروزآباد

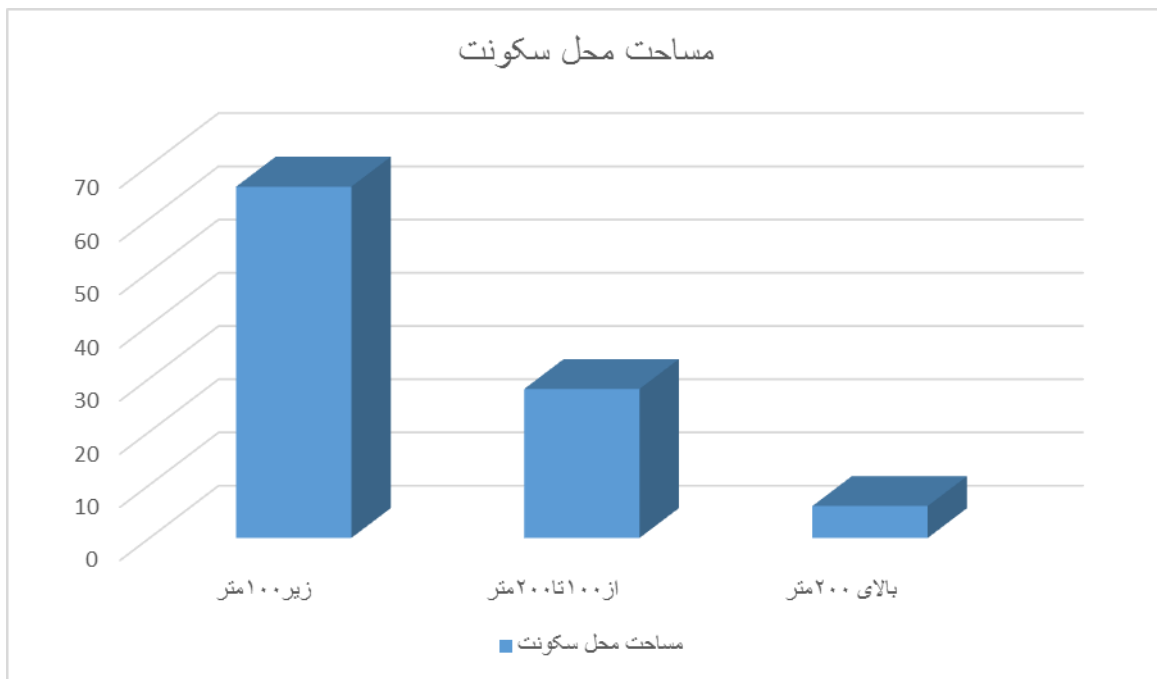
اسکلت	تعداد	درصد
شناژی	۱۶۹	۳۵
فلزی	۳۴	۷
مصالح بنایی	۲۶۶	۵۵
آلونک	۱۶	۳
مجموع	۴۸۵	۱۰۰

از نظر استحکام نیز، ۵۴٫۸ درصد ابنیه مشخصا فاقد استحکام بوده و مابقی یعنی ۴۵٫۲ درصد ظاهرا دارای استحکام اند که آنها نیز همانطور که پیش از این هم گفته شد بدلیل عدم وجود نظارت مناسب در هنگام ساخت، درباره استحکامشان نمی توان نظر قطعی داد.

جدول (۴-۸): آمار ساختمان های خارج از محدوده (محله فیروزآباد)

میزان استحکام	تعداد	درصد
ظاهر مستحکم	۱۰	۲۳
فاقد استحکام	۳۵	۷۷
مجموع	۴۵	۱۰۰

نمودار زیر مساحت خانه های مسکونی را طبق پرسشنامه، نشان می دهد. ۶۶ درصد آمار در منازل با زیر بنای زیر ۱۰۰ متر زندگی می کنند که نشان دهنده مساحت کم پلاک های مسکونیست و باید به آن توجه شود.



نمودار (۴-۱۰): نظر ساکنین درباره مساحت محل سکونتشان در محدوده مورد بررسی بر اساس پرسشنامه

ضمناً ۲۸ درصد ساکنین در منازل با زیر بنای بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر و ۶ درصد بقیه نیز در زیر بنای بالای ۲۰۰ متر زندگی می کنند؛ که البته قطعات بزرگتر در محله فیروزآباد بیشتر به چشم می خورند. این موارد می توانند دلیلی بر اثبات بخش اول از سومین فرضیه پژوهش مبنی بر نیاز مجموعه به برنامه ریزی کالبدی مناسب و توانمند سازی می باشد.

۹-۴ یافته های میدانی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و روش بررسی تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. در ابتدای فصل توضیحاتی در رابطه با فرضیات ارائه شده است؛ و در ادامه جهت تجزیه و تحلیل داده ها و ارائه استراتژی و راهبرد توسعه از طریق تحلیل SWot استفاده شده است. طبق مدل SWot، ابتدا داده های توصیفی و در ادامه به بررسی و شناخت محیط داخلی و خارجی ناحیه پرداخته و فهرستی از نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها مورد شناسایی قرار گرفت. سپس در منطقه نظرسنجی صورت گرفته و به هر کدام از این مسائل وزن داده شد و پس از محاسبات و تحلیل ها انجام گرفته و در نهایت راهبرد ارائه می شود.

۱۰-۴ داده های توصیفی

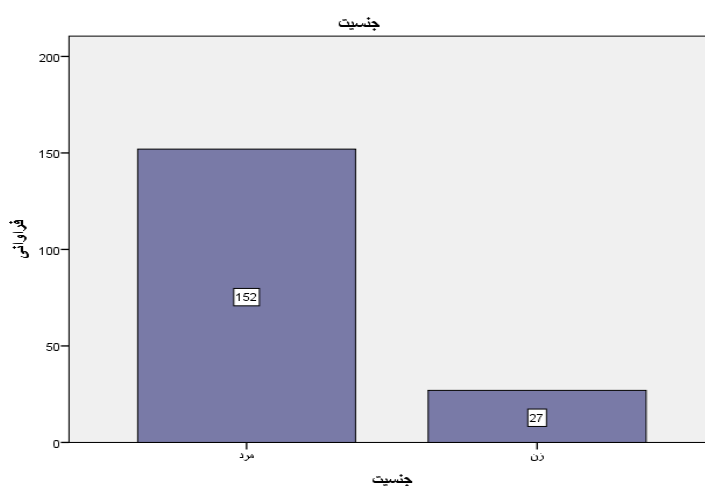
۱-۱۰-۴ توصیف متغیرهای جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

۱- توصیف جنسیت پاسخ دهندگان

مشارکت کنندگان در این تحقیق 84.9 درصد مرد و 15.1 درصد زن بودند.

جدول ۴-۹: توصیف جنسیت پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	
15.1	27	زن
84.9	152	مرد
۱۰۰,۰	۱۷۹	کل



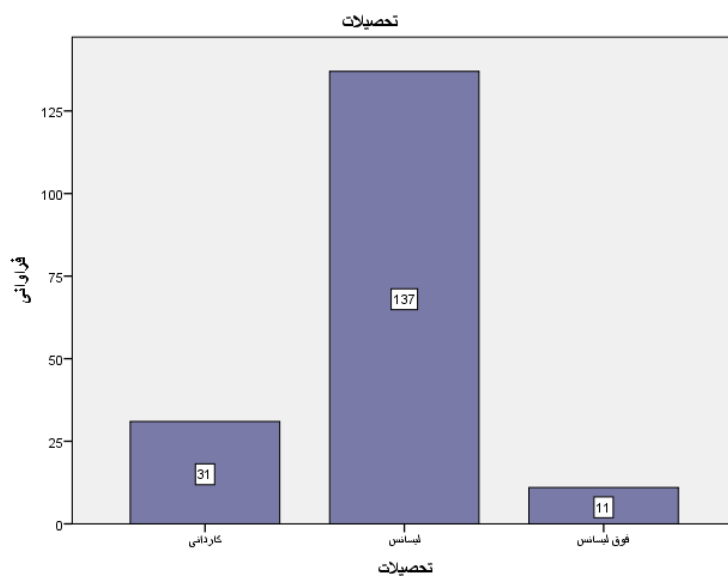
نمودار ۴-۱۱: نمودار میله‌ای جنسیت پاسخ‌دهندگان

۲- توصیف تحصیلات پاسخ‌دهندگان

با توجه به جدول ۴-۱۰ و نمودار ۴-۱۲ مشاهده می‌شود که فراوانی متغیر جمعیت شناختی توصیفی جامعه میزان تحصیلات در ۳ بخش مشخص گردید که میزان فراوانی کاردانی ۱۷,۳ درصد و میزان فراوانی کارشناسی ۷۶,۵ درصد میزان فراوانی تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر ۶,۱ درصد می‌باشد.

جدول ۴-۱۰: توصیف تحصیلات پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	
۱۷,۳	۳۱	کاردانی
۷۶,۵	۱۳۷	کارشناسی
۶,۱	۱۱	کارشناسی ارشد
۱۰۰	۱۷۹	کل



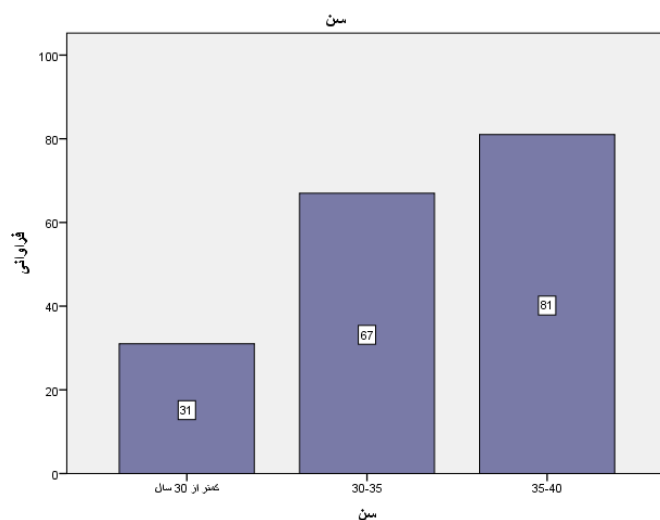
نمودار ۴-۱۲: نمودار میله‌ای تحصیلات پاسخ‌دهندگان

۳- توصیف سن پاسخ‌دهندگان

با توجه به جدول ۴-۱۱ و نمودار ۴-۱۳ مشاهده می‌شود که سن افراد مشارکت‌کننده که ۱۷,۳ درصد کمتر از ۳۰ سال ۳۷,۴ درصد بین ۳۰-۳۵ و ۴۵,۳ درصد بین ۳۵-۴۰ دارند.

جدول ۴-۱۱: توصیف سن پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	
۱۷,۳	۳۱	کمتر از ۳۰ سال
۳۷,۴	۶۷	۳۵-۳۰
۴۵,۳	۸۱	۴۰-۳۵
۰	۰	بالای ۴۰ سال
۱۰۰,۰	۱۷۹	کل



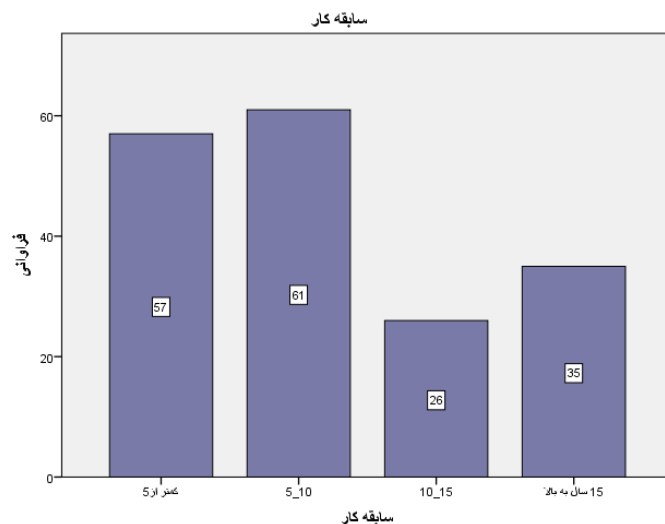
نمودار ۴-۱۳: نمودار میله‌ای سن پاسخ‌دهندگان

۴- توصیف سابقه فعالیت پاسخ‌دهندگان

با توجه به جدول و نمودار ۴-۴ مشاهده می‌شود که سابقه افراد مشارکت‌کننده که ۳۱,۸ درصد کمتر از ۵ سال و ۳۴,۱ درصد ۵ تا ۱۰ سال، ۱۴,۵ درصد ۱۰ تا ۱۵ سال، ۱۹,۶ درصد بالای ۲۰ سال سابقه فعالیت دارند

جدول ۴-۱۲: توصیف سابقه فعالیت پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	
۳۱,۸	۵۷	کمتر از ۵
۳۴,۱	۶۱	۵ تا ۱۰
۱۴,۵	۲۶	۱۰ تا ۱۵
۱۹,۶	۳۵	۱۵ تا ۲۰
۱۰۰,۰	۱۷۹	کل



نمودار ۴-۱۴: نمودار میله‌ای سابقه فعالیت پاسخ‌دهندگان

۵- توصیف عنوان شغلی پاسخ‌دهندگان

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۴۱,۹ درصد کارشناس و ۲۱,۲ درصد طراح شهری و ۲۵,۷ درصد متخصصین و ۷,۸ درصد سکنه بومی و ۳,۴ درصد سایر بودند.

جدول ۴-۱۳: توصیف عنوان شغلی پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	
۴۱,۹	۷۵	کارشناس
۲۱,۲	۳۸	طراح شهری
۲۵,۷	۴۶	متخصصین
۷,۸	۱۴	سکنه بومی
۳,۴	۶	سایر
۱۰۰,۰	۱۷۹	کل

۴-۱۱ داده‌های تحلیلی

۴-۱۲-۱ نقاط قوت و ضعف داخلی

هدف این مرحله سنجش محیط داخلی ناحیه کفه‌نمک جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت آن در راستای باز طراحی حاشیه‌های شهری می‌باشد. این نقاط ضعف و قوت در چارچوب ابعاد توسعه منطقه ازجمله اقتصادی،

اجتماعی - فرهنگی و ... مطرح شده‌اند. نقاط قوت و ضعف داخلی در زمره فعالیت‌های قابل کنترل در محیط داخلی است.

۴-۱۲-۱ تحلیل داده ها با استفاده از تکنیک سوات:

در این بخش با توجه به نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها، راهبردهایی برای توانمندسازی محدوده مورد بررسی با کمک جدول SWOT ارائه شده است.

جدول (۴-۱۴) ماتریس عوامل موثر داخلی

SOWT جدول		
ضعف (w)	قوت (s)	
* رعایت نشدن استانداردها در ساخت و ساز * محله فیروزآباد فاقد مدرسه میباشد * ساخت و سازهای بی رویه در فضاهای زراعی و باغی و تهدید زیست محیطی * بهداشت نامناسب محیط و دفع نامناسب فاضلاب شهری * در این منطقه کمبود یا نبود کاربری های عمومی و خدماتی در مقایسه با سرانه های شهری کم است * احتمال بروز و افزایش بورس بازی، توسعه های غیر رسمی و تفکیک غیر قانونی اراضی کشاورزی در سطح محلات هدف * قیمت پایین زمین در این منطقه باعث شکل گیری و تسریع روند حاشیه نشینی شده * ضعف قانون نظارتی باعث به وجود آمدن سکونتگاهایی بی کیفیت و بدون استحکام در این منطقه شده است	* جوابگویی معابر و شبکه دسترسی جهت افزایش ظرفیت بارگزاری کاربریها * همجواری با محور اصلی بلوار غدیر * بناهای قابل نگهداری بیشترین فراوانی را در سطح منطقه دارا میباشد * وجود اراضی بایر رها شده در محدوده و امکان استفاده از آن ها جهت تبدیل شدن به فضای سبز و رفع کمبودهای موجود * وجود بستر طبیعی با توپوگرافی هموار و شیب ملایم در منطقه * به دلیل وضعیت شبکه ارتباطی، توسعه شبکه برق در سطح محله با مشکل خاصی مواجه نیست * فقدان محدودیتهای طبیعی توسعه و وجود زمین مناسب فراوان جهت توسعه های مسکونی * زباله های این محدوده بطور روزانه جمع آوری میشود. • * تعدد زمین های بایر در محله جهت ساخت و ساز جدید * نفوذپذیری مناسب دسترسی ها در غالب نقاط منطقه	کالبدی - زیست محیطی

	*یکدست بودن و هماهنگی ارتفاع ابنیه به دلیل وجود ساختمانهای عمدتاً یک تادو طبقه • *پتانسیل بالای خاک جهت ایجاد کاربری فضای سبز به دلیل زراعی بودن در گذشته	
--	---	--

SOWT جدول		
تهدید (t)	فرصت (o)	
*عدم رضایت مردم از کف سازی و جدول بندی پیاده روها و آسفالت معابر *۵۰ درصد مردم خواستار بسته های حمایتی در قالب وام میباشند *وجود ارتباط خیلی ضعیف ساکنان با نهادهای رسمی برای حل مشکلات خود *نبود فضاهای روباز و سرپوشیده ورزشی *عدم دسترسی جوانان به مکان های مناسب جهت گذرات اوقات فراغت *افزایش مهاجرت به محله و به تبع آن افزایش جمعیت *افزایش نابرابری های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با توجه به پیشرفت روز افزون شهر *استمرار مهاجرت پذیری محله از شهرستان های اطراف	*ساکنین محله فیروزآباد از بیشترین سطح امید به آینده برخوردار میباشند *اعلام آمادگی بالای مردم برای مشارکت در زمینه ایجاد خدمات عمومی *وجود رضایت نسبی ساکنین از سیستم جمع اوری زباله *وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان محله به لحاظ قدمت *وجود سوابق و زمینه های مشارکت مردم در زمینه آسفالت معابر، ایجاد مسجد	

جدول SOWT		
ضعف (w)	قوت (s)	
*بیشترین میزان برای ترک محل زندگی در این محله برای فشار مالی بوده است *کم رنگ بودن فرهنگ کار و فعالیت در این محله احتمال گسترش یافتن جرم و جنایت	*امکان مشارکت کارگران ساختمانی در فعالیتهای عمرانی تعریف شده در سطح محله *بیشترین درصد افراد مالک و کمترین درصد آنها مستاجر میباشند *ایجاد اشتغال با ایجاد محیطی مناسب برای محله و زمینه سرمایه گذاری بخش خصوصی	

۴-۵-۳ تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها

جدول (۴-۱۵): ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

ردیف	عوامل داخلی	ضریب اهمیت (۱)	رتبه (۱-۴)	نمره
۱-	جوابگویی معابر و شبکه دسترسی جهت افزایش ظرفیت بارگذاری کاربریها	۰,۰۶	۴	۰,۲۴
۲-	همجواری با محور اصلی بلوار غدیر	۰,۰۷	۲	۰,۱۴
۳-	بناهای قابل نگهداری بیشترین فراوانی را در سطح منطقه دارا میباشد	۰,۰۴	۴	۰,۱۶
۴-	وجود اراضی بایر رها شده در محدوده و امکان استفاده از آن ها جهت تبدیل شدن به فضای سبز و رفع کمبودهای موجود	۰,۰۶	۲	۰,۱۲
۵-	وجود بستر طبیعی با توپوگرافی هموار و شیب ملایم در منطقه	۰,۰۶	۴	۰,۲۴
۶-	به دلیل وضعیت شبکه ارتباطی، توسعه شبکه برق در سطح محله با مشکل خاصی مواجه نیست	۰,۰۷	۲	۰,۱۴

	۷-	فقدان محدودیتهای طبیعی توسعه و وجود زمین مناسب فراوان جهت توسعه های مسکونی	۰,۰۵	۳	۰,۱۵
	۸-	زباله های این محدوده بطور روزانه جمع آوری میشود.	۰,۰۶	۲	۰,۱۲
	۹-	تعدد زمین های بایر در محله جهت ساخت و ساز جدید	۰,۰۶	۴	۰,۲۴
	۱۰-	نفوذپذیری مناسب دسترسی ها در غالب نقاط منطقه	۰,۰۷	۲	۰,۱۴
		یکدست بودن و هماهنگی ارتفاع ابنیه به دلیل وجودساختمانهای عمدتا یک تادوطبقه	۰,۰۵	۳	۰,۱۵
		پتانسیل بالای خاک جهت ایجاد کاربری فضای سبز به دلیل زراعی بودن در گذشته	۰,۰۶	۲	۰,۱۲
		جمع			۱,۹۶
ضعفها	ردیف	عوامل داخلی	ضریب اهمیت (۱)	رتبه (۱-۴)	نمره
	۱-	رعایت نشدن استانداردها در ساخت و ساز	۰,۰۵	۳	۰,۱۵
	۲-	محله فیروزآباد فاقد مدرسه میباشد	۰,۰۴	۳	۰,۱۲
	۳-	ساخت و سازهای بی رویه در فضاهای زراعی و باغی و تهدید زیست محیطی	۰,۰۶	۱	۰,۰۶
	۴-	بهداشت نامناسب محیط و دفع نامناسب فاضلاب شهری	۰,۰۴	۲	۰,۰۸
	۵-	در این منطقه کمبود یا نبود کاربری های عمومی وخدماتی در مقایسه با سرانه های شهری کم است	۰,۰۷	۲	۰,۱۴
	۶-	احتمال بروز و افزایش بورس بازی،توسعه های غیر رسمی و تفکیک غیر قانونی اراضی کشاورزی در سطح محلات هدف	۰,۰۶	۳	۰,۱۸
	۷-	قیمت پایین زمین در این منطقه باعث شکل گیری و تسریع روند حاشیه نشینی شده	۰,۰۵	۲	۰,۱۰

۰,۱۸	۳	۰,۰۶	ضعف قانون نظارتی باعث به وجود آمدن سکونتگاهایی بی کیفیت و بدون استحکام در این منطقه شده است	۸-
۱,۰۱			جمع	
۲,۹۷			جمع قوت‌ها و ضعف‌ها	

جدول (۴-۱۶): ماتریس عوامل خارجی (EFE)

ردیف	عوامل خارجی	ضریب اهمیت (۱)	رتبه (۱-۴)	نمره	فرصت‌ها
۱-	ساکنین محله فیروزآباد از بیشترین سطح امید به آینده برخوردار میباشند	۰,۰۷	۴	۰,۲۸	
۲-	اعلام آمادگی بالای مردم برای مشارکت در زمینه ایجاد خدمات عمومی	۰,۰۶	۳	۰,۱۸	
۳-	وجود رضایت نسبی ساکنین از سیستم جمع اوری زباله	۰,۰۶	۳	۰,۱۸	
۴-	وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان محله به لحاظ قدمت	۰,۰۵	۴	۰,۲۰	
۵-	وجود سوابق و زمینه های مشارکت مردم در زمینه آسفالت معابر، ایجاد مسجد	۰,۰۷	۴	۰,۲۸	
۶-	امکان مشارکت کارگران ساختمانی در فعالیتهای عمرانی تعریف شده در سطح محله	۰,۰۵	۴	۰,۲۰	
۷-	بیشترین درصد افراد مالک و کمترین درصد آنها مستاجر میباشند	۰,۰۷	۴	۰,۲۸	
۸-	ایجاد اشتغال با ایجاد محیطی مناسب برای محله و زمینه سرمایه گذاری بخش خصوصی	۰,۰۷	۳	۰,۲۱	
	جمع			۱,۸۱	
ردیف	عوامل خارجی	ضریب اهمیت (۱)	رتبه (۱-۴)	نمره	

۰,۱۲	۲	۰,۰۶	ناتوانی در سیستم برنامه ریزی جهت جذب توریسم	۱-	تهدیدها
۰,۱۰	۲	۰,۰۵	آلودگی زیست محیطی	۲-	
۰,۲۱	۳	۰,۰۷	عدم داشتن آگاهی از خاصیت درمانی نمک	۳-	
۰,۱۸	۳	۰,۰۶	عدم استفاده از برنامه اصولی و از پیش مطالعه شده	۴-	
۰,۱۲	۲	۰,۰۶	عدم استفاده بهینه از توان بومی در توسعه اکو توریسم منطقه	۵-	
۰,۱۲	۳	۰,۰۴	عدم سرمایه گذاری در اجرای سیستم های جدید در توسعه پایدار	۶-	
۰,۲۱	۳	۰,۰۷	عدم استفاده از روش های نوین در کاهش آلودگی های زیست محیطی	۷-	
۱,۰۶			جمع		
۲,۸۸			جمع قوت ها و ضعف ها		

۴-۱۲-۲ ماتریس چهار نقطه ای داخلی و خارجی (IE)

برای تجزیه و تحلیل هم زمان عوامل داخلی و خارجی از ابزاری به نام ماتریس داخلی و خارجی استفاده می شود. برای تشکیل این ماتریس، بایستی، نمرات حاصل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی را در ابعاد افقی و عمودی قرار دهد تا جایگاه این ماتریس مشخص گردد و بتوان استراتژی مناسبی را برای آن اتخاذ نمود. ماتریس مورد مطالعه در این تحقیق، از نوع چهارخانه ای است. در ماتریس چهارخانه ای این نمرات در یک طیف دوبخشی ضعیف (۱ الی ۲,۵) و قوی (۲,۵ الی ۴) تعیین می شوند.

همان طور که در نمودار نشان داده شده است، اگر کفه نمک از حیث نمرات عوامل خارجی و داخلی در خانه I باشد، استراتژی تهاجمی (رشد و توسعه)، اگر در خانه II باشد، استراتژی رقابتی (نگهداری و حمایت بیرونی)، چنانچه در خانه III باشد استراتژی محافظه کارانه (نگهداری و حمایت درونی) و بالاخره اگر در خانه IV باشد استراتژی تدافعی (برداشت، واگذاری، کاهش، انحلال) توصیه می شود.

جدول (۴-۱۷): ماتریس نمرات

II رقابتی	I تهاجمی
III محافظه کارانه	IV تدافعی

۴-۱۲-۲-۱ شناسایی استراتژی‌های ممکن

با توجه به چهار دسته استراتژی موردنظر در ماتریس SWOT (شامل استراتژی‌های ST, WO, WT, SW) و با توجه به منطقه قرار گرفتن در ماتریس داخلی و خارجی، آن دسته از استراتژی‌ها را جهت ارزیابی و انتخاب در ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی برمی‌گزینیم که مربوط به منطقه تعیین‌شده در ماتریس داخلی و خارجی باشند. بدین ترتیب نقطه اصلی در ماتریس داخلی و خارجی، در خانه II است؛ و انحراف معیار بین I و III قرار دارد. بایستی استراتژی‌های رقابتی و تهاجمی (استراتژی دسته SO از استراتژی‌های SWOT) را در اولویت قرارداد. استراتژی اصلی استراتژی رقابتی است (قدرت درونی، فرصت بیرونی) و به معنی نگهداری و حمایت بیرونی هست.

۴-۱۳ ارائه استراتژی‌ها

ماتریس SWOT امکان تدوین چهار انتخاب یا راهبرد متفاوت را فراهم می‌آورد. البته در جریان عمل برخی از راهبردها با یکدیگر هم‌پوشانی داشته و یا به‌طور هم‌زمان و هماهنگ با یکدیگر به اجرا درمی‌آیند (گلگار، ۱۳۷۵: ۸).

۴-۱۳-۱ سیاست‌های پیشنهادی در ساماندهی محله فیروزآباد:

همان‌طور که در بالا بدان اشاره شد محله فیروزآباد تنها در خارج از محدوده قانونی به وجود آمده است. اما از نظر امکانات و خدمات مختلف، مکان فعالیت‌های شاغلین و حتی روابط اجتماعی و ... با شهر سیرجان ارتباط تنگاتنگ برقرار کرده است و در صورت نبود شهر سیرجان، محله فیروزآباد هم از بین می‌رود.

با این وضعیت آیا می توان سیاست هایی پیشنهاد نمود که مجموعه به صورت ماهوی با شهر سیرجان ارتباط برقرار نسازد؟ مسلماً جواب سوال فوق منفی است ولی با وجود بورس بازی و سوء استفاده های متعدد در خارج از محدوده قانونی و رها شدن مهار نظارت بر اراضی و هر گونه فعالیت بر روی اراضی خارج از محدوده قانونی، نمی توان به راحتی، چنین مجموعه هایی را با شهر سیرجان ادغام کرد. با این توضیحات سه سیاست پیشنهاد می شود و مزایا و معایب هر کدام براساس زمینه های نظری و عملی توضیح داده می شود.

۴-۱-۱-۱۳ سیاست اول: ادغام محله در شهر سیرجان و افزایش محدوده قانونی:

این سیاست با توجه به ارتباطی که این مجموعه با شهر سیرجان دارد و همگونی زیادی که با شهر سیرجان و بافت های مجاور برقرار کرده است می تواند در شهر سیرجان ادغام شود. با توجه به شکل گیری کامل آن و وجود عینی و واقعی این محله چاره ای جز پذیرش و رفع مشکلات آن نمی باشد. اما با توجه به تاثیری که این سیاست بر سایر بورس بازی ها و سوء استفاده ها می گذارد در کوتاه مدت باید از آن احتراز کرد و همچنین مشکلاتی که مدیریت موجود شهر سیرجان در حال حاضر دارد توانایی پذیرش و ساماندهی این محله را نخواهد داشت. بنابراین این سیاست در شرایط کنونی مردود شناخته می شود.

۴-۱-۲-۱۳ سیاست دوم: تشکیل مدیریت واحد و مجزا از واحدهای مدیریتی شهرداری سیرجان:

این سیاست با کمی مدارا نسبت به سیاست اول مجموعه غیر رسمی را قبول می نماید. اما نمی خواهد هیچ بار اضافی را بر شهرداری سیرجان بگذارد. در این سیاست شهرداری سیرجان با توجه به تاثیری که به شهر می گذارد از برنامه ها و پروژه های آن مطلع خواهد بود و در جهت تقویت بنیان های اجتماعی - فرهنگی و شهر سیرجان به این محله نیز توجه می نماید. در حقیقت با این سیاست، این مجموعه بافتی منفک از شهر سیرجان قلمداد نمی شود، هیچ هزینه ای بر شهرداری وارد نمی نماید. این سیاست در حقیقت شهر سیرجان را با اسکان های غیر رسمی حاشیه خود به صورت یک مجموعه در می آورد و سازمان مسکن و شهرسازی می تواند در قالب راهبرد توانمند سازی و ساماندهی اسکان های غیر رسمی به برنامه ریزی کل مجموعه شهری سیرجان همت گمارد. در بخش اجرایی نیز شهرداری نظارت کلان می نماید و نظارت خود نیز تحت مدیریت فرمانداری به ایفای نقش می پردازد.

۴-۱-۳-۱۳ سیاست سوم: در نظر گیری مجموعه به عنوان یک روستا یا شهرک:

این سیاست به عنوان سیاستی است که این مجموعه در سنوات قبل کاملاً از محدوده قانونی شهر خارج می شود هیچ نظارتی از طرف شهرداری به آن صورت نمی گرفت. به عنوان یک روستا یا شهرک با مدیریت مجزا و در تحت مسئولیت فرمانداری سیرجان ایفای نقش می نماید. در این سیاست باید شورای روستا با مجموعه تشکیل شود دهمداری بوجود آید و مدیر مجموعه منصوب گردد. این سیاست مردم را در شرایط موجود قانع می سازد و در بلند مدت توقعات جدیدی برای ساکنین فراهم می نماید و درخواست ادغام در شهر را انجام می دهند. اما سرپوش گذاشتن مشکلات فعلی و بر طرف کردن نیازهای اصلی انسانی شاید کارساز باشد. اما نمی تواند سیاستی عقلایی و بلند مدت باشد. این سیاست در حال حاضر دست و پا شکسته در بعضی از اسکان های غیر رسمی چون دو طرف کمربندی سیرجان زیدآباد مورد عمل واقع شده است.

۴-۱۳-۱-۴ سیاست چهارم: تخریب خانه هادر زمین های تصرفی و جلوگیری از رشد محله فیروزآباد:

این سیاست برخوردی قهر آمیز با گسترش شهر سیرجان است. برخوردی که در جواب گسترش بی رویه افقی شهر بوده و با سیاست های فعلی داخلی و خارجی مغایرت دارد. با همه این احوال پس از مرور حوادثی که در این چند دهه و پس از مدارا و موافقت با روستا شدن، بر محله فیروزآباد گذشته این سیاست را به عنوان یکی از راه ها معرفی می کند. به هر حال این سیاست در مقایسه با سیاست های قبلی و با تکیه بر نظر کارشناسان از مقبولیت کمتری برخوردار است و چندان مناسب نیست.

۴-۱۳-۱-۵ سیاست پنجم: الحاق به شهر زیر نظر مدیریت واحد و جلوگیری از ادامه توسعه افقی:

همانطور که در این تحقیق اشاره شد، با توجه به موقعیت شهر سیرجان، جلوگیری از ادامه روند رو به رشد آن امری نا ممکن به نظر می رسد. بنابراین باید برای ادامه رشد آن چاره ای اساسی اندیشید. به نظر می رسد یکی از بهترین راه ها برای جلوگیری از ادامه رشد افقی، محله فیروزآباد، تسریع در ایجاد کمربند سبز اطراف شهر خصوصاً در مناطق حساس و با نظارت قوی در این نقاط و البته با تغییر مسیر آن با توجه به ایجاد اینگونه اسکانها می باشد. برای ادامه روند رو به رشد سیرجان نیز شاید یکی از بهترین راه ها ارائه تسهیلات مناسب برای تشویق مردم در ساخت و ساز داخل شهر (مخصوصاً داخل بافت فرسوده که دارای زمین های بایر فراوان است) می باشد؛ همانطور که در طرح های بالا دست به آن اشاره شده. با توضیحات پنج سیاست فوق سیاست پنجم با رویکردی جامع نگرانه نسبت به سایر سیاستها می تواند اجرا گردد. این سیاست به گونه ای ترکیب سیاست اول و دوم است شاید بهتر باشد تا با مدیریتی واحد زیر نظر شهرداری

سیرجان نظارت در اطراف محدوده را نیز در حیطه وظایف مدیریتی آن وارد کرد تا از افزایش دو باره وسعت مجموعه جلوگیری به عمل آید.

۴-۱۴ پیشنهادها و راهبردهای اصلاحی:

پس از جمع آوری اطلاعات، تحلیل، تبیین علل شکل گیری و سایر بررسی های لازم در راستای تحقق اهداف پژوهش، راهبردها و پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

۵-۱۴ راهبردهای اجتماعی:

- در بالاترین سطح فرهنگی و تقویت ارزش های معنوی به منظور استفاده های مشروع از خدمات و امکانات و همچنین جلوگیری از ارتکاب جرم از سوی خود ساکنان محل

- توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان از طریق فعال ساختن و شریک کردن آنان در طرح های ساماندهی و توانمند سازی محله؛

- کمک به ارتقای روحیه مشارکت و همکاری از طریق جذب ساکنان در تشکل های محلی یا جماعتی و تشکل های غیر دولتی:

- ایجاد کتابخانه در محله (برای این کار می توان از مسجد محله استفاده کرد)؛

- از طریق ایجاد احساس تعلق و هویت مکانی در ساکنان به گونه ای که خودشان مانع از ایجاد ساخت و سازهای تازه شوند

- احداث فضاهای آموزشی - بهداشتی و کمک به ارتقای سطح فرهنگی مردم در زمینه ی تنظیم خانواده و رعایت مسایل بهداشتی از طریق ایجاد این فضاها؛

- ایجاد امکانات تفریحی در محله (می توان از ساعت های بدون استفاده ماندن فضاهای آموزشی برای فعالیت های فرهنگی، ورزشی و ... استفاده کرد)؛

- توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان و فعال نمودن آن ها در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی؛

- آموزش دمکراسی شهری از طریق دمکراتیک کردن فضاهای باز عمومی به منظور بالا بردن آستانه تحمل جمعیت ساکن با توجه به اختلاط قومیتی و جمعیت های ناهمگون؛

- استفاده از کاربری های مذهبی موجود، جهت ارتقای فرهنگ و تعاملات اجتماعی (با توجه به وابستگی اقشار مختلف خصوصا قشر نوجوان به مساجد)

۴-۱۴-۲ راهبردهای اقتصادی:

- زمینه سازی برای ایجاد فعالیت های اقتصادی منطبق با شرایط و ویژگی های مهاجران از طریق آموزش های فنی حرفه ای و بالا بردن مهارت نیروی کار؛

- تشکیل صندوق های قرض الحسنه خرده وام به گونه ای که خود ساکنان مسئول آن باشند؛

- ایجاد تعاونی های کارگران با حمایت بخش دولتی و بیمه ی غیر رسمی از طرف دولت. از آنجا که اغلب نیروی کار این محله را کارگران ساده ی ساختمانی تشکیل می دهند، می توان از طریق اتحادیه های کارگری محلی از نیروی کار آن ها در فعالیت های ساخت و ساز شهر و محله بهره برد؛

- آموزش نیروی کار جوان این منطقه و استفاده از آنها در کارگاه ها و مراکز خدماتی داخل محدوده؛

- استفاده از نیروی کار زنان از طریق ایجاد کارگاه ها و آموزشگاه های خیاطی، قالی بافی و گلیم بافی می توان از طریق بخش غیر دولتی منابع اولیه لازم را در اختیار زنان قرار داد و کار تمام شده را از طریق تعاونی های محلی عرضه کرد؛

- دسترسی به منابع اعتباری خرده وام به ویژه برای شاغلین در بخش غیر رسمی؛

- برپایی مناطق ویژه کسب و کار با معافیت های مالی به ویژه به منظور تجمیع بخش غیر رسمی؛

- زمینه سازی و تشویق بخش خصوصی در عرضه واحدهای مسکونی ارزان قیمت و اعطای وام بهسازی مسکن و برقراری بیمه کامل سرمایه گذاری ها به کاهش ریسک بازگشت سرمایه؛

- برقراری ساز و کارهای مشخص برای حل اختلاف حقوق مسکن و اقامت در برابر حق مالکیت خصوصی و عمومی؛

- توافق در جابجایی های ناشی از ساماندهی اسکان غیر رسمی؛

- دستیابی به فرصت های درآمدزا از طریق آموزش حرفه ای و پرداخت خرده وام.

۴-۱۴-۳ راهبردهای خدماتی:

- ارتقای شبکه های زیر بنایی و خدمات رسانی از قبیل شبکه فاضلاب، تاسیسات گاز، برق، تلفن و آب با حمایت بخش دولتی و با مشارکت خود مردم، از طریق ارایه خدمات مورد نیاز می توان قیمت زمین و مسکن را در این محله بالا برد، که خود در جلوگیری از ورود دیگر افراد و رشد بی برنامه این سکونت گاه ها موثر است؛

- آسفالت روکش معابر از طریق حمایت بخش دولتی یا شهرداری و با استفاده از نیروی کار ساکنان محل در ازای پرداخت حقوق آن ها؛

- بهسازی محله با مشارکت ساکنین با توجه به وجود روحیه مشارکت اهالی؛

- گذاشتن درپوش برای چاه های فاضلاب محل از طریق شهرداری و گذاشتن سطل های بزرگ زباله در انتهای هر خیابان برای ترغیب ساکنان و کمک به حفظ محیط زیست؛

- حل معضل روشنایی معابر (عامل تاریکی در محله، خود می تواند تقویت کننده ی جریان باشد).

۴-۱۴-۴ راهبردهای کالبدی:

- عرضه ی ارزان قیمت مصالح بادوام برای ساخت و ساز و بهسازی خانه ها از طرف سازمان های مدیریت شهری و ارایه وام های بلند مدت و میان مدت با هدف ارتقای کیفیت و استحکام خانه ها؛

- استفاده از پتانسیل نسبتا بالای خاک در فضاهای زراعی بلا استفاده، جهت ایجاد فضای سبز

- ایجاد تعاونی های مسکن و تقویت آن ها در ساخت و ساز واحدهای مسکونی متناسب با توانایی اقتصادی ساکنان و نظارت بر آن ها به منظور رعایت اصول فنی و استاندارد ها در ساخت و ساز؛

- بهبود سرانه ی کاربری های شهری در محله از طریق افزایش دادن سرانه های مسکونی، فرهنگی، آموزشی، تجاری در محله با حمایت دولت و با مشارکت مردم؛

- تامین امنیت اقامت و به رسمیت شناختن حق سکونت برای ایجاد حس مالکیت برای بهسازی؛

- تشریک مساعی با ساکنین در احداث و ارتقای شبکه زیر بنایی و خدمات رسانی؛

- بهبود بخشیدن به وضعیت تاسیسات زیر ساختی پایه مانند شبکه آبرسانی، بهداشت، شبکه حمل و نقل، برق و روشنایی معابر؛

- ایجاد حس همکاری جمعی برای مشارکت در بهداشت محیط برای کاهش خطرات زیست محیطی؛

- ساخت یا ساماندهی امکانات محله ای چون مهدکودک ها؛
- بهبود کالبدی وضعیت مسکن با ارایه تسهیلات بلند مدت و ارایه ایده های بدیع معماری؛
- ارتقا و ساماندهی شبکه دسترسی های محله ای و بین محله ای؛
- ایجاد فضاهای باز عمومی برای تقویت سرمایه اجتماعی ساکنان از طریق روابط همسایگی رو در رو؛
- طراحی و برنامه ریزی در بستر فرهنگی و معنی شناختی ساکنان به منظور تقویت حس تعلق خاطر مکانی و استفاده از عناصر مونونتال.

- مؤلفه زیبایی شناختی:

- آشفته گی بصری و عدم پیوستگی در خط آسمان.
- از بین بردن فرسودگی کالبدی ابنیه ناشی از کیفیت ابنیه و ریزدانگی
- تقویت تمایل به ساخت و ساز در سطح محله
- هماهنگ نمودن ساخت وسازها با مسائل اقلیمی
- حفظ و ارتقا نقش عناصر طبیعی در سازمان فضایی محله
- ایجاد نظم بصری و تقویت عناصر جداره و سیمای بافت

۴-۱۴-۵ نظام حرکت و دسترسی:

- ارتقا سطح خدمات رسانی معابر درون محله
- ایجاد و تقویت سیستم جمع اوری و دفع آبهای سطحی.
- ساماندهی حرکت پیاده در سطح محله.
- تقویت خدمات رسانی و تجهیزات شهری در سطح محله.

۴-۱۴-۶ راهبردهای مدیریتی:

- هماهنگی بیشتر بین دستگاه ها به منظور برنامه ریزی صحیح برای حل مسایل و مشکلات این سکونتگاه ها از طریق تشکیل نهاد توانمندسازی و ساماندهی که از تمام سازمان های مرتبط با مسایل شهری عضوی در آن حضور داشته باشد.

کمک به ایجاد تشکل های محلی از طریق شناسایی افرادی که مردم محله به آن ها اعتماد دارند.

اعمال سیاست های تمرکز زدایی و جلوگیری از رشد لجام گسیخته و بی رویه ی شهرها برای جلوگیری از مهاجرت بیشتر افراد

جلوگیری جدی از ادامه روند ساخت و سازهای غیر قانونی و بدون پروانه از طرف سازمان های مدیریت شهری.

انطباق خانه بهداشت، دهیاری و پرسشنامه و ترسیم مثلث بوژو گارنیه برای این محدوده مورد بررسی، نقش این محدوده خدماتی تعیین می گردد:

ضمنا برای تامین نیازهای تجاری منطقه در مقیاس محلی، تا محدوده یک پلاک از خیابان های اصلی درجه یک و اصلی درجه دو، کاربری به صورت شناور تعریف می شود و صاحبان این املاک، مجاز به ایجاد تجاری در مقیاس محله می باشد که این ضابطه در حیطه اختیارات شهرداری مربوطه و با توجه به نیاز محدوده است.

۴-۱۴-۷ راهبرد عملکردی:

عدم وجود فضای تعریف شده برای وسایل حمل و نقل درون شهری و مکان یابی غلط ایستگاه اتوبوس.

-عدم وجود تأسیسات رفاهی و خدماتی مناسب.

فصل پنجم

«نتیجه گیری و پیشنهادها»

۵-۱ مقدمه

در فصل‌های گذشته پس از معرفی و بیان ادبیات موضوعی در زمینه باز طراحی حاشیه های شهری ، مورد بررسی قرار گرفتند؛ و سپس روش تحقیق و شیوهی جمع‌آوری داده‌ها بیان و پس از گردآوری داده‌ها، داده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. استراتژی‌های حاصل از این یافته‌ها منجر به نتایجی شدند.

در این فصل بحث و نتیجه‌گیری در خصوص نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق حاضر و یافته‌های پیشین، پرداخته می‌شود.

۵-۲ فرضیه‌ها

۵-۲-۱ ارزیابی داده‌های توصیفی

بیشترین پاسخ‌دهنده‌ها بین ۳۵ تا ۴۰ سال و ۴۵,۳ درصد می‌باشد.
بیشترین پاسخ‌دهنده‌ها در مقطع کارشناسی که ۷۶,۵ درصد را تشکیل داده‌اند.
بیشترین پاسخ‌دهنده‌ها مردان که ۸۴,۹ درصد را تشکیل داده‌اند.
بیشترین پاسخ‌دهنده‌ها با سابقه بین ۵ تا ۱۰ سال و ۳۴,۱ درصد را تشکیل داده‌اند.
بیشترین پاسخ‌دهنده‌ها کارشناسان و ۴۱,۹ درصد را تشکیل داده‌اند.

۵-۲-۱ ارزیابی داده‌های تحلیلی

۵-۲-۱-۱ فرضیات:

در تبیین فرضیه اول برای تشخیص علل تشکیل این مکان می توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به وجود بی قانونی های فراوان در ساخت و سازها و سرعت بالای گسترش، طی این چند دهه، ضعف قانون و مدیریت شهری، کاملاً مشخص است. مهاجرت نیز به عنوان دومین عامل اشاره شده در فرضیه اول طبق پرسشنامه و با توجه به روند سریع رشد محدوده قابل اثبات می باشد. بر اساس مصاحبه های انجام گرفته مسئولین، عدم آگاهی خریداران از غیر قانونی بودن خرید زمین ها نیز دلیل دیگر ایجاد این اسکان می باشد.
در تبیین دومین فرضیه که به وجود تهدید در ابعاد خدماتی، امنیتی و کالبدی برای شهرسیرجان اشاره گردیده نیز میتوان چنین نوشت که سرعت بالای گسترش افقی، طی این چند دهه، عدم وجود طرح و برنامه، ایجاد نمای فرسوده شهری در این نواحی، نشان دهنده تهدید خدماتی است.

با توجه به اینکه باز نگری طرح تفصیلی سیرجان مربوط به ۱۰ سال گذشته میباشد در حال حاضر هیچ گونه همخوانی ساخت و سازها با وضعیت موجود محل و کاربری های طرح تفصیلی وجود ندارد. وضعیت نامطلوب اقتصادی، منجر به ایجاد مشکلات اجتماعی و در نتیجه بالا بردن تهدید امنیتی در این منطقه از

شهر می گردد. تهدید کالبدی نیز که در این فرضیه بدان اشاره شده از سرعت بالای گسترش افقی منطقه طی چند سال اخیر و تعداد بالای ساختمانهای غیر استاندارد که نتیجه ضعف نظارت بوده است قابل نتیجه گیری میباشد.

فرضیه سوم به راهکارها اشاره دارد که رشد آلونکی و بدون برنامه، مساحت پایین زیربنای ساختمانها نیازمند برنامه ریزی کالبدی بوده و با باز طراحی در این حاشیه میتواند وضع مطلوب و پایداری برای ساکنین ایجاد کند. به راهکارهای اشاره دارد که رشد آلونکی و بدون برنامه، مساحت پایین زیربنای ساختمانها نیازمند باز طراحی کالبدی بوده و با توانمندسازی می توان آمار ساختمان های فاقد استحکام را کاهش داد. وجود اراضی بایر فراوان در داخل محدوده را نیز می توان به عنوان یک فرصت در جهت توسعه دورن بافتی دانست. مشارکت ساکنین نیز می تواند به عنوان راهکاری در جهت بهبود وضعیت باشد.

همچنین با توجه به اینکه بسیاری از امور از جمله ساخت مدارس و شن ریزی معابر و... با هزینه خیرین و خود ساکنین انجام گرفته، مشارکت ساکنین نیز میتوان ب عنوان راهکاری در جهت بهبود وضعیت فعلی این اسکان باشد.

۵-۳ نتیجه گیری

به موازات گسترش سریع شهرنشینی، حاشیه نشینی نیز در اکثر نقاط شهری جهان گسترش یافت و میزان فقر شهری و اختلاف زیاد در میان محلات شهری از جمله عوامل اصلی بودند که انگیزه نخستین تحلیلهای جامعه شناختی زندگی شهری را به وجود می آورند. لذا حاشیه نشینی گرچه با رشد شهرنشینی در دهه های اخیر به عنوان مشکلی حاد مطرح شده است. اما پیشینه ای به قدمت خود شهر دارد. به عبارت دیگر حاشیه نشینی را می توان دوقلوی همزاد شهرها دانست، به ویژه در کشورهای جهان سوم. شهر به عنوان هسته جمعیتی فشرده و قانون اقتصاد و سیاست و فرهنگ همواره برای جمعیت پیرامونی دارای جذابیت و کشش بوده است. اما شهر هر چه قدر هم که بزرگ و وسیع باشد در حال محدوده ای را شامل می شود این محدوده را سالیان گذشته، بارویی از پیرامون جدا می کرد و در زمان حاضر این حصار با قلم و بر روی نقشه قلم می شود و به دلیل همان جذابیت های پنهان و آشکاری که در شهر وجود دارد همواره پیرامونیان تمایل دارند به شهر بپیوندند و خود را شهری به حساب آورند. رشد سریع شهرنشینی در کشورهای جهان سوم باعث افزایش فقر شهری شده و این پدیده در حال رشد، مشکلات فراوانی را برای کشورها به وجود آورده است. به طوری که یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی این کشورها، حاشیه نشینی و روند رو به گسترش آن می باشد نگاهی گذرا به کتابها و مقاله های متعدد در مورد مسائل شهری در کشورهای در حال

توسعه، آمار و ارقام مختلف وحشت آور و هراس انگیز را درباره وسعت و گستردگی این پدیده نشان می دهد. به عبارتی اگر شهر سیرجان به وجود آمده، به دلیل موقعیت مناسب وجود زمینه های فعالیتی، خدماتی، رفاهی و ... بوده، که جاذب جمعیت زیادی شده است. گسترش شهر سیرجان نیز به دلیل مهاجرت به شهر و رشد جمعیتی بوده است. اما وقتی که روستاها و شهرهای کوچک توانایی جذب جمعیت اضافه را نداشته باشد، جمعیت اضافه به شهرهای اصلی و دارای توان فعالیتی پایه و یا کاذب روی می آورند. جمعیت مهاجر در اکثر اوقات توان سکونت در محدوده رسمی شهر را ندارد و در خارج از محدوده قانونی اسکان های غیر رسمی را به وجود می آورد. این اسکان ها در مقابل دو رویکرد متفاوت ساماندهی و عدم ساماندهی قرار می گیرند. معمولاً رویکرد ساماندهی با توجه به قوانین رسمی کشور و محرومیت زدایی غلبه یافته و در پی ارائه سیاست هایی جهت ساماندهی آن ها بر می آیند. محله فیروزآباد و در کنار آن اسکان غیر رسمی در بالا فاصل محدوده قانونی، در قسمت جنوب غربی شهر سیرجان قرار گرفته است. بخشی از کمربندی شهر سیرجان در قسمت شرق آن واقع شده، از غرب به اراضی کشاورزی و اراضی تفکیک شده جهت احداث ساختمان های مسکونی محدود می شود. از جنوب به جاده شیراز می رسد. از شمال به مکی آباد متصل است.

با این توضیح این مجموعه غیر رسمی از غرب و جنوب امکان گسترش دارد و این را به عنوان تهدیدی جهت ساماندهی به حساب می آید و می تواند برنامه های توسعه فضایی - کالبدی - اجتماعی مجموعه را به خطر اندازد. با توجه به این که قبلاً برای توانمند سازی این قسمت طرحی پیشنهاد داده شده است، شاید بهتر باشد که پیش از هر گونه اقدام به ارزیابی طرح پیشین پرداخته شود، پس از بررسی ها، مشاهدات و همچنین با انجام مصاحبه با برخی مسئولین، کارشناسان، بهره گیری از تجربیات گذشته در داخل و خارج کشور، مشخص شد که این طرح پیشنهادی، نتوانسته از مشکلات این منطقه بکاهد، بلکه بسیاری از دشواری ها را نیز بر آن افزوده است. هر چند بهبود نظارت، ساخت خانه بهداشت، جمع آوری زباله، آسفالت برخی معابر و ... باعث بهبود نسبی وضعیت مردم در داخل محدوده شده؛ اما با کم توجهی به محدوده اطراف و عدم کنترل سمت توسعه محله فیروز آباد، موجب ایجاد اسکان غیر رسمی جدیدی در سمت غرب آن گشته که هم اکنون با مشکلاتی مواجه است. به طوری که طی چند مرحله دولت ناچار به درگیری و تخریب نواحی آلودگی در این اسکان گشته است. بزهکاری، اعتیاد، نزاع، تراکم بالا، رشد بالای جمعیت، نا امنی، پایین بودن سطح سواد، مشکلات مالکیت، ساخت و سازهای نامرغوب، بدون رعایت معیارهای فنی، کم دوام و ابتدایی بودن مصالح، از یاد ابنیه مخروبه و زمین های بایر، رشد بدون طرح و برنامه قبلی، کمبود کاربری هایی از جمله خدماتی، آموزشی، انتظامی، تفریحی، پراکنده رویی و توسعه

آلونکی، معابر خودرو، مشکلات شبکه برق، آب، خطر برق گرفتگی، ترکیدگی لوله ها و ورود آب گل آلود به لوله ها، مشقت های تامین گاز با کپسول، مشکلات تلفن های بی سیم و عدم پشتیبانی از خدمات اینترنت، قرار گرفتن در محدوده برق فشار قوی و از مشکلاتی هستند که در محدوده مورد بررسی همچنان وجود دارد. از سوی دیگر، با توجه به این که مناطق محدوده محله فیروزآباد هنوز بالاتکلیفند، شهرداری زیر بار خدمات رسانی به آنها نمی روند. خدماتی از جمله جمع آوری زباله، روشنایی معابر، آسفالت راه های مواصلاتی و ... در این محله به چشم نمی خورد و همین امر سطح بهداشت را نیز در این قسمت در حد بسیار پایین نگه داشته که موجب رشد انواع قارچ ها و میکروب ها و ایجاد بیماری های فراوان می شود. البته خدماتی همچون روشنایی معابر و آسفالت به چشم نمی خورد که فقدان بودجه می تواند دلیلی بر عدم انجام این خدمات توسط شهرداری باشد که باید برای رفع مشکل تمديدی اندیشید. هدف اصلی که این پژوهش به دنبال آن بود، عبارتست از: برنامه ریزی کالبدی اسکانهای محله فیروزآباد از آنجا که بهبود کالبد بدون در نظر گرفتن مسائل اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، خدماتی غیر ممکن است، بنابراین اهداف خرد زیر در راستای هدف کلان پیگیری شده اند:

۱. توانمندسازی کالبدی؛

۲. توانمندسازی اجتماعی؛

۳. توانمندسازی اقتصادی؛

۴. توانمندسازی خدماتی؛

۵. توانمندسازی مدیریتی؛

۴-۵ ارزیابی طرح تفصیلی پیشین در محدوده مورد نظر:

همانگونه که پیش از این اشاره شد در محدوده مورد نظر میزان تحقق پذیری طرح تفصیلی مصوب شهری در حداقل ممکن بوده است. بر این اساس در ذیل به بررسی تک تک کاربریها و خدمات شهری طرح پیشنهادی پرداخته می شود.

کاربری آموزشی: مساحت در نظر گرفته شده در طرح تفصیلی برای فضای آموزشی ۴۲۰۰/۶ مترمربع می باشد. این فضا، درحد طرح باقی مانده اند و تحقق نیافته اند.

فضای آموزشی راهنمایی: در طرح تفصیلی پیشین فضای آموزشی در نظر گرفته شده برای این کاربری در این محدوده ۴۵۲۶/۸۸ مترمربع بوده است که این فضا در حد طرح باقی مانده و عملی نشده است.

دبیرستان: فضای در نظر گرفته شده برای این کاربری در این محدوده ۱۸۰۰/۸۸ مترمربع بوده است که در حد طرح باقی مانده است و عملی نشده است.

کاربری مذهبی: فضای در نظر گرفته شده در طرح تفصیلی برای این کاربری ۱۴۵۱/۹۶ متر مربع می باشد
کاربری فرهنگی: مساحت در نظر گرفته شده برای این محله در طرح تفصیلی ۳۳۳۹/۲۸ مترمربع می باشد که این فضاها نیز در حد طرح باقی مانده اند و تحقق نیافته اند.

کاربری تجاری: در طرح تفصیلی پیشین مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری ۸۵۰/۱۹ مترمربع می باشد .

تاسیسات و تجهیزات: مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح تفصیلی پیشین ۲۶۸۰/۵۹ متر مربع می باشد .

حمل و نقل و انبار: مساحت این کاربری در حد تفصیلی مصوب پیشین ۳۸۵۶/۷۵ متر مربع در نظر گرفته شده است .

پارک و فضای سبز: در طرح تفصیلی پیشین فضایی به مساحت ۹۵۶۴/۱۵ متر مربع برای این کاربری در نظر گرفته شده است که این فضاها در طرح باقی مانده اند و اجرا نشده اند.

ورزشی: مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح پیشین ۴۶۵۰/۳۷ متر مربع می باشد که در حال حاضر این کاربری ها اجرا نشده اند.

فنی و حرفه ای: پیشنهادات طرح تفصیلی برای این کاربری اجرا نشده است.

اداری: مساحت پیشنهاد شده برای این کاربری در حد طرح تفصیلی ۶۵۰/۳۴ متر مربع در نظر گرفته شده است. این کاربری در حد طرح باقی مانده است و عملی نشده است.

درمانی: مساحت پیشنهادی در طرح تفصیلی برای این کاربری ۱۵۶۰/۹۱ متر مربع می باشد که این کاربری در حد طرح باقی مانده است و اجرا نشده است.

. در راستای تحقق اهداف پروژه و بر اساس برداشت نقاط ضعف و قوت منطقه تصمیم بر ارائه دو طرح به صورت آلترناتیو گرفته شد .

۵-۵ تقسیمات کالبدی طرح پیشنهادی:

پس از بررسی ها و مطالعات میدانی در تکمیل اطلاعات وضع موجود منطقه اقدام به ارائه پیشنهادات شده است. در این راستا گام برداشتن در مسیر توسعه پایدار، دسترسی مناسب به فضاها و خدمات شهری، ساماندهی شبکه معابر با توجه به محدودیتهای وضع موجود و تعهدات شهرداری مدنظر بوده است.

بدون تردید تعیین اصول دقیق مکان یابی فعالیت های مختلف در شهر به دلیل ماهیت پویای مسائل شهری بسیار دشوار است. هدف اصلی از سلسله اقدامات جهت کاربری اراضی شهری تأمین رفاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان است. معیارهای مکان گزینی که در راستای هدف فوق قرار می گیرد عبارتند از:

الف) سازگاری: یکی از اهداف اصلی کاربری اراضی مکان یابی مناسب کاربریها و جداسازی کاربری های ناسازگار از یکدیگر است. مثلاً سعی می شود کاربری هایی که آلودگی هایی از قبیل دود، بو و صدا تولید می کنند دور از مناطق مسکونی، فرهنگی و اجتماعی استقرار یابد. در مقابل فعالیت هایی که مکمل یکدیگرند در کنار یکدیگر مستقر می شوند. کاربری های سرویس دهنده با ترتیب اولویت همجواری نیز مشخص می شود. برای نمونه در ضوابط مربوط به کاربری مسکونی سرویس دهنده مکان یابی کاربری های (فضای باز، گذران اوقات فراغت و کاربری تفریحی مثل پارک)، بهداشتی و درمانی، آموزشی و تجاری به ترتیب از اولویت همجواری برخوردارند.

ب) آسایش: فاصله و زمان از جمله عوامل مهمی هستند که در اندازه گیری میزان آسایش و راحتی انسانها به شمار می آیند. چرا که به دنبال تأمین آنها سهولت دسترسی به خدمات شهری که یکی از اهداف مهم برنامه ریزی شهری است میسر می شود. چگونگی دسترسی به خدمات شهری مورد نیاز ساکنان و دوری از کاربری های مزاحم و ناسازگار از مولفه های مهم آسایش تلقی می گردد.

ج) کارایی: یکی از عوامل اصلی تعیین کننده مکان کاربریها در شهر، الگوی قیمت زمین شهری است، به لحاظ اینکه هر کاربری از لحاظ اقتصادی و سرمایه گذاری تابعی از قیمت زمین و هزینه های متصور بر آن است که بر اساس شیوه تحلیل هزینه و منفعت معین می شود.

د) مطلوبیت: مطلوبیت و دلپذیری در کاربری اراضی شهری یعنی تلاش در جهت حفظ و نگهداری عوامل طبیعی، ایجاد فضاهای باز و دلپذیر، چگونگی شکل گرفتن راهها، ساختمانها و فضای شهری.

ه) سلامتی: اعمال ضوابط محیطی و بهداشتی مناسب برای کاهش آلودگی حاصل از کاربری های مختلف و رعایت استانداردهای بهداشتی برای تأمین سلامتی محیط زیست انسانی یکی از اهداف مکان یابی کاربری ها است. منظور از شهر سالم رعایت همه کاربری ها با توجه به تراکم و سرانه مطلوب و رعایت استاندارد

ها و معیارهای سرانه است، در جهان امروز حفظ سلامتی و وجود شهر اجتماعی سالم در تبیین کاربری های شهری نهفته است .

و) استاندارد های ایمنی: هدف از این معیارها، حفاظت شهر در مقابل خطرهای احتمالی است. خطر بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان و عوامل غیر طبیعی. مانند همجواری منطقه صنعتی با منطقه مسکونی که با اصل سازگاری مورد اشاره مغایرت دارد و سایر مواردی که به نحوی باعث تضعیف ضریب ایمنی و امنیت شهر می گردد.

بر اساس سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهری، این محله به ۴ واحد همسایگی تقسیم شده که خدمات مورد نیاز نظیر فضای سبز، بازی کودکان و مهد کودک با شعاع دسترسی ۵۰۰m در این مراکز جانمایی شده است یک مرکز خدمات اصلی برای محله خدماتی نظیر واحدهای آموزشی، ورزشی، فضاهای سبز و واحدهای تجاری نیز در حاشیه معابر اصلی محله و در دل آن جای داده شده است. همچنین به علت وجود قناتهای متعدد در این محدوده حریم قنوات به فاصله ۵m از آکس طرفین با فضای سبز رعایت شده است.

همانگونه که ذکر شد پراکنش خدمات در این محدوده با توجه به شعاع دسترسی ساکنان انجام شده است، در ذیل به تفکیک به بررسی (آلترناتیو شماره ۱) کاربریهای پیشنهادی پرداخته می شود و سپس به آلترناتیو شماره ۲ (طرح منتخب) پرداخته میشود..

۱. کاربری آموزشی:

یکی از پیچیده ترین و حساس ترین کاربری های موجود در فضاهای شهری کاربری های آموزشی می باشند که لزوم توجه دقیق و عاقلانه در خصوص مکان یابی و همسایگی با کاربری های مشابه را می طلبد. از عوامل مهم مکان یابی آموزشی در محله مورد نظر که باید به آن توجه کرد، عوامل زمانی، بعد مسافتی دسترسی دانش آموزان به فضاهای آموزشی است. بر این اساس در محله مورد نظر بر اساس شعاع دسترسی و خصوصیات کالبدی و بافت محله و عرض معابر کاربری ها پیشنهاد شده اند.

۲. کاربری مسکونی:

در حال حاضر مساحت کاربری در محدوده مورد نظر ۹۴۲۵۴/۵۴ متر مربع می باشد که این اراضی در طرح پیشنهادی به ۱۳۲۶۵۴/۲۴ مترمربع خواهند رسید و سرانه ۶۳/۹۶ مترمربع به ازای هر نفر را برای محدوده رقم خواهند زد. درصد این کاربری از کل کاربری ها ۳۹/۵۰ درصد خواهد بود.

۳. کاربری تجاری:

مساحت کل این کاربری در طرح پیشنهادی ۲۰۰۰/۸۵ متر مربع خواهد بود که سرانه ۰/۹۵ مترمربع به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۰/۵۹ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

۴. مذهبی:

در طرح پیشنهادی مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری ۷۰۰ مترمربع می باشد، ۰/۲۰ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص داده و سرانه ۰/۳۳ مترمربع به ازای هر نفر را برای محدوده رقم خواهد زد.

۵. صنعتی و کارگاهی:

مساحت تحت اشغال این کاربری در طرح پیشنهادی ۲۴۸۰/۷۶ مترمربع می باشد که سرانه ۱/۱۸ مترمربع به ازای هر نفر را برای محله باعث می شود و ۰/۷۳ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

۶. پارک و فضای سبز:

در حال حاضر در محله فیروز آباد این کاربری وجود ندارد بنابراین در طرح پیشنهادی مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری ۳۰۶۵۰/۶۵ متر مربع است ۱۴/۶ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۹/۱۲ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

۷. ورزشی:

مساحت تحت اشغال این کاربری در طرح پیشنهادی ۹۸۰۰/۴۳ متر مربع می باشد که سرانه ۴/۶۶ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محدوده فیروزآباد رقم خواهد زد و ۲/۹۱ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

۸. دبستان:

مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری در محدوده مورد نظر ۶۸۰۰/۶۹ متر مربع خواهد که سرانه ۳/۲۳ مترمربع به ازای هر نفر را برای روستا باعث می شود. و ۲/۰۲ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

۹. راهنمایی:

فضای اختصاص یافته به این کاربری در طرح مورد نظر ۳۷۸۸/۰۴ مترمربع می باشد که سرانه ۱/۸۰ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۱/۱۲ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

۱۰. دبیرستان:

مساحت تحت اشغال این کاربری در طرح مورد نظر ۲۶۰۰/۱۴ متر مربع می باشد که سرانه ۱/۲۳ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد. درصد این کاربری از کل کاربری ها ۰/۷۷ درصد خواهد بود.

۱۱. مهد کودک:

فضای در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح ۱۷۵۰/۰۹ متر مربع می باشد که سرانه ۰/۸۳ مترمربعی به ازای هر نفر را رقم خواهند و ۰/۵۲ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

۱۲. درمانی:

مساحت تحت اشغال این کاربری در طرح پیشنهادی ۱۲۰۰/۳۱ مترمربع می باشد که سرانه ۰/۵۷ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محله فیروز آباد رقم خواهد زد و ۰/۳۵ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

۱۳. فرهنگی:

مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری در محدوده مورد نظر ۱۸۲۰/۵۳ مترمربع خواهد که سرانه ۰/۸۶ مترمربع به ازای هر نفر برای این محدوده رقم خواهد زد. و ۰/۵۴ درصد از کل کاربریها را به خود اختصاص خواهد داد.

۱۴. اداری:

فضای در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح ۵۸/۲۵۰۰ مترمربع می باشد که سرانه ۱۹/۱ مترمربعی به ازای هر نفر راقم خواهند زد و ۷۴/۰ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

۱۵. معابر:

فضای در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح ۸۲/۱۳۲۵۴۲ مترمربع می باشد که سرانه ۱۱/۶۳ مترمربعی به ازای هر نفر راقم خواهند زد و ۴/۳۹ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد

جدول (۵-۱): کاربری اراضی پیشنهادی (آلترناتیو ۱)

کاربری	درصد از کل	مساحت پیشنهادی (مترمربع)
مسکونی	۳۹.۵	۱۳۲۶۵۴.۲۴
تجاری	۰.۵۹	۲۰۰۰.۸۵
مذهبی	۰.۲۰	۷۰۰.۴۹
صنعتی و کارگاهی	۰.۷۳	۲۴۸۰.۷۶
تاسیسات و تجهیزات	۱.۳۴	۴۵۰۰.۲۷
معابر	۳۹.۴	۱۳۲۵۴۲.۸۲
پارک و فضای سبز	۹.۱۲	۳۰۶۵۰.۶۵
ورزشی	۲.۹۱	۹۸۰۰.۴۳
دبستان	۲.۲	۶۸۰۰.۶۹
راهنمایی	۱.۱۲	۳۷۸۸.۰۴
دیپستان	۰.۷۷	۲۶۰۰.۱۴
مهد کودک	۰.۵۲	۱۷۵۰.۰۹
درمانی	۰.۳۵	۱۲۰۰.۳۱
فرهنگی	۰.۵۴	۱۸۲۰.۵۳
اداری	۰.۷۲	۲۵۰۰.۵۸
مساحت کل منطقه	٪۱۰۰	۳۳۵۷۹۰.۸۶

معیارها (سیاست های کلی)	اهداف خرد			راهبرد	راهکار
	مولفه های زیبا شناختی		مولفه های زیست محیطی		
	نظام فرم کالبدی	نظام منظر شهری	نظام قرارگاه طبیعی		
آسایش و سازگاری و کارایی و مطلوبیت و سلامتی	کاهش بی نظمی ها در اراضی	حفظ و تقویت عوامل طبیعی برای آسایش اقلیمی	-کاهش بی نظمی در جهت کاهش حس آشفتگی		
			-افزایش جذب طرح های زیبا سازی مناسب به منظور کاهش بی نظمی		
			-کاهش نبود پوشش گیاهی کافی در جهت کاهش عدم حس آسایش اقلیمی		
			مطلوبیت و دلپذیری در کاربری اراضی شهری یعنی تلاش در جهت حفظ و نگهداری عوامل طبیعی، ایجاد فضاهای باز و دلپذیر، چگونگی شکل گرفتن راهها، ساختمانها و فضای شهری.		
			ارائه خدمات طراحی ساخت		
			-طراحی جذاب و هماهنگ میان تابلو ها سردر.....نورپردازی با نورهای ملایم در طرح نوشتار عنوان مغازه ها		
			طراحی مبلمان شهری همراه با گیاهان طبیعی		
			-فراخوان برگزاری مناقصه برای جذب سرمایه گذار برای ترمیم و مرمت عناصر شاخص تاریخی...معرفی و شناخت عناصر شاخص به ساکنین و استفاده کنندگان جهت حمایت برای حفظ ...استفاده از عناصر شاخص در ادرس دهی ها و جهت یابی.		
			برگزاری جلسات طوفان ایده پردازی و جذب بهترین ایده و طرح		

۵-۶ بررسی آلترناتیو شماره ۲ (طرح منتخب)

کاربری مسکونی:

مساحت کاربری در محدوده مورد نظر ۹۴۲۵۴/۵۴ متر مربع می باشد که این اراضی در طرح پیشنهادی به ۲۶۲۹۲۲ مترمربع خواهند رسید و سرانه ۶۳/۹۶ مترمربع به ازای هر نفر را برای محدوده رقم خواهند زد. درصد این کاربری از کل کاربری ها ۵۰/۹ درصد خواهد بود.

کاربری تجاری:

مساحت کل این کاربری در طرح پیشنهادی ۲۱۰۰ متر مربع خواهد بود که سرانه ۰/۹۵ مترمربع به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۰/۴۰ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

مذهبی:

در طرح پیشنهادی مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری ۱۵۶۰ مترمربع می باشد، ۰/۳۰ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص داده و سرانه ۰/۳۰ مترمربع به ازای هر نفر را برای محدوده رقم خواهد زد.

تاسیسات و تجهیزات شهری:

مساحت کل این کاربری در طرح پیشنهادی ۲۸۶۰ متر مربع خواهد بود که سرانه ۱/۳۶ مترمربع به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۰/۵۵ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

پارک و فضای سبز:

در طرح پیشنهادی مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری ۲۳۷۵۰ مترمربع است ۱۱/۳ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۴/۶۰ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

کاربری پارکینگ:

مساحت کل این کاربری در طرح پیشنهادی ۵۳۰۰ متر مربع خواهد بود که سرانه ۲/۵۲ مترمربع به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۱/۰۲ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

کاربری گردشگری و پذیرایی:

مساحت کل این کاربری در طرح پیشنهادی ۲۷۶۰ متر مربع خواهد بود که سرانه ۱/۳۱ مترمربع به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۰/۵۳ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

ورزشی:

مساحت تحت اشغال این کاربری در طرح پیشنهادی ۷۱۰۰ متر مربع می باشد که سرانه ۳/۳۸ متر مربعی به ازای هر نفر را برای محدوده فیروزآباد رقم خواهد زد و ۱,۳۷ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

دبستان:

مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری در محدوده مورد نظر ۱۷۵۰ متر مربع خواهد که سرانه ۰,۸۳ مترمربع به ازای هر نفر را برای روستا باعث می شود. و ۰,۳۳ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

راهنمایی:

فضای اختصاص یافته به این کاربری در طرح مورد نظر ۲۳۸۰ مترمربع می باشد که سرانه ۱/۱۳ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد و ۰,۴۶ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص می دهد.

دبیرستان:

مساحت تحت اشغال این کاربری در طرح مورد نظر ۲۱۶۰ متر مربع می باشد که سرانه ۱/۰۲ متر مربعی به ازای هر نفر را برای محله رقم خواهد زد. درصد این کاربری از کل کاربری ها ۰/۴۱ درصد خواهد بود.

مهد کودک:

فضای در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح ۱۸۸۰ متر مربع می باشد که سرانه ۰/۸۹ مترمربعی به ازای هر نفر را رقم خواهند و ۰/۳۶ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

درمانی:

مساحت تحت اشغال این کاربری در طرح پیشنهادی ۲۹۷۰ مترمربع می باشد که سرانه ۱/۴ مترمربعی به ازای هر نفر را برای محله فیروز آباد رقم خواهد زد و ۰/۵۷ درصد از کل کاربری ها را به خود اختصاص خواهد داد.

فرهنگی:

مساحت در نظر گرفته شده برای این کاربری در محدوده مورد نظر ۲۶۰۰ مترمربع خواهد که سرانه ۱/۲۳ مترمربع به ازای هر نفر را برای این محدوده رقم خواهد زد. و ۵۰/۰ درصد از کل کاربریها را به خود اختصاص خواهد داد.

اداری:

فضای در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح ۱۵۸۰ مترمربع میباشد که سرانه ۰,۷۵ مترمربعی به ازای هر نفر را رقم خواهند زد و ۳۰/۰ درصد از کل کاربریها را به خود اختصاص خواهد داد.

معابر:

فضای در نظر گرفته شده برای این کاربری در طرح ۱۹۲۵۶۳ مترمربع میباشد که سرانه ۰,۹۱ مترمربعی به ازای هر نفر را رقم خواهند زد و ۳۷/۳ درصد از کل کاربریها را به خود اختصاص خواهد داد.

جدول (۵-۲): کاربری اراضی پیشنهادی (آلترناتیو ۲ طرح منتخب)

کاربری	درصد از کل	مساحت پیشنهادی (مترمربع)
مسکونی	۵۰/۹	۲۶۲۹۲۲
تجاری	۰,۴۰	۲۱۰۰
مذهبی	۰,۳۰	۱۵۶۰
پارکینگ	۱/۰۲	۵۳۰۰
گردشگری و پذیرایی	۰,۵۳	۲۷۶۰
تاسیسات و تجهیزات	۰,۵۵	۲۸۶۰
معابر	۳۷,۳	۱۹۲۵۶۳
پارک و فضای سبز	۴,۶۰	۲۳۷۵۰
ورزشی	۱,۳۷	۷۱۰۰
دبستان	۰,۳۳	۱۷۵۰
راهنمایی	۰,۴۶	۲۳۸۰
دبیرستان	۰,۴۱	۲۱۶۰
مهد کودک	۰,۳۶	۱۸۸۰
درمانی	۰,۵۷	۲۹۷۰
فرهنگی	۰,۵۰	۲۶۰۰
اداری	۰,۳۰	۱۵۸۰
مساحت کل منطقه	٪۱۰۰	۵۱۶۲۳۵

جدول (۳-۵): نمایش جداول چهارچوب طراحی محله فیروز آباد

اهداف	راهبردها	سیاستها	کدهای طراحی	مصادق ها
ارتقاء معنای مکان	تخصیص متعادل کارکردهای فضایی چند منظوره در محله	حذف کارکردهای نامتجانس خصوصا در حوزه کاربری های تجاری توسعه فضاهای چند عملکردی	بهبود کالبدی تغییر کاربری	پیشنهاد کاربریهای درشت دانه با عملکرد چندمنظوره اختصاص دو باند حرکتی و ایستا
			بهبود عملکرد حرکتی و توقفگاهی	
			توسعه کارکردی اجتماعی اعم از ملی و مذهبی	
	تقویت عناصر هویت بخش مکانی	حفظ کاربری های بومی- تاریخی ارزشمند توسعه عناصر هویت بخش	نظام کالبدی کنترل کاربری توسعه کالبدی تقویت بصری	عدم تغییر در کاربری های سنتی و فعال مانند مسجد
	رعایت سلسله مراتب کارکردی- عملکردی انواع فضاها در ایجاد تنوع فضا	کنترل احساسات فضایی فردی مبتنی بر حضور مرحله به مرحله مکانی	ملاحظات ادراکی تقویت بصری	بازطراحی کارکردی و کالبدی سطوح دسترسی
	پاسخگویی به نیازهای اجتماعی	افزایش ظرفیت (کالبدی ، کارکردی و رفتار پذیری)	بهبود کالبدی نظام ادراکی کیفیت بصری	کیفیت بخشی معابر سواره و پیاده

اهداف	راهبردها	سیاستها	کدهای طراحی	مصادق ها
ارتقاء مطلوبیت تصویرذهنی شهروندان از محدوده مورد مطالعه	تقویت عملکردی و کارکردی مبتنی بر ایجاد تجربه چندحسی	توسعه محتوایی و رعایت توالی موضوعی خصوصا در حوزه کاربریهای تجاری تقویت عناصر محیطی بسته به نوع عملکرد کاربری ها	تعریف کاربری نظام دسترسی	توجه به آداب ، رسوم و ابزارهای مرتبط با حواس ۵گانه فردی اجتماعی لازم برای
	ایجاد علاقه قلبی (دل رسی)	توسعه کاربری ها و خدمات مطلوب نظر مخاطب یا ریشه دار در فرهنگ، آداب و رسوم	تعریف کاربری بهبود کالبدی	امکان حضور اجتماعی مردم در موضوعات جاری از جمله برگزاری مراسم و نمایشگاهها
	افزایش خوانایی محیطی خصوصا در بافت بالافصل بلوار قدیر	تقویت سادگی و وضوح در سلسله مراتب دسترسی تعادل بخشی مکانی عناصر شاخص ونشانه های شهری تقویت نمادهای طبیعی و انسان ساخت به عنوان راهنمای حضور و حرکت	نظام دسترسی کیفیت بصری بهبود کالبدی نظام ادراکی مطلوبیت بصری نظام حرکتی	پرهیز از اغوجاج و حرکات زاید در فرم معابر وضع موجود استفاده از میدان به عنوان عامل وحدت بخش کالبدی- بصری

منابع

- ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۰، جامعه شناسی توسعه، انتشارات مؤسسه نشر کلمه.
- اعتماد، گیتی، ۱۳۸۱، ویژگیهای کالبدی محله های حاشیه نشین؛ مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، جلد دوم، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی تهران.
- افروغ، عماد، ۱۳۷۷، بعد اجتماعی و نابرابری فضایی، انتشارات بقعه، تهران.
- افصلی، کوروش، ۱۳۸۴، ضرورت ساماندهی اسکان های غیر رسمی شهر کرمان، همایش عمران و معماری و شهرسازی کرمان.
- اطلاعات اولیه سرشماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، بررسی روند تحولات جمعیتی استان کرمان طی سرشماری های سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵-۱۳۶۵، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، سال ۱۳۹۰.
- افتخاری راد، زهرا، ۱۳۸۲، حاشیه نشینی؛ ریشه ها و راه حل ها، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴.
- آقا بخشی، حبیب، ۱۳۸۱، نظام مشارکت مردم در مناطق حاشیه نشین، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
- بختیاری، علی اکبر، ۱۳۷۸، سیرجان در آینه ی زمان، مرکز کرمان شناسی.
- بدیعی، ربیع، ۱۳۷۲، جغرافیای مفصل ایران، چاپ چهارم، انتشارات اقبال.
- پارسا پژوه، سپیده، ۱۳۸۱، نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی، مطالعه موردی: اسلام آباد کرج، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۶.
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۸۰، سیرجان قدیم؛ مرکز صنعت و هنر اسلامی، چاپ اول، انتشارات مرکز کرمان شناسی.
- حاج یوسفی، علی، ۱۳۸۰، پدیده حاشیه نشینی شهری قبل از انقلاب، مجموع مقالات حاشیه نشینی و حاشیه نشینی، مطالعه موردی: اسلام آباد کرج. مجله رفاه اجتماعی شماره ۶.
- پارسا پژوه، سپیده، ۱۳۸۱. نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی، مطالعه موردی: اسلام آباد کرج. مجله رفاه اجتماعی شماره ۶.
- داود پور، زهره، ۱۳۸۴، کلان شهر تهران و سکونتگاه های خودرو، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.
- دهخدا، ۱۳۸۴، فرهنگ و لغت، سمت تهران.
- رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۸۰، بررسی های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران، توسعه بخش و فن شناسی، جلد دوم، نشر چشمه، تهران.
- ربانی، رسول و دیگران، ۱۳۸۱، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری مساله ی حاشیه نشینی و پیامد های اجتماعی آن در شهر اهواز، مجله جغرافیا و توسعه.

- زاهدانی، سعید زاهد، ۱۳۶۹، نظریه ای در مورد مهاجرت، با توجه به نمونه ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، سیرجان در یک نگاه، کرمان، ۱۳۷۹.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، سیمای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استان کرمان، کرمان، ۱۳۸۱.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، نتایج آمارنامه های سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵).
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، استان کرمان و شهرستان سیرجان (۳۵-۹۰).
- سیف الدینی، فرانک، ۱۳۷۸، چارچوب برنامه ریزی روشگرا - ارتقاء سکونتگاههای غیررسمی شهری (مورد: مطالعه بندرعباس)، پژوهشهای جغرافیائی، شماره ۴۹.
- سلیمی زاده، محمد، ۱۳۷۴، تحلیل جغرافیایی بر توسعه شهر سیرجان، پایان نامه کارشناسی دانشگاه اصفهان.
- سیف اللهی، سیف الله، ۱۳۸۱، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، نشر مرندیز، گناباد.
- شکویی، حسین، ۱۳۵۴، حاشیه نشینان شهر تبریز، مرکز مطالعات محیط زیست دانشگاه تبریز.
- شماعتی، علی و همکاران، ۱۳۸۰، توسعه فیزیکی شهر یزد و اثرات آن بر بافت قدیم، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- شیخی، محمد، فرایند شکل گیری و دگرگونی سکونتگاههای خودروپیرامون کلانش هرتهران، نشریه هفت شهر، سال دهم، شماره ۸، ۱۳۸۲.
- صرافی، مظفر، ۱۳۸۱، نظریه ای برای سازماندکان غیررسمی، فصلنامه ی هفت شهر. انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری. شماره ۸.
- صالحی امیری، سیدرضا، وزهرا خدائی، ۱۳۹۰، حاشیه نشینی واسکان غیررسمی، نشر قنوس، تهران.
- .
- طرح توسعه و عمران و حوزه ئ نفوذ شهر سیرجان، مهندسین مشاور شارستان، اداره ئ کل مسکن و شهرسازی استان کرمان، سال ۱۳۷۸.
- طرح توسعه و عمران و حوزه ئ نفوذ شهرستان سیرجان، مهندسین مشاور شارستان - وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۳.
- طرح جامع شهرستان سیرجان، مهندسین مشاور شارمند - وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۴.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۱) بهسوی نظریهای برای سازماندهی استان غیر رسمی

- کاظمی، ش، قاسمی ادهانی، ع، ۱۳۸۶، تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران، دوفصلنامه انجمن تحولات جمعیت شناسی ایران، شماره ۳.
- کمانرودی، موسی، اسکان غیررسمی در تهران ساماندهی در منطقه 6 شهرداری، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶
- گیلبرت، آلن و زوزف گاگلر، ۱۳۷۵، شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم. ترجمه ی پرویز کریمی، انتشارات روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران.
- شکویی، حسین (۱۳۷۳) دیدگاههای نو در جغرافیای نو شهری
- پیران، پرویز (۱۳۶۶) در شهرنشینی شتابان و ناهمگون، آلودگی نشینی در تهران. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی
- منصوریان، وعلیرضا آیت الهی، ۱۳۵۷، حاشیه نشینان شیراز، شیراز انتشارات دانشگاه شیراز.
- نقدی، اسدالله و صادقی، ۱۳۸۵، حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری باتاکید بر شهر همدان، فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۲۰.
- نقدی، اسداله، ۱۳۸۶، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، (جهان چهارم)، انتشارات فناوران
- هادی زاده بزاز، مریم، ۱۳۸۲، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، چاپ اول، انتشارات شهرداری تیهو، مشهد.
- هارودی، دیوید، ۱۳۷۶، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، شهرداری تهران.

پیوست ها

۱. پرسشنامه بررسی رضایمندی ساکنین

ردیف	سوال	خیلی زیاد	زیاد	تأخیری	کم	خیلی کم
۱	دسترسی به فضاهای سبز (پارک ها و بوستان ها) به راحتی امکان پذیر است.					
۲	این محله از مراکز آموزشی دبستان، راهنمایی و دبیرستان برخوردار است.					
۳	خدمات بهداشتی و درمانی اولیه در سطح محله وجود دارد و از سطح کیفی مطلوبی برخوردار است.					
۴	فضاهای ورزشی کافی و مناسبی در سطح محله وجود دارد.					
۵	تهیه و تدارک نیازهای اساسی و روزمره (مواد غذایی، پوشاک و ...) به راحتی امکان پذیر است.					
۶	دسترسی به حمل و نقل عمومی به راحتی امکان پذیر است.					
۷	از طریق حمل و نقل عمومی به راحتی می توان به مقاصد دلخواه سفر نمود.					
۸	در حال حاضر در محله خود، تا چه حدی از بوهای ناشی از موارد زیر احساس ناراحتی می کنید: روان آب ها و فاضلاب ها و زباله و آشغال؟					
۹	تاچه میزان با عبارات و جملات زیر موافق هستید؟ از روی میل و علاقه ام می خواهم در این محله زندگی کنم.					
۱۰	به چه میزان به محل زندگی خود احساس تعلق می کنید؟					
۱۱	وضع اقتصادی و اجتماعی خانوارها در مجموعه محل زندگی شما بیشتر در چه سطحی است؟					
۱۲	روشنایی مسیرهای حرکتی از لحاظ امنیت در مجموعه محل زندگی شما چگونه است؟					
۱۳	منظر و نمای مجموعه ای که در آن زندگی میکنید برای شما چگونه است؟					
۱۴	کیفیت فضاهای عمومی مجموعه محل زندگی شما چگونه است؟					
۱۵	فاصله خدمات عمومی به محل سکونت شما چگونه است؟					
۱۶	آیا قیمت زمین در این اراضی متناسب با توان خرید شما ممکن است؟					
۱۷	ساخت وسازها تا چه اندازه برابر با نقشه طرح تفصیلی میباشد؟					
۱۸	آیا ساخت وساز شما برابر با قانون و مقررات شهری تا چه حد میباشد؟					

۲. پرسشنامه کیفیت محیط سکونتی در محله

				ردیف	سوال
سایر	رهن	مالک شخصی	استیجاری	۱	نوع مالکیت مسکن شما
بیشتر از ۳۰۰ متر	۲۰۰ تا ۳۰۰ متر	۱۰۰ تا ۲۰۰ متر	کمتر از ۱۰۰ متر	۲	مساحت محل سکونت شما
بیشتر از ۱۰ سال	۵ تا ۱۰ سال	۱ تا ۵ سال	کمتر از ۱ سال	۳	چه مدت است که در این واحد سکونتی اقامت دارید

